ایران

• چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵
• ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• ۱۱ نوامبر ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۷۲
• (۴ صفحه مجازی) +۱۲ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۲۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir



بررسی اندیشه و میراث علمی داود فیرحی در ششمین سالگرد درگذشتش

نظریه‌پرداز خوانش دموکراتیک از فقه

همراه با دیدگاه‌هایی از شجاع احمدوند، سید صادق حقیقت، سیدعلیرضا بهشتی، مهدی فدایی مهربانی، شریف لک‌زایی، رضا تاران و علیرضا سعادتی

۸ ۹ ۱۰

با سبزپوشی ۹۷ درصد نمادها و ورود ۱۲ همت سرمایه خرد، صف‌های خرید بازار را فراگرفت

سه‌شنبه رکوردها در بورس

۶



رونمایی از شهر موشکی جدید سپاه

سرلشکر عبداللهی: شگفتانه‌ها یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد

گروه سیاسی - شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران با حضور سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه رونمایی شد.

در این رونمایی انواع موشک‌های بالستیک و کروز به همراه پرتابگرهای آنها به نمایش درآمد.

سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) در مراسم رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با تجلیل از نقش نیروهای مسلح در دفاع از کشور، خطاب به کارکنان نیروی هوافضا، اظهار کرد: «شما و دیگر همرزمانتان که در بخش‌های مختلف نیروی هوافضا و سراسر نیروهای مسلح خدمت می‌کنید، به‌راستی قهرمانان این کشور هستید.»

سرلشکر عبداللهی با اشاره به عملکرد نیروهای مسلح در مقابله با دشمن، افزود: «به فضل الهی، کاری شگفت‌انگیز انجام شد. آمارها نشان می‌دهد که آمریکا در هیچ جنگی، طی بازه زمانی مشابه، این میزان مهمات و تجهیزات نظامی به کار نگرفته است؛ آن هم با چنین حجمی از مهمات پیشرفته که استفاده از آنها را در میدان نبرد شاهد بودیم.»

رئیس ستادکل نیروهای مسلح درباره عوامل ناکامی آمریکا و پشیمانی این کشور از اقدام خود، تصریح کرد: «آنچه بیش از سلاح، تجهیزات و امکانات، موجب این ناکامی شد، اراده انسان‌ها بود؛ اراده رزمندگانی همچون شما و سردار سیدمجید موسوی.»

وی با تأکید بر اینکه تکلیف نیروهای مسلح، ایستادگی در برابر دشمن است، ادامه داد: «بزرگی یا کوچکی دشمن و میزان تجهیزات و امکانات آن، مبنای تصمیم ما نیست. آنچه تاکنون پیروزی ما را رقم زده، همین روحیه بوده است؛ نه محاسبات دشمن را می‌پذیریم و نه این محاسبات بر اراده ما تأثیر می‌گذارد.»

سرلشکر عبداللهی در واکنش به اظهارات اخیر نتانیاهو، تصریح کرد: «نتانیاهو اخیراً گفته است «یا ما باید ایران را نابود کنیم یا ایران ما را نابود خواهد کرد.» این سخن تازه‌ای نیست؛ روشن است که ما قطعاً آنان را نابود خواهیم کرد.»

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) افزود: «آنان پیش‌تر توان خود را آزموده‌اند و با هرآنچه در اختیار داشتند، به میدان آمده‌اند، اما از دستیابی به هدف خود بازمانده‌اند.»

وی با اشاره به نیت‌های شوم دشمنان، خاطرنشان کرد: «هدف آنان نابودی جمهوری اسلامی بود، اما نتوانستند آن را محقق کنند؛ ازاین‌رو، تا این لحظه، رژیم صهیونیستی و آمریکا شکست‌خوردگان قطعی میدان هستند.»

سرلشکر عبداللهی همچنین تأکید کرد: «شگفتانه‌ها در جنگ آینده، یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد.»

پیش‌تر نیز سردار حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در حاشیه نشست خبری که به مناسبت هفته هوافضای سپاه برگزار شد، درباره اینکه با توجه به بیانات اخیر رهبر انقلاب مبنی بر ضرورت پاسخ فوری و اثرگذار به هر سطح و نوعی از تهدید، بدون محدودیت جغرافیایی، آیا محدودیت برد موشک‌های ایران برداشته شده است، گفته بود: این محدودیت برای ما برداشته شده است اما باید در عمل از این قابلیت‌ها رونمایی کنیم و پیش از آن نباید صرفاً شعار بدهیم؛ چراکه وظیفه ما این است که توانمندی‌های خود را در میدان عمل نشان دهیم.

همچنین امیر سرتیپ محمد اکرمی‌نیا سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در گفت‌وگویی، فوریت پاسخ به اقدام دشمن را یکی از محورهای فرامین اخیر رهبر انقلاب دانسته و گفته بود: اثربخشی و نبود محدودیت جغرافیایی از نکات جدید این فرامین است که به‌عنوان فرمان فرمانده کل قوا، مبنای اقدام نیروهای مسلح قرار گرفته است.

ابعاد بازنگری در فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ در گفت‌وگو با کارشناسان اقتصادی

مرز نیازمندی در پرداخت کالابرگ

مرتضی افقه: پرداخت یارانه و اجرای سایر برنامه‌های حمایتی باید با شناسایی گروه‌های نیازمند و متناسب با وضعیت اقتصادی آنها انجام شود.

حسین درودیان: جنگ و افزایش فشارهای بودجه‌ای، شرایط را تغییر و دولت را به سمت کاهش شمار دریافت‌کنندگان سوق داده است.

۷

گفت‌وگو با کارشناسان مسائل بین‌الملل درباره تأثیر شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان بر مواجهه آمریکا با ایران

جناح جنگ‌طلب در واشنگتن تضعیف می‌شود؟

۴

وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد

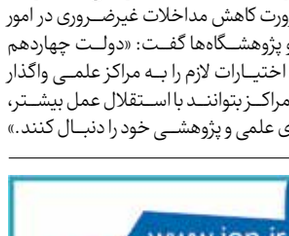
تأمین ۴ همت اعتبار برای راه‌آهن چابهار - زاهدان

۶

رئیس سازمان فناوری اطلاعات خبر داد

گنج داده‌های دولتی در دسترس کسب و کارها

۲



یادداشت **حسین عبده تبریزی**

درباره تقویت سرمایه اجتماعی از منظر نظریه بازی‌ها

حرکت از تعادل بی‌اعتمادی به تعادل همکاری

۳

صفحات اینترنتی روزنامه ایران را بخوانید

بازخوانی پرونده جنایی
مستندسازی که قربانی جنایت خانوادگی شد
۱۳

رئیس انجمن صنعت تایر در گفت‌وگو با «ایران» از افزایش تولید در سه ماه اخیر خبر داد
تولید لاستیک به مدار رشد برگشت
۱۴

گفت‌وگو با رئیس میز زعفران جهاد کشاورزی خراسان رضوی
گذر طلای سرخ از وضعیت بنفش
۱۵

«ایران» از اقدامات دولت برای تقویت نقش «مراکز مثبت زندگی» گزارش می‌دهد
توانمندسازی اجتماعی محله محور
۱۶

عارف: دولت آماده واگذاری اختیارات به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هاست

معاون اول رئیس‌جمهور در بازدید از شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و نشست با رؤسای مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور، با اشاره به نقش راهبردی علم و فناوری در ارتقای توان دفاعی و بازدارندگی ایران، اظهار کرد: «تجربه دو جنگ تحمیلی اخیر نشان داد که سرمایه‌گذاری بلندمدت در توسعه فناوری‌های پیشرفته تا چه اندازه در افزایش توان دفاعی کشور مؤثر بوده است.» محمدرضا عارف با تأکید بر ضرورت حفظ و تقویت دستاوردهای علمی کشور، ارتقای جایگاه پژوهشگاه‌ها، جبران عقب‌ماندگی‌ها در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان را از اولویت‌های دولت چهاردهم برشمرد.

او با اشاره به دو جنگ اخیر که به گفته وی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران تحمیل شد، اظهار کرد: «چه صلح حاصل شود و چه نشود، مسیر رودررویی با دشمن ادامه خواهد داشت؛ بنابراین مسیر توسعه علم و فناوری‌های پیشرفته را باید با جدیت بیشتری ادامه دهیم تا در برابر دشمن دست برتر را داشته باشیم.» معاون اول رئیس جمهور با انتقاد از مداخله برخی نهادهای بیرون از دانشگاه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مراکز علمی، این مداخلات را از عوامل تحقق‌نیافتن کامل انتظارات از دانشگاه‌ها در حل مسائل کشور دانست. عارف اظهار کرد: «علت اینکه دانشگاه‌ها در حد انتظار در حل مسائل کشور نقش‌آفرینی نکرده‌اند، این است که برخی نهادهای بیرونی دانشگاه که صلاحیت لازم را ندارند، درباره دانشگاه تصمیم‌گیری می‌کنند.» وی با تأکید بر ضرورت کاهش مداخلات غیرضروری در امور دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها گفت: «دولت چهاردهم آمادگی دارد اختیارات لازم را به مراکز علمی واگذار کند تا این مراکز بتوانند با استقلال عمل بیشتر، مأموریت‌های علمی و پژوهشی خود را دنبال کنند.»

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده

شرکت بانک گردشگری (سهامی عام)

به شماره ثبت ۳۹۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۵۲۶۸

مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بانک گردشگری (سهامی عام) به شماره ثبت ۳۹۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۵۲۶۸، به منظور بررسی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ با دستور جلسه ذیل رأس ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ درمحل سالن اجتماعات بانک گردشگری واقع در تهران، سعادت‌آباد، بلوار فرهنگ، نبش بن بست نور، طبقه ۷ برگزار خواهد شد.

دستور جلسه:

۱. استماع گزارش هیأت مدیره، حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت برای عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲. بررسی و تصویب صورت‌های مالی شامل "صورت سود و زیان، صورت وضعیت مالی، صورت تغییرات در حقوق مالکانه، صورت جریان های نقدی" و عملکرد برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳. تصویب و تنفیذ معاملات مشمول ماده ۱۲۹ لایحه ی اصلاحی قسمتی از قانون تجارت
۴. انتخاب بازرس قانونی اصلی و علی البدل و حسابرس مستقل و تعیین حق الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۵. تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های قانونی بانک
۶. اتخاذ تصمیم درخصوص میزان حق حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۷. سایر موارد

بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم، وکلا یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می گردد تا برای اخذ برگ ورود به جلسه و حضور در مجمع مذکور ضمن همراه داشتن کارت ملی، وکالتنامه رسمی یا برگه نمایندگی معتبر برای اشخاص حقوقی و اصل اوراق سهام (مدارک مالکیت سهام) از ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ به محل برگزاری مجمع مراجعه فرمایند.

توجه:

* یادآور می شود به همراه داشتن اصل شناسنامه و کارت ملی سهامدار یا نمایندگان ایشان و تحویل تصویر آن به همکاران مدیریت امور سهامداران و مجامع جهت ورود به جلسه الزامی می باشد.
* سهامداران محترمی که امکان حضور در جلسه مجمع را ندارند، می توانند نسبت به مشاهده همزمان، پیگیری برخط (آنلاین) مجمع و طرح پرسش های خود از طریق وب سایت بانک به آدرس www.tourismbank.ir مراجعه نمایند.
* سهامداران محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به پایگاه اطلاع رسانی بانک به نشانی www.tourismbank.ir و سامانه اطلاع رسانی کدال مراجعه فرمایند.

هیأت مدیره بانک گردشگری

بانک گردشگری TOURISM BANK

آگهی مزایده شماره ۱۴۰۵/۲۳۱/ هـ.ف

یک سازمان دولتی

نوبت اول

در نظر دارد املاک خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

شرح در صفحه ۶

ایران online
www.ion.ir
www.ion.ir
با ایران آنلاین، آنلاین باشید

نوبت دوم

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
سازمان اموال و املاک

آگهی مزایده اقلام ضایعاتی

اداره‌کل اموال و املاک شهر تهران، به نمایندگی از سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، در نظر دارد اقلام ضایعاتی شامل اقلام فلزی و غیرفلزی را از طریق مزایده عمومی و کتبی واگذار نماید.

متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ لغایت سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۶، با شماره تلفن ۸۸۰۹۱۰۵۱، واحد فروش، تماس حاصل نموده و یا به آدرس تهران، شهرک غرب، میدان صنعت، چهارراه خوردین، خیابان مهندس، و یا سایت mfamlak.ir مراجعه نمایند.

ضمناً بازدید از دو انبار اقلام ضایعاتی، در روزهای پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۱ و جمعه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۲، از ساعت ۱۰ الی ۱۶ امکان‌پذیر می‌باشد.

خبر

رئیس قوه قضائیه: با تحمیل هزینه اضافی به مردم مخالفیم

حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در جریان بازدید از مجتمع قضایی شماره ۷ دادگاه‌های صلح تهران، با اشاره به هزینه‌های مالی و زمانی ناشی از رسیدگی به پرونده‌های قطور و پیچیده، گفت: «نباید شرایط به‌گونه‌ای باشد که هر فردی بتواند به‌راحتی مجوز تأسیس مؤسسه حقوقی دریافت کند؛ از سوی دیگر، به محض مشاهده و اثبات تخلف از سوی این مؤسسات نیز باید برخوردی متناسب و بازدارنده با آنها صورت گیرد.»

رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به برخی موضوعات که زمینه‌ساز ورود حجم قابل توجهی پرونده به دستگاه قضایی هستند، از جمله مداخله در امر وکالت، رانندگی بدون گواهینامه و خسارت تأخیر تأدیه، به رئیس کل دادگستری استان تهران دستور داد این موضوعات را به‌صورت ویژه پیگیری و آسیب‌شناسی کند.

محسنی اژه‌ای در یکی دیگر از شعب این مجتمع، به بررسی موردی پرونده‌ای قطور با موضوع «مداخله در امر وکالت» پرداخت. در این پرونده، فردی که مدعی وکالت بود، از سوی یک مؤسسه حقوقی به یکی از طرفین دعوا معرفی شده بود؛ حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی اژه‌ای پس از مطالعه بخش‌هایی از پرونده و استماع توضیحات رئیس کل دادگستری استان تهران و قاضی رسیدگی‌کننده، با اشاره به ضرورت نظارت مؤثر بر فعالیت مؤسسات حقوقی اظهار کرد: «این مؤسسات طبیعتاً برای دریافت مجوز فعالیت باید واجد شرایط مشخصی باشند و در صورت ارتکاب تخلف نیز باید با آنها برخورد شود و اقدامات لازم در خصوص مجوز فعالیتشان صورت گیرد.»

وی در همین رابطه، با تأکید بر اینکه بخشی از زمینه‌های شکل‌گیری پرونده‌های قضایی را می‌توان با اصلاح فرآیندها در داخل قوه قضائیه برطرف کرد، افزود: «بسیاری از امور را خودمان در قوه قضائیه می‌توانیم اصلاح کنیم. می‌توانیم با اصلاح قوانین یا اصلاح فرآیندهای مربوط به ثبت شرکت‌ها و مؤسسات، از شکل‌گیری این قبیل پرونده‌ها و وقوع تخلفات پیشگیری کنیم.»

رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از این بازدید، وضعیت استخدامی نیروهای شوراهای حل اختلاف را که در آزمون استخدامی پیشین پذیرفته شده‌اند پیگیری کرد و در رابطه با تسریع در تعیین تکلیف این نیروها، دستورات مشخصی خطاب به حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسن موسوی رئیس مرکز توسعه حل اختلاف صادر کرد.

با دستور رئیس جمهوری در جزیره کیش انجام شد

بهره‌برداری و آغاز عملیات اجرایی ۲۱ طرح عمرانی و اقتصادی

دولت

گروه سیاسی



روز گذشته، رئیس جمهوری در مهم‌ترین برنامه خود، با صدور دستور برخط، بهره‌برداری و آغاز عملیات اجرایی ۲۱ طرح عمرانی و اقتصادی در جزیره کیش را با سرمایه‌گذاری ۱۱۴ هزار میلیارد تومانی و ظرفیت ایجاد ۱۲ هزار و ۳۰۰ فرصت شغلی کلید زد. او همچنین در پیام‌هایی جداگانه به همایش‌ها و کنفرانس‌های حوزه حمل‌ونقل ریلی، عدالت علمی و سالمندی، بر ضرورت توسعه زیرساخت‌ها، رفع تبعیض علمی و بهره‌گیری از ظرفیت همه نسل‌ها برای پیشرفت کشور تأکید کرد.

مسعود پزشکیان در مراسمی که به صورت برخط برگزار شد، دستور بهره‌برداری و آغاز عملیات اجرایی ۲۱ طرح عمرانی و اقتصادی در جزیره کیش را صادر کرد. این مجموعه طرح‌ها در حوزه‌های مختلف عمرانی، مسکن، زیرساخت‌های نیروگاهی، اقتصادی و مالی، تولیدی و آموزشی تعریف شده‌اند و با هدف تقویت زیرساخت‌های توسعه‌ای، ارتقای ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال پایدار در منطقه آزاد کیش به مرحله اجرا و بهره‌برداری رسیده‌اند. رئیس جمهوری در این مراسم، با قدردانی از تلاش مجموعه مدیران، کارشناسان، سرمایه‌گذاران و دست‌اندرکاران اجرای این طرح‌ها، بر ضرورت انطباق تمامی پروژه‌های توسعه‌ای با نقشه جامع توسعه منطقه آزاد کیش و اسناد راهبردی و آمایش سرزمینی تأکید کرد.

رئیس دولت چهاردهم با تأکید بر ضرورت اتخاذ رویکردی آینده‌نگر، متوازن و مبتنی بر مزیت‌های رقابتی در مدیریت توسعه کیش تصریح کرد: «مسیر توسعه این منطقه باید به‌گونه‌ای طراحی و مدیریت شود که کیش در میان مناطق آزاد کشور و جهان، نه‌تنها از روند تحولات و پیشرفت‌ها عقب نماند، بلکه بتواند به الگویی پیشرو و مرجع در حکمرانی اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار مناطق آزاد تبدیل شود.»

پزشکیان همچنین با تأکید بر ضرورت تنوع‌بخشی به ساختار اقتصادی و پرهیز از تمرکز صرف بر فعالیت‌های خدماتی خاطرنشان کرد: «طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای نباید به حوزه خدمات محدود شود، بلکه باید با توجه به ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصادی منطقه، سایر فعالیت‌های مولد نیز در اولویت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری قرار گیرند.» رئیس جمهوری در ادامه، با اشاره به اهمیت نظام‌مند بودن ارائه خدمات در منطقه آزاد کیش، بر ضرورت شفافیت در تعیین تعرفه‌ها و قیمت‌گذاری خدمات تأکید کرد و گفت: «خدمات باید با رعایت اصول اقتصادی و متناسب با هزینه تمام‌شده و شرایط بازار ارائه شوند و سازوکار قیمت‌گذاری آنها از ابتدا به صورت شفاف و مشخص تعریف شود.»

حمل‌ونقل ریلی از مهم‌ترین زیرساخت‌ها برای پیشرفت است

پزشکیان در پیامی به نوزدهمین همایش بین‌المللی حمل‌ونقل ریلی، توسعه راه‌آهن را سرمایه‌گذاری در آینده اقتصادی و رفاه جامعه دانست و تصریح کرد: «پیشرفت ایران بزرگ ما به زیرساخت‌هایی نیاز دارد که پشتیبان رشد اقتصادی، حفظ منابع ملی و ارتقای کیفیت زندگی مردم باشند. حمل‌ونقل ریلی از مهم‌ترین این زیرساخت‌هاست که با اتصال مراکز تولید به بازارهای داخلی و بین‌المللی، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و افزایش ایمنی و پایداری جابه‌جایی، می‌تواند به تقویت تولید، توسعه تجارت و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد کشور کمک کند.»

رئیس جمهوری با تأکید بر اهمیت نقش شبکه‌ای کارآمد و رقابت‌پذیر از زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک در تبدیل موقعیت جغرافیایی کشور به مزیتی پایدار افزود: «تکمیل کریدورهای ریلی، اتصال بنادر و مراکز تولیدی به شبکه و گسترش همکاری با کشورهای همسایه، می‌تواند جایگاه ایران را در ترانزیت منطقه‌ای ارتقا دهد و زمینه افزایش مبادلات تجاری و درآمدهای پایدار ارزی را فراهم آورد.»

پیام رئیس جمهوری به کنفرانس ائتلاف جهانی علیه آپارتاید علمی

مسعود پزشکیان همچنین در پیامی به پنجمین کنفرانس بین‌المللی «ائتلاف جهانی علیه آپارتاید علمی؛ برای عدالت علم و فناوری در نظم نوین جهانی»، با اشاره به اینکه آپارتاید علمی و فناوری، صرفاً به معنای محروم‌سازی برخی ملت‌ها از امکانات و دستاوردهای علمی نیست بلکه هرگونه بهره‌گیری تبعیض‌آمیز از علم، فناوری و ظرفیت‌های پژوهشی برای ایجاد انحصار، وابستگی و نابرابری میان کشورها را نیز دربرمی‌گیرد، افزود: «چنین رویکردی با ماهیت فرامرزی علم و اصول اخلاق علمی در تعارض است.»

رئیس جمهوری از نگران‌کننده‌ترین جلوه‌های آپارتاید علمی را تحریم، تهدید و ترور دانشمندان، پژوهشگران و مراکز علمی و تحقیقاتی دانست و تصریح کرد: «علم نباید ابزار سلطه و برتری‌جویی باشد، بلکه باید در خدمت حل مسائل انسانی، کاهش شکاف‌های توسعه‌ای، ارتقای رفاه عمومی و تقویت صلح و تفاهم میان ملت‌ها قرار گیرد.» پزشکیان با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران، با اتکا به ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی خود، همواره بر توسعه همکاری‌های بین‌المللی، تبادل دانش و فناوری و بهره‌مندی عادلانه ملت‌ها از دستاوردهای علمی تأکید داشته است، افزود: «تجربه کشور ما نشان داده است محدودیت‌های خارجی نمی‌توانند اراده یک ملت برای دانش‌اندوزی، نوآوری و مشارکت در تولید علم را از میان ببرند.»

پزشکیان همچنین در پیامی به سومین کنگره بین‌المللی سالمندی، سالمندان برخوردار از تجربه، دانش و مهارت را سرمایه‌های انسانی و اجتماعی ارزشمندی توصیف کرد که می‌توانند همچنان در خانواده و جامعه و عرصه‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی نقش‌آفرین باشند.

> طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای نباید به حوزه خدمات محدود شود، بلکه باید با توجه به ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصادی منطقه، سایر فعالیت‌های مولد نیز در اولویت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری قرار گیرند

برش

توصیه‌های پزشکیان به سخنگویان دستگاه‌های اجرایی

رئیس جمهوری بعدازظهر روزگذشته، در نشست سخنگویان دستگاه‌های اجرایی، با تقدیر از فعالیت‌ها و اقدامات انجام‌شده از سوی سخنگویان، اظهار کرد: «آنچه سخنگویان بیان می‌کنند، در عین حال که می‌تواند موجب امیدآفرینی و تقویت انسجام اجتماعی شود، می‌تواند زمینه‌ساز ناامیدی و گسست اجتماعی نیز باشد؛ بنابراین تمامی اقدامات و نوع ارتباط سخنگویان با جامعه باید بر پایه صداقت، بیان حقایق، مهربانی و رحمت باشد.»

رئیس جمهوری با اشاره به تأثیر عمیق تر رفتار بر گفتار، بر ضرورت رفتار صادقانه همراه با حفظ وحدت و انسجام تأکید کرد و گفت: «ممکن است همه ما سخنانی بر زبان بیاوریم که با واقعیت فاصله داشته باشد، اما آنچه بیش از گفتار بر مردم اثر می‌گذارد، نوع رفتار ماست. رفتار سخنگویان و مسئولان باید به‌گونه‌ای باشد که وحدت و انسجام داخلی را به نمایش بگذارد؛ چراکه دین و باورهای اعتقادی ما نیز بیش از آنکه صرفاً بر گفتار استوار باشد، مبتنی بر رفتار است.» پزشکیان با یادآوری توصیه‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه به حفظ وحدت و همدلی، خاطرنشان کرد: «اختلاف و تفرقه هیچ‌گاه قابل پذیرش نیست و جامعه باید بر اصول مشترک به تفاهم برسد. باید از دامن زدن به دعواها و اختلافات مذهبی پرهیز کنیم؛ چراکه خدا، کتاب و قبله مسلمانان یکی است و نباید بر سر مسائلی که در مقایسه با اصول اساسی دین، فرعی هستند، با یکدیگر اختلاف و نزاع داشته باشیم.» رئیس جمهوری اجرای عدالت و رعایت انصاف را از اصول اساسی جامعه اسلامی برشمرد و گفت: «عدالت باید در جامعه حاکم باشد و پیام قرآن نیز بر همین اساس استوار است. صراط مستقیم و دیگر آیات قرآن بیانگر آن هستند که باید از رفتارهایی همچون حذف یکدیگر، تهمت‌زدن، تمسخر و اقداماتی از این دست پرهیز کنیم. هیچ‌کس از دیگری برتر نیست و ضرورت دارد برای رفع مشکلات مردم با جدیت و مسئولیت‌پذیری گام برداریم.» پزشکیان در پایان بار دیگر با تأکید بر اینکه رفتار و گفتار کارگزاران نظام باید مبتنی بر عدالت و انصاف باشد، اقامه نماز و عبادت را الگویی برای ترویج صداقت، مهربانی و رحمت دانست و خاطرنشان کرد: «رسول خدا(ص) برای برقراری برابری و برادری در جامعه مبعوث شد و پیام روشن اقامه نماز نیز همواره توجه به همین اصل است.» تأکید بر حفظ و ارتقای سطح اعتماد عمومی، بازنمایی خدمات دستگاه‌های دولتی، امیدآفرینی، انتقال پیام اقتدار ملت ایران، مدیریت بحران، هوشمندسازی فرآیند اطلاع‌رسانی، استفاده از ظرفیت محله‌محوری، ترویج همدلی و همزبانی با مردم، پرهیز از مبالغه و تشریح واقع‌بینانه شرایط موجود کشور از مهم‌ترین محورهایی بود که سخنگویان دستگاه‌های اجرایی در این نشست با رئیس جمهوری مطرح کردند.

رئیس سازمان فناوری اطلاعات:

گنج داده‌های دولتی در دسترس کسب‌وکارها قرار گرفت

گزارش

میترا جلیلی



توسعه اقتصاد دیجیتال علاوه بر اینترنت باکیفیت پایدار و بدون اختلال و زیرساخت‌های مناسب، نیازمند «داده» (دیتا) است؛ موضوعی که محمدمحسن صدر، رئیس سازمان فناوری اطلاعات هم بر آن تأکید دارد و معتقد است «داده» یکی از دارایی‌های راهبردی اقتصاد دیجیتال است که می‌تواند در توسعه خدمات و محصولات، خلق ارزش اقتصادی و بهبود تصمیم‌گیری نقش داشته باشد. با این حال، در ایران با وجود منابع غنی اطلاعاتی در سازمان‌های بزرگ، بخش قابل توجهی از «داده»ها تاکنون در دسترس نبوده‌اند؛ چالشی که سازمان فناوری اطلاعات به دنبال حل آن بوده است. محمدمحسن صدر، رئیس سازمان فناوری اطلاعات با اعلام خبر انتشار حدود ۹ هزار مجموعه «داده» از اطلاعات ۱۴۱ نهاد بر «سکوی ملی داده‌های باز» و آغاز پردازش پنج مرحله‌ای اطلاعات با هوش مصنوعی، عملاً دسترسی کسب‌وکارها به این داده‌ها را تسهیل کرد.

از اطلاعات خام تا تصمیم‌گیری هوشمند

به موازات توسعه فناوری در جهان، در هر ثانیه انبوهی از داده‌ها تولید می‌شوند که به خودی خود ارزشی ندارند اما علم داده (Data Science) می‌تواند با استفاده از تحلیل ابرداده‌ها (BigData)، یادگیری ماشین (ML) و آمار و برنامه‌نویسی، این اطلاعات خام را به دانش کاربردی و تصمیم‌های هوشمندانه تبدیل کند. به‌عنوان مثال تحلیل «داده» در صنایع می‌تواند به پیش‌بینی تقاضا، کاهش اتلاف منابع، بهینه‌سازی زنجیره تأمین و افزایش بهره‌وری کمک کند. در حوزه خدمات عمومی، «داده»های دقیق و قابل تحلیل می‌توانند زمینه شناسایی الگوهای فساد اداری، مدیریت بهتر یارانه‌ها، بهبود حمل‌ونقل شهری و پیش‌بینی بحران‌هایی مانند کمبود آب و آلودگی هوا را فراهم کنند. در حوزه سلامت نیز تحلیل داده‌های پزشکی و آزمایشگاهی می‌تواند به پیش‌بینی روند بیماری‌ها، بهبود مدیریت بیمارستان‌ها و افزایش دقت تشخیص کمک کند، اما همه این موارد در گرو دسترسی شرکت‌ها و نهادهای مربوطه، به این داده‌های باارزش است.

دسترسی شرکت‌های دانش‌بنیان به داده‌های دستگاه‌های اجرایی

محمدمحسن صدر، معاون وزیر ارتباطات در تازه‌ترین اظهار نظر خود خبری خوش برای کسب‌وکارها، شرکت‌های دانش‌بنیان و پژوهشگران دارد و یادآور شده است که «سکوی ملی داده‌های باز» به نشانی data.gov.ir داده‌های عمومی دستگاه‌های اجرایی را در دسترس آنها قرار می‌دهد تا از این «داده»های حیاتی برای پژوهش و توسعه محصولات و خدمات جدید استفاده کنند. اما انتشار «داده»های عمومی چرا برای این شرکت‌ها اهمیت دارد؟ انتشار این «داده»ها می‌تواند علاوه بر افزایش شفافیت، زمینه شکل‌گیری کسب‌وکارهای داده‌محور و توسعه محصولات جدید را فراهم کند. شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه‌دهندگان با دسترسی به اطلاعات معتبر، امکان تحلیل مسائل واقعی و طراحی راهکارهای متناسب با نیاز جامعه را پیدا می‌کنند. این ظرفیت همچنین می‌تواند به کاهش هزینه جمع‌آوری اطلاعات، افزایش سرعت پژوهش و تقویت نوآوری در بخش خصوصی کمک کند.

پنج مرحله پردازش از داده خام تا اطلاعات آماده تحلیل

به گفته محمدمحسن صدر، معاون وزیر ارتباطات، داده‌ها در این سکو از طریق یک خط لوله پردازشی پنج مرحله‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی پردازش می‌شوند و در پنج سطح، از داده خام تا اطلاعات آماده تحلیل، در اختیار کاربران قرار می‌گیرند. او یادآور شده است که در مرحله اول، نسخه خام داده‌ها بدون تغییر نگهداری می‌شود. مرحله دوم به پاک‌سازی و استانداردسازی ساختار و قالب داده‌ها اختصاص دارد و در مرحله سوم، اطلاعات ناقص با کمک هوش مصنوعی و منابع مرجع تکمیل می‌شوند. در مرحله چهارم هم رکوردهای غیرقابل اصلاح شناسایی و حذف می‌شوند. صدر تأکید می‌کند که مرحله پایانی نیز «معنابخشی» است؛ یعنی با افزودن زمینه و معنای لازم، داده‌ها را برای استفاده و تحلیل آماده می‌کند. رئیس سازمان فناوری اطلاعات تأکید کرد که کاربران می‌توانند به خروجی هر مرحله به صورت مستقل دسترسی داشته باشند. این خروجی‌ها، هم در قالب مجموعه «داده» قابل دانلود و هم از طریق رابط برنامه‌نویسی کاربردی یا API عرضه می‌شوند تا توسعه‌دهندگان متناسب با نیاز خود، سطح پردازش مورد نظر را انتخاب کنند.

حکمرانی «داده» و رعایت حریم خصوصی

معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات البته تأکید دارد که استفاده از این ظرفیت به زیرساخت مناسب، ضوابط شفاف و دسترسی قانونمند نیاز دارد و نمی‌توان «داده»ها را بدون توجه به این موارد در اختیار شرکت‌ها و فعالان اقتصاد دیجیتال قرار داد. این موضوع اشاره‌ای به لزوم حکمرانی «داده» به معنای ایجاد یک چارچوب و قواعد مشخص برای مدیریت داده‌ها دارد تا ریسک خطا در تصمیم‌گیری‌ها با استفاده از این «داده»ها به حداقل ممکن برسد. دسترسی به «داده»، به معنای انتشار بدون محدودیت همه اطلاعات نیست. داده‌های عمومی و قابل انتشار باید از اطلاعات محرمانه و شخصی تفکیک شوند و استفاده از آنها در چارچوب ضوابط مشخص، امنیت اطلاعات و حفظ حریم خصوصی صورت گیرد. در کنار دسترسی، کیفیت داده، استانداردهای مشترک و مسئولیت دستگاه‌های تولیدکننده اطلاعات نیز اهمیت دارد زیرا «داده» ناقص یا ناسازگار می‌تواند به تحلیل نادرست و تصمیم‌گیری غیرقابل اتکا منجر شود. معاون وزیر ارتباطات، انتشار اطلاعات را تنها بخشی از حکمرانی «داده» دانست و بر ضرورت تضمین کیفیت، استانداردسازی، تعیین مسئولیت دستگاه‌های اجرایی و رعایت الزامات حریم خصوصی و امنیت اطلاعات تأکید کرد. به گفته صدر، تاکنون حدود ۹ هزار مجموعه داده از سوی ۱۴۱ ارائه‌دهنده داده در این سکو منتشر شده است؛ ظرفیتی که با توسعه آن و تقویت سازوکارهای تبادل «داده» میان دستگاه‌های اجرایی می‌توان به افزایش شفافیت، ارتقای دقت تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد ارزش اقتصادی از «داده»ها کمک کرد. رئیس سازمان فناوری اطلاعات در پایان، توسعه زیرساخت‌های حکمرانی داده و بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت داده‌های باز را از الزامات پیشرفت اقتصاد دیجیتال کشور دانست و تأکید کرد که سازمان فناوری اطلاعات ایران، تقویت این زیرساخت‌ها و فراهم‌سازی زمینه بهره‌برداری مؤثر از داده‌ها در بخش‌های مختلف کشور را دنبال می‌کند.



> سکوی ملی داده‌های باز داده‌های عمومی دستگاه‌های اجرایی را در دسترس دانش بنیان‌ها قرار می‌دهد تا از این «داده»های حیاتی برای پژوهش و توسعه محصولات و خدمات جدید استفاده کنند

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
صندوق بازنشستگی کشوری
نوبت اول

آگهی تجدید عمومی دو مرحله‌ای

صندوق بازنشستگی کشوری (گروه بازنشستگی فولاد) در نظردارد انجام قرارداد خدمات مرتبط با جبران هزینه خسارت درمان بازنشستگان، ازکارافتادگان و افراد تحت تکفل و وظیفه‌بگیران تحت پوشش گروه بازنشستگی فولاد مجموعاً به تعداد ۵۳،۸۹۶ نفر از ساعت صفرمورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۶/۰۸/۳۰ به مدت «یک‌سال» را ازطریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (قرارداد به ازای هرنفربیمه شده) به شرکت واجد شرایط که صلاحیت آن جهت ارائه خدمات مذکور مورد تأیید مراجع ذیصلاح قانونی (بیمه سلامت ایران، بیمه مرکزی جمهوری اسلامی و...) بوده و در سراسرکشور دارای شعب باشند براساس اسناد مناقصه (شرایط شرکت در مناقصه، پیش نویس قرارداد و پیوست‌های آن) واگذار نماید.

از متقاضیان دعوت می‌شود برای دریافت اوراق مناقصه از ساعت۸:۰۰ لغایت ۱۳روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ لغایت تا ساعت۱۳:۰۰روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ با دردست داشتن معرفی‌نامه معتبرکه از سوی دفاتر مرکزی شرکت‌ها صادر شده است به نشانی تهران، خیابان دکترفاطمی، نبش میدان جهاد شماره۶۱ طبقه دوم اداره کل منابع انسانی و پشتیبانی (تلفن:۸۳۵۱۲۱۳۱ -۰۲۱) مراجعه نمایند. (به نمایندگی‌ها اسناد تحویل نمی‌گردد)

مهلت تحویل پیشنهاد: حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ می‌باشد. کمیسیون مناقصه رأس ساعت۱۳:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱درسالن جلسات شماره یک صندوق (طبقه نهم) واقع در نشانی فوق برگزارخواهد شد.

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۱۱۹،۶۴۸،۱۲۰،۰۰۰ ریال(یازده میلیارد و نهصد و شصت و چهار میلیون و هشتصد و دوازده هزار تومان) می‌باشد که شرکت‌کنندگان می‌بایستی این مبلغ را به‌صورت سند واریزی حساب جاری سپهر شماره ۰۲۱۰۳۲۳۹۴۲۰۰۴ بانک صادرات شعبه احمد قصیر کد ۱۳۶۵ به‌نام صندوق بازنشستگی فولاد و یا ضمانت‌نامه بانکی از بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی به‌نام صندوق بازنشستگی فولاد با اعتبار حداقل سه ماهه بدون قید و شرط و قابل تمدید از طرف صندوق ارائه نمایند.

- حضور پیشنهاد دهندگان درجلسه کمیسیون مناقصه فقط با ارائه معرفی‌نامه معتبر از سوی شرکت با قید اسامی شرکت‌کنندگان آزاد می‌باشد.
- تمامی اسناد مناقصه در پایگاه ملی مناقصات کشور به نشانی http://iets.mporg.ir و همچنین لینک آگهی مناقصه در سایت صندوق بازنشستگی کشوری به نشانی: www.cspf.ir قابل دریافت می‌باشد.
- صندوق حق دارد در چارچوب آیین‌نامه معاملات خود و قوانین عمومی کشور، هر یک از پیشنهادها را قبول و یا رد کرده و یا فرآیند مناقصه را لغو نماید و تمام پیشنهادها را در هر زمان، پیش از ابلاغ نامه پذیرش، رد کند و از این بابت، هیچ مسؤولیت و تعهدی را در برابر شرکت کنندگان، نخواهد داشت.
- درصورت لغو مناقصه، صندوق بی‌درنگ شرکت‌کنندگان را از تصمیم خود مطلع می‌سازد.
- کلیه هزینه‌های چاپ آگهی مناقصه به‌عهده برنده می‌باشد.

اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل
صندوق بازنشستگی کشوری

تقویت سرمایه اجتماعی از منظر نظریه بازی‌ها

حرکت از تعادل بی‌اعتمادی به تعادل همکاری

یادداشت



حسین عبده تبریزی
اقتصاد دان و استاد دانشگاه

در هفته گذشته مشغول خواندن جلد دوم کتاب استاد گرامی، دکتر محمد طبیبیان بودم (اقتصاد از دیدگاه انسانی). ایشان لطف کرده‌اند و از من خواسته‌اند که کتاب را پیش از انتشار بخوانم. اکنون به فصل‌های جالب نظریه بازی‌ها رسیده‌ام و از مطالعه آنها بسیار استفاده کرده‌ام. به ایشان عرض کردم که جلد اول کتاب، که سال گذشته منتشر شد و نسخه دیجیتال آن نیز در اختیار خوانندگان قرار گرفت، برای مدیران و علاقه‌مندان غیراقتصاددان هم قابل استفاده است؛ اما جلد دوم تخصصی‌تر است. پاسخ ایشان این بود که برای شناخت اقتصاد باید وقت گذاشت، با حوصله مطالعه کرد و قدری به عمق نظریه‌ها رفت. امیدوارم کسانی که جلد اول کتاب را خوانده‌اند، پس از انتشار جلد دوم، فرصت مطالعه آن را نیز پیدا کنند. به این نتیجه رسیدم که از مباحث نظریه بازی‌ها برای بررسی عنوان «بازگشت به مردم و تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی»، استفاده کنم، چرا که در امروز ایران، برای توسعه، سخت به آن نیازمندیم. پرسش این است که چرا در برخی جوامع، رفتارهایی مانند رشوه‌دادن، امتیازخواهی، انحصارطلبی و تشکیل حلقه‌های بسته قدرت و ثروت استمرار می‌یابد، درحالی‌که بسیاری از مردم از نتایج آن ناراضی‌اند؟ چرا حتی کسانی که از وضع موجود شکایت دارند، گاه در بازتولید آن مشارکت می‌کنند؟ و چگونه می‌توان شرایطی ایجاد کرد که همکاری، درستکاری و رعایت منافع عمومی به انتخاب‌هایی عقلایی تبدیل شوند؟

دکتر طبیبیان در کتاب خود می‌نویسند: «مسأله درک، تحلیل و یافتن تعادل و بهینگی، وجه بسیار مهمی از تئوری بازی‌هاست که از نیمه قرن بیستم معرفی شده است. شاید در تمام طول تاریخ، معارضه به این معنی بوده است که یا یک طرف منکوب شود، یا معارضه ادامه یابد تا هر دو طرف معارضه از پای درآیند، یا به حالت نقطه شروع بازی رجعت کنند. نظریه‌پردازان رشته تئوری بازی‌ها نشان دادند که در معارضه نیز ممکن است حالت تعادل وجود داشته باشد و بعضاً تعادلی یافت شود که بهینه باشد.» اهمیت این نکته در آن است که نظریه بازی‌ها به ما می‌آموزد نتیجه تصمیم هر فرد تنها به انتخاب خودش وابسته نیست، بلکه به تصمیم دیگران و انتظاری که از رفتار آنان دارد نیز بستگی پیدا می‌کند. برای مثال، ممکن است فردی مایل باشد قانون را رعایت کند، اما اگر تصور کند دیگران با تخلف و استفاده از روابط شخصی پیش می‌روند، رعایت یک‌جانبه قانون را به زیان خود ببیند. در مقابل، اگر اطمینان داشته باشد که قواعد درباره همه اجرا می‌شود، انگیزه بیشتری برای همکاری خواهد داشت. بنابراین، اعتماد در این چارچوب فقط فضیلتی اخلاقی نیست؛ عاملی است که بر محاسبه منافع و انتخاب استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارد.

یکی از مفاهیم اصلی نظریه بازی‌ها «تعادل نش» است. در چنین تعادلی، با فرض ثابت‌ماندن استراتژی دیگران، هیچ بازیگری انگیزه ندارد که به‌تنهایی استراتژی خود را تغییر دهد. اما نکته مهم آن است که تعادل الزاماً به معنای مطلوب‌بودن نتیجه نیست. ممکن است وضعیتی پایدار باشد، ولی همه یا بخش بزرگی از جامعه از آن زیان ببینند. نمونه شناخته‌شده این وضعیت، بازی «تعارض زندانی» است که در آن انتخاب عقلایی هر فرد، با توجه به رفتار مورد انتظار دیگری، معمولاً به نتیجه‌ای جمعی منجر می‌شود که از همکاری دو طرف نامطلوب‌تر است. فرض کنیم چند بنگاه برای دریافت مجوز یا تسهیلات بانکی رقابت می‌کنند. اگر ضوابط روشن و یکسان باشد، بنگاه‌ها می‌توانند منابع خود را صرف تولید، نوآوری و افزایش بهره‌وری کنند. اما اگر هر بنگاه تصور کند که رقیبان از طریق واسطه، رشوه یا ارتباط با صاحبان نفوذ به امتیاز دست می‌یابند، ممکن است خود نیز همین مسیر را انتخاب کند. نتیجه آن می‌شود که منابع به‌جای تولید، صرف رقابت برای دسترسی به امتیاز می‌شود. همه ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما هیچ بنگاهی نیز نتواند به‌تنهایی از آن خارج شود؛ زیرا نگران است که با تغییر رفتار خود، میدان را به رقیبان واگذار کند. دکتر طبیبیان در توضیح جامعه رانتی، از رقابت الیگارش‌ها برای دستیابی به اعتبارات بانکی، ارز و مجوزهای صادرات و واردات سخن می‌گوید. به تعبیر ایشان، این گروه‌ها بخشی از درآمد انتظاری خود را صرف رشوه، جلب حمایت سیاسی و به‌کارگیری روش‌هایی برای به دست آوردن منافع دیگران می‌کنند. حاصل چنین رقابتی، اتلاف منابع، از دست رفتن فرصت‌های تولیدی و محدودشدن رقابت سالم است. از منظر نظریه بازی‌ها، می‌توان شرایطی را تصور کرد که این رفتارها در قالب تعادل نش استمرار یابند، درحالی‌که نتیجه آن برای جامعه نامطلوب باشد. البته هر وضعیت نامطلوب و پایداری را نمی‌توان بدون بررسی، تعادل نش نامید. برای چنین داوری‌ای باید بازیگران، استراتژی‌ها و بازآوردهای آنان را شناخت. همچنین باید میان وضعیتی که به زیان همه است و وضعیتی که گروهی از آن سود می‌برند و دیگران زیان می‌بینند، تفاوت گذاشت. در جامعه رانتی، صاحبان امتیاز ممکن است از حفظ وضع موجود منفعت ببرند. بنابراین، خروج از این وضعیت صرفاً با توضیح زیان‌های عمومی آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا منافع گروه‌های برخوردار با منافع عمومی تعارض دارد. مسأله هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که صاحبان امتیاز برای حفظ موقعیت خود با یکدیگر همکاری کنند. ممکن است گروهی به اعتبار بانکی دسترسی داشته باشند، گروهی بر صدور مجوز اثر بگذارند و گروهی دیگر حمایت سیاسی فراهم کنند. این گروه‌ها شاید بر سر تقسیم منافع با یکدیگر رقابت کنند، اما در جلوگیری از ورود رقیبان تازه و حفظ قواعد غیرشفاف، منافع مشترکی داشته باشند. به این ترتیب، رقابت میان اعضای یک شبکه رانتی الزاماً به معنای رقابت آزاد در جامعه نیست؛ گاهی رقابت بر سر تقسیم امتیاز، با همکاری برای حفظ نظام امتیازدهی همراه است. نکته جالب آن است که درون چنین شبکه‌هایی ممکن است اعتماد فراوانی وجود داشته باشد. اعضا یکدیگر را می‌شناسند، روابطشان تکرار می‌شود و برای بدعهدی هزینه تعیین می‌کنند. اما این اعتماد محدود ممکن است به زیان اعتماد عمومی عمل کند. کسی که عضو شبکه نیست، برای دستیابی به حقوق قانونی خود ناچار می‌شود واسطه‌ای پیدا کند یا به فرد بانفوذی متوسل شود. در نتیجه، اعتماد به اشخاص جای اعتماد به نهادها را می‌گیرد. آنچه برای توسعه اهمیت دارد، گسترش اعتماد و امکان همکاری فراتر از حلقه آشنایان است؛ به‌گونه‌ای که حقوق افراد به روابط شخصی آنان وابسته نباشد.

نظریه بازی‌ها همچنین به اهمیت تکرار روابط اشاره می‌کند. وقتی افراد می‌دانند که در آینده نیز با یکدیگر روبه‌رو خواهند شد، رفتار امروز آنان بر منافع فردایشان تأثیر می‌گذارد. فردی که بدعهدی می‌کند ممکن است اعتماد دیگران را از دست بدهد و در تعاملات بعدی زیان ببیند. البته تکرار بازی به‌تنهایی همکاری را تضمین نمی‌کند؛ اهمیت منافع آینده، امکان مشاهده رفتار دیگران و وجود سازوکارهای پاسخگویی نیز تعیین‌کننده‌اند. دکتر طبیبیان برای توضیح این موضوع، به تغییر شرایط روابط اجتماعی در مهاجرت از روستا به شهر یا از یک کشور به کشور دیگر اشاره می‌کند. در اجتماعات کوچک، افراد معمولاً یکدیگر را می‌شناسند و روابطشان تکرار می‌شود. تخلف و بدعهدی ممکن است در حافظه جمعی باقی بماند و هزینه‌ای برای فرد ایجاد کند. اما با انتقال به محیطی بزرگ و ناشناس، احتمال روبه‌روشدن مجدد با همان افراد کاهش می‌یابد و برخی از سازوکارهای نظارت غیررسمی تضعیف می‌شود. این تحلیل به معنای نسبت‌دادن تخلف به مهاجران نیست؛ بلکه نشان می‌دهد چگونه تغییر ساختار روابط و احتمال تکرار تعاملات بر انگیزه افراد اثر می‌گذارد.

نمونه ساده‌تر را می‌توان در رستوران‌های بین‌راهی دید. رستورانی که مشتریانش عمدتاً مسافرانی گذری هستند، ممکن است انگیزه کمتری برای حفظ کیفیت داشته باشد؛ زیرا احتمال بازگشت همان مشتری اندک است. اما در برخورد با رانندگان اتوبوس و کامیون که مرتباً از همان مسیر عبور می‌کنند، انگیزه ارائه خدمات مناسب‌تر افزایش می‌یابد. ایجاد برند و استاندارد مشترک در رستوران‌های زنجیره‌ای نیز راهی است برای آنکه حتی مشتری گذری بتواند به کیفیت خدمات اعتماد کند. در این مثال، شهرت و تکرار تعاملات، بازآورد رفتار درست و نادرست را تغییر می دهند.

در مقیاس جامعه نیز ثبات قواعد و تداوم روابط، همکاری را آسان‌تر می‌کند. جنگ، بحران اقتصادی، جابه‌جایی گسترده جمعیت و فروپاشی نهادهای نظارتی ممکن است سازوکارهای پیشین اعتماد و پاسخگویی را تضعیف کنند. بااین حال، بازسازی اعتماد الزاماً به معنای بازگشت به نظارت سنتی اجتماعات کوچک نیست. در جامعه مدرن، قانون، نهادهای قابل‌اتکا، نظام قضایی مستقل و سازوکارهای شفاف پاسخگویی باید بتوانند بخشی از وظایفی را انجام دهند که در اجتماعات کوچک بر عهده شناخت شخصی و تکرار روابط بوده است.

حال به پرسش اصلی بازگردیم: چگونه می‌توان از تعادل بی‌اعتمادی و امتیازخواهی خارج شد؟ از منظر نظریه بازی‌ها، توصیه به درستکاری لازم است، اما کافی نیست. باید ساختار بازی تغییر کند؛ یعنی قواعد، اطلاعات، هزینه‌ها و منافع چنان تنظیم شود که همکاری و رعایت قانون برای بازیگران انتخابی عقلایی باشد. شفاف‌شدن ضوابط تخصیص منابع، محدودشدن اختیارهای سلیقه‌ای، امکان اعتراض مؤثر و اعمال یکسان قانون، هزینه تخلف را افزایش می‌دهد و منفعت رفتار قانونی را بیشتر می‌کند. در چنین شرایطی، انتظار افراد از رفتار دیگران نیز به‌تدریج تغییر خواهد کرد.

در اینجا مفهوم «تعهد معتبر» اهمیت ویژه‌ای دارد. وعده اصلاح زمانی اعتماد ایجاد می‌کند که اجرای آن صرفاً به اراده بعدی وعده‌دهنده وابسته نباشد. برای مثال، اگر دولت وعده دهد که تسهیلات بانکی بر اساس ضوابط عادلانه تخصیص می‌یابد، انتشار معیارها، امکان بررسی دریافت‌کنندگان، نظارت مستقل و رسیدگی به اعتراض‌ها به احتمال زیاد آن وعده را معتبرتر می‌کند. همچنین باید توجه داشت که برخی گروه‌ها از اصلاح زیان می‌بینند و ممکن است برای جلوگیری از آن تلاش کنند. بنابراین، طراحی اصلاحات باید علاوه بر منافع عمومی، مقاومت گروه‌های ذی‌نفع و هزینه‌های‌گذار برای مردم را نیز در نظر بگیرد.

تشکل‌های حرفه‌ای، انجمن‌های علمی، رسانه‌ها و گروه‌های مدنی نیز می‌توانند در تغییر تعادل نقش داشته باشند. منافع صاحبان امتیاز معمولاً متمرکز است و آنان برای دفاع از آن انگیزه و امکانات بیشتری دارند؛ اما زیان مردم میان شمار فراوانی از شهروندان پراکنده می‌شود. تشکل‌ها می‌توانند با گردآوری اطلاعات، صورت‌بندی مطالبات مشترک و پیگیری مستمر، هزینه هماهنگی شهروندان را کاهش دهند. در زبان نظریه بازی‌ها، این نهادها امکان همکاری و اقدام جمعی را افزایش می‌دهند و می‌توانند موازنه انگیزه‌ها را تغییر دهند.

برای گروه‌های نخبگانی نیز این بحث معنای عملی دارد. یک جمع علمی و حرفه‌ای زمانی می‌تواند سرمایه اجتماعی ایجاد کند که اعضای آن از قواعد روشن، امکان اظهارنظر و احترام متقابل برخوردار باشند و بدانند مشارکتشان بی‌اثر نیست. شنیدن نظر دیگران، تأیید نکته‌ای مفید، نقد محترمانه و پاسخگویی در تصمیم‌های مشترک، تعاملات تکرارشونده‌ای ایجاد می‌کند که در آن همکاری ارزش بیشتری پیدا می‌کند. اگر اعضا انتظار داشته باشند که دیگران نیز به این قواعد پایبند بمانند، مشارکت برای آنان کم‌هزینه‌تر و ثمربخش‌تر خواهد شد. این تجربه کوچک را می‌توان تمرینی برای فهم سازوکارهای اعتماد در مقیاس جامعه دانست.

از منظر نظریه بازی‌ها، «بازگشت به مردم» زمانی تحقق می‌یابد که قواعد و بازآوردهای بازی میان دولت و شهروندان تغییر کند. دولتی که اختیار وضع و اجرای قواعد را در دست دارد، در ایجاد تعهد معتبر و تغییر انتظارهای عمومی نیز مسئولیت بیشتری دارد. اگر شهروندان ببینند که اعتراضشان پاسخ می‌گیرد، خطای تصمیم‌گیرنده اصلاح می‌شود، قانون درباره صاحبان نفوذ نیز اجرا می‌شود و مشارکت آنان بر تصمیم‌های عمومی اثر می‌گذارد، بازآورد مورد انتظار همکاری تغییر می‌کند. در مقابل، وعده‌های تکراری بدون اقدام قابل مشاهده ممکن است تعادل بی‌اعتمادی را پایدارتر سازد.

بنابراین، مسأله اصلی تنها دعوت مردم به اعتماد یا دعوت دولت به شنیدن صدای مردم نیست؛ مسأله، انتقال از یک تعادل نامطلوب به تعادلی است که در آن همکاری، رعایت حقوق دیگران و پاسخگویی برای بازیگران منفعت بیشتری داشته باشد. چنین انتقالی به تغییر قواعد، کاهش امتیازهای انحصاری، تعهدات معتبر، امکان نظارت و تکرار تجربه‌های موفق همکاری نیاز دارد. نظریه بازی‌ها به ما یادآوری می‌کند که حتی اگر همه از وضع موجود ناراضی باشند، تغییر خودبه‌خود رخ نمی‌دهد. باید شرایطی فراهم شود که بازیگران، با در نظر گرفتن رفتار و انتظارهای یکدیگر، انگیزه انتخاب استراتژی‌های تازه را پیدا کنند. بازسازی اعتماد عمومی نیز از همین مسیر می‌گذرد: تغییر ساختار انگیزه‌ها و فراهم‌کردن امکان حرکت از تعادل بی‌اعتمادی به تعادل همکاری.



عکس: ایرنا

> مسأله اصلی تنها دعوت مردم به اعتماد یا دعوت دولت به شنیدن صدای مردم نیست؛ مسأله، انتقال از یک تعادل نامطلوب به تعادلی است که در آن همکاری، رعایت حقوق دیگران و پاسخگویی برای بازیگران منفعت بیشتری داشته باشد. چنین انتقالی به تغییر قواعد، کاهش امتیازهای انحصاری، تعهدات معتبر، امکان نظارت و تکرار تجربه‌های موفق همکاری نیاز دارد

معاون وزیر اقتصاد، فضاسازی‌ها علیه پرونده ایران در نشست FATF رم را رد کرد

دردسر جایگزینی برداشت‌های سیاسی با تفسیرهای حقوقی و فنی

گزارش

گروه سیاسی

نشست اخیر گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در رم، بار دیگر پرونده ایران در این نهاد بین‌المللی را به کانون توجهات بازگرداند. نشستی که برخلاف فضاسازی برخی جریان‌های مخالف عادی‌سازی روابط ایران با این نهاد، با ثبت پیشرفت‌هایی در پرونده کشورمان همراه بود.

جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکرات و دفاعیات فنی خود، با وجود حضور نمایندگان آمریکا و رژیم صهیونیستی و تلاش آنها برای جلوگیری از پیشرفت پرونده، توانست موافقت و اجماع اعضای FATF را درباره پیشرفت ۱۰ بند از برنامه اقدام ۴۰ بندی خود به دست آورد. این در حالی است که در یک سال گذشته نیز پنج مورد از ۱۰ حق تحفظ ایران درباره کنوانسیون‌های پالرمو و CFT مورد پذیرش اعضای این گروه قرار گرفته است.

با این حال، انتشار بیانیه اخیر FATF و تأکید بر باقی ماندن ایران در فهرست کشورهای پرخطر، بار دیگر بهانه‌ای برای طرح این ادعا فراهم کرد که تلاش‌های دولت چهاردهم برای بهبود وضعیت ایران در این نهاد بی‌نتیجه بوده است. این در حالی است که هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی در تشریح جزئیات اجلاس رم، ضمن توضیح درباره ماهیت پیشرفت‌های حاصل شده، از سه انحراف اساسی در مسیر بررسی پرونده ایران در FATF پرده برداشته و به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و اتهامات مطرح شده درباره این پرونده پاسخ داده است.



خانی در گفت‌وگو با ایرنا، توضیح داد که FATF طی این سال‌ها اجرای برنامه اقدام ایران را دنبال کرده و همچنان معتقد است تکمیل این برنامه و اثبات اجرای تعهدات آن، پیش‌شرط خروج ایران از فهرست کشورهای پرخطر است. در همین چارچوب، ایران طی یک سال گذشته سه نشست و دور مذاکره با این نهاد داشته و توانسته است در مجموع پنج مورد از ۱۰ حق تحفظ خود درباره کنوانسیون‌های پالرمو و CFT را به تأیید اعضا برساند. علاوه بر این، اصلاحاتی که در آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم انجام شده، زمینه پذیرش پیشرفت ۱۰ بند از برنامه اقدام ۴۰ بندی ایران را فراهم کرده است. خانی با اشاره به اینکه نمایندگان کشورهای مختلف عمدتاً نظارگر دفاعیات ایران در برابر پرسش‌های نمایندگان کشورهای اصلی FATF بودند، اظهار کرد: «حتی نمایندگان آمریکا نیز نتوانستند پرسشی مطرح کنند که هیأت ایرانی از پاسخ فنی به آن ناتوان باشد و در نهایت پیشرفت‌های مورد نظر ایران با اجماع اعضا پذیرفته شد. این اتفاق، در واقع پاسخی عملی به این ادعاست که با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در FATF اساساً امکان دفاع موفق از پرونده ایران وجود ندارد.»

> کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای و بریکس در نظام استانداردهای مالی بین‌المللی فعالیت می‌کنند و اعضای اصلی FATF هستند. کشورهای عضو این دو مجموعه در مذاکرات خصوصی به ایران اعلام می‌کنند که از نظر سیاسی با کشورمان مشکلی ندارند، اما بانک‌های آنها ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی هستند و نمی‌توانند صرفاً به دلیل روابط دوستانه با ایران از اجرای این استانداردها چشم‌پوشی کنند

پرونده‌ای که ۸ سال در مجمع تشخیص معطل ماند

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اظهارات رئیس مرکز اطلاعات مالی، روایت وی از روند تصویب الحاق ایران به دو کنوانسیون پالرمو و CFT بود. روندی که به گفته او، هشت سال در مجمع تشخیص مصلحت نظام متوقف ماند و بخش مهمی از این تأخیر ناشی از طرح نگرانی‌ها و تفسیرهای غیرتخصصی درباره مفاد این دو کنوانسیون بود. خانی با توصیف این ماجرا به عنوان داستانی دردناک، تأکید کرد: «در نهایت اعضای مجمع تشخیص پس از بررسی‌های کارشناسی و دریافت توضیحات حقوقی، به جمع‌بندی برای الحاق ایران به این دو کنوانسیون رسیدند.»

چرا با تصویب پالرمو و CFT ایران از لیست سیاه خارج نشد؟

یکی از پرسش‌های مهم در پرونده FATF این است که اگر الحاق به پالرمو و CFT انجام شده، چرا ایران همچنان در فهرست کشورهای پرخطر باقی مانده است؟ خانی در پاسخ به این پرسش توضیح داد: «برخلاف تصور برخی افراد، تصویب این دو کنوانسیون به معنای خروج فوری ایران از فهرست سیاه نبوده است.»

به گفته وی، ایران در زمان الحاق به این دو کنوانسیون ۱۰ شرط و حق تحفظ تعیین کرده است؛ تعداد قابل توجهی که در مقایسه با رویه سایر کشورها کم سابقه بوده و حتی برای اعضای FATF نیز پرسش‌برانگیز شده است. در مذاکرات، نمایندگان این نهاد از هیأت ایرانی پرسیده‌اند کشوری که مدعی است با جرایم سازمان‌یافته فراملی و تأمین مالی تروریسم مقابله می‌کند، چرا برای اجرای مفاد این کنوانسیون‌ها تا این اندازه تحفظ تعیین کرده است؟

خانی افزود: «شخصاً از ابتدا با تعیین تعداد زیادی شرط مخالف بودم، اما به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران وظیفه داشتم از تحفظ‌های تصویب شده دفاع کنم. این دفاعیات طی جلسات یک سال گذشته دنبال شده و در نهایت پنج مورد از ۱۰ شرط ایران مورد پذیرش اعضا قرار گرفته است. پنج شرط دیگر نیز به دلیل قانع‌کننده نبودن دفاعیات ایران از نظر اعضای FATF پذیرفته نشده است.»

نکته مهم دیگر این است که FATF از سه کشور حاضر در فهرست سیاه، یعنی ایران، کره شمالی و میانمار، گزارش‌های پیشرفت دوره‌ای درخواست می‌کند. بنابراین، روند خروج از این فهرست مستلزم ارائه گزارش، بررسی اقدامات انجام شده و اثبات اجرای تعهدات است و نمی‌توان انتظار داشت صرف تصویب یک کنوانسیون، وضعیت کشور بلافاصله تغییر کند.

رئیس مرکز اطلاعات مالی همچنین به بیانیه اخیر FATF اشاره کرده و گفت: «مقایسه آن با بیانیه‌های قبلی نشان‌دهنده پیشرفت پرونده ایران است. در ارزیابی جدید، بخش عمده بندهای برنامه اقدام مورد پذیرش قرار گرفته و از مجموع ۴۰ بند، تنها حدود ۱۴ یا ۱۵ بند همچنان مورد پذیرش و اجماع قرار نگرفته است. بنابراین، باقی ماندن ایران در فهرست سیاه به معنای بی‌نتیجه بودن مذاکرات و اقدامات انجام شده نیست.»

سه انحراف در پرونده FATF

خانی در بخش دیگری از این گفت‌وگو، به سه انحراف اساسی مخالفان عادی‌سازی پرونده ایران در FATF پرداخت. به گفته رئیس مرکز اطلاعات مالی، انحراف نخست، جایگزین کردن تفسیرهای شخصی و سیاسی به جای تفسیرهای حقوقی و فنی اسناد بین‌المللی است.

مثلاً در سال‌های گذشته بارها ادعا شده که الحاق ایران به پالرمو و CFT به معنای ارائه اطلاعات بانکی و تراکنش‌های مالی کشور به طرف‌های غربی است یا اینکه عادی‌سازی روابط با FATF ایران را ملزم می‌کند برخی گروه‌ها و جریان‌های مقاومت را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد. وی این ادعاها را فاقد مستندات حقوقی دانسته و تأکید کرد: «هیچ ماده‌ای از کنوانسیون‌ها یا توصیه‌های FATF چنین الزامی را برای ایران ایجاد نمی‌کند.»

معاون وزیر اقتصاد ادامه داد: «انحراف دوم، تلاش برای پاک کردن صورت‌مسأله و خارج کردن پرونده FATF از دستور کار بوده است. برخی به جای تلاش برای حل مشکلات و مدیریت تعهدات بین‌المللی کشور، اساساً خواستار مسکوت ماندن این پرونده بودند. این رویکرد غیرواقع‌بینانه بود. چرا که نمی‌توان با نادیده گرفتن FATF، آثار و تبعات آن را از نظام مالی بین‌المللی حذف کرد.»

به گفته رئیس مرکز اطلاعات مالی، انحراف سوم نیز القای این تصور به مسئولان کشور بوده که با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در FATF، اساساً هیچ نتیجه‌ای به نفع ایران از مذاکرات حاصل نخواهد شد. این ادعا نیز در عمل نادرست از آب درآمده است. چراکه هیأت ایرانی با وجود محدودیت امکانات و نبود همکاری کافی برخی دستگاه‌های داخلی، توانسته است با اتکا به اصلاحات انجام شده و دفاعیات حقوقی، موافقت اعضا را درباره بخشی از مطالبات ایران جلب کند.

آیا FATF از ایران اطلاعات تراکنش‌های بانکی را مطالبه می‌کند؟

کدام کشور تاکنون تراکنش‌های مالی خود را در اختیار FATF قرار داده است که ایران قرار باشد دومین کشور باشد؟ خانی با طرح این سؤال ادامه داد: «هیچ یک از توصیه‌های FATF کشورها را ملزم نمی‌کند اطلاعات عمومی تراکنش‌های بانکی خود را در اختیار این نهاد یا سایر کشورها قرار دهند و مخالفان باید مشخص کنند چنین الزامی در کدام ماده یا بند از اسناد این گروه آمده است.»

وی این ادعا را توهین به شأن دستگاه‌های امنیتی، قضایی و نظارتی کشور دانست و افزود: «چگونه ممکن است نهادهای مسئول کشور متوجه انتقال اطلاعات بانکی نشده باشند، اما افرادی که حتی در جلسات تخصصی حضور نداشته‌اند از وقوع چنین اتفاقی خبر داشته باشند؟»

ادعای دیگری که معاون وزیر اقتصاد به آن پاسخ داد، الزام ایران به تروریستی اعلام کردن گروه‌های مقاومت در صورت عادی‌سازی روابط با FATF است. خانی این ادعا را نیز فاقد مبنای حقوقی دانست و تأکید کرد: «هیچ سندی از این نهاد وجود ندارد که ایران را ملزم به تروریستی اعلام کردن گروه‌های مقاومت کند.»

وی برای توضیح سازوکار مورد استناد FATF به قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد و گفت: «قطعنامه ۱۲۶۷ ناظر بر فهرست گروه‌های تروریستی مشخص‌شده در چارچوب سازمان ملل، از جمله داعش و القاعده است و قطعنامه ۱۳۷۳ نیز به کشورها اجازه می‌دهد درباره تروریسم داخلی و اشخاصی که در قلمرو خود مرتکب اقدامات تروریستی شده‌اند، تصمیم‌گیری کنند.»

رئیس مرکز اطلاعات مالی در ادامه سخنان خود، در پاسخ به این دیدگاه که عضویت ایران در سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای می‌تواند جایگزین همکاری با FATF شود، توضیح داد: «اتفاقاً کشورهای عضو این دو مجموعه نیز در نظام استانداردهای مالی بین‌المللی فعالیت می‌کنند و اعضای اصلی FATF هستند.»

به گفته خانی، کشورهای عضو بریکس و شانگهای در مذاکرات خصوصی به ایران اعلام می‌کنند که از نظر سیاسی با کشورمان مشکلی ندارند، اما بانک‌های آنها ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی هستند و نمی‌توانند صرفاً به دلیل روابط دوستانه با ایران از اجرای این استانداردها چشم‌پوشی کنند.

معاون وزیر اقتصاد، در پایان سخنان خود گفت: «چرا عده‌ای همیشه القای نگرانی می‌کنند؟ گواهینامه اف‌ای‌تی‌اف سال به سال تمدید می‌شود خب اگر دغدغه داشتید و نگرانی‌هایتان محقق شد، سال آینده برای تمدید آن اقدام نکنید. توانستیم ثابت کنیم جلسات دفاعیه ما در اف‌ای‌تی‌اف سیاسی نیست و کاملاً فنی، حقوقی و اقتصادی است و توضیحات ما پذیرفته شد. من به یکی از کسانی که مرتباً علیه پیگیری‌های پرونده ایران در اف‌ای‌تی‌اف با رسانه‌ها مصاحبه می‌کند، گفتم ای کاش حاضر شوید در مراجع قضایی علیه اقدامات مرکز اطلاعات مالی طرح دعوا و اثبات کنید که ما در حال دادن تراکنش‌های مالی کشور به سایر کشورها هستیم یا اصلاً به دستگاه‌های امنیتی گزارش دهید که مرکز اطلاعات مالی گزارش وارونه از واقعیت‌ها ارائه می‌دهد. این افراد اصلاً مستندات را نمی‌خوانند.»



«ایران» در گفت‌وگو با صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، تأثیر شکست جمهوری‌خواهان بر مواجهه آمریکا با ایران را بررسی می‌کند

جناح جنگ‌طلب در واشنگتن تضعیف می‌شود؟

گزارش

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و از دست رفتن اکثریت کرسی‌های این حزب در هر دو مجلس نمایندگان و سنا، بار دیگر بحث درباره پیامدهای جنگ با ایران و تأثیر آن بر معادلات سیاسی واشنگتن را به صدر توجهات بازگردانده است. در روزهای پس از اعلام نتایج، شماری از تحلیلگران و حتی چهره‌های سیاسی آمریکا، جنگ با ایران و تبعات ناشی از آن را از عوامل مؤثر در شکست جمهوری‌خواهان دانسته‌اند؛ موضوعی که چشم‌انداز ادامه این منازعه و رویکرد دولت آمریکا در قبال آن را با ابهام‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است.

اهمیت این مسأله زمانی بیشتر می‌شود که انتقادها از جنگ، صرفاً به مخالفان سیاسی دولت محدود نمانده و در اردوگاه جمهوری‌خواهان نیز صداهای معترضی به گوش می‌رسد.

اعتراض به ترامپ از مسیر صندوق‌های رأی



محمد بیات، پژوهشگر روابط بین‌الملل با اشاره به نقش جنگ علیه ایران در شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان می‌گوید که این مسأله حتی از سوی سیاستمداران ارشد این حزب و مقام‌های حاضر در کاخ سفید نیز مورد تأکید قرار گرفته است. او با بیان اینکه دلیل اصلی این شکست، همان‌طور که خود سیاستمداران ارشد حزب جمهوری‌خواه و مقام‌های مستقر در کاخ سفید هم به آن اشاره کرده‌اند جنگ علیه ایران بوده است، می‌افزاید: «ما به خوبی می‌دانیم که جریان ماگا جریانی ضدجنگ و انزواگراست که اساساً با مداخلات بی‌پایان و بیهوده دولتمردان و ساختار سیاسی واشنگتن در امور سایر دولت‌های جهان مخالفت می‌کند. این جریان، فی‌نفسه مخالف مداخله خارجی است.»

او در ادامه با اشاره به تأثیر پیامدهای اقتصادی جنگ بر زندگی آمریکایی‌ها تأکید می‌کند: «در کنار این مسأله، طولانی‌تر شدن بحران و تأثیر پیامدهای آن بر معیشت و زندگی آمریکایی‌ها نیز باعث شد بخشی از رأی‌دهندگان و حامیان حزب جمهوری‌خواه قانع نشوند که بار دیگر به نمایندگان این حزب اعتماد کنند و پای صندوق‌های رأی بروند.»

بیات همچنین یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکست جمهوری‌خواهان را به نقش‌آفرینی مستقیم دونالد ترامپ در این رقابت‌ها مرتبط می‌داند. به اعتقاد او، ورود رئیس جمهوری آمریکا به کارزار انتخاباتی و طرح وعده‌هایی غیرمتعارف از جمله وعده پرداخت پول به مردم یا اظهاراتی با این مضمون که رأی‌دهندگان تصور کنند نام ترامپ را روی برگه‌های رأی می‌نویسند، به شکل‌گیری نوعی دوقطبی غیرضروری و حتی کاذب در فضای سیاسی آمریکا دامن زد.

این پژوهشگر روابط بین‌الملل معتقد است چنین فضایی فرصتی را فراهم کرد تا شهروندان آمریکایی اعتراض خود را به سیاست‌های دولت ترامپ از طریق صندوق‌های رأی نشان دهند. وی در تشریح این مسأله تأکید کرد: «رأی به دموکرات‌ها و شکست جمهوری‌خواهان لزوماً به معنای حمایت مثبت از نمایندگان حزب دموکرات نبود، بلکه بیش از هر چیز بیانگر مخالفت با سیاست‌های منفعت‌طلبانه و شخصی‌سازی شده دونالد ترامپ بود.» به گفته بیات، از این منظر، نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای را نمی‌توان صرفاً در چارچوب رقابت دو حزب اصلی آمریکا ارزیابی کرد، بلکه این نتایج بازتابی از نارضایتی بخشی از جامعه آمریکا از عملکرد و رویکرد سیاسی رئیس جمهوری این کشور نیز به شمار می‌رود.

بیات در ادامه با اشاره به پیامدهای تحولات اخیر بر معادلات سیاسی واشنگتن، معتقد است که اکنون نوعی زلزله سیاسی در واشنگتن رخ داده و چهره‌هایی از جمله مارکو روبیو، وزیر خارجه و جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا با توجه به تأثیر تحولات اخیر بر آینده سیاسی خود، در تلاش هستند بر جهت‌گیری سیاست‌های ترامپ، بویژه در پرونده ایران تأثیر بگذارند.

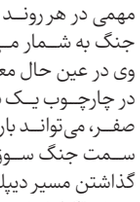
این پژوهشگر روابط بین‌الملل با اشاره به تفاوت رویکرد ونس و روبیو در قبال ایران اظهار کرد: «ونس معتقد است از روز اول با جنگ مخالف بوده و همچنان راه‌حل دیپلماتیک را دنبال می‌کند. او به نوعی در پی آن است که نقش یک قهرمان را ایفا کند و دولت، شخص خود و حزب جمهوری‌خواه را از باتلاق جنگ ایران نجات دهد.»

او در تشریح رویکرد جریان مقابل ونس افزود: «در سوی دیگر روبیو قرار دارد که به همراه پیت هگست، وزیر جنگ، از طرفداران سیاست‌های تهاجمی‌تر در قبال ایران هستند. این جریان معتقد است باید ایران را محاصره و تحریم‌ها علیه آن را تشدید کرد و در صورت عقب‌نشینی نکردن جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای، حمله نظامی سنگین دیگری را در دستور کار قرار داد.»

بیات با اشاره به رقابت این دو جریان در ساختار سیاسی آمریکا، تأکید کرد که موضع‌گیری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بر این کشاکش اثرگذار است. به گفته وی، اسرائیل و لابی یهودی در واشنگتن در کنار رویکرد روبیو قرار گرفته‌اند، در حالی که برخی کشورهای عربی منطقه از دیدگاه‌های ونس حمایت می‌کنند. همین صف‌بندی‌ها سبب شده است موازنه میان دو جریان در مقاطع مختلف تغییر کند. این پژوهشگر روابط بین‌الملل در نهایت با اشاره به فضای ابهام‌آلود پیش رو تأکید کرد: «امروز کشاکش و برخورد میان این دو نیروی سیاسی در داخل دولت و حزب جمهوری‌خواه جریان دارد و مجموعه این عوامل است که در نهایت مشخص می‌کند کدام‌یک از این دو رویکرد دست بالا را پیدا خواهد کرد و ترامپ درباره ادامه جنگ یا حرکت به سمت صلح با ایران چه تصمیمی خواهد گرفت.»

سرنوشت جنگ در گرو تصمیم ترامپ

با این وجود، این پرسش همچنان مطرح است که اختلافات در ساختار سیاسی واشنگتن تا چه اندازه می‌تواند بر تصمیم نهایی کاخ سفید درباره جنگ تأثیر بگذارد. در مقابل تحلیل‌هایی که بر نقش این رقابت‌ها و تلاش بازیگران منطقه‌ای برای اثرگذاری بر تصمیم‌های ترامپ تأکید دارند، **مصطفی زهرانی، رئیس پیشین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه** معتقد است نباید اختلاف نظرها در کابینه یا تغییر موازنه سیاسی در کنگره را عاملی بازدارنده در برابر تصمیم‌های رئیس جمهوری آمریکا دانست. به گفته وی، دست‌کم تا زمان آغاز به کار کنگره جدید، تصمیم‌گیری درباره جنگ همچنان در اختیار ترامپ خواهد بود.



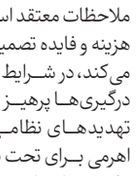
زهرانی: دست‌کم تا زمان آغاز به کار کنگره جدید، تصمیم‌گیری درباره جنگ همچنان در اختیار ترامپ خواهد بود

قریبی: اگر ترامپ توان و ظرفیت انجام عملیات بدون ریسک و هزینه علیه ایران را داشت، تاکنون چنین تهاجمی را خیلی زودتر آغاز کرده بود

بیات: رأی به دموکرات‌ها، بیش از هر چیز بیانگر مخالفت با سیاست‌های منفعت‌طلبانه، شخصی‌سازی شده و غیرملی دونالد ترامپ بود

محاسبات معامله‌گر کاخ سفید

با این حال هزینه‌های سیاسی جنگ در داخل آمریکا برای ترامپ نیز عاملی است که در ارزیابی احتمال ازسرگیری درگیری‌ها نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.



حسین قریبی، سفیر پیشین ایران در برزیل با تأکید بر همین مسأله معتقد است باید شرایط را از منظر هزینه‌هایی سنجید که حمله مجدد به ایران می‌تواند برای ترامپ در عرصه داخلی آمریکا به همراه داشته باشد. به باور وی، چنین اقدامی نه‌تنها کمکی به بازسازی اعتبار سیاسی رئیس جمهوری آمریکا نخواهد کرد، بلکه می‌تواند موقعیت او را در برابر مخالفانش در هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات دشوارتر سازد.

قریبی در این‌باره می‌گوید: «اگر ترامپ توان و ظرفیت انجام عملیات بدون ریسک و هزینه علیه ایران را داشت، تاکنون چنین تهاجمی را خیلی زودتر آغاز کرده بود.»

این دیپلمات پیشین در ادامه با اشاره به پیامدهای سیاسی احتمالی حمله مجدد آمریکا تأکید می‌کند که واکنش نیروهای ایرانی می‌تواند حتی به نزدیک‌تر شدن بخشی از جمهوری‌خواهان مخالف جنگ به جریان اصلی حزب دموکرات منجر شود؛ اتفاقی که فشار بر ترامپ را در ماه‌های پیش رو افزایش خواهد داد. وی در این باره اظهار می‌دارد: «چه بسا حمله مجدد آمریکا و واکنش‌های ویرانگر نیروهای مسلح ایرانی، باعث نزدیکی طیفی از مخالفان جنگ در جریان جمهوری‌خواه و شاکله اصلی حزب دموکرات شود که شرایط را برای آقای ترامپ در هفته‌های آینده و در مجموع دو سال پیش رو بسیار سخت‌تر کنند.» قریبی با توجه به این ملاحظات معتقد است ترامپ که همواره هزینه و فایده تصمیم‌های خود را محاسبه می‌کند، در شرایط کنونی از تشدید واقعی درگیری‌ها پرهیز خواهد کرد و احتمالاً تهدیدهای نظامی را بیشتر به‌عنوان اهرمی برای تحت فشار قرار دادن ایران و کسب امتیاز در مذاکرات به کار خواهد گرفت. البته وی در پایان یادآور می‌شود که سرعت و شکنندگی تحولات جاری به اندازه‌ای است که ارزیابی‌ها درباره آینده منازعه باید به‌طور مستمر با شرایط جدید به‌روزرسانی شوند.

آگهی تجدید فراخوان مناقصه

وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهر جدید پردیس

کد: ۱۴-۴۰۵-۲۰۰-ر — نوبت: دوم

شرکت عمران شهر جدید پردیس در نظر دارد براساس بند ۴ صورتجلسه شماره ۱۱۱۹/۱۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ هیأت‌مدیره شرکت عمران شهر جدید پردیس نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط اقدام نماید. لذا از پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت، تکمیل و بارگذاری اسناد به‌شرح ذیل اقدام نمایند:

موضوع: خرید دو دستگاه سرور و ۴ دستگاه هارد شرکت عمران شهر جدید پردیس

۱- **نوع مناقصه:** عمومی یک‌مرحله‌ای.

۲- شماره ثبت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ۲۰۰۵۰۰۱۰۹۸۰۰۰۰۲۰ است. کلیه مراحل مناقصه از دریافت و بارگذاری اسناد مناقصه و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه ستاد (www.setadiran.ir) انجام می‌شود.

۳- **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** شهر جدید پردیس، فاز یک، میدان عدالت، خیابان فروردین شمالی، خیابان پیام، خیابان عمران، شرکت عمران شهر جدید پردیس. تلفن: ۷۶۲۷۵۵۰۰، داخلی ۲۰۳-۲۱۱.

۴- **مدت پیمان:** یک هفته.

۵- **مبلغ برآورد اولیه:** ۴۳/۴۱۴/۰۰۰/۰۰۰ (چهل‌وسه میلیارد و چهارصد و چهارده میلیون) ریال.

۶- **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** مطابق جدول ۱ از بند «الف» ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ به مبلغ ۲/۱۷۱/۰۰۰/۰۰۰ (دومیلیارد و یک‌صدوهفتادو یک میلیون) ریال.

۷- **مجوز فعالیت:** پروانه فعالیت شرکت ۱- مجوز معتبر از سازمان نظام صنفی رایانه‌ای ۲- پروانه فعالیت معتبر از وزارت صمت یا اتحادیه تابعه ۳- مجوز فعالیت مشاوران از سازمان نظام صنفی رایانه‌ای درصورت ارائه خدمات مشاوره‌ای ۴- گواهی صلاحیت عوامل نظام فنی و اجرایی از سازمان برنامه و بودجه کشور ۵- گواهی صلاحیت افتا از مرکز راهبردی افتا ریاست جمهوری (به‌صورت توأم) که می‌بایست دارای اعتبار باشد.

۸- **دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد:** از ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۵.

۹- **تحویل اسناد مناقصه:**

۹-۱- به‌صورت الکترونیکی تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ در سامانه ستاد بارگذاری شود.

۹-۲- به‌صورت فیزیکی (فقط پاکت "الف") تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ به دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پردیس تحویل شود.

۱۰- **زمان و محل بازگشایی پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، پ و ج":** ساعت ۱۰:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸، در سالن اجتماعات شرکت عمران شهر جدید پردیس.

۱۱- هزینه خرید اسناد مناقصه از سامانه ستاد ۲,۰۰۰,۰۰۰ (دو میلیون) ریال است.

۱۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید پردیس

آگهی فراخوان مزایده عمومی

موضوع ماده ۱۲

مزایده شماره PIDIDC-1405/409
مجتمع پتروشیمی ارغوان گستر ایلام

شرکت پتروشیمی ارغوان گستر ایلام (سهامی عام) در نظر دارد میزان ۵۰ تن ضایعات چوبی موجود در انبار این شرکت را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و صلاحیت واگذار نماید.

۱- موضوع مزایده: فروش ضایعات چوبی

۲- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۳- انواع تضمین های معتبر در مزایده:

۳-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۳-۲) واریز به حساب اعلام شده در اسناد مزایده

۴- مهلت و نحوه دریافت اسناد مزایده:

مهلت دریافت اسناد مزایده: تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

• بازدید از اقلام مزایده به‌صورت حضوری در محل مجتمع به آدرس: شهرستان ایلام، شهر چوار، بلوار پتروشیمی، شرکت پتروشیمی ارغوان گستر ایلام، با درخواست کتبی بلا مانع است.

متقاضیان واجد شرایط برای دریافت اسناد مزایده، با ارسال نامه اعلام آمادگی (شامل نام شرکت، شماره تماس و آدرس رایانامه) به آدرس agipc.comm@pididc.com اقدام نمایند. اسناد مزایده پس از دریافت نامه اعلام آمادگی به‌صورت الکترونیکی به رایانامه متقاضیان ارسال خواهد شد.

۵- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی:

تهران، ضلع غربی میدان شیخ بهایی، برج رایان ونک، واحد ۵۰۱- واحد کمیسیون معاملات- تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷

تذکر ۱- به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر ۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.

تذکر ۳- هزینه آگهی به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.

این آگهی در پرتال الکترونیکی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام به آدرس WWW.PIDIDC.COM در قسمت مناقصات/ مزایدات قابل رؤیت می‌باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۸۶۰۹۲۸۶۲ داخلی ۱۹۲ تماس حاصل فرمایید.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

تقاضای شماره: MS-0540296

نوبت دوم

مناقصه خرید پودر آتش نشانی ABC

شرکت انتقال گاز ایران در نظر دارد مناقصه تأمین اقلام تقاضا را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) برگزار نماید. تمامی مراحل برگزاری مناقصه (دریافت استعلام ارزیابی کیفی ارائه اسناد ارزیابی کیفی، دریافت باقی مانده اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکت ها) به‌صورت الکترونیکی و از طریق درگاه سامانه الکترونیکی دولت(ستاد) انجام خواهد گرفت.

۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: ستاد شرکت انتقال گاز ایران- تهران- میدان ونک-خیابان ملاصدرا-خیابان پردیس- پلاک ۳

۲- موضوع مناقصه: مناقصه خرید پودر آتش نشانی ABC

۳- محل تحویل کالا: انبار شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۳ عملیات انتقال گاز)

۴- مهلت زمانی دریافت کاربرگ‌های استعلام ارزیابی کیفی و فنی اسناد مناقصه: ساعت ۰۸:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۹ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۵، فقط از طریق سامانه ستاد خواهد بود.

۵- مهلت زمانی ارائه و بارگذاری کاربرگ‌های استعلام ارزیابی کیفی و فنی اسناد مناقصه: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷، فقط از طریق سامانه ستاد توسط مناقصه‌گران بارگذاری شود.

۶- شماره فراخوان مناقصه ثبت شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد): ۲۰۰۵۰۹۲۰۳۶۰۰۰۰۱۱

۷- نحوه دریافت اسناد کاربرگ‌های استعلام ارزیابی کیفی: از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir

۸- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مطابق مصوبه‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران و اصلاحیه بعدی آن خواهد بود.

۹- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار میزان ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و متناسب با انواع تضمین‌های اعلام شده در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ (شرکت‌های ایرانی در مقابل تضمین فرآیند ارجاع کار و تضامین انعقاد قرارداد ارزی - ریالی و ضمانت‌نامه پیش پرداخت مجاز هستند به جای ضمانت‌نامه‌های ارزی، ضمانت‌نامه ریالی بانکی معتبر براساس نرخ تسعیر (سامانه نظارت ارز) نیما در زمان تسلیم ارائه نمایند. در هر دوره دوازده ماهه که نرخ تسعیر ارز ده درصد افزایش داشته باشد می‌باید مبلغ ضمانت‌نامه به‌روز شده و کسری آن تحویل شرکت (کارفرما) شود.)

۹- اطلاعات تماس مناقصه‌گزار: مناقصه‌گران برای دریافت اطلاعات بیشتر یا داشتن هرگونه ابهام درخصوص اسناد مناقصه می‌باید درخواست خود را به‌صورت مکتوب به نمابر شماره ۰۲۱-۸۱۳۱۴۱۷۷ ارسال نمایند.

تبصره: اسناد ارزیابی کیفی و فنی، اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به‌صورت فشرده در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی بارگذاری شده که مناقصه‌گر مجاز به دریافت آن خواهد بود.

بنابراین مسؤولیت اطلاع از روند بارگذاری مناقصه و کنترل‌های لازم بر عهده مناقصه‌گران می‌باشد.

۱۰- گشایش پیشنهادها: پاکات پیشنهاد قیمت، ساعت ۰۹:۰۰ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ به نشانی ستاد شرکت انتقال گاز ایران - تهران - میدان ونک - خیابان ملاصدرا - خیابان پردیس - پلاک ۳

۱۱- سایر شرایط متقاضیان شرکت در مناقصه:

۱۱-۱- توانایی تهیه وتسلیم ضمانت‌نامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ کل مبلغ پیشنهادی (در صورت برنده شدن)، متناسب با انواع تضمین‌های اعلام شده در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲

۱۱-۲- مبلغ برآورد کارفرما: ۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

۱۱-۳- اطلاعات کلی مناقصه در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور با کد فراخوان ۲۰۰۵۰۹۲۰۳۶۰۰۰۰۱۱ و سایت shana.ir موجود می‌باشد.

۱۱-۴- پاکات پیشنهاد نرخ مناقصه‌گرانی بازگشایی خواهد شد که براساس آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات تأیید صلاحیت شده باشند.

WWW.NIGTC.IR WWW.SHANA.IR

روابط عمومی شرکت انتقال گاز ایران

شناسه ۲۲۲۲۷۸۴

ایران ویژه تهران

فقط با یک تماس مشترک روزنامه ایران شوید
شماره امور مشترکین
۸۸۷۴۸۸۰۰
۰۹۰۲-۴۱۹۸۲۹۶



واشنگتن با پیوند زدن صلح اوکراین به بازتعریف نظم امنیتی اروپا، متحدانش را نگران کرده است

بروکسل بازنده توافق احتمالی؟

گزارش

زهرا اکبری
گروه بین الملل

مذاکرات سه‌جانبه با هدف پایان دادن به جنگ اوکراین، پس از وقفه‌ای ۹ماهه، روز گذشته در ابوظبی از سر گرفته شد؛ مذاکراتی که روند آن با آغاز جنگ مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران متوقف شده بود. مقام‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند که محور اصلی گفت‌وگوها بررسی تضمین‌های امنیتی برای جلوگیری از شروع مجدد جنگ در صورت برقراری آتش‌بس خواهد بود. هدف این است که مذاکرات از اختلافات ارضی فراتر برود و مسائل گسترده‌تر امنیت اروپا را نیز در بر بگیرد؛ اقدامی که با هدف یافتن راهی برای خروج از بن‌بست کنونی صورت می‌گیرد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، هدف نهایی گفت‌وگوها را دستیابی به یک «توافق بزرگ و درخشان» توصیف کرده است. جرد کوشنر، داماد و فرستاده ترامپ نیز روز دوشنبه در پیامی نوشت که هدف از این مذاکرات، گرد هم آوردن اوکراین و روسیه برای گفت‌وگوی مستقیم درباره نگرانی‌های امنیتی پس از جنگ، پیشنهادها و راهکارهای احتمالی است. تلاش‌های ناکام آمریکا برای میانجیگری و دستیابی به توافق صلح نیز پس از آغاز دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ این کشور بار دیگر بر عهده رستم عمروف، رئیس سرویس اطلاعات خارجی این کشور است، فردی که در مذاکرات قبلی با مسکو نقش محوری داشته است.

به گزارش یورونیوز، کی‌یف همچنین کیریلو بودانوف رئیس دفتر ولودیمیر زلنسکی، داوید آراخامیا رهبر فراکسیون پارلمانی حزب حاکم «خدمتگزار مردم» و سرگئی کیسلیتسیا معاون اول رئیس دفتر ریاست جمهوری اوکراین را به این مذاکرات اعزام کرد. هر چهار عضو هیأت اوکراینی در دورهای قبلی مذاکرات حضور داشته‌اند. این ترکیب نشان‌دهنده حفظ تداوم در رویکرد کی‌یف است؛ رویکردی که بر دستیابی به آتش‌بس و مذاکره درباره تضمین‌هایی برای جلوگیری از تکرار جنگ متمرکز است. اوکراین بارها اعلام کرده که آمادگی بررسی شکل‌های مختلف آتش‌بس را دارد، اما هم‌زمان تأکید کرده است که هرگونه توافق گسترده‌تر باید حاکمیت این کشور را حفظ کند و تضمین‌های امنیتی معتبر و قابل اتکایی در اختیار آن قرار دهد. ثابت ماندن ترکیب هیأت مذاکره‌کننده نشان می‌دهد که کی‌یف قصد دارد همین رویکرد را ادامه دهد و پیش از آغاز دور جدید مذاکرات، تغییر اساسی در مواضع خود ایجاد نکند. در مقابل، مسکو که دست بالاتری دارد مقام‌های ارشد نظامی و دیپلماتیک، از جمله سرگیی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، را به مذاکرات اعزام کرد. فردی که در تدوین مطالبات گسترده امنیتی روسیه از ناتو نقش داشته است. حضور ریابکوف این احتمال را مطرح می‌کند که کرملین قصد دارد دامنه مذاکرات را از مسأله اوکراین فراتر برده و ساختار امنیتی گسترده‌تر اروپا را نیز در دستور کار قرار دهد؛ بویژه پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، اعلام کرد توافق احتمالی می‌تواند فراتر از اوکراین را نیز در بر بگیرد.

> مقامات اروپایی نگران این هستند که فراخوان مذاکره‌کنندگان آمریکایی برای ایجاد «یک ساختار امنیتی گسترده‌تر در اروپا»، بازتاب‌دهنده مواضع و مطالبات کرملین باشد. به اعتقاد آنها روسیه حتی پیش از آغاز دور جدید مذاکرات به یک دستاورد راهبردی رسیده است؛ زیرا مسکو موفق شده دولت ترامپ را به طرح موضوع ایجاد یک چارچوب جدید سوق دهد

نگرانی اروپا از چرخش واشنگتن به سوی مسکو

دونالد ترامپ روز پنج‌شنبه گفت جنگ اوکراین به پایان خود نزدیک شده و پایان دادن به آن ممکن است پای تمام اروپا را نیز به میان بکشد. اما اروپا به‌طور رسمی بخشی از مذاکرات نیست. استیو ویتکاف و جرد کوشنر هفته گذشته، پیش از آغاز مذاکرات سه‌جانبه با روسیه و اوکراین، با مقام‌های اروپایی در بروکسل دیدار کردند. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز شنبه تأکید کرد که «اجرای هرگونه توافقی مستلزم مشارکت اتحادیه اروپا خواهد بود.» فرانسه نیز اعلام کرد که اروپا نمایندگانی را به ابوظبی اعزام خواهد کرد؛ زیرا متحدان غربی کی‌یف نگرانند که ترامپ توافقی را بر اوکراین تحمیل کند که امنیت این قاره را تضعیف کند.

با این حال، همراه کردن کشورهای اروپایی با هرگونه توافق درباره ترتیبات امنیتی منطقه آسان نخواهد بود. لهستان و کشورهای حوزه بالتیک با هرگونه کاهش حضور و استقرار نیروهای نظامی ناتو در خاک خود مخالفند. پیش از این نیز روسیه در سال‌های ۲۰۲۱ و اوایل ۲۰۲۲ تلاش کرده بود از طریق مذاکره به توافقی جامع درباره ساختار امنیتی اروپا دست یابد؛ تلاشی که در آن زمان به نتیجه نرسید.

واقعیت این است که مقامات اروپایی نگران این هستند که فراخوان مذاکره‌کنندگان آمریکایی برای ایجاد «یک ساختار امنیتی گسترده‌تر در اروپا»، بازتاب‌دهنده مواضع و مطالبات کرملین باشد. به اعتقاد آنها روسیه حتی پیش از آغاز دور جدید مذاکرات به یک دستاورد راهبردی رسیده است؛ زیرا مسکو موفق شده دولت ترامپ را به طرح موضوع ایجاد یک چارچوب جدید برای «ساختار امنیتی گسترده‌تر اروپا» به‌عنوان بخشی از هرگونه توافق صلح، سوق دهد.

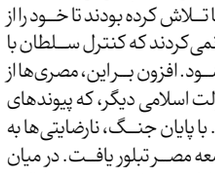
روسیه بارها تأکید کرده است جنگ علیه اوکراین در سال ۲۰۲۲ واکنشی ضروری به تهدیدهای امنیتی ناتو از طریق گسترش به سمت شرق است. در همین چارچوب، به گفته مقام‌های اروپایی، طرح موضوع گسترده‌تر امنیت اروپا از سوی مذاکره‌کنندگان دونالد ترامپ در جریان مذاکرات صلح اوکراین، می‌تواند زمینه را برای بررسی مطالبات امنیتی روسیه و بازتعریف ترتیبات امنیتی اروپا فراهم کند. درواقع مقامات اروپایی نگران این هستند که پذیرش این روند به معنای پذیرش خواسته روسیه برای داشتن نقش و نفوذ بیشتر در تعیین ترتیبات امنیتی اروپا باشد. آنها تأکید دارند که روسیه باید پیش از هرگونه بحث درباره امنیت قاره اروپا، با اوکراین به صلح برسد.

تصمیم دولت آمریکا برای گنجاندن این موضوع در دستور کار مذاکرات، در حالی صورت می‌گیرد که دولت ترامپ به‌شدت به دنبال یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ اوکراین است؛ جنگی که ترامپ پیش از بازگشت به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵ وعده داده بود ظرف ۲۴ ساعت به آن پایان دهد. به گزارش واشنگتن پست؛ مقام‌های امنیتی فعلی و پیشین آمریکا گفته‌اند آمریکا با مطرح کردن احتمال توافق‌های اقتصادی با روسیه، حتی پیش از دستیابی به آتش‌بس، از هم‌اکنون امتیازهای زیادی به مسکو داده است.

نگرانی مقامات اروپا درباره احتمال تلاش دولت آمریکا برای تحمیل توافقی به سود مسکو، پس از آن افزایش یافت که ترامپ در مصاحبه‌ای با برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه خبری سی‌بی‌اس که شامگاه یکشنبه پخش شد، گفت معتقد است: «ما به دستیابی به توافق بسیار نزدیک شده‌ایم.» او همچنین گفت اوکراین احتمالاً پس از پایان جنگ «با شکلی تا حدودی متفاوت» به کار خود ادامه خواهد داد. ترامپ پس از دیدار با کریل دمیتریف، فرستاده پوتین، در کاخ سفید نیز به خبرنگاران گفت ممکن است «توافق بزرگی» شکل بگیرد که «فراتر از اوکراین خواهد بود» و «شاید تمام اروپا را دربر بگیرد».

ترامپ همچنین معتقد است که ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین مانع اصلی در مسیر تلاش‌ها برای برقراری صلح است. او ماه گذشته گفت: «زلنسکی باید بخواهد به این جنگ پایان دهد و اگر چنین نکند، فکر می‌کنم اتفاق بسیار بدی خواهد افتاد.» واشنگتن همچنین ماه گذشته توافقی برای خرید گازوئیل روسیه امضا کرد تا مانع گران‌تر شدن نفت شود.

A History of the Modern Middle East



تاریخ خاورمیانه مدرن (۱۱۲)

ویلیام کلیولند
ترجمه: عسگر قهرمانپور

مصر، عراق و اردن بین ۲ جنگ جهانی

بلافاصله پس از جنگ جهانی اول، تلاش‌های بریتانیا برای حفظ کنترل بر مصر و ایجاد قیمومت در عراق با مقاومت گسترده مردمی روبه‌رو شد. هرچند بریتانیا توانست شورش‌ها در این دو کشور را سرکوب کند، هزینه‌های ناشی از این سرکوب بسیار فراتر از حد انتظار بود و ادامه آن به‌سختی ممکن می‌شد. بنابراین، بریتانیا نظامی موسوم به «امپراطوری مبتنی بر معاهده» طراحی کرد. در چارچوب این نظام، مصر و عراق به نوعی استقلال محدود دست یافتند که به آنها اجازه می‌داد امور داخلی خود را تا حدی مطابق خواست خود مدیریت کنند، اما در عین حال باید پذیرای پایگاه‌های نظامی بریتانیا در خاک خود می‌بودند و سیاست خارجی‌ای را دنبال می‌کردند که برای لندن قابل قبول بود. بدین ترتیب، بریتانیا توانست نیازهای استراتژیک خود را بدون متحمل شدن هزینه‌های مستقیم حکومت‌داری بر این سرزمین‌ها تأمین کند. اما، محدودیت‌های اعمال‌شده بر حاکمیت ملی کامل، باعث بروز اختلافاتی میان رهبران محلی و بریتانیا شد و تنش‌های مداومی در طول این دوره ایجاد کرد.

مبارزه برای قدرت در مصر در دوره بین دو جنگ جهانی

اگرچه مصر در طول جنگ جهانی اول از تبدیل شدن به میدان نبرد مستقیم مصون ماند، اما جمعیت آن در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ با سختی‌های شدیدی مواجه شد. تصمیم بریتانیا برای استفاده از این کشور به‌عنوان نقطه شروع هر دو حمله گالیپولی و سوریه، به معنای به‌کارگیری منابع مادی و انسانی مصر در خدمت تلاش‌های جنگی متفقین بود. حیوانات اهلی و محصولات کشاورزی مصادره شدند و هزاران دهقان به اجبار به خدمت در گروه‌های کارگری غیرنظامی درآمدند و وادار شدند همراه ارتش بریتانیا در حمله به سوریه عثمانی شرکت کنند. ساکنان روستاها و شهرها به یکسان از پیامدهای تورم و کمبود کالاهای ضروری رنج بردند. اعلام بریتانیا مبنی بر قیمومت بر مصر و اعمال حکومت نظامی در سال ۱۹۱۴، فعالیت‌های سیاسی داخلی را به‌طور کامل متوقف ساخت. قیمومت بریتانیا در عمل چهار قرن حاکمیت عثمانی را پایان داد. حاکمان مصر مدت‌ها تلاش کرده بودند تا خود را از سلطه استانبول رها کنند، اما هرگز تصور نمی‌کردند که کنترل سلطان با فرمانبری از کمیسر عالی بریتانیا جایگزین شود. افزون بر این، مصری‌ها از مشارکت اجباری خود در جنگ علیه یک دولت اسلامی دیگر، که پیوندهای دینی عمیقی با آن داشتند، خشنود نبودند. با پایان جنگ، نارضایتی‌ها به شکل بی‌قراری مداوم در تمام سطوح جامعه مصر تبلور یافت. در میان نخبگان، احساسات قوی برای خودگردانی با اظهارات رئیس جمهوری ایالات متحده، وودرو ویلسون، درباره حق تعیین سرنوشت تحریک شد. اما، تجربه جنگ به سیاست‌گذاران بریتانیایی نشان داده بود که مصر تا چه اندازه برای حفظ منافع امپریالیستی لندن حیاتی است و هیچ احتمالی برای خروج داوطلبانه از کشور وجود نداشت. همان‌طور که لرد لوید در سال ۱۹۲۹ در مجلس عوام اعلام کرد: «تنها مکانی که می‌توان از کانال سوئز به‌طور اقتصادی و کافی دفاع کرد، قاهره است». با این حال، اقدامات چند نفراز نخبگان مصری، احساسات ضدبریتانیایی موجود را به شورشی ملی تبدیل کرد که بریتانیایی‌ها را غافلگیر ساخت و آنها را وادار کرد برای استمرار حضور خود در مصر، به دنبال راه‌حلی مبتنی بر توافق و مذاکره باشند.

آگهی فراخوان عمومی جذب سرمایه‌گذار

شهرداری بجنورد

شهرداری بجنورد در نظر دارد به‌منظور مشارکت جهت طراحی، احداث، تجهیز، بهره‌برداری و مدیریت طرح های سرمایه‌گذاری به‌شرح جدول ذیل، از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط برای مشارکت و سرمایه‌گذاری دعوت به‌عمل آورد.

ردیف	موضوع
۱	فراخوان هر نوع سازه تبلیغاتی
۲	مرکز خدمات عمومی رفاهی غذایی و نوشیدنی در دو نقطه ۱- ایستگاه دانشگاه آزاد/ ۲ - میدان امام رضا ایستگاه سواری‌های جاده مشهد
۳	احداث مجموعه ورزشی پدل در پارک نور

فراخوان عمومی و رقابتی به‌صورت پیشنهاد محور؛ به نحوی که سرمایه‌گذاران مجاز هستند با رعایت ضوابط قانونی، پیشنهادهای فنی، مالی و اجرایی خود را ارائه نمایند و شهرداری هیچ‌گونه محدودیتی درخصوص نوع سرمایه‌گذاری، کاربری‌های مجاز و مدل مشارکت ایجاد نمی‌نماید. تصمیم نهایی درخصوص انتخاب طرح برتر توسط هیأت عالی سرمایه‌گذاری شهرداری اتخاذ خواهد شد.

مدارک و اطلاعات مورد نیاز که متقاضیان موظفند در پاکت فیزیکی به‌شرح ذیل به دبیرخانه شهرداری مرکزی تحویل نمایند:

۱- اشخاص حقیقی و حقوقی دارای توان مالی و اجرایی(اشخاص حقوقی: ارائه اساسنامه شرکت، آگهی تأسیس، آخرین آگهی تغییرات شرکت و اشخاص حقیقی: ارائه کپی کارت ملی)

۲- ارائه مدارک پیشنهاد فنی:

۱- معرفی کامل طرح پیشنهادی.۲- طراحی اولیه و کانسپت طرح شامل نقشه‌ها، تصاویر سه‌بعدی یا اسکیس‌های اولیه.۳- معرفی فضاهای پیشنهادی پروژه

۳- ارائه مدارک پیشنهاد مالی:

۱- میزان سرمایه‌گذاری و منابع تأمین مالی.۲- مدل مشارکت پیشنهادی.۳- سهم‌الشرکه و سهم هر یک از طرفین (شهرداری و سرمایه‌گذار).۴- مدت زمان مشارکت و بهره‌برداری پیشنهادی. ۵- پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌های بهره‌برداری.۶- تعهدات مالی سرمایه‌گذار.

۴- ارائه مدارک معیارهای ارزیابی:

۱- سوابق اجرایی و سرمایه‌گذاری مرتبط. ۲-میزان ارزش افزوده ایجاد شده برای شهر.۳- توان مالی و اجرایی سرمایه‌گذار۴- کیفیت طراحی و معماری پیشنهادی ۵- میزان سهم پیشنهادی شهرداری.۶- مدت زمان مشارکت و بهره‌برداری. ۷- نوآوری و جذابیت طرح.۸- سرعت اجرا و فازبندی مناسب پروژه ۹- توجیه‌پذیری اقتصادی طرح.

مهلت زمان ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

اطلاعات تماس شهرداری جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد و ارائه پاکت ها آدرس بجنورد بلوار دولت شهرداری بجنورد و تلفن ۰۵۸-۳۲۲۲۲۱۱۰-۱۴

شهرداری بجنورد

روياساختمان آریا

مناقصه دستمزد اجرای بخش اول نازک کاری پروژه پدیدار

گروه توسعه ساختمان تدبیر

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) در نظر دارد دستمزد اجرای بخش اول نازک کاری پروژه پدیدار را با شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه، به اشخاص ذیصلاح (**حقیقی و حقوقی**) واگذار نماید. لذا از اشخاص واجد شرایط که با در اختیار داشتن امکانات فنی و مالی، توانایی اجرای موضوع مناقصه را دارا می باشند، دعوت می نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه (به مبلغ پنج میلیون ریال) از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ (به غیر از پنج شنبه ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ به دفتر مرکزی شرکت به نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲، پلاک۷، طبقه اول، شماره تلفن: ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۱۷) مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.

- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (سه میلیارد ریال) بوده که بصورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب شرکت رویا ساختمان آریا (شماره حساب در اسناد مناقصه درج شده است) میسر می باشد.
- محل پروژه واقع در تهران، بلوار نلسون ماندلا، نبش خیابان پدیدار
- سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج شده است.
- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهادی، ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ می باشد.
- این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

آگهی مزایده عمومی

سازمان صنایع و معادن مرکزی ایران

شماره مزایده: ۱۴۰۵-۲۱۱-۰۲-۱-۰۱-۰۰۷ نوبت دوم

شرکت سنگ آهن مرکزی ایران - بافق در نظر دارد تعدادی از ماشین‌آلات مازاد و فرسوده خود را (به‌شرح ذیل) از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.

شماره پارت	شرح	تعداد
A-۱	وانت مزدا	۱۱
B-۲	نیسان و پیکان	۴
C-۳	سواری تویوتا	۴
D-۴	سواری پژو	۳
E-۵	پاجیرو سواری	۸
F-۶	موتور سیکلت	۴۷
G-۷	اتوبوس + بنزآتش نشانی	۹+۱
H-۸	کمپرسی ولوو ۱۰ و ۶ چرخ	۹
I-۹	لیفتراک	۲
J-۱۰	لودر هپکو	۴
K-۱۱	جرثقیل	۲
L-۱۲	بیل مکانیکی جک همر	۱

- **مبلغ و نوع سپرده شرکت در مزایده:** به میزان ۱۰٪(ده درصد) جمع کل مبلغ پیشنهادی هر پارت به‌شرح ذیل:

الف) ضمانت‌نامه بانکی معتبر و یا صادر شده از سوی مؤسسات اعتباری غیربانکی که دارای مجوز لازم از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند.

ب) واریز وجه نقد به‌حساب شماره ۸۶۶۴۳۵۷۸۴۳ بانک ملت یا شبا به‌شماره IR۹۳۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۸۶۶۴۳۵۷۸۴۳ در وجه شرکت سهامی خاص سنگ‌آهن مرکزی ایران

- **نحوه خرید اسناد:** ارسال درخواست خرید اسناد مزایده به آدرس ایمیل sale@icioc.ir

- **زمان خرید اسناد مزایده:** از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۹ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۰۳

- **زمان بازدید اقلام مزایده:** متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید همه روزه به استثنای ایام تعطیل رسمی، پنج‌شنبه و جمعه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ از ساعت ۷ صبح الی ۱۳ به آدرس: یزد- بافق- شرکت سنگ آهن مرکزی ایران- ساختمان اداره مرکزی - امور فروش مراجعه نمایند.

- **آخرین مهلت تحویل اسناد مزایده و قیمت پیشنهادی:** تا پایان ساعت اداری ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۹

- **تاریخ بازگشایی پاکات:** روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ (حضور شرکت‌کنندگان در جلسه بازگشایی پاکات بلامانع می‌باشد.)

- **محل تحویل اسناد مزایده:** یزد- میدان امام حسین(ع)- جنب بنیاد شهید- ساختمان شرکت سنگ‌آهن مرکزی ایران- بافق- کمیسیون معاملات- کدپستی ۸۹۱۶۷۱۵۷۶۵

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۳۵-۳۱۴۵۴۴۸۶ تماس حاصل فرمایید.

شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران-بافق

ایران سازمان آگهی‌های بازرگانی

پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷

خبر

وزیر راه و شهرسازی در نوزدهمین همایش بین‌المللی حمل‌ونقل ریلی خبر داد

تأمین ۴۰ هزار میلیارد تومان برای راه‌آهن چابهار-زاهدان

نوزدهمین همایش بین‌المللی حمل‌ونقل ریلی با تأکید بر تکمیل کریدورهای راهبردی، اتصال بنادر به شبکه سراسری، توسعه دیپلماسی ریلی و نوسازی ناوگان برگزار شد. در این رویداد، مسئولان وزارت راه و شهرسازی از تأمین حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان اعتبار برای راه‌آهن چابهار-زاهدان، پیش‌بینی جابه‌جایی بیش از ۵۳۰ میلیون تن بار در مسیر شرق به غرب تا سال ۲۰۳۰ و امضای سه تفاهمنامه برای احداث نیروگاه خورشیدی، تأمین ۳۶ لکوموتیو تمام‌باتری و بازسازی ۲۴ لکوموتیو متوقف خبر دادند.

توسعه زیرساخت‌های ریلی و تبدیل موقعیت جغرافیایی ایران به مزیتی اقتصادی در تجارت و ترانزیت منطقه‌ای، از مهم‌ترین محورهای نوزدهمین همایش بین‌المللی حمل‌ونقل ریلی بود. در این همایش، رئیس جمهوری، وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به ظرفیت مسیرهای بین‌المللی شرق به غرب، تأکید بر ضرورت تکمیل کریدورهای بین‌المللی و افزایش سهم حمل‌ونقل ریلی، بر نقش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، فناوری‌های نوین و همکاری با کشورهای همسایه در ارتقای جایگاه ایران در شبکه حمل‌ونقل منطقه تأکید کردند. در پیام مسعود پزشکیان به این همایش، با تأکید بر اهمیت ایجاد شبکه‌ای کارآمد و رقابت‌پذیر از زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، تکمیل کریدورهای ریلی، اتصال بنادر و مراکز تولیدی به شبکه سراسری و گسترش همکاری با کشورهای همسایه از الزامات بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی ایران برشمرده شده است.

افتتاح ریل چابهار-زاهدان بزودی

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی نیز در این همایش، گفت: «هفت پل ریلی کشور در جنگ آسیب دیدند که نشان داد زیرساخت‌های ریلی تا چه اندازه با تاب‌آوری و ارتباطات داخلی کشور پیوند دارند.»

وزیر راه و شهرسازی در تشریح برنامه‌های توسعه کریدورهای ریلی، اتصال زاهدان به چابهار را از پروژه‌های دارای اهمیت راهبردی و ژئوپلتیکی برای ایران عنوان کرد.

وی گفت: «با وجود شرایط دشوار کشور و وقوع جنگ، حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان برای راه‌آهن چابهار-زاهدان تأمین و تزریق شده است.» وی ابراز امیدواری کرد این پروژه طی یکی دو ماه آینده به بهره‌برداری برسد.

چشم انداز حمل و نقل ۵۳۰ میلیون تنی

یکی دیگر از محورهای اصلی این همایش، توسعه دیپلماسی ریلی و افزایش سهم ایران از حمل‌ونقل بین‌المللی بود. جبارعلی ذاکری، مدیرعامل شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به ظرفیت مسیرهای بین‌المللی شرق به غرب، اظهار کرد: «پیش بینی‌ها نشان می‌دهد حجم حمل‌ونقل بین‌المللی در این مسیر تا افق سال ۲۰۳۰ به بیش از ۵۳۰ میلیون تن خواهد رسید. بنابراین، کشورهای منطقه باید از هم‌اکنون برای استفاده از این ظرفیت و افزایش سهم شبکه ریلی خود برنامه‌ریزی کنند.»

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی برای افزایش ظرفیت عملیاتی شبکه ریلی نیز از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این همایش بود.

ذاکری با اشاره به بررسی‌های اولیه انجام‌شده در این زمینه، گفت: «استفاده از هوش مصنوعی و تعریف شبکه‌ای یکپارچه می‌تواند بهره‌وری شبکه ریلی و ناوگان موجود کشور را حداقل ۱۵ درصد افزایش دهد.»

با سبزپوشی ۹۷ درصد نمادها و ورود ۱۲ همت سرمایه خرد، صف‌های خرید بازار را فرا گرفت

سه‌شنبه رکوردها در بورس

گزارش

گروه اقتصادی



ورود ۱۲ هزار میلیارد تومان پول حقیقی در یک روز به بورس و سبزپوشی ۹۷ درصد نمادها، سه‌شنبه را به یکی از پرتحرک‌ترین روزهای بازار سرمایه تبدیل کرد. پشت این موج خرید، هم تغییر انتظارات سیاسی دیده می‌شد و هم جابه‌جایی پول میان بازارها. اما صف‌های خرید هنوز پاسخ روشنی به پرسش مهم‌تر نمی‌دهند: آیا این تقاضا در روزهای آینده هم دوام می‌آورد؟

بورس تهران روز گذشته را با چنان برتری تقاضایی به پایان رساند که تصویر یک روز کاملاً صعودی را پشت سر گذاشت. چنانکه شاخص کل نزدیک به ۲۲۰ هزار واحد بالا رفت و شمار نمادهای مثبت به حدود ۹۷ درصد رسید و نزدیک به ۱۲ هزار میلیارد تومان پول حقیقی راهی سهام و صندوق‌های سهامی شد. این رقم، بر اساس آمارهای منتشرشده، رکورد تازه‌ای برای ورود روزانه پول حقیقی به بازار است.

شاخص کل با رشد ۲.۷ درصدی به ۸ میلیون و ۳۵۷ هزار واحد برگشت و شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۲.۴۵ درصدی، در سطح ۲ میلیون و ۳۳۸ هزار واحد ایستاد و برای نخستین‌بار وارد کانال ۲.۳ میلیون واحد شد. همزمان، شاخص فرابورس بیش از ۱۶۰۰ واحد رشد کرد و از مرز ۷۰ هزار واحد گذشت که پیش از این در کارنامه این شاخص ثبت نشده بود.

تقاضا فقط به چند سهم بزرگ محدود نماند

اهمیت رشد شاخص‌ها در روز گذشته، تنها در عدد شاخص کل نبود. وقتی نزدیک به همه نمادها سبزپوش‌اند و شاخص هم‌وزن هم تقریباً هم‌پای شاخص کل حرکت می‌کند، می‌توان گفت دامنه خرید از چند شرکت بزرگ فراتر رفته است. البته نمادهای شاخص‌ساز همچنان اثر تعیین‌کننده‌ای داشتند. نمادهایی مثل «فملی» و «فارس» در مجموع بیش از ۶۰ هزار واحد به رشد شاخص کل کمک کردند. اما در کنار آنها، شمار زیادی از شرکت‌های کوچک و متوسط نیز با افزایش قیمت روبه‌رو شدند.

در میان نمادهای پرتراکنش، «فملی»، «وبملت»، «تاصیکو»، «فساپ»، «شبریز» و «حکشتی» به سقف دامنه نوسان رسیدند. صف‌های خرید در پایان معاملات حدود ۱۶ تا ۱۸ همت برآورد شد، در حالی که ارزش سفارش‌های فروش فاصله زیادی با آن داشت. ۶۳۵ نماد در صف خرید بودند و تنها شش نماد صف فروش داشتند. این تصویری است که از تقاضای گسترده خبر می‌داد، اما همزمان نشان می‌دهد که بخش مهمی از خریداران فرصت معامله پیدا نکرده‌اند.

تغییر رویکرد سرمایه‌گذاران؟

مهم‌ترین عدد روز، ورود نزدیک به ۱۲ همت پول حقیقی به سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی بود. منابع مختلف رقم آن را اندکی متفاوت گزارش کرده‌اند، اما در همه آمارها اندازه ورود پول در محدوده‌ای کم‌سابقه و نزدیک به ۱۲ هزار میلیارد تومان قرار داشت. قدرت خرید حقیقی‌ها نیز حدود ۱.۶ برابر گزارش شد. سرانه خرید از سرانه فروش بیشتر بود و این فاصله، برتری خریداران را در جریان معاملات نشان می‌داد.

همزمان بیش از پنج همت از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. کنار هم قرار گرفتن این دو جریان می‌تواند نشانه‌ای باشد از اینکه بخشی از سرمایه‌گذاران حاضر شده‌اند برای کسب بازده بیشتر، ریسک بالاتری را بپذیرند. با این حال، نمی‌توان نتیجه گرفت تمام پول خارج‌شده از صندوق‌های درآمد ثابت مستقیماً وارد سهام شده است و این سرمایه ممکن است به ابزارهای دیگری هم منتقل شده باشد. آنچه روشن است، افزایش محسوس تمایل به خرید دارایی‌های پرریسک‌تر در همین روز معاملاتی است.

خبرهای سیاسی چگونه وارد محاسبات بازار شدند؟

بخشی از توضیح موج خرید را باید در تغییر فضای انتظارات جست‌وجو کرد. خبرهای مرتبط با مذاکرات و برداشت‌هایی از تقویت مسیر دیپلماسی، از نگاه برخی معامله‌گران احتمال کاهش تنش‌های سیاسی را پررنگ‌تر کرد. در بازاری که ریسک‌های بیرونی می‌توانند بر نرخ ارز، هزینه‌های تولید، فروش شرکت‌ها و ارزش‌گذاری سهام اثر بگذارند، حتی تغییر در لحن خبرها هم ممکن است تصمیم خریداران و فروشندگان را جابه‌جا کند.

کاهش قیمت نفت نیز در کنار این خبرها در محاسبات فعالان بازار قرار گرفت، هرچند اثر آن بر همه صنایع یکسان نیست. قیمت جهانی نفت برای برخی شرکت‌ها و بخش‌های اقتصادی می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد؛ بنابراین رشد بازار را نمی‌شود به این عامل به‌تنهایی نسبت داد. دقیق‌تر آن است که بگوییم اخبار سیاسی و اقتصادی، زمینه انتظاری مساعدتری فراهم کردند و در فضایی که تقاضا از پیش پرقدرت بود، به خریدها نیرو دادند. این خبرها البته به معنای توافق قطعی یا رفع ریسک‌های موجود نیستند.

پول به کدام گروه‌ها رفت؟

جریان پول در روز سه‌شنبه میان چند صنعت و صندوق توزیع شد. در میان گروه‌های بورسی، بانک‌ها بیش از یک همت ورود پول حقیقی داشتند. پتروشیمی‌ها و پالایشی‌ها نیز از مقصدهای مهم نقدینگی بودند. صندوق‌های سهامی و صندوق‌های بخشی هم ورود قابل توجه منابع را تجربه کردند. در سطح نمادها، «شبریز»، «وبملت»، «فارس»، «فولاد»، «وتجارت» و «شپنا» در شمار نمادهایی بودند که بیشترین توجه سرمایه‌گذاران حقیقی را به خود جلب کردند. این توزیع نشان می‌دهد بازار فقط به یک روایت یا صنعت خاص تکیه نداشته است. با این حال، ورود پول به گروه‌های مختلف به معنای یکسان بودن چشم‌انداز شرکت‌ها نیست. وضعیت سودآوری، قیمت مواد اولیه، نرخ فروش و شرایط هر صنعت می‌تواند مسیر متفاوتی برای نمادها رقم بزند.

> اهمیت رشد شاخص‌ها در روز گذشته، تنها در عدد شاخص کل نبود. وقتی نزدیک به همه نمادها سبزپوش‌اند و شاخص هم‌وزن هم تقریباً هم‌پای شاخص کل حرکت می‌کند، می‌توان گفت دامنه خرید از چند شرکت بزرگ فراتر رفته است. البته نمادهای شاخص‌ساز همچنان اثر تعیین‌کننده‌ای داشتند

صف خرید و هیجان

ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی در گزارش‌های مختلف حدود ۳۴ تا ۳۶ همت اعلام شد و ارزش کل معاملات بازار از ۶۰ همت گذشت. در نگاه نخست ممکن است این ارقام در مقایسه با صف‌های خرید گسترده چندان چشمگیر به نظر نرسند. اما وقتی سهم بزرگی از تقاضا در صف می‌ماند و عرضه کافی برای انجام معامله وجود ندارد، همه سفارش‌ها به معامله تبدیل نمی‌شوند. بنابراین ارزش معاملات روزانه، در چنین شرایطی تصویر کاملی از حجم تقاضای بالقوه ارائه نمی‌کند.

با این همه، صف خرید به‌تنهایی معادل تقاضای پایدار نیست. بخشی از رشد می‌تواند حاصل هیجان کوتاه‌مدت یا انتظار برای تداوم اخبار مثبت باشد. باید دید بازار در روزهای آینده نیز به این منوال حرکت می‌کند؟ آیا خریداران پس از فروکش کردن موج اولیه نیز در معاملات حاضر می‌مانند و آیا تقاضای امروز به داد‌وستدهای واقعی تبدیل می‌شود؟

در هر حال، روند معاملات در تابلوی بورس اصلاً عادی نبوده است. شاخص‌ها به قله‌های تازه رسیدند، تقریباً تمام بازار در محدوده مثبت بسته شد و ورود پول حقیقی رکورد شکست. این تحولات از بازگشت پرقدرت خریداران حکایت دارد. اما دوام صعود، بیش از یک رکورد روزانه به تداوم نقدینگی، روشن‌تر شدن چشم‌انداز سیاسی و ارزیابی سرمایه‌گذاران از وضعیت واقعی شرکت‌ها وابسته است.

آگهی مزایده عمومی (تک مرحله‌ای)

به‌شماره ۸۴۹۰۰ صادره ۱۴۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۳

مجتمع فولاد صنعت بناب به‌شماره ثبت ۸۷۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۸۲۴۸۹ در نظر دارد **احداث یک واحد بوفه در داخل شرکت مجتمع فولاد صنعت بناب در ابعاد (۳ ×۱۰)** را از طریق برگزاری مزایده عمومی به‌فروش رساند. لذا علاقه‌مندان و متقاضیان شرکت در مزایده عمومی فوق می‌توانند از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۵ جهت بازدید به شرکت مجتمع فولاد صنعت بناب مراجعه و نسبت به اخذ مستندات از سایت این شرکت و تکمیل و تحویل آن تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ اقدام نمایند.

اعلام انصراف: ۱۴۰۵/۰۸/۳۰

بازگشایی پاکات مزایده: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

آدرس سایت: www.mfbco.ir قسمت مزایده‌ها و مناقصات

محل تحویل پیشنهادات:

استان آذربایجان شرقی - شهرستان بناب - شهرک صنعتی بناب - شرکت مجتمع فولاد صنعت بناب - دفتر مدیرعامل شرکت

پاکات پیشنهادی می‌بایست به دفتر مدیرعامل تحویل و شماره و تاریخ درج گردد.

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شماره مناقصه: ۱۴۰۵-۰۸-۸۹

هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد مناقصه خرید تعداد ۳۰ دستگاه مش گرافت تولید داخل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ دانلود اسناد مناقصه در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت از ساعت ۸ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ الی ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۶ می‌باشد.

آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۹ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۷/۸۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد: دانلود از طریق سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۵۰۳۳۹۰۰۰۰۸۴ می‌باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۲۶۰۱۳۲۰ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

دبیرخانه مناقصات

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شماره مناقصه: ۱۴۰۵-۰۸-۸۸

هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد خرید تعداد یک دستگاه سی تی اسکن ۱۲۸اسلایس را از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ توزیع اسناد مناقصه ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ و ۱۴۰۵/۰۸/۲۵ می‌باشد.

جمع‌آوری پیشنهادات حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۴۵/۱۲۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل پیشنهادات: خیابان طالقانی- بین حافظ و استاد نجات‌الهی- شماره۳۶۶- هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۲۶۰۱۳۲۰ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

به‌همراه داشتن معرفی‌نامه جهت دریافت اسناد الزامی می‌باشد.

دبیرخانه مناقصات

آگهی مناقصه عمومی

نوبت اول

شماره مناقصه: ۱۴۰۵-۰۸-۸۷

هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد خرید تعداد ۲۵ دستگاه سی آرم را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ توزیع اسناد مناقصه ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ و ۱۴۰۵/۰۸/۲۵ می‌باشد.

جمع‌آوری پیشنهادات حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۵۹/۴۴۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل پیشنهادات: خیابان طالقانی- بین حافظ و استاد نجات‌الهی- شماره۳۶۶- هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۲۶۰۱۳۲۰ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

به‌همراه داشتن معرفی‌نامه جهت دریافت اسناد الزامی می‌باشد.

دبیرخانه مناقصات

آگهی تغییرات صندوق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار کالایی صبا

به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۴۵۶۳۶۹ و به‌شماره ثبت ۵۴۲۲۹ به استناد صورتجلسه مجمع صندوق مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ و مجوز شماره ۱۲۲/۲۰۵۶۴۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اساسنامه جدید مشتمل بر ۶۸ ماده و ۶۹ تبصره تصویب و جایگزین اساسنامه قبلی گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

شناسه آگهی ۲۳۲۴۵۸۱

آگهی دعوت به مزایده عمومی فروش ۶۰،۰۰۰ کیلوگرم وکس ضایعاتی

شرکت پلیمر آریاساسول ARYA SASOL POLYMER COMPANY

مزایده شماره: ASPC-405/2165/S

شرکت پلیمر آریاساسول (سهامی عام) در نظر دارد **۶۰،۰۰۰ کیلوگرم وکس ضایعاتی** را از طریق مزایده واگذار نماید، لذا بدین‌وسیله از کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی فعال در این زمینه دعوت می‌شود به آدرس وب‌سایت شرکت: http://www.aryasasol.com/ بخش تأمین کنندگان (مزایده و مناقصه) مراجعه نموده و اسناد مزایده را دریافت نمایند. آخرین مهلت ارائه پیشنهادهای قیمت حداکثر تا ساعت ۱۶ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ خواهد بود.

مزایده‌گران می‌بایست پس از بازدید از اقلام یاد شده (با هماهنگی قبلی)، پیشنهادهای قیمت خود را مطابق شرایط مندرج در اسناد مزایده ارسال نمایند. بازدید از اقلام همه روزه (به استثنای روزهای جمعه) از ساعت ۱۰ الی ۱۲ قبل از ظهر و ۱۴ الی ۱۶ بعد از ظهر امکان‌پذیر است.

تلفن تماس: ۰۲۱۸۵۹۲۳۸۱۹ - ۰۲۱۸۵۹۲۲۸۲۱

واحد قراردادهای شرکت پلیمر آریاساسول

STPC

نوبت اول

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره ۱۴۰۵/۱۲۵

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان به آدرس بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت اداری پشتیبانی، امور حقوقی و پیمان‌ها، تلفن ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۸۳ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: استنلس نمودن و اجرای کاشی و سرامیک ضداسید جهت کانال‌های اسیدی و سطحی مجتمع

۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۹ ماه

۳- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۷،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۴- تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی، واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵- مهلت توزیع اسناد مناقصه: از مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۲

۶- ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۶-۱) ارائه آگهی تأسیس شرکت یا آگهی تغییرات جهت کنترل موضوع شرکت با موضوع مناقصه

۶-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری

۶-۳) گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از سوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

۷- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق کمیسیون معاملات- تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۲

۸- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات قیمت: آدرس فوق، کمیسیون معاملات، ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۳۰ می‌باشد که از پیشنهاددهندگان دعوت می‌شود در جلسه گشایش پاکات حضور یابند.

تذکر۱: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نماید.

تذکر۲: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتراز میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت‌مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۳: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

تذکر۴: مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس https://tender.stpc.ir مراجعه و ثبت‌نام نمایند.

تذکر۵: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفتر خانه اسناد رسمی یا دادگاه یا امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

آگهی مزایده

نوبت اول

شماره ۱۴۰۵/۲۳۱/ هـ . ف

یک سازمان دولتی در نظر دارد املاک زیر را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی مزایده تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ همه روزه (غیر از تعطیلات رسمی) از ساعت ۰۷:۰۰ الی ۱۴:۰۰ برای کسب اطلاعات و خرید اسناد مزایده به دفتر فروش به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید عماد مغنیه، پلاک ۷، واحد۹ با شماره تماس ۰۲۱۸۸۷۸۷۸۵۹ و ۰۹۹۶۱۱۱۸۰۷۸ یا به نشانی: زاهدان، زیباشهر، میدان سربازان گمنام، ساختمان شرکت تعاونی مسکن، طبقه ۳ شماره تماس ۰۵۴-۳۳۲۸۰۹۳۵ مراجعه نمایند.

ردیف	موضوع مزایده	پلاک نقشه تفکیکی	مساحت (مترمربع)	قیمت پایه مزایده (به ریال)	سپرده تضمین شرکت در مزایده (به ریال)	آدرس
۱	ششدانگ عرصه و اعیان ۹۱ قطعه زمین با کاربری مسکونی	تعداد ۹۱ قطعه زمین، برابر فرم شماره ۶ اسناد مزایده	۳۸۹۴۲/۶۳	۳،۰۸۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۷۹،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	استان سیستان و بلوچستان، شهرستان زاهدان، زیباشهر، محله ۱۷



ابعاد بازنگری در فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ در گفت‌وگو با کارشناسان اقتصادی

مرز نیازمندی در پرداخت کالابرگ

گزارش

گروه اقتصادی

منابع محدود، اقتضا دارد که سیاست های حمایتی بیشتر متوجه خانوارهای کم برخوردار باشد. دولت با همین استدلال، بازنگری در فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ الکترونیکی را در دستور کار قرار داده است تا امکان تقویت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم شود. اما مسأله اصلی آن است که منابع آزادشده به خانوارهای نیازمند برسد و خطای شناسایی، گروهی از مستحقان را از حمایت محروم نکند.

در این میان دو کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «ایران» می‌گویند اولویت‌دادن به خانوارهای کم‌درآمد، از منظر سیاست حمایتی قابل دفاع است، اما درباره دامنه حذف، معیارهای تشخیص برخورداری و نسبت کالابرگ با حمایت‌های پیشین، ملاحظات مهمی وجود دارد. مرتضی افقه بر توزیع حمایت متناسب با نیاز خانوارها تأکید می‌کند، حسین درودیان استفاده همزمان از اطلاعات درآمد و ثروت را ضروری می‌داند.

افزایش اعتبار با حذف کالابرگ تفاوت دارد

در روزهای اخیر، انتشار ارقام متفاوت درباره سقف درآمد مشمولان، به ابهام درباره آینده کالابرگ دامن زده است. بخشی از این ابهام به تفکیک‌نشدن دو موضوع بازمی‌گردد: شرایط دریافت افزایش اعتبار و شرایط خروج از فهرست دریافت‌کنندگان.

به گزارش ایرنا، حد نصاب درآمدی ۲۰ میلیون تومان برای خانوار سه‌نفره در مهرماه، یکی از معیارهای برخورداری از افزایش اعتبار کالابرگ از یک میلیون به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است؛ نه معیار حذف اصل کالابرگ. بنابراین، برخوردارنبودن از افزایش ۵۰۰ هزار تومانی، به‌خودی‌خود به معنای قطع اعتبار یک میلیون تومانی نیست.

در هدف‌گذاری اولیه، برای ۴۴ میلیون نفر پیامک دعوت به تکمیل فرم خوداظهاری ارسال شده و براساس اطلاعات ارائه‌شده، تاکنون اعتبار کالابرگ ۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. این دو رقم نیز به دو مرحله متفاوت اشاره دارند: جمعیت دعوت‌شده برای بررسی شرایط و جمعیتی که افزایش اعتبار برای آنها اعمال شده است.

همچنین شمار زیادی از افراد خارج از جمعیت هدف افزایش اعتبار، همچنان کالابرگ یک میلیون تومانی دریافت می‌کنند. رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز اعلام کرده است برای افرادی که فرم خوداظهاری را تکمیل نکرده‌اند، مهلت مجدد در نظر گرفته می‌شود و افراد خارج از جمعیت شناسایی‌شده می‌توانند درخواست خود را ثبت کنند تا وضعیت اقتصادی آنان بررسی شود. موضوع جداگانه، اصلاح فهرست دریافت‌کنندگان در آبان‌ماه است که طبق گزارش ایرنا، در مرحله اول یک میلیون خانوار را دربر می‌گیرد. معیارها و حد نصاب‌های این بازنگری قرار است از سوی دولت اعلام شود. از این رو، ارقام منتشرشده درباره حذف گسترده دهک‌ها یا سقف دارایی‌ها، تا پیش از اعلام رسمی، نمی‌تواند مبنای قطعی قضاوت درباره سیاست اجرایی باشد.

منابع محدود و ضرورت تعیین اولویت

دولت پس از حذف ارز ترجیحی، اعتبار ماهانه یک میلیون تومانی برای خرید ۱۱ قلم کالای اساسی اختصاص داد. قرار بود این اعتبار به‌صورت دوره‌ای و متناسب با تغییر نرخ ارز و قیمت کالاها بازنگری شود، اما بر اساس سوابق ارائه‌شده، رقم آن برای عموم دریافت‌کنندگان طی ۱۰ ماه ثابت مانده و افزایش اعتبار فقط برای بخشی از جمعیت اعمال شده است.

توضیح دولت برای افزایش‌نیافتن اعتبار همه دریافت‌کنندگان، محدودیت بودجه است. در چنین شرایطی، ادامه پرداخت یکسان به گروه‌های مختلف درآمدی، امکان تقویت حمایت از خانوارهایی را محدود می‌کند که بخش بزرگ‌تری از درآمدشان صرف خرید مواد غذایی و تأمین نیازهای ضروری می‌شود.

رئیس جمهوری نیز در جلسه اخیر شورای اطلاع‌رسانی دولت بر همین اولویت تأکید کرده و خواستار هدایت منابع عمومی به سوی خانوارهای نیازمند شده است. از نگاه او، توزیع یکسان منابع بدون توجه به درآمد و نیاز، لزوماً به حمایت کافی از اقشار آسیب‌پذیر منجر نمی‌شود. با این حال، توضیح روشن این تغییر برای افکار عمومی اهمیت دارد. بویژه آنکه وزیر امور اقتصادی و دارایی پیش‌تر کالابرگ را «حق شهروندی» و متعلق به همه ایرانیان توصیف کرده بود. اکنون دولت باید روشن کند که بازنگری در دامنه دریافت‌کنندگان چگونه با منطق اولیه طرح ارتباط پیدا می‌کند و چه تضمینی وجود دارد که کاهش پوشش، به افزایش اثربخشی حمایت از نیازمندان منجر شود.

> حد نصاب درآمدی ۲۰ میلیون تومان برای خانوار سه‌نفره در مهرماه، یکی از معیارهای برخورداری از افزایش اعتبار کالابرگ از یک میلیون به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بوده است؛ نه معیار حذف اصل کالابرگ. بنابراین، برخوردارنبودن از افزایش ۵۰۰ هزار تومانی، به‌خودی‌خود به معنای قطع اعتبار یک میلیون تومانی نیست

حمایت یکسان پاسخگوی نیازهای متفاوت نیست

مرتضی افقه، کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه، در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است منطق سیاست‌های حمایتی، اختصاص منابع به افرادی است که درآمد کافی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی ندارند. از نظر او، پرداخت یکسان کالابرگ به تمام افراد جامعه، بدون توجه به تفاوت وضعیت اقتصادی آنها، با هدف حمایت معیشتی همخوانی ندارد.

او توضیح می‌دهد: «منطق سیاست‌های حمایتی ایجاب می‌کند که این حمایت‌ها به افرادی اختصاص پیدا کند که به دلیل نداشتن درآمد کافی یا برخورداری از درآمد پایین، توانایی تأمین نیازهای اساسی زندگی خود را ندارند. بنابراین، پرداخت یارانه و اجرای سایر برنامه‌های حمایتی باید با شناسایی گروه‌های نیازمند و متناسب با وضعیت اقتصادی آنها انجام شود.»

افقه با اشاره به تجربه کشورهای توسعه‌یافته می‌گوید در بسیاری از این کشورها، حمایت‌های مالی و معیشتی به گروه‌های مشخصی اختصاص می‌یابد که درآمدشان برای تأمین نیازهای اولیه کافی نیست. منابع این حمایت‌ها نیز عمدتاً از محل مالیات تأمین می‌شود و در کنار پشتیبانی از اقشار آسیب‌پذیر، کارکرد بازتوزیع درآمد دارد. به گفته او، در چنین سازوکاری، همه افراد به‌طور یکسان مشمول دریافت حمایت نیستند و میزان و دامنه پرداخت‌ها بر اساس سطح درآمد و شرایط اقتصادی خانوار تعیین می‌شود. نتیجه آن است که منابع محدود، به جای توزیع یکسان میان نیازهای متفاوت، بیشتر در اختیار گروه‌هایی قرار می‌گیرد که به پشتیبانی دولت وابسته‌ترند.

این استاد دانشگاه البته تفاوت منابع تأمین مالی در ایران را نیز یادآور می‌شود. در اقتصاد ایران، بخشی از پرداخت‌های حمایتی از درآمدهای نفتی و منابع حاصل از سیاست‌های مرتبط با ارز و انرژی تأمین می‌شود؛ در حالی که مالیات در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، از منابع اصلی حمایت اجتماعی است. از نظر افقه، شیوه تأمین منابع و نحوه تخصیص آنها باید همزمان در طراحی سیاست حمایتی بررسی شود. او تأکید می‌کند که هدف این سیاست‌ها، تأمین حداقل‌های معیشتی همراه با حفظ استقلال اقتصادی و کرامت افراد است. بنابراین، شناسایی نیازمندان نباید صرفاً به تقسیم جمعیت در چند گروه درآمدی محدود بماند؛ میزان حمایت نیز باید با شرایط هر گروه تناسب داشته باشد.

افقه در این باره می‌گوید: «دهک‌های پایین‌تر درآمدی باید سهم بیشتری از حمایت‌ها دریافت کنند و با افزایش سطح درآمد، میزان این حمایت‌ها کاهش یابد.» چنین رویکردی، به گفته او، امکان تمرکز مؤثرتر منابع بر خانوارهای دارای بیشترین نیاز را فراهم می‌کند.

با این حال، او نبود اطلاعات دقیق درآمدی را از مهم‌ترین موانع اجرای این سیاست می‌داند. دولت برای تعیین مشمولان و میزان حمایت، باید تصویر قابل اعتمادی از وضعیت اقتصادی خانوارها داشته باشد. به همین دلیل، از نگاه افقه، اثربخشی کالابرگ به سه عامل وابسته است: کیفیت شناسایی خانوارها، دقت معیارهای دهک‌بندی و تناسب اعتبار حمایتی با نیاز واقعی دریافت‌کنندگان.

درآمد و ثروت باید با هم سنجیده شوند

حسین درودیان، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «ایران» میان منطق آغاز طرح و شرایط فعلی تفاوت قائل می‌شود. او معتقد است تخصیص کالابرگ به همه خانوارها در ابتدای اجرا، تصمیم درستی بود؛ زیرا دولت در حال تغییر شیوه حمایت از کالاهای اساسی و انتقال آن از ارز ترجیحی به اعتبار خرید خانوار بود.

درودیان توضیح می‌دهد که میزان رسیدن منفعت ارز ترجیحی به مصرف‌کننده، به ساختار زنجیره تولید و توزیع بستگی داشت. هرچه زنجیره پیچیده‌تر و تعداد واسطه‌ها بیشتر بود، احتمال کاهش سهم مصرف‌کننده از این منفعت افزایش می‌یافت. در مقابل، در زنجیره‌های ساده‌تر، امکان کنترل و اجرای مؤثر سیاست برای دولت بیشتر بود.

او می‌گوید منطق اولیه دولت، برخورداری همه خانوارها از کالابرگ بود و مبلغ یک میلیون تومان نیز با توجه به سطح قیمت‌ها در زمان تعیین آن، رقم پایینی محسوب نمی‌شد. با این حال، به اعتقاد درودیان، جنگ و افزایش فشارهای بودجه‌ای، شرایط را تغییر و دولت را به سمت کاهش شمار دریافت‌کنندگان سوق داده است. از نظر او، مسأله تعیین‌کننده در این مرحله، نحوه شناسایی خانوارهایی است که قرار است از فهرست خارج شوند. درودیان می‌گوید که اطلاعات ثروت، معمولاً آسان‌تر از اطلاعات درآمد قابل جمع‌آوری است؛ مالکیت خانه، خودرو و سهام در سامانه‌های مختلف ثبت می‌شود، اما حتی این اطلاعات نیز همه دارایی‌ها را پوشش نمی‌دهد و برای نمونه، ارز و طلای نگهداری‌شده در خانه‌ها لزوماً قابل شناسایی نیست.

او اتکای صرف به ثروت را خطا می‌داند و برای توضیح تفاوت دارایی با درآمد جاری، مثال فردی را مطرح می‌کند که مالک خانه‌ای با ارزش بسیار بالا در تهران است، اما لزوماً درآمد جاری بالایی ندارد. از نگاه او، ارزش ملک به‌تنهایی برای تشخیص وضعیت درآمدی کافی نیست.

در مقابل، درآمد بالا نیز به‌تنهایی همه واقعیت زندگی خانوار را نشان نمی‌دهد. ممکن است فردی درآمد نسبتاً مناسبی داشته باشد، اما مستأجر باشد و دارایی قابل توجهی در اختیار نداشته باشد. پیشنهاد درودیان، استفاده از ترکیبی از شاخص‌های درآمد و ثروت است تا تصمیم‌گیری بر پایه یک نشانه منفرد انجام نشود. این اقتصاددان اصل رسیدن منابع حمایتی به اقشار هدف را منطقی می‌داند، اما یادآور می‌شود که کالابرگ و ارز ترجیحی از نظر دامنه برخورداری یکسان نیستند. در سیاست ارز ترجیحی، حمایت به کالای مشخص تعلق می‌گرفت و مصرف‌کنندگان متناسب با توان خرید خود از آن بهره‌مند می‌شدند؛ در کالابرگ، حمایت به فرد مشخص و در قالب اعتبار معین اختصاص می‌یابد.

بنابراین، به اعتقاد او، کالابرگ اگرچه از برخی جهات می‌تواند هدفمندتر از ارز ترجیحی باشد، دقیقاً معادل سیاست پیشین نیست و محدودشدن دامنه آن باید در ارزیابی تصمیم لحاظ شود.

مناقصه عمومی
خرید کپسول گاز ۱۱ کیلویی

بنیاد برکت در نظر دارد مطابق اسناد مناقصه مندرج در لینک ذیل نسبت به خرید ۳۰۰۰ کپسول گاز ۱۱ کیلویی اقدام نماید. شرکت‌های واجد شرایط از تاریخ انتشار آگهی تا ۱۰ روز فرصت دارند که پیشنهادات خود را مهر و امضا شده به آدرس تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۶، واحد دبیرخانه تحویل نمایند.

شماره تماس: ۰۹۱۲۸۱۱۰۶۶۲-۰۲۱۸۸۵۳۲۳۱۷

لینک مشخصات اسناد مناقصه:
https://zaya.io/6uab5

مناقصه عمومی
خرید والور نفتی

بنیاد برکت در نظر دارد مطابق اسناد مناقصه مندرج در لینک ذیل نسبت به خرید ۵۰۰۰ دستگاه والور نفتی اقدام نماید. شرکت‌های واجد شرایط از تاریخ انتشار آگهی تا ۱۰ روز فرصت دارند که پیشنهادات خود را مهر و امضا شده به آدرس تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۶، واحد دبیرخانه تحویل نمایند.

شماره تماس: ۰۹۱۲۸۱۱۰۶۶۲-۰۲۱۸۸۵۳۲۳۱۷

لینک مشخصات اسناد مناقصه:
https://zaya.io/lj634

مناقصه عمومی
خرید یخچال و فریزر

بنیاد برکت در نظر دارد مطابق اسناد مناقصه مندرج در لینک ذیل نسبت به خرید ۲۰۰ دستگاه یخچال و فریزر اقدام نماید. شرکت‌های واجد شرایط از تاریخ انتشار آگهی تا ۱۰ روز فرصت دارند که پیشنهادات خود را مهر و امضا شده به آدرس تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۶، واحد دبیرخانه تحویل نمایند.

شماره تماس: ۰۹۱۲۸۱۱۰۶۶۲ - ۰۲۱۸۸۵۳۲۳۱۷

لینک مشخصات اسناد مناقصه:
https://zaya.io/jbebm

مناقصه عمومی
خرید والور برقی

بنیاد برکت در نظر دارد مطابق اسناد مناقصه مندرج در لینک ذیل نسبت به خرید ۳۵۰۰ دستگاه والور برقی اقدام نماید. شرکت‌های واجد شرایط از تاریخ انتشار آگهی تا ۱۰ روز فرصت دارند که پیشنهادات خود را مهر و امضا شده به آدرس تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۶، واحد دبیرخانه تحویل نمایند.

شماره تماس: ۰۹۱۲۸۱۱۰۶۶۲ - ۰۲۱۸۸۵۳۲۳۱۷

لینک مشخصات اسناد مناقصه:
https://zaya.io/cx81o

آگهی تکمیلی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران
نوبت دوم

مناقصه شماره SK/۳۹/۱۴۰۴ شماره سامانه ستاد ۲۰۰۵۰۹۱۶۴۵۰۰۰۰۸۳

موضوع: خرید نشان‌دهنده برج مراقبت

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد تأمین کالای ذیل را از تولیدات داخلی با در نظرگرفتن شرایط کلی مشروحه زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به‌صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی (یک مرحله‌ای) به مناقصه‌گر واجد شرایط واگذار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضا الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطرنشان می‌سازد به موجب بخش‌نامه وزارت صمت، امکان ثبت‌نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه‌گران فراهم می‌باشد.

شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۲۶۱۱۴۵۶-۰ می‌باشد. اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام در سایر استان‌ها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRAN.IR) بخش "ثبت‌نام/ پروفایل تأمین کننده/ مناقصه‌گر" موجود است.

الف) شرح مختصر کالا: خرید نشان‌دهنده برج مراقبت مطابق با مشخصات اعلام شده در اسناد مناقصه و به‌صورت یک مرحله‌ای

ج) محل و مدت زمان تأمین کالا: زمان تأمین کالا (از آغاز قرارداد تا تحویل کالا) حداکثر۶ ماه و محل تحویل کالا جهت حمل، بوشهر- اسکله فلات قاره و محل استفاده از کالا در جزیره خارک می‌باشد.

د) برآورد تقریبی کارفرما: ۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و ده میلیارد ریال)

هـ) معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه‌گران با لحاظ آخرین ویرایش ابلاغی طی تصویب‌نامه شماره ۹۳۸۷۲/ت۵۷۸۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ هیأت محترم وزیران به‌شرح جدول ذیل می‌باشد:

۱- توان مالی: ۳۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴- استانداردهای تولید: ۱۵ امتیاز
۲- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۱۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵- داشتن تجربه و دانش درزمینه مورد نظر: ۱۵ امتیاز
۳- تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶- حسن سابقه: ۱۵ امتیاز

کلیه مناقصه‌گران مکلفند آگهی حاضر و جداول مرتبط با ارزیابی کیفی که در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و سایت شرکت پایانه‌های نفتی ایران به نشانی WWW.IOTCO.IR موجود می‌باشد را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) دریافت و ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با در نظرگرفتن توضیحات بند ح-۱ آگهی حاضر) و الصاق مستندات مربوطه به‌همراه سایر اسناد و مدارک ذکر شده در این آگهی، در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تغذیه نمایند.

تذکر۱: حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می‌باشد.

تذکر۲: به‌منظور بررسی معیار تجربه جهت معادل‌سازی مبالغ قراردادی، با استفاده از نرخ تورم اعلامی از مراجع قانونی، مبالغ قراردادی به‌روزرسانی گردیده و ملاک سنجش قرار خواهد گرفت.

تذکر۳: کلیه مناقصه‌گران موظفند تمامی اسناد و مدارک کیفی را با امضای الکترونیکی و در موعد مقرر در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.

و) شرایط مناقصه‌گران متقاضی:

۱- داشتن تجربه در انجام خدمات مورد نیاز، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی انجام کار مطابق با استانداردهای رایج صنعت نفت.

۲- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۵/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و پانصد میلیون)ریال حسب آیین‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران و همچنین تضمین انجام تعهدات درصورت برنده شدن به میزان ۱۰ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه. در ضمن تضامین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آیین‌نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد، معذور بوده و هیچ گونه مسؤولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. همچنین از هر صورت وضعیت مناقصه‌گر برنده، ده درصد تحت عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می‌گردد.

۳- داشتن سابقه کار مفید و مرتبط با خدمات مورد نظر

۴- داشتن نیروهای متخصص در حوزه‌های اجرایی، برنامه‌ریزی، اداری، مدیریتی و همچنین تجهیزات مناسب مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت.

۵- دارا بودن شخصیت حقوقی

۶- ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی

۷- ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضا

۸- ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و یا اعضای جامعه حسابداران رسمی

ز) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارائه پیشنهاد به مدت ۹۰ روز می‌باشد.

ح) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:

۱- با عنایت به ابلاغیه شماره ۱/۱۴۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید مؤکد بر الزام به‌کارگیری امضای الکترونیکی اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهرگرم)، کلیه مناقصه‌گران موظف می‌باشند تمامی اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) را با امضای الکترونیکی به‌همراه کپی ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، در موعد مقرر در اسناد مناقصه، از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند. در غیر این‌صورت مناقصه‌گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش‌گفته (به‌جز اصل ضمانت‌نامه) معذور خواهد بود.

۲- کلیه مناقصه‌گران واجد شرایط می‌توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و حداکثر ظرف مهلت ۱۴روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با رعایت مفاد بند فوق) و الصاق مستندات مربوطه به‌همراه سایر اسناد، مدارک و گواهی‌نامه‌های ذکر شده در آگهی، نسبت به تغذیه اسناد پیش‌گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند. همچنین مناقصه‌گران می‌توانند جهت رؤیت آگهی به سایت‌های HTTP://IETS.MPORG.IR، WWW.SHANA.IR و WWW.IOTCO.IR مراجعه نمایند.

تذکر: مناقصه‌گزار در قبول یا رد مدارک مناقصه‌گران در تمام مراحل مطابق با قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مختار خواهد بود.

روابط عمومی

شناسنامه: ۲۳۲۱۰۷۰۰

آگهی مزایده عمومی فروش
لاشه یک فروند شناور خدماتی / مسافری غیرعملیاتی

مؤسسه بیمه متقابل کیش در نظر دارد **لاشه یک فروند شناور خدماتی / مسافری غیرعملیاتی واقع در جزیره خارک را طبق مشخصات و برمبنای قیمت پایه مندرج دراسناد مزایده**، ازطریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مزایده، به مدت ۱۰روز کاری ازتاریخ درج این آگهی، دریکی از روزهای هفته (به‌جزپنج‌شنبه و جمعه)، از ساعت۹صبح لغایت۱۳ به آدرس این مؤسسه واقع در تهران، بلوار نلسون ماندلا (آفریقا)، خیابان شهید سلطانی، پلاک ۸۲، طبقه سوم، واحد خسارت مراجعه نمایند.

◄ ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با تلفن ۰۹۲۲۴۷۸۹۸۰۲ یا ۰۲۱-۲۶۲۰۱۸۳۱ داخلی ۱۱۷ آقای احسان عبادی تماس حاصل نمایید.

IRAN DAILY 1877
www.newspaper.iran-daily.com

پلی میان دو جهان فکری

روش‌شناسی پژوهش در آثار و اندیشه دکتر فیرحی



رضا تاران
پژوهشگر اندیشه سیاسی

این یادداشت درصدد فهم روش‌شناسی برنامه پژوهشی فیرحی است، نه داوری و ارزش‌گذاری آن. اهمیت این روش‌شناسی در آن است که او توانست روش‌های سنتی حوزه را با روش‌های جدید علوم انسانی ترکیب کند؛ ترکیبی که نه به انزوای روش‌شناختی حوزویان می‌انجامد و نه به پذیرش بی‌چون و چرای مبانی غربی. او شرح تحلیلی متون فقهی و منطق اجتهاد را در کنار تفسیر، تحلیل گفتمان، تبارشناسی، تاریخ مفاهیم و تحلیل تطبیقی به کار گرفت و هر ابزار را به تناسب پرسش پژوهش انتخاب کرد. نکته کلیدی آن است که این ترکیب، گزینشی و انتقادی بود: فیرحی قابلیت‌های تحلیلی روش‌های جدید را از پیش‌فرض‌های ناسازگار با جهان‌بینی دینی تفکیک می‌کرد و آنها را در خدمت بازخوانی سنت اسلامی قرار می‌داد. به این ترتیب، روش‌شناسی او پلی شد میان دو جهان فکری؛ پلی که امکان مواجهه فعال فقه و سنت با مسائل جدید دین، سیاست، دولت و دموکراسی را فراهم کرد.

تقدم مسأله بر روش

روش‌شناسی دکتر داود فیرحی را نمی‌توان در چارچوب یک الگوی نظری یا روش تحقیق ثابت و از پیش تعیین شده محصور کرد. وجه متمایز رویکرد او، بهره‌گیری انتقادی و مسأله‌محور از مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارهای تحلیلی است. در منطق پژوهشی او، روش باید تابع پرسش و مسأله تحقیق باشد، نه اینکه مسأله در قالب الزامات یک روش از پیش انتخاب شده محدود شود. از این رو، تنوع روش‌ها در آثار او را نباید نشانه فقدان انسجام دانست؛ زیرا هر روش متناسب با پرسشی خاص و برای روشن کردن بخشی از مسأله اصلی پژوهش به کار گرفته می‌شود.

این رویکرد را می‌توان نوعی تصرف آگاهانه و انتقادی در روش‌های موجود دانست. فیرحی نه به انزوای روش‌شناختی و کنار گذاشتن دستاوردهای علوم انسانی جدید اعتقاد داشت و نه پذیرش بی‌چون و چرای مبانی نظری آنها را ضروری می‌دانست. او می‌کوشید قابلیت‌های تحلیلی روش‌های جدید را از پیش‌فرض‌هایی که با جهان‌بینی دینی او سازگار نبودند، تفکیک کند و آنها را در خدمت بازخوانی سنت اسلامی قرار دهد. بنابراین، انسجام روش‌شناختی آثار او بیش از آنکه در ثبات ابزارها باشد، در استمرار یک دغدغه محوری قابل مشاهده است: بازشناسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های سنت فقهی و سیاسی اسلام در مواجهه با تجدد، دولت مدرن و دموکراسی.

تفسیر، هرمنوتیک و تحلیل گفتمان

فیرحی در توضیح تأثیرپذیری‌های روش‌شناختی خود، به دو حوزه اصلی نظریه‌های گفتمان و مباحث مربوط به تفسیر اشاره می‌کند. با این حال، خود را به معنای مصطلح کلمه پیرو یک مکتب مشخص هرمنوتیکی نمی‌داند؛ بلکه مفهوم تفسیر و امکان فهم تاریخی متون برای او اهمیت دارد. در این تلقی، فهم متن صرفاً به معنای کشف معنای ظاهری یا بازسازی مقصود مؤلف نیست، بلکه مستلزم توجه به زمینه‌های تاریخی، افق‌های تفسیری و شرایطی است که در شکل‌گیری و تداوم یک قرائت نقش داشته‌اند. از این منظر، تاریخ صرفاً موضوعی برای گزارش وقایع گذشته نیست، بلکه بستری برای فهم چگونگی شکل‌گیری اندیشه و هویت انسان معاصر است. فیرحی می‌کوشد انسان ایرانی امروز را در آیینه تاریخ مطالعه کند و نشان دهد برداشت‌های او از دین، سنت، غرب و تجدد چگونه شکل گرفته‌اند. تحلیل گفتمان نیز به او امکان می‌دهد دانش‌های تثبیت شده را در پیوند با شرایط اجتماعی و سیاسی و مناسبات قدرت بررسی کند. به این ترتیب، تفسیر برای فهم متون، تحلیل گفتمان برای شناخت شرایط شکل‌گیری و تثبیت معرفت و تاریخ برای توضیح تحول این صورت‌های فکری به کار گرفته می‌شوند.

نقد تاریخی فقه سیاسی

یکی از ابزارهای مهم فیرحی، به‌ویژه در آثار اولیه، تبارشناسی و تحلیل رابطه دانش و قدرت در اندیشه میشل فوکو است. این رویکرد امکان فاصله گرفتن از روایت‌های خطی و غایت‌انگارانه تاریخ اندیشه را فراهم می‌کند و به جای جست‌وجوی منشأیی ثابت و ازلی، بر شرایط پیدایش، گسست‌ها و مناسباتی تمرکز دارد که در شکل‌گیری و تثبیت یک اندیشه یا نهاد مؤثر بوده‌اند.

در کتاب «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام»، این روش در بررسی نسبت میان نص دینی، دانش فقهی و اقتدار سیاسی آشکار می‌شود. فیرحی نشان می‌دهد دانش سیاسی در جهان اسلام در خلأ شکل نگرفته، بلکه در پیوند با نصوص دینی، نیازهای جامعه مسلمان و شرایط تاریخی و سیاسی پدید آمده است. بنابراین، تفسیرهای مسلط از دین را نمی‌توان تنها صورت ممکن فهم نصوص دانست؛ این تفسیرها در بستر شرایط خاص تاریخی و در ارتباط با مناسبات قدرت تثبیت شده‌اند. هدف تبارشناسی در اینجا نقد اصل دین یا اعتبار نص نیست، بلکه آشکار ساختن تاریخی بودن ساختارهای تفسیری و نهادی‌ای است که گاه خود را به‌عنوان تنها صورت معتبر فهم دین معرفی کرده‌اند.

البته بهره‌گیری فیرحی از فوکو به معنای پذیرش کامل مبانی فلسفی و هستی‌شناختی او نیست. آنچه برای فیرحی اهمیت دارد، ظرفیت انتقادی تبارشناسی برای آشکار کردن تاریخی بودن دانش و پیوند آن با قدرت است. او این ظرفیت را به صورت گزینشی به کار می‌گیرد؛ هم برای نقد درون‌سنتی و بازاندیشی در قرائت‌های مسلط فقهی و سیاسی و هم برای فاصله گرفتن از پذیرش بی‌چون و چرای مفروضات علوم انسانی غربی.



تاریخ مفاهیم و تحلیل نظام‌های سیاسی

در کتاب «تاریخ تحول دولت در جهان اسلام»، رویکرد تاریخی و تبارشناختی فیرحی در مطالعه پیدایش و تحول الگوهای دولت آشکار می‌شود. او نسبت میان خلافت، سلطنت و سنت‌های حکمرانی ایرانی را از دوره خلافت راشدین و امویان و عباسیان تا تجربه‌های سیاسی عثمانی و صفوی بررسی می‌کند. هدف کتاب صرفاً روایت پیوسته وقایع نیست، بلکه شناسایی لحظه‌هایی است که در آنها نظم‌های سیاسی شکل گرفته، دگرگون شده یا فروپاشیده‌اند. در این چارچوب، دولت اسلامی نهادی با ماهیتی ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه پدیده‌ای تاریخی است که در تعامل میان نصوص دینی، سنت‌های سیاسی، ساختارهای اجتماعی و مناسبات قدرت شکل گرفته است.

در کنار این رویکرد، کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» را باید بیشتر اثری با روش تحلیل نظام‌مند و تطبیقی نظریه‌های سیاسی دانست. در این اثر، نظریه‌های سیاسی در سنت‌های مختلف اسلامی، از جمله شیعه، اهل سنت و خوارج، از حیث مبانی، منطق درونی، ساختار و مستندات دینی بررسی می‌شوند. بنابراین، برخلاف مطالعه تبارشناختی تحول دولت، تمرکز اصلی این کتاب بر بازسازی و مقایسه منظومه‌های نظری و صورت‌بندی‌های متفاوت اندیشه سیاسی در اسلام است.



کتاب «مفهوم قانون در ایران معاصر: تحولات پیشامشروطه» نیز وجه دیگری از روش تاریخی فیرحی را نشان می‌دهد که می‌توان آن را تاریخ مفاهیم نامید. در اینجا، مسأله اصلی بررسی تحول معنای قانون و زمینه‌های فکری و تاریخی شکل‌گیری برداشت‌های جدید از آن پیش از انقلاب مشروطه است. تمرکز بر تحول معنایی و تاریخی یک مفهوم، این امکان را فراهم می‌کند که ورود و گسترش مفاهیم جدید سیاسی و حقوقی در ایران نه به صورت انتقال ساده واژگان، بلکه به‌مثابه فرآیندی از دگرگونی در افق‌های فکری و سیاسی فهم شود.

همچنین جلد دوم مجموعه «فقه و سیاست در ایران معاصر»، با عنوان «تحول حکومت‌داری و فقه حکومت اسلامی»، به بررسی تغییرات تاریخی الگوهای حکومت‌داری و نسبت آنها با تحولات فقهی می‌پردازد. اهمیت روش‌شناختی این اثر در پیوند دادن تاریخ تحولات سیاسی ایران با دگرگونی صورت‌بندی‌های فقهی حکومت است؛ به‌گونه‌ای که تغییر در الگوهای حکمرانی و تغییر در پرسش‌ها و پاسخ‌های فقه سیاسی در ارتباط با یکدیگر مطالعه می‌شوند. بنابراین، این آثار را نباید همگی ذیل تبارشناسی فوکویی قرار داد: در آنها، به ترتیب با مطالعه تاریخی و تبارشناختی دولت، تحلیل نظام‌مند نظریه‌های سیاسی، تاریخ مفاهیم و بررسی تاریخی تحول حکومت‌داری و فقه حکومت مواجهیم.

شرح و بازسازی متون فقه سیاسی

یکی دیگر از وجوه روش‌شناختی فیرحی، شیوه مواجهه او با متون کلاسیک فقه سیاسی است. کتاب «آستانه تجدد» و شرح او بر رساله «تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة» میرزای نائینی نمونه برجسته این رویکرد است. فیرحی در این اثر از قالب سنتی شرح‌نویسی استفاده می‌کند، اما آن را به توضیح واژگان و مقصود ظاهری مؤلف محدود نمی‌سازد. کار او شامل روان‌سازی و توضیح متن، تبیین اصطلاحات تخصصی، نسبت‌سنجی اندیشه نائینی با دیگر نظام‌های فکری و بازسازی نظریه‌های محوری او است. در این شیوه، فهم متن با تحلیل نظام فکری مؤلف و بررسی نسبت آن با مسائل جدید سیاسی پیوند می‌خورد. فیرحی می‌کوشد ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اندیشه نائینی را در موضوعاتی چون تحدید قدرت، مشروطه، مشروعیت سیاسی و جایگاه مجلس روشن کند. جلد اول مجموعه «فقه و سیاست در ایران معاصر»، با عنوان «فقه سیاسی و فقه مشروطه» نیز در همین حوزه اهمیت دارد. این اثر به بازسازی ماهیت و ساختار معرفتی فقه سیاسی و بررسی مواجهه فقه مشروطه با مجلس و قانون‌گذاری می‌پردازد. از این رو، در این دسته از آثار، روش اصلی نه تبارشناسی صرف، بلکه شرح تحلیلی، تفسیر متن و بازسازی تاریخی و مفهومی مبانی فقه سیاسی است.

تلفیق اجتهاد با علوم سیاسی

در کتاب «فقه و حکمرانی حزبی»، فیرحی با مسأله‌ای جدید در فقه سیاسی مواجه می‌شود: ماهیت حزب و جایگاه آن در نظام حکمرانی. شناخت چنین موضوعی صرفاً با ارجاع به مفاهیم سنتی فقهی ممکن نیست و به استفاده از دانش سیاسی جدید نیاز دارد. فیرحی از این رو روش اجتهادی را با ابزارهای تحلیلی علوم سیاسی ترکیب می‌کند. او ابتدا ماهیت حزب و الزامات رقابت سیاسی، از جمله برابری طرفین، استقلال احزاب و ضرورت بی‌طرفی حاکم را بررسی می‌کند و سپس امکان صورت‌بندی فقهی این موضوع را در چارچوب اصول اجتهاد می‌سنجد.

در این روش، علوم سیاسی به شناخت دقیق موضوع کمک می‌کند و اجتهاد امکان ارزیابی و استنباط حکم آن را فراهم می‌آورد. بنابراین، فیرحی نه پدیده جدید را به اجبار در قالب مفاهیم قدیمی جای می‌دهد و نه آن را از بررسی فقهی بی‌نیاز می‌داند؛ بلکه می‌کوشد با حفظ منطق اجتهاد، امکان مواجهه فعال فقه با نهادهای جدید سیاسی را فراهم کند.

الهیات سیاسی و روش تطبیقی

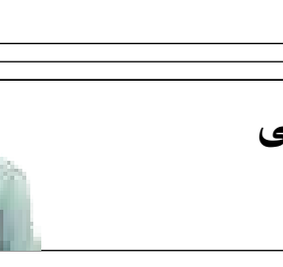
در مرحله متأخر اندیشه فیرحی، حوزه مطالعات او از فقه سیاسی به مبانی الهیاتی نظم سیاسی نیز گسترش می‌یابد. مسأله در این مرحله صرفاً ظرفیت فقه برای پذیرش نهادهای جدید نیست، بلکه این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان از درون سنت‌های دینی مبانی‌ای برای پشتیبانی از نظم سیاسی دموکراتیک بازسازی کرد. فیرحی در این مسیر، رویکردهای ماکیاولی، لاک و هگل را در نسبت دین و سیاست از یکدیگر تفکیک می‌کند و توجه ویژه‌ای به اندیشه لاک دارد؛ زیرا در آن می‌توان پیوند میان تحولات الهیاتی و تجدد سیاسی را بررسی کرد. مطالعه تطبیقی کتاب مقدس و قرآن و مقایسه اندیشه فیلمر و لاک، بخشی از این تلاش است. فیرحی می‌کوشد نشان دهد متون دینی الزاماً به یک تفسیر سیاسی واحد منتهی نمی‌شوند و می‌توانند مبنای قرائت‌هایی متفاوت، از اقتدارگرایی تا دفاع از آزادی و برابری قرار گیرند. بررسی کرامت انسانی، برابری و مفهوم مالکیت در اندیشه لاک و نسبت آن با مفاهیمی چون قاعده ید، حیازت و اباحه در فقه اسلامی نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. هدف، بررسی امکان بازسازی مبانی الهیاتی نظم سیاسی دموکراتیک از درون سنت اسلامی است. بنابراین، روش این دوره ترکیبی از تفسیر تاریخی، تبارشناسی قرائت‌های سیاسی و مطالعه تطبیقی الهیات است.

جمع‌بندی: روش‌شناسی فیرحی در عین تحول و تنوع، از منطق وحدت‌بخشی برخوردار است. در آثار اولیه، هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و تبارشناسی برای فهم تاریخی دانش دینی و مناسبات قدرت اهمیت دارند؛ در مطالعات دولت و سیاست، روش تاریخی، تحلیل نظام‌مند و تاریخ مفاهیم به کار گرفته می‌شوند؛ در آثار مربوط به فقه مشروطه، شرح تحلیلی و بازسازی متون و مبانی فقه سیاسی برجسته‌اند و در مواجهه با مسائل جدید حکمرانی، اجتهاد با ابزارهای علوم سیاسی و در مطالعات متأخر با تفسیر تطبیقی الهیات پیوند می‌خورد. در مجموع، می‌توان روش‌شناسی فیرحی را رویکردی مسأله‌محور، ترکیبی و انتقادی دانست که بر تاریخی بودن دانش و نهادهای سیاسی، تمایز میان نص دینی و تفسیرهای تاریخی آن و بهره‌گیری گزینشی از دستاوردهای علوم انسانی جدید تأکید دارد. انسجام این روش‌ها نه در وحدت صوری ابزارهای پژوهش، بلکه در منطق مشترک آنهاست: بازخوانی انتقادی سنت اسلامی و آشکار ساختن ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن برای مواجهه با مسائل جدید دین، سیاست، دولت و تجدد.

منادی گفت‌وگوی سنت و تجدد

گفت‌وگو با شجاع احمدوند درباره میراث علمی و روش‌شناختی داود فیرحی در ششمین سال درگذشتش

یادنامه



سمیرا دردشتی
روزنامه‌نگار

دکتر داود فیرحی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و از پژوهشگران برجسته اندیشه سیاسی، شش سال پیش درحالی در ۵۶ سالگی دار فانی را وداع گفت که پروژه فکری او توانسته بود صدایی در میان دانشگاهیان و اهالی حوزه پیدا کند. او که زبان مشترکی با این دو جهان داشت، توانسته بود پرسش‌های بنیادینی پیش روی پژوهشگران قرار دهد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظری و تاریخی، پلی میان سنت فقهی و جهان دانشگاهی جدید برقرار کند.

فقدان او امروز در سطح آکادمیک، فقدان پژوهشگری است که می‌توانست با تسلط همزمان بر متون فقهی و نظریه‌های جدید علوم سیاسی، مسائل را در بستری تاریخی و انتقادی صورت‌بندی کند. وی در ساحت اجتماعی نیز اثرگذاری داشت. او از طریق تربیت شاگردان و نسل جدیدی از پژوهشگران می‌کوشید که مسیرهای گفت‌وگوی انتقادی درباره دین و سیاست را جست‌وجو کند.

همچنین قادر بود درباره مسائل مناقشه‌برانگیز، زبانی علمی و در عین حال قابل گفت‌وگو به کار بگیرد که امکان نقد را بدون طرد سنت و امکان دفاع از تحول را بدون گسست کامل از میراث فکری فراهم می‌کرد. این ظرفیت در شرایطی که جامعه ایران با شکاف‌های فکری، بی‌اعتمادی و بحران معنا مواجه است، اهمیت مضاعفی دارد.

در ششمین سال فقدان دکتر فیرحی با دکتر شجاع احمدوند استاد اندیشه سیاسی و رئیس دانشگاه علامه طباطبایی درباره میراث این تلاش فکری به گفت‌وگو نشستیم. دکتر احمدوند بر این باور است که تلاش مستمر فیرحی در پیگیری یک پروژه مشخص فکری و پرسش‌های بنیادینش درباره فقه، دولت، قانون و حقوق عمومی در کنار اخلاق علمی او در پرسیدن روشمند و شنیدن محترمانه آرای مخالفان ماندگارترین یادگار او در ساحت اندیشه سیاسی ایران خواهد بود.

دکتر فیرحی بین دو جهان دانشگاه و حوزه در رفت و آمد بود و در روزگاری که این دو با یکدیگر نسبت اندکی داشتند، کوشید پلی باشد میان این دو. او آثار مختلفی را در این رابطه به رشته تحریر درآورد و بویژه در «دانش قدرت و مشروعیت» توانست به این تلاش سیمایی علمی و متفاوت ببخشد. آثار او هم میان دانشگاهیان و هم در بین حوزویان بازتاب پیدا می‌کرد و همگان به وجه عالمانه و محققانه آن معترف بودند. جنابعالی این نقش را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا فیرحی توانست فقه سیاسی را در ایران معاصر احیا کند؟

یکی از ویژگی‌های برجسته پروژه فکری مرحوم دکتر داود فیرحی آن بود که فقه را صرفاً مجموعه‌ای از احکام تاریخی نمی‌دید بلکه دانشی زنده و برخوردار از ظرفیت نظری برای گفت‌وگو با مسائل جهان جدید می‌دید. در مطالعات اندیشه سیاسی اسلامی، پیش از او نیز متفکرانی مانند محمد عابد الجابری به بازخوانی میراث عقلانی و دانش‌های سنتی پرداخته بودند؛ با این همه، فیرحی با تمرکزی ویژه بر فقه سیاسی کوشید نسبت این میراث را با دولت مدرن، قانون و حقوق عمومی صورت‌بندی کند.

از نظر او، فقه از دستاوردهای مهم تمدن اسلامی و یکی از منابع اثرگذار در سازمان‌یابی زندگی جمعی مسلمانان است. بنابراین، به‌جای آنکه نسبت فقه و جهان جدید را از آغاز بر مبنای ناسازگاری تعریف کنیم، می‌توانیم ظرفیت‌های درونی این دانش را برای پاسخ به پرسش‌های تازه بررسی کنیم. اهمیت کار فیرحی نیز تا حد زیادی در همین تغییر زاویه دید بود: او به امکان بازاندیشی در سنت فقهی، با حفظ پیوند انتقادی با تاریخ آن، باور داشت. اهمیت کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» نیز در همین چرخش معرفتی افق‌گشایی بود. فیرحی با رویکردی تاریخی و تحلیلی، فقه را در نسبت با دانش و قدرت مطالعه کرد و نشان داد اندیشه سیاسی اسلامی را نمی‌توان بدون فهم سازوکارهای فقهی و تحولات تاریخی آن به‌درستی شناخت. او در واقع فقه را از جایگاه موضوعی که تنها در حوزه ظرفیت پرداختن دارد، خارج کرد و به یکی از موضوعات جدی پژوهش در علوم سیاسی و اندیشه سیاسی تبدیل کرد. فیرحی برای پیشبرد این مقصود از ابزارهای نوین روش‌شناختی بهره گرفت. از جمله، رویکرد تبارشناختی متأثر از میشل فوکو را در مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی اسلام به کار بست تا نشان دهد صورت‌بندی دانش سیاسی و فقهی را باید در پیوند با مناسبات قدرت و شرایط تاریخی هر دوره فهمید. در این خوانش، برجسته‌شدن رویکردهای تکلیف‌محور در برخی ادوار، امری تاریخی و قابل مطالعه بود، نه ویژگی تغییرناپذیر همه ظرفیت‌های فقه. از همین جا مسأله بازخوانی وجوه حق‌محور و امکان‌های مغفول‌مانده سنت فقهی برای او اهمیت یافت.

فیرحی به نوعی پیشنهاد ظرفیت‌سازی بیشتر در حوزه اندیشه دینی را مطرح می‌کرد و هشدار می‌داد جامعه آبستن نوعی نهیلیسم فراگیر است. این پیش‌بینی را چقدر به واقعیت نزدیک می‌بینید؟ این ظرفیت‌سازی از کجا و به دست چه کسانی ممکن است؟

در اندیشه فیرحی، دانش فقه همانند بسیاری از سنت‌های معرفتی، واجد ظرفیت‌های تفسیری گوناگون است. بعضی از این ظرفیت‌ها در شرایط تاریخی معین به تقویت مناسبات اقتدارگرایانه انجامیده‌اند و بعضی دیگر می‌توانند پشتوانه مشارکت، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی و پاسخگویی نهادهای عمومی باشند. او بر این باور بود که بازشناسی و تقویت ظرفیت‌های اخیر، یکی از مسیرهای گفت‌وگوی مؤثر میان میراث اسلامی و تجربه‌های جدید حکمرانی است.

از سوی دیگر، فیرحی به مسأله معنا و افق امید در زندگی اجتماعی توجه جدی داشت. در چارچوب نظری او، چگونگی رابطه میان نهادهای حکمرانی، اعتماد عمومی، احساس تعلق و امکان مشارکت اجتماعی، در شکل‌گیری یا تضعیف افق معنایی جامعه نقش دارد. بازسازی معنا نیازمند بازسازی اعتماد، اعتبار نهادها، امکان مشارکت و احساس اثرگذاری شهروندان بر سرنوشت خویش است. بحث او درباره بحران معنا و نهیلیسم را باید در همین زمینه فکری فهمید؛ یعنی به‌مثابه هشداری نظری نسبت به دشوارشدن گفت‌وگوی سازنده میان سنت، نهادهای اجتماعی و نسل‌های تازه.

به گمان من، اهمیت این بحث در آن است که فیرحی صرفاً به توصیف مسأله اکتفا نمی‌کرد. او نواندیشی روشمند در حوزه و گفت‌وگوی مستمر میان حوزه، دانشگاه و جامعه را از راه‌های گسترش ظرفیت پاسخگویی فکری می‌دانست. چنین رویکردی می‌تواند به تقویت اعتماد، شنیده‌شدن پرسش‌های جدید و شکل‌گیری زبان مشترک میان نسل‌ها کمک کند. این فرآیند به مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران نیاز دارد. از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها گرفته تا روشنفکران دینی، پژوهشگران علوم انسانی، نهادهای مدنی و حتی رسانه‌ها.

دکتر فیرحی این پرسش اساسی را مطرح کرد که چگونه می‌توان ظرفیت‌های مردم‌سالار متون دینی را احیا کرد. به نظر شما این امر هنوز «پروژه» است یا به پاسخ مطلوب در اندیشه او رسیده؟

با وجود اهمیت تلاش‌های فیرحی، به نظر من پروژه فکری او را باید همچنان پروژه‌ای گشوده دانست، نه مجموعه‌ای از پاسخ‌های نهایی. برای این ارزیابی، دست‌کم سه ملاحظه وجود دارد. نخست آنکه خود فیرحی نیز در کتاب «دولت مدرن و بحران قانون» به دشواری‌های نسبت میان تحولات جامعه، سنت مذهبی و نظم حقوقی جدید توجه می‌کند. او در واپسین اثر خود درباره پیامدهای تداوم فاصله میان پرسش‌های تازه جامعه و ظرفیت پاسخگویی نهادهای فکری هشدار می‌دهد. این دغدغه نشان می‌دهد از نگاه او، بحث همچنان نیازمند پژوهش، گفت‌وگو و بازاندیشی مستمر بود. دوم آنکه این پروژه، با وجود اثرگذاری در محافل علمی، هنوز نتوانسته است همه جریان‌های اصلی فکری در حوزه و نیز طیف‌های متنوع نسل جوان را در گفت‌وگویی فراگیر همراه کند. البته این نکته را نباید صرفاً به محدودیت کار او نسبت داد؛ پیچیدگی موضوع، تفاوت زبان‌ها و فاصله تجربه‌های نسلی نیز در این میان مؤثر بوده‌اند.



سوم آنکه نسبت میان برخی قرائت‌های تکلیف‌محور از فقه و مبانی حق‌محور حقوق مدرن همچنان از پرسش‌های مهم در اندیشه سیاسی و فقه معاصر است. صورت‌بندی این مسأله به معنای تعارض قطعی همه سنت فقهی با حقوق جدید نیست؛ برعکس، ارزش پروژه فیرحی در آن بود که می‌خواست امکان‌های نظری گفت‌وگو و بازسازی این نسبت را آشکار کند. از این منظر، ناتمام‌ماندن پروژه او نشانه بی‌ثمر بودن آن نیست، بلکه دعوتی است برای ادامه کار علمی. در مجموع به باور من پروژه فیرحی شاید حتی اگر خود او امروز درباره آن صحبت می‌کرد، بیش از آنکه یک پاسخ نهایی برای چنین مسأله غامضی فراهم آورده باشد، تلاشی مهم برای گشودن یک مسیر فکری است. شاید میراث اصلی او ارائه پاسخ قطعی به مسأله نسبت دین و مردم‌سالاری نیست، کاری که او در حقیقت انجام داد شاید صورت‌بندی دوباره این پرسش، قرار دادن آن در دستور کار اندیشه ایرانی و نشان دادن امکان گفت‌وگو و بازاندیشی در سنت فقهی بود. این پروژه همچنان به نقد، تکمیل و مشارکت نسل جدیدی از پژوهشگران نیاز دارد. بویژه پژوهشگرانی که بتوانند پیوند میان بازخوانی سنت دینی، نظریه دولت و الزامات عملی حکمرانی مردم‌سالار را روشن‌تر کنند، قطعاً مشارکت‌کنندگان خوبی برای آینده این پروژه فکری خواهند بود.

فیرحی در نقد استادش طباطبایی معتقد بود ایران‌شهری با مشروطه جمع شدنی نیست و آن را «شراب کهنه در مینای نو» نامید. نظر شما درباره این نقد چیست؟

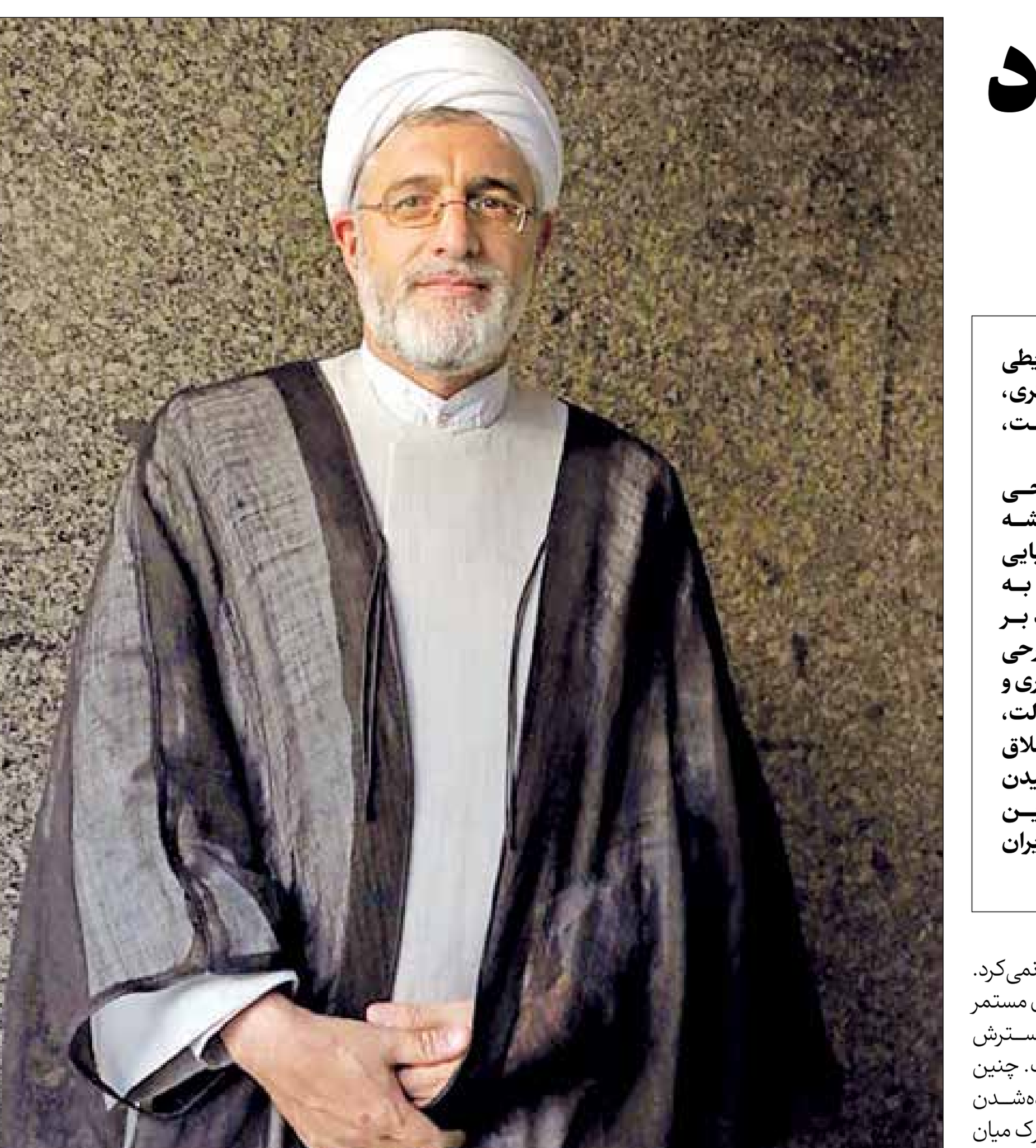
یکی دیگر از عرصه‌های مهم بحث در اندیشه سیاسی معاصر، تفاوت قرائت دکتر داوود فیرحی و مرحوم دکتر سیدجواد طباطبایی از انقلاب مشروطه و نسبت آن با تاریخ ایران است. هر دو متفکر به مسأله تکوین دولت جدید و فهم مشروطه توجه داشتند، اما از مسیرهای نظری یکسانی به آن نمی‌نگریستند. در خوانشی که از آثار طباطبایی به دست می‌آید، تداوم تاریخی امر ملی و میراث اندیشه ایران از عناصر مهم فهم تحولات سیاسی جدید است. در مقابل، فیرحی با برجسته‌کردن نقش فقه سیاسی، مباحث علمای مشروطه و دغدغه محدودسازی قدرت، بر وجوه گسست از مناسبات اقتدارگرایانه و پیدایش صورت‌های جدید قانون‌گرایی تأکید می‌کرد. اختلاف این دو رویکرد، بیش از هر چیز، به نحوه تفسیر پیوستگی و گسست تاریخی و نسبت سنت سیاسی با دولت جدید بازمی‌گردد.

به نظر من، در هر دو قرائت، نکته‌های تأمل‌برانگیزی وجود دارد و برخی ابعاد نسبت میان سنت تاریخی ایران، مفهوم دولت و تجربه مشروطه همچنان نیازمند بررسی دقیق‌تر است. اهمیت این گفت‌وگوی علمی نیز بیش از آنکه در ترجیح شتاب‌زده یک روایت بر روایت دیگر باشد، در گشودن افق‌های تازه برای مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی ایران نهفته است. سنت‌های فکری و سیاسی پدیده‌هایی یکدست و ثابت نیستند و در مواجهه با تحولات تاریخی می‌توانند دچار بازتفسیر و دگرگونی شوند. مسأله اصلی این است که آیا این بازتفسیر به پذیرش واقعی محدودیت قدرت، حاکمیت قانون و حقوق ملت منجر می‌شود یا تنها کارکرد آنها این است که مفاهیم جدید را در خدمت بازتولید الگوهای پیشین قرار می‌دهد. بحث روشمند درباره این اختلاف‌نظرها می‌تواند به غنای پژوهش‌های تاریخی و نظری ما کمک کند.

بیشترین خلأ ناشی از فقدان دکتر فیرحی در سطح آکادمیک و اجتماعی را چه می‌دانید؟

در بررسی نقش کنشگران عرصه دانش، می‌توان میان آموزش و انتقال اندیشه، ترویج و شرح آن و تولید افق‌های فکری تازه تمایز گذاشت؛ تمایزی که در بحث‌های اندیشمندانی همچون محمد آرکون و ریمون آرون نیز با صورت‌بندی‌های متفاوت مطرح شده است. از این منظر، فیرحی صرفاً مدرس یا شارح اندیشه سیاسی نبود، بلکه می‌کوشید با طرح پرسش‌های تازه و استفاده از روش‌های مشخص، در تولید دانش سهم داشته باشد.

ویژگی ممتاز او در این مسیر، آشنایی جدی با هر دو سنت حوزوی و دانشگاهی بود. فیرحی از یک‌سو زبان و منطق استدلال فقهی را می‌شناخت و از سوی دیگر، با روش‌ها و مسأله‌های علوم انسانی جدید آشنا بود. همین توانایی به او امکان می‌داد میان دو فضای علمی گفت‌وگویی روشمند برقرار کند و مسائل دیرپای اندیشه سیاسی را با پرسش‌های نو پیوند بزند. طبیعی است که شاگردان و پژوهشگران متعددی در ادامه این مسیر فعالیت می‌کنند، اما درگذشت زودهنگام او خلأیی محسوس در این گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای بر جای گذاشت. به گمان من، ادامه‌دادن این میراث بیش از هر چیز نیازمند پرورش پژوهشگرانی است که هم از درون سنت فکری خود شناخت کافی داشته باشند و هم بتوانند با دقت روش‌شناختی و زبانی روشن با جهان علمی معاصر سخن بگویند. فیرحی به واقع از معدود متفکرانی بود که تلاش می‌کرد مسائل سیاسی و اجتماعی روز را از مسیر بازخوانی انتقادی میراث فقهی و اندیشه اسلامی بررسی کند. اهمیت کار او در این بود که نه یکسره سنت را نفی و طرد می‌کرد و نه آن را بدون بازخوانی انتقادی پیش روی اندیشه سیاسی قرار می‌داد. او می‌کوشید از درون سنت، امکان‌هایی برای فهم مفاهیم جدیدی مانند قانون، آزادی، مردم‌سالاری و محدودیت قدرت سیاسی پیدا کند. این رویکرد، فضایی برای گفت‌وگو میان حوزه و دانشگاه و همچنین میان سنت‌گرایان و نواندیشان دینی فراهم می‌کرد.



عکس: رضا معطریان/ ایران

کدام وجه میراث فیرحی این ویژگی را دارد که در آینده از سوی شمار بیشتری از پژوهشگران حوزه اندیشه دنبال شود؟

میراث فیرحی را نمی‌توان فقط در نظریه‌های او خلاصه کرد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی‌اش، احترام به مخاطب و آمادگی برای شنیدن نظر مخالف بود. او در حوزه اندیشه سیاسی صاحب دیدگاه‌های مشخص بود و طبیعی است که همه با این دیدگاه‌ها موافق نباشند؛ بااین حال، می‌کوشید اختلاف نظر علمی را به نفی شخصیت یا بی‌اعتنایی به استدلال دیگری تبدیل نکند. مهربانی، انصاف و ادب گفت‌وگو از ویژگی‌هایی است که به نظرم باید در یادکرد او برجسته بماند.

به این اعتبار میراث فیرحی را نباید به بازتولید آثار یا تکرار چارچوب نظری او محدود دانست. اتفاقاً ارزش واقعی یک میراث فکری زمانی آشکار می‌شود که پژوهشگران بتوانند آن را نقد کنند، در آن تجدیدنظر کنند و پرسش‌های تازه‌ای به آن بیفزایند و فیرحی در زمان حیات خود به این امکان برای اندیشه‌اش باور داشت و نسبت به آن گشوده بود. شاید مهم‌ترین ویژگی فیرحی که شایسته است در نسل‌های بعدی پژوهشگران نیز تداوم پیدا کند، همین جسارت و بردباری در برابر نظرات مخالف و در عین حال توانایی تبدیل یک میراث فکری به مسأله‌ای زنده و قابل مناقشه باشد.

درس دیگر زندگی علمی فیرحی، پیگیری منظم یک مسأله پژوهشی در طول سالیان بود. مسیر مطالعه، انتخاب منابع، توجه به روش و حتی شیوه تدریس او در امتداد پرسش‌های بنیادینش درباره فقه، دولت، قانون و حقوق عمومی قرار داشت. او نشان داد که پژوهش اثرگذار معمولاً حاصل انتخاب‌های پراکنده نیست، بلکه به مسأله‌ای روشن، انضباط علمی و کوشش مستمر نیاز دارد.

به باور من، تا زمانی که پرسش از نسبت دین، قانون، حقوق شهروندی و مردم‌سالاری در جامعه ما موضوع اندیشه‌ورزی باشد، آثار و روش فیرحی نیز ارزش بازخوانی خواهند داشت. بزرگداشت او تنها یادآوری نام یک استاد فقید نیست؛ فرصتی است برای تأکید دوباره بر دو فضیلت دانشگاهی: پرسیدنِ روشمند و شنیدنِ محترمانه.

جست‌وجوگری در مسیر شدن

گفت‌وگو با شریف لک‌زایی درباره اهمیت و ابتکارات نظری دکتر فیرحی

گفت‌وگو

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

شریف لک‌زایی، دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و از شاگردان مرحوم دکتر داود فیرحی، نگاهی دقیق به آثار و تلاش‌های استاد خود در عرصه فقه دارد. او از جهاتی به نقد مرحوم فیرحی می‌پردازد و از برخی جهات با او همسوست؛ اما در مجموع، این استاد فقید را شخصیتی برجسته و تأثیرگذار می‌داند که مجاهدت‌های فراوانی برای خروج مباحث فقهی از خلأ موجود به کار بست.

ارتباط علمی و فکری شما با مرحوم استاد داود فیرحی چگونه شکل گرفت؟

من با جناب استاد فیرحی از اوایل دهه ۷۰ آشنا بودم و این آشنایی از سال ۷۵ به بعد بیشتر شد، البته علاوه بر ارتباطات خانوادگی، در حوزه روابط استاد و شاگردی نیز با ایشان مراودات زیادی داشتم. مرحوم فیرحی همچنین مشاور رساله کارشناسی ارشد من بودند و در این کار از نقدها و بحث‌های ایشان استفاده کردم. ما همیشه بحث‌های زیادی در زمینه فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی داشتیم؛ از این منظر هم البته یک نقد کلی به ایشان داشتم و به خودشان هم گفته بودم؛ آن نقد این بود که رویکرد ایشان به سمت فلسفه سیاسی نرفت، در حالی که می‌توانست برخی از مسائل را از منظر فلسفه سیاسی طرح کند. خاطرم هست ایشان بحثی درباره امام موسی صدر داشت و در آنجا نظرات امام موسی صدر را به دموکراسی مشورتی ارجاع دادند. من نیز گفتم زمانی که امام موسی صدر این بحث را مطرح کرد دموکراسی مشورتی هنوز آنقدر مطرح نشده بود، بلکه امام موسی صدر آن را بر مبنای پایگاه فلسفی خود؛ یعنی قاعده کثرت در وحدت و وحدت در کثرت مطرح کرده است.

در دوره‌ای که التفات به فقه در بین روشنفکران و دانشگاهیان چندان رایج نبود، مرحوم دکتر داود فیرحی با انتشار کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» به‌عنوان چهره‌ای نو و متفاوت در حوزه اندیشه سیاسی مطرح شد. جنابعالی درباره نقش ایشان در این حوزه و احیای مباحث فقه سیاسی در ایران معاصر چه ارزیابی‌ای دارید؟

در این تعبیر که آثار و تلاش‌های مرحوم فیرحی به احیای مباحث فقه سیاسی انجامید، ایرادی نمی‌بینم؛ بی‌تردید باید نقش ایشان را در احیای فقه سیاسی در ایران معاصر جدی گرفت. ایشان استاد فقه سیاسی بود و در کنار آن، مباحث دیگری مانند اندیشه سیاسی در اسلام و غرب را نیز تدریس می‌کرد، اما دغدغه اصلی اش دموکراتیزه کردن مباحث فقه در ایران معاصر بود. استاد فیرحی با انتشار کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» رویکردی نو و متفاوت در فضای پژوهشی اندیشه سیاسی اسلامی بنیان گذاشت؛ اثری که در واقع رساله دکتری ایشان بود و به چاپ رسید. پیش از فعالیت‌های او، مباحث فقه سیاسی بیشتر در قالب‌های سنتی ارائه می‌شد و پیوند با مباحث روش‌شناختی و علوم سیاسی معاصر نداشت، اما دکتر فیرحی توانست با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و رویکردهای هرمنوتیک، خوانشی تازه از فقه سیاسی ارائه دهد و تلاش کرد این حوزه را از دانشی صرفاً هنجاری، به یک عرصه پژوهشی میان‌رشته‌ای تبدیل کند. دیدگاه ایشان بر این بود که خوانش‌های پیشین از فقه عموماً غیردموکراتیک بوده‌اند؛ از همین رو کوشید تا این نگاه سنتی را بازسازی و بازخوانی کند.

دکتر فیرحی از انتشار نخستین کتابش تا واپسین اثرش در حوزه فقه سیاسی با عنوان «دولت مدرن و بحران قانون» چه خط سیری را طی کرد و آثار و نظراتش طی این مسیر دچار چه تغییر و تحولی شد؟

آنچه درباره سیر تحول آثار و نظرات مرحوم استاد فیرحی دریافته بودم این است که شاید در آغاز چنین به نظر نمی‌رسید او مسیر کاملاً مشخصی در کار خود داشته باشد، اما اکنون که آثار او را کنار هم می‌گذاریم، می‌توان این سیر تدریجی و دگرگونی را دید. تعبیری را که شهید بهشتی درباره دکتر شریعتی به کار برد، می‌توان به مرحوم فیرحی نیز نسبت داد؛ این تعبیر که او «جست‌وجوگری در مسیر شدن» بود. از این جهت است که می‌گوییم در آغاز کار مسیر او چندان روشن نبود، اما بعدها این سیر بر همگان آشکار شد. اگر بخواهم کارهای ایشان را مرحله‌بندی کنم باید بگویم در مرحله اول کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام»، مرحوم فیرحی در طرح مباحث بر تحلیل گفتمان تأکید دارد و سنت فقهی را از این زاویه بازخوانی می‌کند. در گام بعد و با کتاب «آستانه تجدد»، دگرگونی تازه‌ای در اندیشه مرحوم فیرحی شکل می‌گیرد؛ اندیشه او در حوزه مباحث فقه و سیاست در ایران معاصر و مناسبات دانش و قدرت تداوم می‌یابد و او در آثار پسین خود از تحلیل‌های تاریخی و گفتمانی صرف، به سمت مسائل انضمامی‌تر و مشخص‌تر در ایران معاصر گام برمی‌دارد. برای نمونه، موضوعاتی مانند مشروطیت، قانون و قانون‌خواهی، نهاد دولت و نسبت میان فقه و پارلمان توجه او را به خود جلب می‌کند. البته بخشی از آثار دکتر فیرحی نیز در قالب یادداشت‌ها و مقالات گوناگونی تدوین شد که متناسب با فضای فکری ایشان درباره دولت و موضوعاتی از این دست انتشار یافت.

مرحله نهایی یا دوره سوم، مقطعی است که در آن مرحوم فیرحی توجه ویژه‌ای به مقوله دولت مدرن نشان می‌دهد و به‌طور خاص، بحران قانون در ایران را از چشم‌انداز فقه سیاسی بررسی می‌کند. او نشان داد فقه سنتی با وجود همه ظرفیت‌هایش، در برخورد با منطق دولت مدرن با چالش‌ها و بحران‌های ساختاری جدی روبه‌رو است. مرحوم فیرحی در پاره‌ای از آثار متأخر خود، افزون بر شناخت و توصیف اولیه و رویکردهای انتقادی پیشین، به سوی تشخیص دقیق بحران و ارائه راه‌حل نیز پیش می‌رود.

در مجموع چه ارزیابی‌ای درباره آثار و آرای ایشان دارید و به نظرتان مهم‌ترین ابتکارات نظری ایشان چه بود و چه نقد عمده‌ای به آثارشان دارید؟

ارزیابی کلی من این است که ایشان در مسیر شدن و در مرحله شکوفایی اندیشه‌اش قرار داشت که ناگهان از دنیا رفت؛ اگر در قید حیات بود، بحث‌هایش به اوج شکوفایی می‌رسید. در هر صورت، می‌توان او را یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پژوهشگران حوزه فقه سیاسی در ایران معاصر دانست. در دانشگاه تهران، افزون بر مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی که مباحث فقه سیاسی را ارائه می‌کرد، مرحوم فیرحی نیز از جایگاه و برجستگی ویژه‌ای برخوردار بود. او بسیار علاقه‌مند بود تا مباحث و درس‌های فقهی را از دریچه نگاه خاص خود ارائه دهد؛ از این جهت معتقدم ایشان توانست به‌خوبی در آثارش و در جمع شاگردان خود، مباحث فقهی را از حاشیه به متن بیاورد و آن را با مباحث علوم سیاسی پیوند دهد. به‌طور کلی آثار او، هم از منظر روش‌شناختی و هم از نظر محتوایی و موضوعی، شایسته بحث و گفت‌وگو است. همچنین بازخوانی مشروطیت و نگاه مرحوم فیرحی به مرحوم نائینی قابل تأمل است. دیدگاه او نسبت به نائینی این بود که وی فقیهی برجسته است و کتاب «تنبیه الامه و تنزیه الملّه» اثری در حوزه فقه سیاسی محسوب می‌شود. من معتقدم با وجود اینکه نائینی فقیهی ممتاز بود و در دوره مشروطه تأثیرگذاری زیادی داشت، خوانش من تفاوت‌هایی با دکتر فیرحی دارد؛ چرا که تصور می‌کنم «تنبیه الامه و تنزیه المله» صرفاً یک اثر فقه سیاسی خالص نیست، بلکه اثری در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی است و مرحوم نائینی در آن تلاش کرده تا نظریه دولت خود را ارائه کند. در باب ابتکارات نظری استاد فیرحی نیز می‌توان گفت خوانش او از مرحوم نائینی، نوعی بازخوانی انتقادی و نو محسوب می‌شود. همچنین بحث قانون و بحران آن و مشکلاتی که بر سر راه قانون در ایران معاصر وجود دارد، از مباحث ابتکاری و مهمی است که مرحوم فیرحی بر آن تمرکز داشت و در بحث دولت مدرن و بحران قانون، این بازخوانی به اوج خود می‌رسد.



نقد من به ایشان این بود که تمرکز بر مباحث فقهی و فقه سیاسی بود و از مباحث فلسفی و فلسفه سیاسی غفلت می‌ورزید و صرفاً تلاش داشت از بحث‌های فقهی استخراج و استنباط داشته باشد. من طبعاً با خوانش او از منظر فلسفه ملاصدرا و مباحث اندیشه سیاسی در این مکتب موافق نبودم و در کتاب «فلسفه سیاسی صدرالمتألهین» در یکی دو مورد او را نقد کردم؛ به این معنا که محتوای فلسفه سیاسی صدرالمتألهین نمی‌توانست با ادعاهای جناب استاد فیرحی نسبتی داشته باشد. با این همه، او تلاش‌های بسیاری برای خروج مباحث فقهی از خلأ موجود در مواجهه با مسائل دنیای معاصر به کار بست و به نظرم این مجاهدت علمی شایسته ارج گزاری است.

نواندیشی و مسأله ایران



سیدصادق حقیقت
استاد اندیشه سیاسی

«مسأله ایران» یکی از بنیادی‌ترین و درعین حال مغفول‌ترین مسائل در ادبیات نواندیشی دینی معاصر است. ایران نه صرفاً یک واحد جغرافیایی، بلکه حافظه تاریخی، تنوع فرهنگی و میدان تلاقی سنت و تجدد است؛ از این رو، هر پروژه فکری که بخواهد در جهان اسلام معاصر سخنی برای گفتن داشته باشد، ناچار است تکلیف خود را با این مسأله روشن کند. با این حال، آنچه امروز در ادبیات نواندیشی دینی در باب ایران می‌بینیم، بیشتر نقدهای پراکنده و اشاره‌های گذراست تا نظریه‌ای منسجم و جامع. درچنین فضایی، پرسش از نسبت نواندیشی دینی با مسأله ایران، پرسشی است که پاسخ آن نه تنها برای فهم وضع کنونی، بلکه برای ترسیم افق آینده ضروری است. یادداشت حاضر می‌کوشد در ۱۹ بند، ابعاد مختلف این پرسش را بررسی کند و ضرورت کوششی دوچندان را در این زمینه آشکار سازد.

۱. نواندیشی دینی (حوزوی) را می‌توان سنتی دانست که دال مرکزی آن بازسازی سنت است؛ بازسازی‌ای که به اقتضای مدرنیته تعریف می‌شود و هدف خود را بازاندیشی در متون دینی براساس حکم عقل و مقتضیات تجدد قرار می‌دهد. این تعریف، نواندیشی دینی را از سطح یک گرایش صرفاً فکری فراتر می‌برد و آن را به یک برنامه پژوهشی و عملی تبدیل می‌کند که ناچار است با پرسش‌های بنیادین درباره نسبت دین، عقل، سنت و تجدد روبه‌رو شود. دراین چارچوب، «مسأله ایران» نیز نه یک موضوع حاشیه‌ای، بلکه یکی از وجوه اصلی این برنامه است.

۲. به شکل ساده می‌توان گفت تفاوت نواندیشی دینی با روشنفکری دینی همانند تفاوت سروش با سروش محلاتی (و فیرحی) است. نواندیشی دینی بیشتر در فضای حوزوی و با زبان فقه و کلام و اصول رشد می‌کند، در حالی که روشنفکری دینی بیشتر در فضای دانشگاهی و با زبان فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی شکل می‌گیرد. این تفاوت در زبان و نهاد، به تفاوت در اولویت‌ها و مسأله‌ها نیز می‌انجامد.

۳. تفاوت روشنفکری دینی و نواندیشی دینی (حوزوی) در هفت امر است: متعلق اصلاح، منبع معرفت (عقل)، اعتبار فقه سیاسی، نسبت عقل و دین، ادله فرامتنی و متنی، سکولاریسم و روش‌شناسی دینی. این هفت محور نشان می‌دهد تمایز میان این دو جریان صرفاً یک اختلاف سلیقه‌ای نیست، بلکه به تفاوت در مبانی معرفتی و روش‌شناختی مربوط می‌شود.

۴. دو اصطلاح روشنفکری و نواندیشی هم بُعد معرفتی دارند و هم بُعد اجتماعی و سیاسی. اگر سیاست را در نهادهای رسمی مطالعه کنیم، روشنفکری و نواندیشی پروژه فکری‌اند؛ اما اگر سیاست را در همه‌جا و به صورت میکروسیاسی لحاظ کنیم، می‌توانند پروژه سیاسی باشند. بنابراین، بررسی نسبت نواندیشی دینی با «مسأله ایران» باید هم بُعد نظری و هم بُعد عملی آن را در نظر بگیرد.

۵. «مسأله ایران» اعم از نظریه ایرانشهری جواد طباطبایی است؛ ناحیه‌ای عمدتاً فرهنگی که در تاریخ تحت عنوان «ایران» شناخته شده است، با تأکید بر تنوع قومی در عین وحدت فراگیر، امر ملی، و منافع ملی. این تعریف نشان می‌دهد که مسأله ایران بسیار گسترده‌تر از یک نظریه خاص است و نمی‌توان آن را به یک قرائت واحد فروکاست.

۶. «مسأله ایران» ضرورتاً همان ناسیونالیسم نیست. این تأکید برای آن است که میان توجه به ایران به عنوان یک واحد تاریخی و فرهنگی و ایدئولوژی ناسیونالیسم که می‌تواند به انحصار و طرد بینجامد، تفکیک شود. «مسأله ایران» بیشتر ناظر به همبستگی تاریخی، حافظه جمعی و منافع مشترک است.

۷. نقطه مثبت نظریه طباطبایی، توجه به یکپارچگی ایران و حفظ و تقویت «منافع ملی» است. این نکته را باید جدی گرفت، زیرا در فضایی که گاه «مسأله ایران» یا به ناسیونالیسم افراطی فروکاسته می‌شود یا به کلی نادیده گرفته می‌شود، نظریه طباطبایی می‌کوشد یکپارچگی ایران را به‌عنوان یک مسأله نظری و عملی مطرح کند. با این حال، این نقطه مثبت به تنهایی کافی نیست و باید با نقد همراه شود.

۸. کاملاً مشخص نیست طباطبایی از امری جغرافیایی سخن می‌گوید یا از مسأله‌های فرهنگی. علاوه برآن، باید دید این ایده با نظریه پیوست (مثل هگل و آرتور لاوجوی) توضیح داده می‌شود یا با نظریه گسست (مثل پسامدرن‌ها و کوئنتین اسکینر). این ابهام روش‌شناختی یکی از ضعف‌های اصلی نظریه است، زیرا بدون روشن شدن مبانی نظری، نقد و ترمیم آن نیز دشوار خواهد بود.

۹. به اعتقاد فیرحی، «اندیشه خواجه نظام‌الملک، اندیشه ایرانشهری نیست. سلطنت ایرانشهری حتی پیش از قاجار مرده است. سلطنت و نهاد آن و فکر آن در ایران مرده است!» به نظر وی، «سیاست‌نامه»ها را نمی‌توان جریانی مستقل محسوب کرد. این داوری نشان می‌دهد فیرحی ایرانشهری را نه یک سنت زنده، بلکه یک میراث تاریخی مرده می‌داند که نمی‌تواند پاسخگوی مسائل امروز باشد.

۱۰. در خصوص نقد فیرحی به طباطبایی، مهم آن است که محل نزاع کاملاً مشخص نشده است. اگر مشخص نشود که نزاع بر سر چیست - روش، مبانی، نتایج سیاسی، یا تعریف ایران - نقد و پاسخگویی نمی‌تواند ثمربخش باشد. بنابراین، نخستین گام در هر نقد، ایضاح محل نزاع است.

۱۱. نقد فیرحی به طباطبایی را نمی‌توان دیدگاه نواندیشان دینی در زمینه «مسأله ایران» دانست. نواندیشی دینی یک جریان واحد و همگن نیست، بلکه طیفی از دیدگاه‌ها و رویکردهاست که در برخی مسائل با هم اختلاف دارند. بنابراین، نباید نقد یک شخص را به کل جریان تعمیم داد.

۱۲. فیرحی دیدگاه جامعی نسبت به «مسأله ایران» ندارد. این نقد به معنای نفی اهمیت کار فیرحی نیست، بلکه به این معناست که او بیشتر بر نقد ایرانشهری متمرکز شده است تا ارائه یک بدیل جامع. برای حل «مسأله ایران»، صرف نقد کافی نیست؛ باید یک چارچوب تحلیلی جایگزین ارائه شود که هم به سنت تاریخی ایران توجه کند و هم به مقتضیات دوران مدرن پاسخ دهد.

۱۳. برای ترمیم این نظریه کارهای زیر ضرورت دارد: ایضاح مفهومی «ایرانشهر» و «ایران فرهنگی»، تنقیح مدعا، ارائه دلایل کافی برای مدعا، تبیین ارتباط این نظریه با تحول روش‌شناسانه طباطبایی، توضیح نسبت ایرانشهری با نظریه زوال، و نهایتاً دلایل برتری این نظریه نسبت به ایده جهان‌وطنی یا انترناسیونالیسم (اخلاقی). بدون این کارها، نظریه در سطح شعار و ادعا باقی می‌ماند.

۱۴. اگر نظریه ایرانشهری در دوران کلاسیک بر نظام هرمی و فره‌مند تکیه می‌زد، در این عصر، به نظریه‌های مدرن و غیرهرمی برای «ایران» محتاج هستیم. نمی‌توان الگوی کلاسیک ایرانشهری را بدون تغییر به دوران مدرن منتقل کرد؛ زیرا دوران مدرن با مفاهیمی مانند شهروندی، حقوق برابر، جامعه مدنی و دولت ملی شناخته می‌شود.

۱۵. براین اساس، نگاه نواندیشانه که به نظام غیرهرمی باور دارد، بهتر می‌تواند به «مسأله ایران» در دوران مدرن بپردازد. نواندیشی دینی باید از الگوهای هرمی و انحصاری فاصله بگیرد و به سمت الگوهای مشارکتی، تکثرگرا و غیرهرمی حرکت کند تا هم تنوع قومی و فرهنگی ایران را به رسمیت بشناسد و هم وحدت ملی را بر پایه شهروندی و منافع مشترک بازتعریف کند.

۱۶. یکی از مسائل مهم، جایگاه دولت ملی و مسأله مرز در اندیشه سیاسی اسلامی (از دیدگاه نواندیشان دینی) است. دولت ملی یکی از مفاهیم بنیادین دوران مدرن است و نواندیشی دینی نمی‌تواند از آن عبور کند. پرسش این است که آیا اندیشه سیاسی اسلامی می‌تواند مفهوم دولت ملی و مرزهای سرزمینی را در چارچوب خود بپذیرد یا نه.

۱۷. مسأله دیگری متفرع بر بحث قبل، مرز مسئولیت‌های فراملی دولت اسلامی (و نسبت بین منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی) است. از یک سو، دولت اسلامی خود را به منافع ملی و سرزمینی ملتزم می‌داند؛ از سوی دیگر، در اندیشه اسلامی مسئولیت‌هایی فراملی مانند حمایت از مستضعفان و امت اسلامی مطرح است. نسبت این دو، یکی از پیچیده‌ترین مسائل نظری در اندیشه سیاسی اسلامی معاصر است.

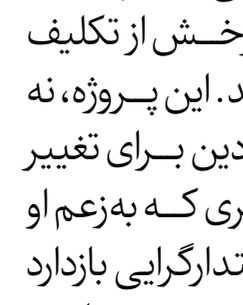
۱۸. از دیدگاه نظریه همروی، حل «مسأله ایران» باید حاصل و برآیند دانش‌های مختلف (فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی و مانند آن) باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد «مسأله ایران» یک مسأله تک‌رشته‌ای نیست و حل آن نیازمند گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای است که در آن هر دانش، سهم خود را ایفا کند.

۱۹. در مجموع، ادبیات نواندیشی دینی نسبت به «مسأله ایران» بسیار نحیف است، و ضرورت کوششی دوچندان را آشکار می‌سازد. «مسأله ایران»، به دلیل پیوند عمیق آن با هویت، تاریخ، دین و سیاست، نمی‌تواند در حاشیه نواندیشی دینی باقی بماند. اگر نواندیشی دینی بخواهد پروژه خود را به طور کامل محقق کند، باید به «مسأله ایران» به‌عنوان یکی از مسائل محوری خود بپردازد و در این راه، از نقد و ترمیم نظریه‌های موجود دریغ نکند.

تقدم حق بر تکلیف

پروژه ناتمام فیرحی و ظرفیت‌های دموکراسی





مهدی فدایی مهربانی
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

داود فیرحی در واپسین دهه عمر پژوهشی خود، پروژه‌ای را دنبال می‌کرد که می‌توان آن را «چرخش از تکلیف به حق» در خوانش فقه شیعه نامید. این پروژه، نه یک اصلاح سطحی، بلکه تلاشی بنیادین برای تغییر «نقطه عزیمت» فقه سیاسی بود؛ تغییری که به‌زعم او می‌توانست فقه را از سرازیر شدن به اقتدارگرایی بازدارد و ظرفیتی دموکراتیک در آن ایجاد کند. اما پرسش بنیادین این است که آیا فقه، با ساختار تکلیف‌محور و حجم انبوه احکام هنجاری‌اش، اساساً ظرفیت صورت‌بندی یک نظریه حق‌محور را دارد؟ فیرحی بر آن بود که مشکل اصلی فقه سیاسی سنتی در «نظم سلطانی» است. به باور او، سیطره تاریخی این نظم موجب شد پرسش‌های فقهی عمدتاً پیرامون مفاهیمی چون اطاعت، امارت و... شکل بگیرند، در حالی که مفاهیمی مانند شورا و مشارکت به حاشیه رانده شدند. از نظر او، فقه در چنین بستری نظم سلطانی را امری طبیعی فرض کرده بود و همین امر، تفسیری اقتدارگرایانه از دین را برجسته ساخت. بنابراین، فیرحی در پی آن بود که نشان دهد این تفسیر اقتدارگرایانه، امری تاریخی و سیاسی است و نه ذاتی دین؛ به زعم او، می‌توان فقه را به گونه‌ای خواند که سر از اقتدارگرایی درنیاورد.

راه‌حل او، تغییر نقطه آغازین فقه از «تکلیف» به «حق» بود. فیرحی استدلال می‌کرد که دموکراسی در جایی استقرار می‌یابد که در آنجا حقی به رسمیت شناخته شده باشد. او معتقد بود فقه اسلامی تنها مجموعه‌ای از تکالیف نیست، بلکه در درون آن سرچشمه‌هایی از حقوق نیز وجود دارد که می‌توانند وجوه مردم‌سالارانه فقه را بارور سازند. بر این اساس، او تلاش کرد تا با تأکید بر «دوگانگی مفهوم حق و حکم»، روایتی از فقه شیعه بازخوانی کند که دامنه «حق» را فراخ‌تر از «حکم» بشمارد و بدین ترتیب، فرصتی فراهم آورد که دموکراسی بتواند بر مسند حکومت قرار گیرد. فیرحی برای اثبات این تقدم، به سراغ «اصول عملیه» رفت. او با بررسی مجاری تولید حق در فقه، از اصولی همچون اباحه، برائت و حریت بهره برد؛ اصولی که اصل را بر عدم تکلیف می‌گذارند. استدلال او این بود که در مواردی که حکم روشنی وجود ندارد، مبنای برائت، فقیه را به «اصول عدم حکم» سوق می‌دهد و «نبود دلیل، دلیل بر نبود حکم است.» از نظر او، این وضعیت، محصول فقدان دلیل است و از آن به «اباحه عقلی» یاد می‌شود که در آن، عقل و شرع هر دو مجاری تولید حق‌اند و به مکلف اختیار می‌دهند. فیرحی حتی پا را فراتر نهاد و مدعی شد که «بیشترین و غنی‌ترین منبع تولید حق در اندیشه شیعه، حکم شرعی و بویژه حقوق منبعث از عمومات شرع است.»

با این حال، همین جا نقطه‌ای است که می‌توان در پروژه فیرحی درنگ کرد. او خود اذعان کرد که شیعه، برخلاف غرب که از مسیر حقوق طبیعی و اهل سنت که از مسیر شوری به دموکراسی می‌رسند، تنها از «حوزه‌های خالی از نص» می‌تواند راهی به سوی دموکراسی باز کند. این اعتراف، به طور ضمنی تأیید می‌کند که فضای اصلی فقه، فضای تکلیف است و حق، تنها در حاشیه و در سایه سکوت شارع امکان ظهور می‌یابد. از همین رو است که برخی پژوهشگران در ارزیابی پروژه فیرحی، این محدودیت را به روشنی بیان کرده‌اند که او توانست از درون سنت فقهی راهی برای توجیه حقوق بنیادین انسان بیابد، اما این راه در برابر نصوص دینی محدودیت‌هایی بسیاری داشت. زیرا اصول عملیه‌ای که فیرحی به آنها استناد می‌کرد، در جایی کاربرد داشت که تهی از نص دینی باشد.

این محدودیت، دقیقاً همان جایی است که نقد بنیادین‌تر آشکار می‌شود. حجم اصلی فقه، احکام و بایدها و نبایدهاست؛ فقهی که وظیفه اصلی خود را تعیین تکلیف مکلف در برابر شارع می‌داند. در چنین ساختاری، «حق» نه یک مفهوم بنیادین، بلکه امری عارضی و مشروط است. فیرحی برای گشودن فضایی برای حق، ناگزیر شد به «منطقه الفراغ» پناه ببرد؛ همان جایی که فقه ساکت است. اما این پناهجویی، به تعبیری، نقض غرض است: اگر ظرفیت دموکراتیک فقه تنها در سکوت آن فعال می‌شود، آنگاه این ظرفیت نه از دل فقه، بلکه از خلأ آن برمی‌خیزد. فیرحی خود این واقعیت را چنین صورتبندی می‌کند که مواردی که در آنها مستقیماً و مستقلاً از قرآن و سنت به حکم می‌رسد، بسیار اندک است و بنابراین در بیشتر مواقع که حکم روشنی وجود ندارد، می‌بایست مبنای خود را بر برائت بگذاریم. این موضع، هرچند تلاشی برای بزرگنمایی «منطقه الفراغ» است، اما همزمان اعترافی است به اینکه بار اصلی فقه بر دوش تکلیف است.

پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا فیرحی تأکید داشت این بازسازی را درون فقه انجام دهد؟ پاسخ او روشن بود: به باور فیرحی، تمدن اسلامی فقه‌مدار است و «هرآنچه قرار است در این تمدن رخ دهد باید از رهگذر چنین دانشی عبور نماید». او فقه را «فربه‌ترین دانش تمدن اسلامی» می‌دید که در جای حکمت مدنی در غرب نشسته است. بنابراین، از منظر او، هرگونه اصلاح سیاسی در جهان اسلام ناگزیر باید از فقه بگذرد. این استدلال، هرچند از حیث تاریخی قابل درک است، اما خود را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که آیا دانش‌های دیگر اسلامی، ظرفیت‌های بیشتری برای صورت‌بندی دموکراتیک ندارند. منتقدان فیرحی نیز همین نکته را برجسته کرده‌اند: چرا او مسیری غیر از فقه را متصور نبود؟ آیا ظرفیت‌های نهفته در دیگر دانش‌های اسلامی راه بر دموکراسی هموارتر نمی‌کرد؟

در این میان، عرفان اسلامی به دلیل معرفت‌شناسی تشکیکی و لایه‌مند خود، ظرفیتی متفاوت را عرضه می‌کند. عرفان، برخلاف فقه که در حیطه هنجارهای الزام‌آور است، بر سیر و تحول درونی انسان تأکید دارد و حقیقت را امری ذومراتب می‌بیند. در چنین چارچوبی، «حق» نه در برابر «تکلیف» و در منطقه‌ای خالی از نص، بلکه به عنوان تجلی حقیقت وجودی انسان و نسبت او با امر مطلق صورت‌بندی می‌شود. این ظرفیت، هرچند به طور مستقیم به دموکراسی سیاسی منتهی نمی‌شود، اما فضایی برای فهمی غیراقتدارگرایانه از نسبت انسان با خدا و با دیگری فراهم می‌کند که با منطق تکلیف‌محور فقه متفاوت است. فیرحی خود به این مسیر توجهی نشان نداد، اما پروژه او دست‌کم این پرسش را باقی می‌گذارد که آیا بازسازی دموکراتیک اندیشه اسلامی باید صرفاً از گذرگاه فقه بگذرد یا می‌تواند از سرچشمه‌های دیگری نیز بهره ببرد؟

در مجموع، پروژه فیرحی را باید به عنوان تلاشی صادقانه و نظری جدی برای آشتی فقه و دموکراسی ارزیابی کرد. او با طرح تقدم حق بر تکلیف، افق‌های تازه‌ای گشود و نشان داد فقه را می‌توان به گونه‌ای دیگر خواند. اما ساختار تکلیف‌محور فقه و وابستگی پروژه او به «منطقه الفراغ»، محدودیت‌های این مسیر را آشکار می‌کند. شاید مهم‌ترین دستاورد فیرحی، نه ارائه یک الگوی نهایی، بلکه گشودن همین پرسش باشد که آیا فقه، با تمام وزن تاریخی و ساختاری خود، می‌تواند حامل پروژه‌ای باشد که در بنیان، با منطق درونی آن در تنش است؟

پلی میان دو جهان فکری

روش‌شناسی پژوهش در آثار و اندیشه دکتر فیرحی



رضا تاران
پژوهشگر اندیشه سیاسی

این یادداشت درصدد فهم روش‌شناسی برنامه پژوهشی فیرحی است، نه داوری و ارزش‌گذاری آن. اهمیت این روش‌شناسی در آن است که او توانست روش‌های سنتی حوزه را با روش‌های جدید علوم انسانی ترکیب کند؛ ترکیبی که نه به انزوای روش‌شناختی حوزویان می‌انجامد و نه به پذیرش بی‌چون و چرای مبانی غربی. او شرح تحلیلی متون فقهی و منطق اجتهاد را در کنار تفسیر، تحلیل گفتمان، تبارشناسی، تاریخ مفاهیم و تحلیل تطبیقی به کار گرفت و هر ابزار را به تناسب پرسش پژوهش انتخاب کرد. نکته کلیدی آن است که این ترکیب، گزینشی و انتقادی بود: فیرحی قابلیت‌های تحلیلی روش‌های جدید را از پیش‌فرض‌های ناسازگار با جهان‌بینی دینی تفکیک می‌کرد و آنها را در خدمت بازخوانی سنت اسلامی قرار می‌داد. به این ترتیب، روش‌شناسی او پلی شد میان دو جهان فکری؛ پلی که امکان مواجهه فعال فقه و سنت با مسائل جدید دین، سیاست، دولت و دموکراسی را فراهم کرد.



تقدم مسأله بر روش

روش‌شناسی دکتر داود فیرحی را نمی‌توان در چارچوب یک الگوی نظری یا روش تحقیق ثابت و از پیش تعیین شده محصور کرد. وجه متمایز رویکرد او، بهره‌گیری انتقادی و مسأله‌محور از مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارهای تحلیلی است. در منطق پژوهشی او، روش باید تابع پرسش و مسأله تحقیق باشد، نه اینکه مسأله در قالب الزامات یک روش از پیش انتخاب شده محدود شود. از این رو، تنوع روش‌ها در آثار او را نباید نشانه فقدان انسجام دانست؛ زیرا هر روش متناسب با پرسشی خاص و برای روشن کردن بخشی از مسأله اصلی پژوهش به کار گرفته می‌شود.

این رویکرد را می‌توان نوعی تصرف آگاهانه و انتقادی در روش‌های موجود دانست. فیرحی نه به انزوای روش‌شناختی و کنار گذاشتن دستاوردهای علوم انسانی جدید اعتقاد داشت و نه پذیرش بی‌چون و چرای مبانی نظری آنها را ضروری می‌دانست. او می‌کوشید قابلیت‌های تحلیلی روش‌های جدید را از پیش‌فرض‌هایی که با جهان‌بینی دینی او سازگار نبودند، تفکیک کند و آنها را در خدمت بازخوانی سنت اسلامی قرار دهد. بنابراین، انسجام روش‌شناختی آثار او بیش از آنکه در ثبات ابزارها باشد، در استمرار یک دغدغه محوری قابل مشاهده است: بازشناسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های سنت فقهی و سیاسی اسلام در مواجهه با تجدد، دولت مدرن و دموکراسی.



تفسیر، هرمنوتیک و تحلیل گفتمان

فیرحی در توضیح تأثیرپذیری‌های روش‌شناختی خود، به دو حوزه اصلی نظریه‌های گفتمان و مباحث مربوط به تفسیر اشاره می‌کند. با این حال، خود را به معنای مصطلح کلمه پیرو یک مکتب مشخص هرمنوتیکی نمی‌داند؛ بلکه مفهوم تفسیر و امکان فهم تاریخی متون برای او اهمیت دارد. در این تلقی، فهم متن صرفاً به معنای کشف معنای ظاهری یا بازسازی مقصود مؤلف نیست، بلکه مستلزم توجه به زمینه‌های تاریخی، افق‌های تفسیری و شرایطی است که در شکل‌گیری و تداوم یک قرائت نقش داشته‌اند. از این منظر، تاریخ صرفاً موضوعی برای گزارش وقایع گذشته نیست، بلکه بستری برای فهم چگونگی شکل‌گیری اندیشه و هویت انسان معاصر است. فیرحی می‌کوشد انسان ایرانی امروز را در آیینه تاریخ مطالعه کند و نشان دهد برداشت‌های او از دین، سنت، غرب و تجدد چگونه شکل گرفته‌اند. تحلیل گفتمان نیز به او امکان می‌دهد دانش‌های تثبیت شده را در پیوند با شرایط اجتماعی و سیاسی و مناسبات قدرت بررسی کند. به این ترتیب، تفسیر برای فهم متون، تحلیل گفتمان برای شناخت شرایط شکل‌گیری و تثبیت معرفت و تاریخ برای توضیح تحول این صورت‌های فکری به کار گرفته می‌شوند.

نقد تاریخی فقه سیاسی

یکی از ابزارهای مهم فیرحی، به‌ویژه در آثار اولیه، تبارشناسی و تحلیل رابطه دانش و قدرت در اندیشه میشل فوکو است. این رویکرد امکان فاصله گرفتن از روایت‌های خطی و غایت‌انگارانه تاریخ اندیشه را فراهم می‌کند و به جای جست‌وجوی منشأیی ثابت و ازلی، بر شرایط پیدایش، گسست‌ها و مناسباتی تمرکز دارد که در شکل‌گیری و تثبیت یک اندیشه یا نهاد مؤثر بوده‌اند.

در کتاب «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام»، این روش در بررسی نسبت میان نص دینی، دانش فقهی و اقتدار سیاسی آشکار می‌شود. فیرحی نشان می‌دهد دانش سیاسی در جهان اسلام در خلأ شکل نگرفته، بلکه در پیوند با نصوص دینی، نیازهای جامعه مسلمان و شرایط تاریخی و سیاسی پدید آمده است. بنابراین، تفسیرهای مسلط از دین را نمی‌توان تنها صورت ممکن فهم نصوص دانست؛ این تفسیرها در بستر شرایط خاص تاریخی و در ارتباط با مناسبات قدرت تثبیت شده‌اند. هدف تبارشناسی در اینجا نقد اصل دین یا اعتبار نص نیست، بلکه آشکار ساختن تاریخی بودن ساختارهای تفسیری و نهادی‌ای است که گاه خود را به‌عنوان تنها صورت معتبر فهم دین معرفی کرده‌اند.

البته بهره‌گیری فیرحی از فوکو به معنای پذیرش کامل مبانی فلسفی و هستی‌شناختی او نیست. آنچه برای فیرحی اهمیت دارد، ظرفیت انتقادی تبارشناسی برای آشکار کردن تاریخی بودن دانش و پیوند آن با قدرت است. او این ظرفیت را به صورت گزینشی به کار می‌گیرد؛ هم برای نقد درون‌سنتی و بازاندیشی در قرائت‌های مسلط فقهی و سیاسی و هم برای فاصله گرفتن از پذیرش بی‌چون و چرای مفروضات علوم انسانی غربی.

تاریخ مفاهیم و تحلیل نظام‌های سیاسی

در کتاب «تاریخ تحول دولت در جهان اسلام»، رویکرد تاریخی و تبارشناختی فیرحی در مطالعه پیدایش و تحول الگوهای دولت آشکار می‌شود. او نسبت میان خلافت، سلطنت و سنت‌های حکمرانی ایرانی را از دوره خلافت راشدین و امویان و عباسیان تا تجربه‌های سیاسی عثمانی و صفوی بررسی می‌کند. هدف کتاب صرفاً روایت پیوسته وقایع نیست، بلکه شناسایی لحظه‌هایی است که در آنها نظم‌های سیاسی شکل گرفته، دگرگون شده یا فروپاشیده‌اند. در این چارچوب، دولت اسلامی نهادی با ماهیتی ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه پدیده‌ای تاریخی است که در تعامل میان نصوص دینی، سنت‌های سیاسی، ساختارهای اجتماعی و مناسبات قدرت شکل گرفته است.

در کنار این رویکرد، کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» را باید بیشتر اثری با روش تحلیل نظام‌مند و تطبیقی نظریه‌های سیاسی دانست. در این اثر، نظریه‌های سیاسی در سنت‌های مختلف اسلامی، از جمله شیعه، اهل سنت و خوارج، از حیث مبانی، منطق درونی، ساختار و مستندات دینی بررسی می‌شوند. بنابراین، برخلاف مطالعه تبارشناختی تحول دولت، تمرکز اصلی این کتاب بر بازسازی و مقایسه منظومه‌های نظری و صورت‌بندی‌های متفاوت اندیشه سیاسی در اسلام است.

کتاب «مفهوم قانون در ایران معاصر: تحولات پیشامشروطه» نیز وجه دیگری از روش تاریخی فیرحی را نشان می‌دهد که می‌توان آن را تاریخ مفاهیم نامید. در اینجا، مسأله اصلی بررسی تحول معنای قانون و زمینه‌های فکری و تاریخی شکل‌گیری برداشت‌های جدید از آن پیش از انقلاب مشروطه است. تمرکز بر تحول معنایی و تاریخی یک مفهوم، این امکان را فراهم می‌کند که ورود و گسترش مفاهیم جدید سیاسی و حقوقی در ایران نه به صورت انتقال ساده واژگان، بلکه به‌مثابه فرآیندی از دگرگونی در افق‌های فکری و سیاسی فهم شود.

همچنین جلد دوم مجموعه «فقه و سیاست در ایران معاصر»، با عنوان «تحول حکومت‌داری و فقه حکومت اسلامی»، به بررسی تغییرات تاریخی الگوهای حکومت‌داری و نسبت آنها با تحولات فقهی می‌پردازد. اهمیت روش‌شناختی این اثر در پیوند دادن تاریخ تحولات سیاسی ایران با دگرگونی صورت‌بندی‌های فقهی حکومت است؛ به‌گونه‌ای که تغییر در الگوهای حکمرانی و تغییر در پرسش‌ها و پاسخ‌های فقه سیاسی در ارتباط با یکدیگر مطالعه می‌شوند. بنابراین، این آثار را نباید همگی ذیل تبارشناسی فوکویی قرار داد: در آنها، به ترتیب با مطالعه تاریخی و تبارشناختی دولت، تحلیل نظام‌مند نظریه‌های سیاسی، تاریخ مفاهیم و بررسی تاریخی تحول حکومت‌داری و فقه حکومت مواجهیم.

شرح و بازسازی متون فقه سیاسی

یکی دیگر از وجوه روش‌شناختی فیرحی، شیوه مواجهه او با متون کلاسیک فقه سیاسی است. کتاب «آستانه تجدد» و شرح او بر رساله «تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة» میرزای نائینی نمونه برجسته این رویکرد است. فیرحی در این اثر از قالب سنتی شرح‌نویسی استفاده می‌کند، اما آن را به توضیح واژگان و مقصود ظاهری مؤلف محدود نمی‌سازد. کار او شامل روان‌سازی و توضیح متن، تبیین اصطلاحات تخصصی، نسبت‌سنجی اندیشه نائینی با دیگر نظام‌های فکری و بازسازی نظریه‌های محوری او است. در این شیوه، فهم متن با تحلیل نظام فکری مؤلف و بررسی نسبت آن با مسائل جدید سیاسی پیوند می‌خورد. فیرحی می‌کوشد ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اندیشه نائینی را در موضوعاتی چون تحدید قدرت، مشروطه، مشروعیت سیاسی و جایگاه مجلس روشن کند. جلد اول مجموعه «فقه و سیاست در ایران معاصر»، با عنوان «فقه سیاسی و فقه مشروطه» نیز در همین حوزه اهمیت دارد. این اثر به بازسازی ماهیت و ساختار معرفتی فقه سیاسی و بررسی مواجهه فقه مشروطه با مجلس و قانون‌گذاری می‌پردازد. از این رو، در این دسته از آثار، روش اصلی نه تبارشناسی صرف، بلکه شرح تحلیلی، تفسیر متن و بازسازی تاریخی و مفهومی مبانی فقه سیاسی است.

تلفیق اجتهاد با علوم سیاسی

در کتاب «فقه و حکمرانی حزبی»، فیرحی با مسأله‌ای جدید در فقه سیاسی مواجه می‌شود: ماهیت حزب و جایگاه آن در نظام حکمرانی. شناخت چنین موضوعی صرفاً با ارجاع به مفاهیم سنتی فقهی ممکن نیست و به استفاده از دانش سیاسی جدید نیاز دارد. فیرحی از این رو روش اجتهادی را با ابزارهای تحلیلی علوم سیاسی ترکیب می‌کند. او ابتدا ماهیت حزب و الزامات رقابت سیاسی، از جمله برابری طرفین، استقلال احزاب و ضرورت بی‌طرفی حاکم را بررسی می‌کند و سپس امکان صورت‌بندی فقهی این موضوع را در چارچوب اصول اجتهاد می‌سنجد.

در این روش، علوم سیاسی به شناخت دقیق موضوع کمک می‌کند و اجتهاد امکان ارزیابی و استنباط حکم آن را فراهم می‌آورد. بنابراین، فیرحی نه پدیده جدید را به اجبار در قالب مفاهیم قدیمی جای می‌دهد و نه آن را از بررسی فقهی بی‌نیاز می‌داند؛ بلکه می‌کوشد با حفظ منطق اجتهاد، امکان مواجهه فعال فقه با نهادهای جدید سیاسی را فراهم کند.

الهیات سیاسی و روش تطبیقی

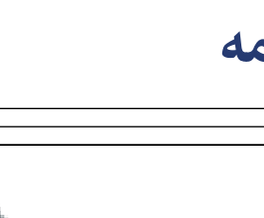
در مرحله متأخر اندیشه فیرحی، حوزه مطالعات او از فقه سیاسی به مبانی الهیاتی نظم سیاسی نیز گسترش می‌یابد. مسأله در این مرحله صرفاً ظرفیت فقه برای پذیرش نهادهای جدید نیست، بلکه این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان از درون سنت‌های دینی مبانی‌ای برای پشتیبانی از نظم سیاسی دموکراتیک بازسازی کرد. فیرحی در این مسیر، رویکردهای ماکیاولی، لاک و هگل را در نسبت دین و سیاست از یکدیگر تفکیک می‌کند و توجه ویژه‌ای به اندیشه لاک دارد؛ زیرا در آن می‌توان پیوند میان تحولات الهیاتی و تجدد سیاسی را بررسی کرد. مطالعه تطبیقی کتاب مقدس و قرآن و مقایسه اندیشه فیلمر و لاک، بخشی از این تلاش است. فیرحی می‌کوشد نشان دهد متون دینی الزاماً به یک تفسیر سیاسی واحد منتهی نمی‌شوند و می‌توانند مبنای قرائت‌هایی متفاوت، از اقتدارگرایی تا دفاع از آزادی و برابری قرار گیرند. بررسی کرامت انسانی، برابری و مفهوم مالکیت در اندیشه لاک و نسبت آن با مفاهیمی چون قاعده ید، حیازت و اباحه در فقه اسلامی نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. هدف، بررسی امکان بازسازی مبانی الهیاتی نظم سیاسی دموکراتیک از درون سنت اسلامی است. بنابراین، روش این دوره ترکیبی از تفسیر تاریخی، تبارشناسی قرائت‌های سیاسی و مطالعه تطبیقی الهیات است.

جمع‌بندی: روش‌شناسی فیرحی در عین تحول و تنوع، از منطق وحدت‌بخشی برخوردار است. در آثار اولیه، هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و تبارشناسی برای فهم تاریخی دانش دینی و مناسبات قدرت اهمیت دارند؛ در مطالعات دولت و سیاست، روش تاریخی، تحلیل نظام‌مند و تاریخ مفاهیم به کار گرفته می‌شوند؛ در آثار مربوط به فقه مشروطه، شرح تحلیلی و بازسازی متون و مبانی فقه سیاسی برجسته‌اند و در مواجهه با مسائل جدید حکمرانی، اجتهاد با ابزارهای علوم سیاسی و در مطالعات متأخر با تفسیر تطبیقی الهیات پیوند می‌خورد. در مجموع، می‌توان روش‌شناسی فیرحی را رویکردی مسأله‌محور، ترکیبی و انتقادی دانست که بر تاریخی بودن دانش و نهادهای سیاسی، تمایز میان نص دینی و تفسیرهای تاریخی آن و بهره‌گیری گزینشی از دستاوردهای علوم انسانی جدید تأکید دارد. انسجام این روش‌ها نه در وحدت صوری ابزارهای پژوهش، بلکه در منطق مشترک آنهاست: بازخوانی انتقادی سنت اسلامی و آشکار ساختن ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن برای مواجهه با مسائل جدید دین، سیاست، دولت و تجدد.

منادی گفت‌وگوی سنت و تجدد

گفت‌وگو با شجاع احمدوند درباره میراث علمی و روش‌شناختی داود فیرحی در ششمین سال درگذشتش

یادنامه



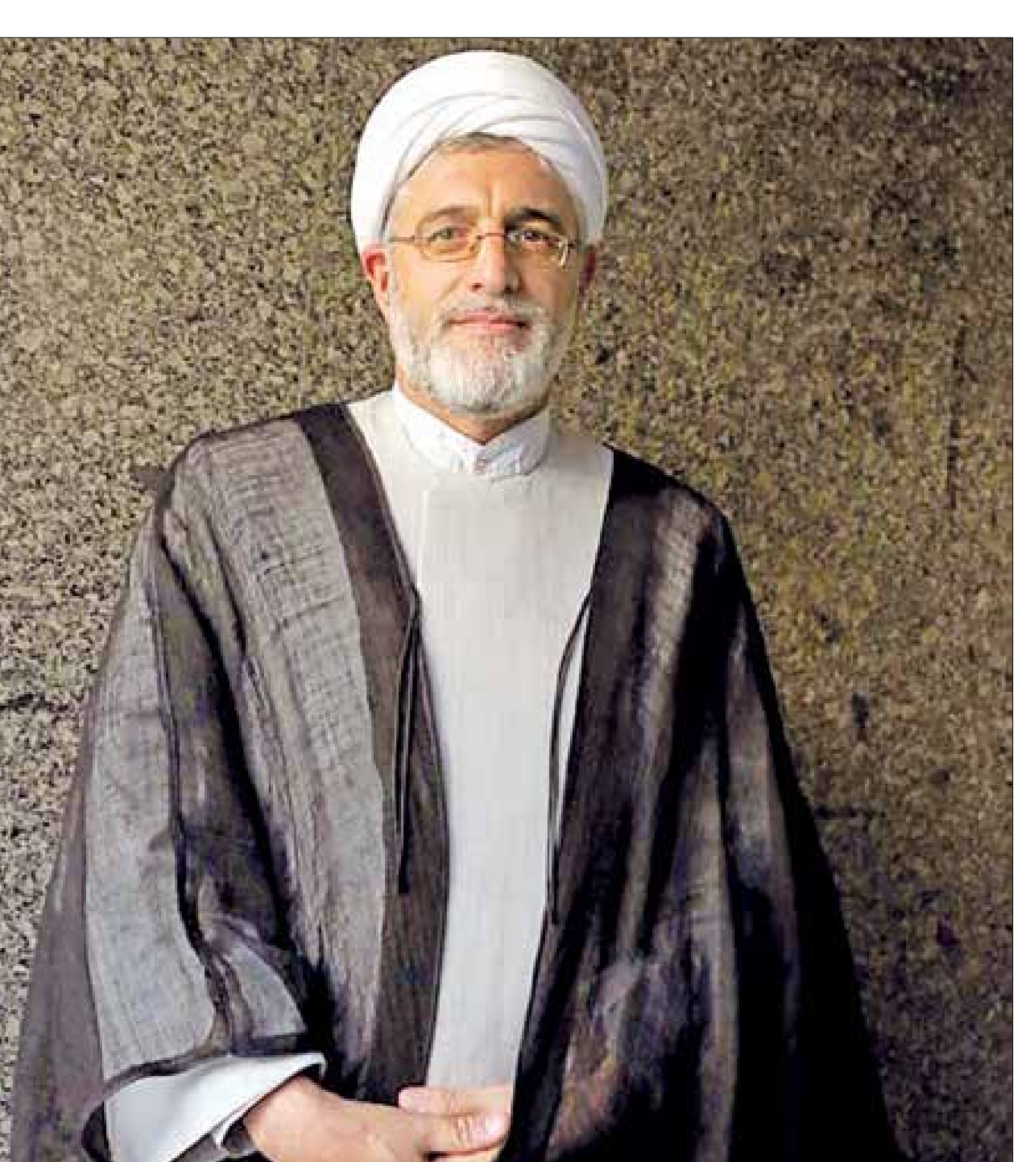
سمیرا دردشتی
روزنامه‌نگار

دکتر داود فیرحی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و از پژوهشگران برجسته اندیشه سیاسی، شش سال پیش درحالی در ۵۶ سالگی دار فانی را وداع گفت که پروژه فکری او توانسته بود صدایی در میان دانشگاهیان و اهالی حوزه پیدا کند. او که زبان مشترکی با این دو جهان داشت، توانسته بود پرسش‌های بنیادینی پیش روی پژوهشگران قرار دهد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظری و تاریخی، پلی میان سنت فقهی و جهان دانشگاهی جدید برقرار کند.

فقدان او امروز در سطح آکادمیک، فقدان پژوهشگری است که می‌توانست با تسلط همزمان بر متون فقهی و نظریه‌های جدید علوم سیاسی، مسائل را در بستری تاریخی و انتقادی صورت‌بندی کند. وی در ساحت اجتماعی نیز اثرگذاری داشت. او از طریق تربیت شاگردان و نسل جدیدی از پژوهشگران می‌کوشید که مسیرهای گفت‌وگوی انتقادی درباره دین و سیاست را جست‌وجو کند.

همچنین قادر بود درباره مسائل مناقشه‌برانگیز، زبانی علمی و در عین حال قابل گفت‌وگو به کار بگیرد که امکان نقد را بدون طرد سنت و امکان دفاع از تحول را بدون گسست کامل از میراث فکری فراهم می‌کرد. این ظرفیت در شرایطی که جامعه ایران با شکاف‌های فکری، بی‌اعتمادی و بحران معنا مواجه است، اهمیت مضاعفی دارد.

در ششمین سال فقدان دکتر فیرحی با دکتر شجاع احمدوند استاد اندیشه سیاسی و رئیس دانشگاه علامه طباطبایی درباره میراث این تلاش فکری به گفت‌وگو نشستیم. دکتر احمدوند بر این باور است که تلاش مستمر فیرحی در پیگیری یک پروژه مشخص فکری و پرسش‌های بنیادینش درباره فقه، دولت، قانون و حقوق عمومی در کنار اخلاق علمی او در پرسیدن روشمند و شنیدن محترمانه آرای مخالفان ماندگارترین یادگار او در ساحت اندیشه سیاسی ایران خواهد بود.



عکس: رضا معطریان/ ایران

دکتر فیرحی بین دو جهان دانشگاه و حوزه در رفت‌وآمد و بود در روزگاری که این دو با یکدیگر نسبت اندکی داشتند، کوشید پلی باشد میان این دو. او آثار مختلفی را در این رابطه به رشته تحریر درآورد و بویژه در «دانش قدرت و مشروعیت» توانست به این تلاش سیمایی علمی و متفاوت ببخشد. آثار او هم میان دانشگاهیان و هم در بین حوزویان بازتاب پیدا می‌کرد و همگان به وجه عالمانه و محققانه آن معترف بودند. جنابعالی این نقش را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا فیرحی توانست فقه سیاسی را در ایران معاصر احیا کند؟

یکی از ویژگی‌های برجسته پروژه فکری مرحوم دکتر داود فیرحی آن بود که فقه را صرفاً مجموعه‌ای از احکام تاریخی نمی‌دید بلکه دانشی زنده و برخوردار از ظرفیت نظری برای گفت‌وگو با مسائل جهان جدید می‌دید. در مطالعات اندیشه سیاسی اسلامی، پیش از او نیز متفکرانی مانند محمد عابد الجابری به بازخوانی میراث عقلانی و دانش‌های سنتی پرداخته بودند؛ با این همه، فیرحی با تمرکزی ویژه بر فقه سیاسی کوشید نسبت این میراث را با دولت مدرن، قانون و حقوق عمومی صورت‌بندی کند.

از نظر او، فقه از دستاوردهای مهم تمدن اسلامی و یکی از منابع اثرگذار در سازمان‌یابی زندگی جمعی مسلمانان است. بنابراین، به‌جای آنکه نسبت فقه و جهان جدید را از آغاز بر مبنای ناسازگاری تعریف کنیم، می‌توانیم ظرفیت‌های درونی این دانش را برای پاسخ به پرسش‌های تازه بررسی کنیم. اهمیت کار فیرحی نیز تا حد زیادی در همین تغییر زاویه دید بود: او به امکان بازاندیشی در سنت فقهی، با حفظ پیوند انتقادی با تاریخ آن، باور داشت. اهمیت کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» نیز در همین چرخش معرفتی افق‌گشایی بود. فیرحی با رویکردی تاریخی و تحلیلی، فقه را در نسبت با دانش و قدرت مطالعه کرد و نشان داد اندیشه سیاسی اسلامی را نمی‌توان بدون فهم سازوکارهای فقهی و تحولات تاریخی آن به‌درستی شناخت. او در واقع فقه را از جایگاه موضوعی که تنها در حوزه ظرفیت پرداختن دارد، خارج کرد و به یکی از موضوعات جدی پژوهش در علوم سیاسی و اندیشه سیاسی تبدیل کرد. فیرحی برای پیشبرد این مقصود از ابزارهای نوین روش‌شناختی بهره گرفت. از جمله، رویکرد تبارشناختی متأثر از میشل فوکو را در مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی اسلام به کار بست تا نشان دهد صورت‌بندی دانش سیاسی و فقهی را باید در پیوند با مناسبات قدرت و شرایط تاریخی هر دوره فهمید. در این خوانش، برجسته‌شدن رویکردهای تکلیف‌محور در برخی ادوار، امری تاریخی و قابل مطالعه بود، نه ویژگی تغییرناپذیر همه ظرفیت‌های فقه. از همین جا مسأله بازخوانی وجوه حق‌محور و امکان‌های مغفول‌مانده سنت فقهی برای او اهمیت یافت.

فیرحی به نوعی پیشنهاد ظرفیت‌سازی بیشتر در حوزه اندیشه دینی را مطرح می‌کرد و هشدار می‌داد جامعه آبستن نوعی نهیلیسم فراگیر است. این پیش‌بینی را چقدر به واقعیت نزدیک می‌بینید؟ این ظرفیت‌سازی از کجا و به دست چه کسانی ممکن است؟

در اندیشه فیرحی، دانش فقه همانند بسیاری از سنت‌های معرفتی، واجد ظرفیت‌های تفسیری گوناگون است. بعضی از این ظرفیت‌ها در شرایط تاریخی معین به تقویت مناسبات اقتدارگرایانه انجامیده‌اند و بعضی دیگر می‌توانند پشتوانه مشارکت، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی و پاسخگویی نهادهای عمومی باشند. او بر این باور بود که بازشناسی و تقویت ظرفیت‌های اخیر، یکی از مسیرهای گفت‌وگوی مؤثر میان میراث اسلامی و تجربه‌های جدید حکمرانی است.

از سوی دیگر، فیرحی به مسأله معنا و افق امید در زندگی اجتماعی توجه جدی داشت. در چارچوب نظری او، چگونگی رابطه میان نهادهای حکمرانی، اعتماد عمومی، احساس تعلق و امکان مشارکت اجتماعی، در شکل‌گیری یا تضعیف افق معنایی جامعه نقش دارد. بازسازی معنا نیازمند بازسازی اعتماد، اعتبار نهادها، امکان مشارکت و احساس اثرگذاری شهروندان بر سرنوشت خویش است. بحث او درباره بحران معنا و نهیلیسم را باید در همین زمینه فکری فهمید؛ یعنی به‌مثابه هشداری نظری نسبت به دشوارشدن گفت‌وگوی سازنده میان سنت، نهادهای اجتماعی و نسل‌های تازه.

به گمان من، اهمیت این بحث در آن است که فیرحی صرفاً به توصیف مسأله اکتفا نمی‌کرد. او نواندیشی روشمند در حوزه و گفت‌وگوی مستمر میان حوزه، دانشگاه و جامعه را از راه‌های گسترش ظرفیت پاسخگویی فکری می‌دانست. چنین رویکردی می‌تواند به تقویت اعتماد، شنیده‌شدن پرسش‌های جدید و شکل‌گیری زبان مشترک میان نسل‌ها کمک کند. این فرآیند به مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران نیاز دارد. از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها گرفته تا روشنفکران دینی، پژوهشگران علوم انسانی، نهادهای مدنی و حتی رسانه‌ها.

دکتر فیرحی این پرسش اساسی را مطرح کرد که چگونه می‌توان ظرفیت‌های مردم‌سالار متون دینی را احیا کرد. به نظر شما این امر هنوز «پروژه» است یا به پاسخ مطلوب در اندیشه او رسیده؟

با وجود اهمیت تلاش‌های فیرحی، به نظر من پروژه فکری او را باید همچنان پروژه‌ای گشوده دانست، نه مجموعه‌ای از پاسخ‌های نهایی. برای این ارزیابی، دست‌کم سه ملاحظه وجود دارد. نخست آنکه خود فیرحی نیز در کتاب «دولت مدرن و بحران قانون» به دشواری‌های نسبت میان تحولات جامعه، سنت مذهبی و نظم حقوقی جدید توجه می‌کند. او در واپسین اثر خود درباره پیامدهای تداوم فاصله میان پرسش‌های تازه جامعه و ظرفیت پاسخگویی نهادهای فکری هشدار می‌دهد. این دغدغه نشان می‌دهد از نگاه او، بحث همچنان نیازمند پژوهش، گفت‌وگو و بازاندیشی مستمر بود. دوم آنکه این پروژه، با وجود اثرگذاری در محافل علمی، هنوز نتوانسته است همه جریان‌های اصلی فکری در حوزه و نیز طیف‌های متنوع نسل جوان را در گفت‌وگویی فراگیر همراه کند. البته این نکته را نباید صرفاً به محدودیت پروژه او نسبت داد؛ پیچیدگی موضوع، تفاوت زبان‌ها و فاصله تجربه‌های نسلی نیز در این میان مؤثر بوده‌اند.



سوم آنکه نسبت میان برخی قرائت‌های تکلیف‌محور از فقه و مبانی حق‌محور حقوق مدرن همچنان از پرسش‌های مهم در اندیشه سیاسی و فقه معاصر است. صورت‌بندی این مسأله به معنای تعارض قطعی همه سنت فقهی با حقوق جدید نیست؛ برعکس، ارزش پروژه فیرحی در آن بود که می‌خواست امکان‌های نظری گفت‌وگو و بازسازی این نسبت را آشکار کند. از این منظر، ناتمام‌ماندن پروژه او نشانه بی‌ثمر بودن آن نیست، بلکه دعوتی است برای ادامه کار علمی.

در مجموع به باور من پروژه فیرحی شاید حتی اگر خود او امروز درباره آن صحبت می‌کرد، بیش از آنکه یک پاسخ نهایی برای چنین مسأله غامضی فراهم آورده باشد، تلاشی مهم برای گشودن یک مسیر فکری است. شاید میراث اصلی او ارائه پاسخ قطعی به مسأله نسبت دین و مردم‌سالاری نیست، کاری که او در حقیقت انجام داد شاید صورت‌بندی دوباره این پرسش، قرار دادن او در دستور کار اندیشه ایرانی و نشان دادن امکان گفت‌وگو و بازاندیشی در سنت فقهی بود. این پروژه همچنان به نقد، تکمیل و مشارکت نسل جدیدی از پژوهشگران نیاز دارد. بویژه پژوهشگرانی که بتوانند پیوند میان بازخوانی سنت دینی، نظریه دولت و الزامات عملی حکمرانی مردم‌سالار را روشن‌تر کنند، قطعاً مشارکت‌کنندگان خوبی برای آینده این پروژه فکری خواهند بود.

فیرحی در نقد استادش طباطبایی معتقد بود ایران‌شهری با مشروطه جمع‌شدنی نیست و آن را «شراب کهنه در مینای نو» نامید. نظر شما درباره این نقد چیست؟

یکی دیگر از عرصه‌های مهم بحث در اندیشه سیاسی معاصر، تفاوت قرائت دکتر داوود فیرحی و مرحوم دکتر سیدجواد طباطبایی از انقلاب مشروطه و نسبت آن با تاریخ ایران است. هر دو متفکر به مسأله تکوین دولت جدید و فهم مشروطه توجه داشتند، اما از مسیرهای نظری یکسانی به آن نمی‌نگریستند. در خوانشی که از آثار طباطبایی به دست می‌آید، تداوم تاریخی امر ملی و میراث اندیشه ایران از عناصر مهم فهم تحولات سیاسی جدید است. در مقابل، فیرحی با برجسته‌کردن نقش فقه سیاسی، مباحث علمای مشروطه و دغدغه محدودسازی قدرت، بر وجوه گسست از مناسبات اقتدارگرایانه و پیدایش صورت‌های جدید قانون‌گرایی تأکید می‌کرد. اختلاف این دو رویکرد، بیش از هر چیز، به نحوه تفسیر پیوستگی و گسست تاریخی و نسبت سنت سیاسی با دولت جدید بازمی‌گردد.

به نظر من، در هر دو قرائت، نکته‌های تأمل‌برانگیزی وجود دارد و برخی ابعاد نسبت میان سنت تاریخی ایران، مفهوم دولت و تجربه مشروطه همچنان نیازمند بررسی دقیق‌تر است. اهمیت این گفت‌وگوی علمی نیز بیش از آنکه در ترجیح شتاب‌زده یک روایت بر روایت دیگر باشد، در گشودن افق‌های تازه برای مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی ایران نهفته است. سنت‌های فکری و سیاسی پدیده‌هایی یکدست و ثابت نیستند و در مواجهه با تحولات تاریخی می‌توانند دچار بازتفسیر و دگرگونی شوند. مسأله اصلی این است که آیا این بازتفسیر به پذیرش واقعی محدودیت قدرت، حاکمیت قانون و حقوق ملت منجر می‌شود یا تنها کارکرد آنها این است که مفاهیم جدید را در خدمت بازتولید الگوهای پیشین قرار می‌دهد. بحث روشمند درباره این اختلاف نظرها می‌تواند به غنای پژوهش‌های تاریخی و نظری ما کمک کند.

بیشترین خلأ ناشی از فقدان دکتر فیرحی در سطح آکادمیک و اجتماعی را چه می‌دانید؟

در بررسی نقش کنشگران عرصه دانش، می‌توان میان آموزش و انتقال اندیشه، ترویج و شرح آن و تولید افق‌های فکری تازه تمایز گذاشت؛ تمایزی که در بحث‌های اندیشمندانی همچون محمد آرکون و ریمون آرون نیز با صورت‌بندی‌های متفاوت مطرح شده است. از این منظر، فیرحی صرفاً مدرس یا شارح اندیشه سیاسی نبود، بلکه می‌کوشید با طرح پرسش‌های تازه و استفاده از روش‌های مشخص، در تولید دانش سهم داشته باشد.

ویژگی ممتاز او در این مسیر، آشنایی جدی با هر دو سنت حوزوی و دانشگاهی بود. فیرحی از یک‌سو زبان و منطق استدلال فقهی را می‌شناخت و از سوی دیگر، با روش‌ها و مسأله‌های علوم انسانی جدید آشنا بود. همین توانایی به او امکان می‌داد میان دو فضای علمی گفت‌وگویی روشمند برقرار کند و مسائل دیرپای اندیشه سیاسی را با پرسش‌های نو پیوند بزند. طبیعی است که شاگردان و پژوهشگران متعددی در ادامه این مسیر فعالیت می‌کنند، اما درگذشت زودهنگام او خلأیی محسوس در این گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای بر جای گذاشت. به گمان من، ادامه‌دادن این میراث بیش از هر چیز نیازمند پرورش پژوهشگرانی است که هم از درون سنت فکری خود شناخت کافی داشته باشند و هم بتوانند با دقت روش‌شناختی و زبانی روشن با جهان علمی معاصر سخن بگویند. فیرحی به واقع از معدود متفکرانی بود که تلاش می‌کرد مسائل سیاسی و اجتماعی روز را از مسیر بازخوانی انتقادی میراث فقهی و اندیشه اسلامی بررسی کند. اهمیت کار او در این بود که نه یکسره سنت را نفی و طرد می‌کرد و نه آن را بدون بازخوانی انتقادی پیش روی اندیشه سیاسی قرار می‌داد. او می‌کوشید از درون سنت، امکان‌هایی برای فهم مفاهیم جدیدی مانند قانون، آزادی، مردم‌سالاری و محدودیت قدرت سیاسی پیدا کند. این رویکرد، فضایی برای گفت‌وگو میان حوزه و دانشگاه و همچنین میان سنت‌گرایان و نواندیشان دینی فراهم می‌کرد.

کدام وجه میراث فیرحی این ویژگی را دارد که در آینده از سوی شمار بیشتری از پژوهشگران حوزه اندیشه دنبال شود؟

میراث فیرحی را نمی‌توان فقط در نظریه‌های او خلاصه کرد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی‌اش، احترام به مخاطب و آمادگی برای شنیدن نظر مخالف بود. او در حوزه اندیشه سیاسی صاحب دیدگاه‌های مشخص بود و طبیعی است که همه با این دیدگاه‌ها موافق نباشند؛ با این حال، می‌کوشید اختلاف نظر علمی را به نفی شخصیت یا بی‌اعتنایی به استدلال دیگری تبدیل نکند. مهربانی، انصاف و ادب گفت‌وگو از ویژگی‌هایی است که به نظرم باید در یادکرد او برجسته بماند.

به این اعتبار میراث فیرحی را نباید به بازتولید آثار یا تکرار چارچوب نظری او محدود دانست. اتفاقاً ارزش واقعی یک میراث فکری زمانی آشکار می‌شود که پژوهشگران بتوانند آن را نقد کنند، در آن تجدیدنظر کنند و پرسش‌های تازه‌ای به آن بیفزایند و فیرحی در زمان حیات خود به این امکان برای اندیشه‌اش باور داشت و نسبت به آن گشوده بود. شاید مهم‌ترین ویژگی فیرحی که شایسته است در نسل‌های بعدی پژوهشگران نیز تداوم پیدا کند، همین جسارت و بردباری در برابر نظرات مخالف و در عین حال توانایی تبدیل یک میراث فکری به مسأله‌ای زنده و قابل مناقشه باشد.

درس دیگر زندگی علمی فیرحی، پیگیری منظم یک مسأله پژوهشی در طول سالیان بود. مسیر مطالعه، انتخاب منابع، توجه به روش و حتی شیوه تدریس او در امتداد پرسش‌های بنیادینش درباره فقه، دولت، قانون و حقوق عمومی قرار داشت. او نشان داد که پژوهش اثرگذار معمولاً حاصل انتخاب‌های پراکنده نیست، بلکه به مسأله‌ای روشن، انضباط علمی و کوشش مستمر نیاز دارد.

به باور من، تا زمانی که پرسش از نسبت دین، قانون، حقوق شهروندی و مردم‌سالاری در جامعه ما موضوع اندیشه‌ورزی باشد، آثار و روش فیرحی نیز ارزش بازخوانی خواهند داشت. بزرگداشت او تنها یادآوری نام یک استاد فقید نیست؛ فرصتی است برای تأکید دوباره بر دو فضیلت دانشگاهی: پرسیدنِ روشمند و شنیدنِ محترمانه.

جست‌وجوگری در مسیر شدن

گفت‌وگو با شریف لک‌زایی درباره اهمیت و ابتکارات نظری دکتر فیرحی

گفت‌وگو

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

شریف لک‌زایی، دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و از شاگردان مرحوم دکتر داود فیرحی، نگاهی دقیق به آثار و تلاش‌های استاد خود در عرصه فقه دارد. او از جهاتی به نقد مرحوم فیرحی می‌پردازد و از برخی جهات با او همسوست؛ اما در مجموع، این استاد فقید را شخصیتی برجسته و تأثیرگذار می‌داند که مجاهدت‌های فراوانی برای خروج مباحث فقهی از خلأ موجود به کار بست.

ارتباط علمی و فکری شما با مرحوم استاد داود فیرحی چگونه شکل گرفت؟

من با جناب استاد فیرحی از اوایل دهه ۷۰ آشنا بودم و این آشنایی از سال ۷۵ به بعد بیشتر شد، البته علاوه بر ارتباطات خانوادگی، در حوزه روابط استاد و شاگردی نیز با ایشان مراودات زیادی داشتم. مرحوم فیرحی همچنین مشاور رساله کارشناسی ارشد من بودند و در این کار از نقدها و بحث‌های ایشان استفاده کردم. ما همیشه بحث‌های زیادی در زمینه فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی داشتیم؛ از این منظر هم البته یک نقد کلی به ایشان داشتم و به خودشان هم گفته بودم؛ آن نقد این بود که رویکرد ایشان به سمت فلسفه سیاسی نرفت، در حالی که می‌توانست برخی از مسائل را از منظر فلسفه سیاسی طرح کند. خاطرم هست ایشان بحثی درباره امام موسی صدر داشت و در آنجا نظرات امام موسی صدر را به دموکراسی مشورتی ارجاع دادند. من نیز گفتم زمانی که امام موسی صدر این بحث را مطرح کرد دموکراسی مشورتی هنوز آنقدر مطرح نشده بود، بلکه امام موسی صدر آن را بر مبنای پایگاه فلسفی خود؛ یعنی قاعده کثرت در وحدت و وحدت در کثرت مطرح کرده است.

در دوره‌ای که التفات به فقه در بین روشنفکران و دانشگاهیان چندان رایج نبود، مرحوم دکتر داود فیرحی با انتشار کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» به‌عنوان چهره‌ای نو و متفاوت در حوزه اندیشه سیاسی مطرح شد. جنابعالی درباره نقش ایشان در این حوزه و احیای مباحث فقه سیاسی در ایران معاصر چه ارزیابی‌ای دارید؟

در این تعبیر که آثار و تلاش‌های مرحوم فیرحی به احیای مباحث فقه سیاسی انجامید، ایرادی نمی‌بینم؛ بی‌تردید باید نقش ایشان را در احیای فقه سیاسی در ایران معاصر جدی گرفت. ایشان استاد فقه سیاسی بود و در کنار آن، مباحث دیگری مانند اندیشه سیاسی در اسلام و غرب را نیز تدریس می‌کرد، اما دغدغه اصلی اش دموکراتیزه کردن مباحث فقه در ایران معاصر بود. استاد فیرحی با انتشار کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» رویکردی نو و متفاوت در فضای پژوهشی اندیشه سیاسی اسلامی بنیان گذاشت؛ اثری که در واقع رساله دکتری ایشان بود و به چاپ رسید. پیش از فعالیت‌های او، مباحث فقه سیاسی بیشتر در قالب‌های سنتی ارائه می‌شد و پیوند با مباحث روش‌شناختی و علوم سیاسی معاصر نداشت، اما دکتر فیرحی توانست با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و رویکردهای هرمنوتیک، خوانشی تازه از فقه سیاسی ارائه دهد و تلاش کرد این حوزه را از دانشی صرفاً هنجاری، به یک عرصه پژوهشی میان‌رشته‌ای تبدیل کند. دیدگاه ایشان بر این بود که خوانش‌های پیشین از فقه عموماً غیردموکراتیک بوده‌اند؛ از همین رو کوشید تا این نگاه سنتی را بازسازی و بازخوانی کند.

دکتر فیرحی از انتشار نخستین کتابش تا واپسین اثرش در حوزه فقه سیاسی با عنوان «دولت مدرن و بحران قانون» چه خط سیری را طی کرد و آثار و نظراتش طی این مسیر دچار چه تغییر و تحولی شد؟

آنچه درباره سیر تحول آثار و نظرات مرحوم استاد فیرحی دریافته بودم این است که شاید در آغاز چنین به نظر نمی‌رسید او مسیر کاملاً مشخصی در کار خود داشته باشد، اما اکنون که آثار او را کنار هم می‌گذاریم، می‌توان این سیر تدریجی و دگرگونی را دید. تعبیری را که شهید بهشتی درباره دکتر شریعتی به کار برد، می‌توان به مرحوم فیرحی نیز نسبت داد؛ این تعبیر که او «جست‌وجوگری در مسیر شدن» بود. از این جهت است که می‌گوییم در آغاز کار مسیر او چندان روشن نبود، اما بعدها این سیر بر همگان آشکار شد. اگر بخواهیم کارهای ایشان را مرحله‌بندی کنم باید بگوییم در مرحله اول کتاب «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام»، مرحوم فیرحی در طرح مباحث بر تحلیل گفتمان تأکید دارد و سنت فقهی را از این زاویه بازخوانی می‌کند. در گام بعد و با کتاب «آستانه تجدد»، دگرگونی تازه‌ای در اندیشه مرحوم فیرحی شکل می‌گیرد؛ اندیشه او در حوزه مباحث فقه و سیاست در ایران معاصر و مناسبات دانش و قدرت تداوم می‌یابد و او در آثار پسین خود از تحلیل‌های تاریخی و گفتمانی صرف، به سمت مسائل انضمامی‌تر و مشخص‌تر در ایران معاصر گام برمی‌دارد. برای نمونه، موضوعاتی مانند مشروطیت، قانون و قانون‌خواهی، نهاد دولت و نسبت میان فقه و پارلمان توجه او را به خود جلب می‌کند. البته بخشی از آثار دکتر فیرحی نیز در قالب یادداشت‌ها و مقالات گوناگونی تدوین شد که متناسب با فضای فکری ایشان درباره دولت و موضوعاتی از این دست انتشار یافت.

مرحله نهایی یا دوره سوم، مقطعی است که در آن مرحوم فیرحی توجه ویژه‌ای به مقوله دولت مدرن نشان می‌دهد و به‌طور خاص، بحران قانون در ایران را از چشم‌انداز فقه سیاسی بررسی می‌کند. او نشان داد فقه سنتی با وجود همه ظرفیت‌هایش، در برخورد با منطق دولت مدرن با چالش‌ها و بحران‌های ساختاری جدی روبه‌رو است. مرحوم فیرحی در پاره‌ای از آثار متأخر خود، افزون بر شناخت و توصیف اولیه و رویکردهای انتقادی پیشین، به سوی تشخیص دقیق بحران و ارائه راه‌حل نیز پیش می‌رود.

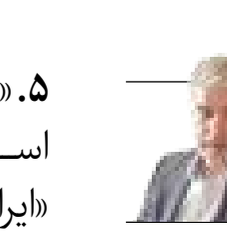
در مجموع چه ارزیابی‌ای درباره آثار و آرای ایشان دارید و به نظرتان مهم‌ترین ابتکارات نظری ایشان چه بود و چه نقد عمده‌ای به آثارشان دارید؟

ارزیابی کلی من این است که ایشان در مسیر شدن و در مرحله شکوفایی اندیشه‌اش قرار داشت که ناگهان از دنیا رفت؛ اگر در قید حیات بود، بحث‌هایش به اوج شکوفایی می‌رسید. در هر صورت، می‌توان او را یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پژوهشگران حوزه فقه سیاسی در ایران معاصر دانست. در دانشگاه تهران، افزون بر مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی که مباحث فقه سیاسی را ارائه می‌کرد، مرحوم فیرحی نیز از جایگاه و برجستگی ویژه‌ای برخوردار بود. او بسیار علاقه‌مند بود تا مباحث و درس‌های فقهی را از دریچه نگاه خاص خود ارائه دهد؛ از این جهت معتقدم ایشان توانست به‌خوبی در آثارش و در جمع شاگردان خود، مباحث فقهی را از حاشیه به متن بیاورد و آن را با مباحث علوم سیاسی پیوند دهد. به‌طور کلی آثار او، هم از منظر روش‌شناختی و هم از نظر محتوایی و موضوعی، شایسته بحث و گفت‌وگو است. همچنین بازخوانی مشروطیت و نگاه مرحوم فیرحی به مرحوم نائینی قابل تأمل است. دیدگاه او نسبت به نائینی این بود که وی فقیهی برجسته است و کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» اثری در حوزه فقه سیاسی محسوب می‌شود. من معتقدم با وجود اینکه نائینی فقیهی ممتاز بود و در دوره مشروطه تأثیرگذاری زیادی داشت، خوانش من تفاوت‌هایی با دکتر فیرحی دارد؛ چرا که تصور می‌کنم «تنبیه الامه و تنزیه المله» صرفاً یک اثر فقه سیاسی خالص نیست، بلکه اثری در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی است و مرحوم نائینی در آن تلاش کرده تا نظریه دولت خود را ارائه کند. در باب ابتکارات نظری استاد فیرحی نیز می‌توان گفت خوانش او از مرحوم نائینی، نوعی بازخوانی انتقادی و نو محسوب می‌شود. همچنین بحث قانون و بحران آن و مشکلاتی که بر سر راه قانون در ایران معاصر وجود دارد، از مباحث ابتکاری و مهمی است که مرحوم فیرحی بر آن تمرکز داشت و در بحث دولت مدرن و بحران قانون، این بازخوانی به اوج خود می‌رسد.



نقد من به ایشان این بود که تمرکزش بر مباحث فقهی و فقه سیاسی بود و از مباحث فلسفی و فلسفه سیاسی غفلت می‌ورزید و صرفاً تلاش داشت از بحث‌های فقهی استخراج و استنباط داشته باشد. من طبعاً با خوانش او از منظر فلسفه ملاصدرا و مباحث اندیشه سیاسی در این مکتب موافق نبودم و در کتاب «فلسفه سیاسی صدرالمتألهین» در یکی دو مورد او را نقد کردم؛ به این معنا که محتوای فلسفه سیاسی صدرالمتألهین نمی‌توانست با ادعاهای جناب استاد فیرحی نسبتی داشته باشد. با این همه، او تلاش‌های بسیاری برای خروج مباحث فقهی از خلأ موجود در مواجهه با مسائل دنیای معاصر به کار بست و به نظرم این مجاهدت علمی شایسته ارج گزاری است.

نواندیشی و مسأله ایران



سیدصادق حقیقت
استاد اندیشه سیاسی

«مسأله ایران» یکی از بنیادی‌ترین و درعین حال مغفول‌ترین مسائل در ادبیات نواندیشی دینی معاصر است. ایران نه صرفاً یک واحد جغرافیایی، بلکه حافظه تاریخی، تنوع فرهنگی و میدان تلاقی سنت و تجدد است؛ از این رو، هر پروژه فکری که بخواهد در جهان اسلام معاصر سخنی برای گفتن داشته باشد، ناچار است تکلیف خود را با این مسأله روشن کند. با این حال، آنچه امروز در ادبیات نواندیشی دینی در باب ایران می‌بینیم، بیشتر نقدهای پراکنده و اشاره‌های گذراست تا نظریه‌ای منسجم و جامع. درچنین فضایی، پرسش از نسبت نواندیشی دینی با مسأله ایران، پرسشی است که پاسخ آن نه تنها برای فهم وضع کنونی، بلکه برای ترسیم افق آینده نیز ضروری است. یادداشت حاضر می‌کوشد در ۱۹ بند، ابعاد مختلف این پرسش را بررسی کند و ضرورت کوششی دوچندان را در این زمینه آشکار سازد.

۱. نواندیشی دینی (حوزوی) را می‌توان سنتی دانست که دال مرکزی آن بازسازی سنت است؛ بازسازی‌ای که به اقتضای مدرنیته تعریف می‌شود و هدف خود را بازاندیشی در متون دینی براساس حکم عقل و مقتضیات تجدد قرار می‌دهد. این تعریف، نواندیشی دینی را از سطح یک گرایش صرفاً فکری فراتر می‌برد و آن را به یک برنامه پژوهشی و عملی تبدیل می‌کند که ناچار است با پرسش‌های بنیادین درباره نسبت دین، عقل، سنت و تجدد روبه‌رو شود. دراین چارچوب، «مسأله ایران» نیز نه یک موضوع حاشیه‌ای، بلکه یکی از وجوه اصلی این برنامه است.

۲. به شکل ساده می‌توان گفت تفاوت نواندیشی دینی با روشنفکری دینی همانند تفاوت سروش با سروش محلاتی (و فیرحی) است. نواندیشی دینی بیشتر در فضای حوزوی و با زبان فقه و کلام و اصول رشد می‌کند، در حالی که روشنفکری دینی بیشتر در فضای دانشگاهی و با زبان فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی شکل می‌گیرد. این تفاوت در زبان و نهاد، به تفاوت در اولویت‌ها و مسأله‌ها نیز می‌انجامد.

۳. تفاوت روشنفکری دینی و نواندیشی دینی (حوزوی) در هفت امر است: متعلق اصلاح، منبع معرفت (عقل)، اعتبار فقه سیاسی، نسبت عقل و دین، ادله فرامتنی و متنی، سکولاریسم و روش‌شناسی دینی. این هفت محور نشان می‌دهد تمایز میان این دو جریان صرفاً یک اختلاف سلیقه‌ای نیست، بلکه به تفاوت در مبانی معرفتی و روش‌شناختی مربوط می‌شود.

۴. دو اصطلاح روشنفکری و نواندیشی هم بُعد معرفتی دارند و هم بُعد اجتماعی و سیاسی. اگر سیاست را در نهادهای رسمی مطالعه کنیم، روشنفکری و نواندیشی پروژه فکری‌اند؛ اما اگر سیاست را در همه‌جا و به صورت میکروسیاسی لحاظ کنیم، می‌توانند پروژه سیاسی باشند. بنابراین، بررسی نسبت نواندیشی دینی با «مسأله ایران» باید هم بُعد نظری و هم بُعد عملی آن را در نظر بگیرد.

۵. «مسأله ایران» اعم از نظریه ایرانشهری جواد طباطبایی است؛ ناحیه‌ای عمدتاً فرهنگی که در تاریخ تحت عنوان «ایران» شناخته شده است، با تأکید بر تنوع قومی در عین وحدت فراگیر، امر ملی، و منافع ملی. این تعریف نشان می‌دهد که مسأله ایران بسیار گسترده‌تر از یک نظریه خاص است و نمی‌توان آن را به یک قرائت واحد فروکاست.

۶. «مسأله ایران» ضرورتاً همان ناسیونالیسم نیست. این تأکید برای آن است که میان توجه به ایران به عنوان یک واحد تاریخی و فرهنگی و ایدئولوژی ناسیونالیسم که می‌تواند به انحصار و طرد بینجامد، تفکیک شود. «مسأله ایران» بیشتر ناظر به همبستگی تاریخی، حافظه جمعی و منافع مشترک است.

۷. نقطه مثبت نظریه طباطبایی، توجه به یکپارچگی ایران و حفظ و تقویت «منافع ملی» است. این نکته را باید جدی گرفت، زیرا در فضایی که گاه «مسأله ایران» یا به ناسیونالیسم افراطی فروکاسته می‌شود یا به کلی نادیده گرفته می‌شود، نظریه طباطبایی می‌کوشد یکپارچگی ایران را به‌عنوان یک مسأله نظری و عملی مطرح کند. با این حال، این نقطه مثبت به تنهایی کافی نیست و باید با نقد همراه شود.

۸. کاملاً مشخص نیست طباطبایی از امری جغرافیایی سخن می‌گوید یا از مسأله‌های فرهنگی. علاوه برآن، باید دید این ایده با نظریه پیوست (مثل هگل و آرتور لاوجوی) توضیح داده می‌شود یا با نظریه گسست (مثل پسامدرن‌ها و کوئنتین اسکینر). این ابهام روش‌شناختی یکی از ضعف‌های اصلی نظریه است، زیرا بدون روشن شدن مبانی نظری، نقد و ترمیم آن نیز دشوار خواهد بود.

۹. به اعتقاد فیرحی، «اندیشه خواجه نظام‌الملک، اندیشه ایرانشهری نیست. سلطنت ایرانشهری حتی پیش از قاجار مرده است. سلطنت و نهاد آن و فکر آن در ایران مرده است!» به نظر وی، «سیاست‌نامه» را نمی‌توان جریانی مستقل محسوب کرد. این داوری نشان می‌دهد فیرحی ایرانشهری را نه یک سنت زنده، بلکه یک میراث تاریخی مرده می‌داند که نمی‌تواند پاسخگوی مسائل امروز باشد.

۱۰. در خصوص نقد فیرحی به طباطبایی، مهم آن است که محل نزاع کاملاً مشخص نشده است. اگر مشخص نشود که نزاع بر سر چیست -روش، مبانی، نتایج سیاسی، یا تعریف ایران- نقد و پاسخگویی نمی‌تواند ثمربخش باشد. بنابراین، نخستین گام در هر نقد، ایضاح محل نزاع است.

۱۱. نقد فیرحی به طباطبایی را نمی‌توان دیدگاه نواندیشان دینی در زمینه «مسأله ایران» دانست. نواندیشی دینی یک جریان واحد و همگن نیست، بلکه طیفی از دیدگاه‌ها و رویکردهاست که در برخی مسائل با هم اختلاف دارند. بنابراین، نباید نقد یک شخص را به کل جریان تعمیم داد.

۱۲. فیرحی دیدگاه جامعی نسبت به «مسأله ایران» ندارد. این نقد به معنای نفی اهمیت کار فیرحی نیست، بلکه به این معناست که او بیشتر بر نقد ایرانشهری متمرکز شده است تا ارائه یک بدیل جامع. برای حل «مسأله ایران»، صرف نقد کافی نیست؛ باید یک چارچوب تحلیلی جایگزین ارائه شود که هم به سنت تاریخی ایران توجه کند و هم به مقتضیات دوران مدرن پاسخ دهد.

۱۳. برای ترمیم این نظریه کارهای زیر ضرورت دارد: ایضاح مفهومی «ایرانشهر» و «ایران فرهنگی»، تنقیح مدعا، ارائه دلایل کافی برای مدعا، تبیین ارتباط این نظریه با تحول روش‌شناسانه طباطبایی، توضیح نسبت ایرانشهری با نظریه زوال، و نهایتاً دلایل برتری این نظریه نسبت به ایده جهان‌وطنی یا انترناسیونالیسم (اخلاقی). بدون این کارها، نظریه در سطح شعار و ادعا باقی می‌ماند.

۱۴. اگر نظریه ایرانشهری در دوران کلاسیک بر نظام هرمی و فره‌مند تکیه می‌زد، در این عصر، به نظریه‌های مدرن و غیرهرمی برای «ایران» محتاج هستیم. نمی‌توان الگوی کلاسیک ایرانشهری را بدون تغییر به دوران مدرن منتقل کرد؛ زیرا دوران مدرن با مفاهیمی مانند شهروندی، حقوق برابر، جامعه مدنی و دولت ملی شناخته می‌شود.

۱۵. براین اساس، نگاه نواندیشانه که به نظام غیرهرمی باور دارد، بهتر می‌تواند به «مسأله ایران» در دوران مدرن بپردازد. نواندیشی دینی باید از الگوهای هرمی و انحصاری فاصله بگیرد و به سمت الگوهای مشارکتی، تکثرگرا و غیرهرمی حرکت کند تا هم تنوع قومی و فرهنگی ایران را به رسمیت بشناسد و هم وحدت ملی را بر پایه شهروندی و منافع مشترک بازتعریف کند.

۱۶. یکی از مسائل مهم، جایگاه دولت ملی و مسأله مرز در اندیشه سیاسی اسلامی (از دیدگاه نواندیشان دینی) است. دولت ملی یکی از مفاهیم بنیادین دوران مدرن است و نواندیشی دینی نمی‌تواند از آن عبور کند. پرسش این است که آیا اندیشه سیاسی اسلامی می‌تواند مفهوم دولت ملی و مرزهای سرزمینی را در چارچوب خود بپذیرد یا نه.

۱۷. مسأله دیگری متفرع بر بحث قبل، مرز مسئولیت‌های فراملی دولت اسلامی (و نسبت بین منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی) است. از یک سو، دولت اسلامی خود را به منافع ملی و سرزمینی ملتزم می‌داند؛ از سوی دیگر، در اندیشه اسلامی مسئولیت‌هایی فراملی مانند حمایت از مستضعفان و امت اسلامی مطرح است. نسبت این دو، یکی از پیچیده‌ترین مسائل نظری در اندیشه سیاسی اسلامی معاصر است.

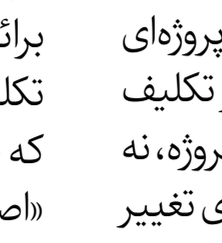
۱۸. از دیدگاه نظریه همروی، حل «مسأله ایران» باید حاصل و برآیند دانش‌های مختلف (فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی و مانند آن) باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد «مسأله ایران» یک مسأله تک‌رشته‌ای نیست و حل آن نیازمند گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای است که هر دانش، سهم خود را در آن ایفا کند.

۱۹. در مجموع، ادبیات نواندیشی دینی نسبت به «مسأله ایران» بسیار نحیف است، و ضرورت کوششی دوچندان را آشکار می‌سازد. «مسأله ایران»، به دلیل پیوند عمیق آن با هویت، تاریخ، دین و سیاست، نمی‌تواند در حاشیه نواندیشی دینی باقی بماند. اگر نواندیشی دینی بخواهد پروژه خود را به طور کامل محقق کند، باید به «مسأله ایران» به‌عنوان یکی از مسائل محوری خود بپردازد و در این راه، از نقد و ترمیم نظریه‌های موجود دریغ نکند.

تقدم حق بر تکلیف

پروژه ناتمام فیرحی و ظرفیت‌های دموکراسی





مهدی فدایی مهربانی
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

داود فیرحی در واپسین دهه عمر پژوهشی خود، پروژه‌ای را دنبال می‌کرد که می‌توان آن را «چرخش از تکلیف به حق» در خوانش فقه شیعه نامید. این پروژه، نه یک اصلاح سطحی، بلکه تلاشی بنیادین برای تغییر «نقطه عزیمت» فقه سیاسی بود؛ تغییری که به‌زعم او می‌توانست فقه را از سرازیر شدن به سمت اقتدارگرایی بازدارد و ظرفیتی دموکراتیک در آن ایجاد کند. اما پرسش بنیادین این است که آیا فقه، با ساختار تکلیف‌محور و حجم انبوه احکام هنجاری‌اش، اساساً ظرفیت صورت‌بندی یک نظریه حق‌محور را دارد؟ فیرحی برآن بود که مشکل اصلی فقه سیاسی سنتی در «نظم سلطانی» است. به باور او، سیطره تاریخی این نظم موجب شد پرسش‌های فقهی عمدتاً پیرامون مفاهیمی چون اطاعت، امارت و... شکل بگیرند، در حالی که مفاهیمی مانند شورا و مشارکت به حاشیه رانده شدند. از نظر او، فقه در چنین بستری نظم سلطانی را امری طبیعی فرض کرده بود و همین امر، تفسیری اقتدارگرایانه از دین را برجسته ساخت. بنابراین، فیرحی در پی آن بود که نشان دهد این تفسیر اقتدارگرایانه، امری تاریخی و سیاسی است و نه ذاتی دین؛ به زعم او، می‌توان فقه را به گونه‌ای خواند که سر از اقتدارگرایی درنیاورد.

راه‌حل او، تغییر نقطه آغازین فقه از «تکلیف» به «حق» بود. فیرحی استدلال می‌کرد که دموکراسی در جایی استقرار می‌یابد که در آنجا حقی به رسمیت شناخته شده باشد. او معتقد بود فقه اسلامی تنها مجموعه‌ای از تکالیف نیست، بلکه در درون آن سرچشمه‌هایی از حقوق نیز وجود دارد که می‌توانند وجوه مردم‌سالارانه فقه را بارور سازند. بر این اساس، او تلاش کرد تا با تأکید بر «دوگانگی مفهوم حق و حکم»، روایتی از فقه شیعه بازخوانی کند که دامنه «حق» را فراخ‌تر از «حکم» بشمارد و بدین ترتیب، فرصتی فراهم آورد که دموکراسی بتواند بر مسند حکومت قرار گیرد. فیرحی برای اثبات این تقدم، به سراغ «اصول عملیه» رفت. او با بررسی مجاری تولید حق در فقه، از اصولی همچون اباحه، برائت و حریت بهره برد؛ اصولی که اصل را بر عدم تکلیف می‌گذارند. استدلال او این بود که در مواردی که حکم روشنی وجود ندارد، مبنای برائت، فقیه را به «اصول عدم حکم» سوق می‌دهد و «نبود دلیل، دلیل بر نبود حکم است.» از نظر او، این وضعیت، محصول فقدان دلیل است و از آن به «اباحه عقلی» یاد می‌شود که در آن، عقل و شرع هر دو مجاری تولید حق‌اند و به مکلف اختیار می‌دهند. فیرحی حتی پا را فراتر نهاد و مدعی شد که «بیشترین و غنی‌ترین منبع تولید حق در اندیشه شیعه، حکم شرعی و بویژه حقوق منبعث از عمومات شرع است.»

با این حال، همین جا نقطه‌ای است که می‌توان در پروژه فیرحی درنگ کرد. او خود اذعان کرد که شیعه، برخلاف غرب که از مسیر حقوق طبیعی و اهل سنت که از مسیر شوری به دموکراسی می‌رسد، تنها از «حوزه‌های خالی از نص» می‌تواند راهی به سوی دموکراسی باز کند. این اعتراف، به طور ضمنی تأیید می‌کند که فضای اصلی فقه، فضای تکلیف است و حق، تنها در حاشیه و در سایه سکوت شارع امکان ظهور می‌یابد. از همین‌رو است که برخی پژوهشگران در ارزیابی پروژه فیرحی، این محدودیت را به روشنی بیان کرده‌اند که او توانست از درون سنت فقهی راهی برای توجیه حقوق بنیادین انسان بیابد، اما این راه در برابر نصوص دینی محدودیت‌هایی بسیاری داشت. زیرا اصول عملیه‌ای که فیرحی به آنها استناد می‌کرد، در جایی کاربرد داشت که تهی از نص دینی باشد.

این محدودیت، دقیقاً همان جایی است که نقد بنیادین‌تر آشکار می‌شود. حجم اصلی فقه، احکام و بایدها و نبایدهاست؛ فقهی که وظیفه اصلی خود را تعیین تکلیف مکلف در برابر شارع می‌داند. در چنین ساختاری، «حق» نه یک مفهوم بنیادین، بلکه امری عارضی و مشروط است. فیرحی برای گشودن فضایی برای حق، ناگزیر شد به «منطقه‌الفراغ» پناه ببرد؛ همان جایی که فقه ساکت است. اما این پناهجویی، به تعبیری، نقض غرض است: اگر ظرفیت دموکراتیک فقه تنها در سکوت آن فعال می‌شود، آنگاه این ظرفیت نه از دل فقه، بلکه از خلأ آن برمی‌خیزد. فیرحی خود این واقعیت را چنین صورتبندی می‌کند که مواردی که در آنها مستقیماً و مستقلاً از قرآن و سنت به حکم می‌رسد، بسیار اندک است و بنابراین در بیشتر مواقع که حکم روشنی وجود ندارد، می‌بایست مبنای خود را بر برائت بگذاریم. این موضع، هرچند تلاشی برای بزرگنمایی «منطقه‌الفراغ» است، اما همزمان اعترافی است به اینکه بار اصلی فقه بر دوش تکلیف است.

پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا فیرحی تأکید داشت این بازسازی را درون فقه انجام دهد؟ پاسخ او روشن بود: به باور فیرحی، تمدن اسلامی فقه‌مدار است و «هرآنچه قرار است در این تمدن رخ دهد باید از رهگذر چنین دانشی عبور نماید». او فقه را «فربه‌ترین دانش تمدن اسلامی» می‌دید که در جای حکمت مدنی در غرب نشسته است. بنابراین، از منظر او، هرگونه اصلاح سیاسی در جهان اسلام ناگزیر باید از فقه بگذرد. این استدلال، هرچند از حیث تاریخی قابل درک است، اما خود را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که آیا دانش‌های دیگر اسلامی، ظرفیت‌های بیشتری برای صورت‌بندی دموکراتیک ندارند. منتقدان فیرحی نیز همین نکته را برجسته کرده‌اند: چرا او مسیری غیر از فقه را متصور نبود؟ آیا ظرفیت‌های نهفته در دیگر دانش‌های اسلامی راه بر دموکراسی هموارتر نمی‌کرد؟

در این میان، عرفان اسلامی به دلیل معرفت‌شناسی تشکیکی و لایه‌مند خود، ظرفیتی متفاوت را عرضه می‌کند. عرفان، برخلاف فقه که در حیطه هنجارهای الزام‌آور است، بر سیر و تحول درونی انسان تأکید دارد و حقیقت را امری ذومراتب می‌بیند. در چنین چارچوبی، «حق» نه در برابر «تکلیف» و در منطقه‌ای خالی از نص، بلکه به عنوان تجلی حقیقت وجودی انسان و نسبت او با امر مطلق صورت‌بندی می‌شود. این ظرفیت، هرچند به طور مستقیم به دموکراسی سیاسی منتهی نمی‌شود، اما فضایی برای فهمی غیراقتدارگرایانه از نسبت انسان با خدا و با دیگری فراهم می‌کند که با منطق تکلیف‌محور فقه متفاوت است. فیرحی خود به این مسیر توجهی نشان نداد، اما پروژه او و دست‌کم این پرسش را باقی می‌گذارد که آیا بازسازی دموکراتیک اندیشه اسلامی باید صرفاً از گذرگاه فقه بگذرد یا می‌تواند از سرچشمه‌های دیگری نیز بهره ببرد؟

در مجموع، پروژه فیرحی را باید به عنوان تلاشی صادقانه و نظری جدی برای آشتی فقه و دموکراسی ارزیابی کرد. او با طرح تقدم حق بر تکلیف، افق‌های تازه‌ای گشود و نشان داد فقه را می‌توان به گونه‌ای دیگر خواند. اما ساختار تکلیف‌محور فقه و وابستگی پروژه او به «منطقه‌الفراغ»، محدودیت‌های این مسیر را آشکار می‌کند. شاید مهم‌ترین دستاورد فیرحی، نه ارائه یک الگوی نهایی، بلکه گشودن همین پرسش باشد که آیا فقه، با تمام وزن تاریخی و ساختاری خود، می‌تواند حامل پروژه‌ای باشد که در بنیان، با منطق درونی آن در تنش است؟

سیدعلیرضا حسینی بهشتی، استاد فلسفه سیاسی از پروژه فکری داود فیرحی می‌گوید

نظریه‌پرداز خوانش دموکراتیک از فقه

رویکرد فیرحی برای «بازشناسی هویت سیاسی ایرانیان» در فهم مسائل امروز ایران گره‌گشاست



اندیشه سیاسی

مهدیه‌سادات نقیبی
گروه اندیشه

شش سال از درگذشت داود فیرحی می‌گذرد، اما پرسش‌هایی که او درباره نسبت دین و سیاست، فقه و دموکراسی، حق و تکلیف و امکان گفت‌وگوی سنت با جهان جدید پیش کشید، همچنان در متن مسائل فکری و سیاسی ایران حضور دارند. اهمیت فیرحی برای امروز ما، در همین پرسش‌های گشوده و در شیوه‌ای است که برای مواجهه با آنها برگزید؛ یعنی بازخوانی میراث فکری و سیاسی ایران و اسلام در پرتو زمانه؛ با تأکید بر پیوند میان دین و دانش. در این باره با دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی، استاد فلسفه سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، به گفت‌وگو نشستیم. او در توصیف پروژه فکری فیرحی، از مفهوم «دوباره روییدن از ریشه» سخن می‌گوید؛ تعبیری که می‌تواند یکی از کلیدهای فهم جایگاه فیرحی در اندیشه سیاسی معاصر ایران باشد.

جناب دکتر بهشتی، کدام بُعد از تفکر و روزی مرحوم فیرحی باعث شد که ایشان از دیگر نواندیشان دینی متمایز شود؟

«نواندیشان دینی» طیف گسترده‌ای از کنشگران و اندیشه‌ورزان را شامل می‌شود و شاید بهتر باشد بپرسیم چرا از جریان‌های «مشهورتر» نواندیشان دینی متمایز بود. تحولات فکری دوران پس از دهه اول پساانقلاب اسلامی نشان‌دهنده نوعی چرخش فکری در جریان مشهورتر نواندیشی دینی در ایران است که با نقد راه طی‌شده، به‌عنوان راهی که در آن دو جریان تفکر دینی سنتی و اسلام‌سیاسی پررنگ‌تر از نواندیشی دینی بود، سعی در فاصله‌گذاری با آن دو کرد و این کار عمدتاً با توسل به «دیدگاه‌های تجددگرا» صورت گرفت.

در حالی که بسیاری راه برون‌رفت از بن‌بست‌های فرهنگی و فکری را بیرون راندن دین از حوزه سیاست تصور می‌کردند و امکان نگاه دینی به ساماندهی جامعه و توسعه کشور را به چالش کشیدند، در این میان نواندیشان اندکی بودند که به جای «تخریب» میراث گذشته، به‌فکر «بازشناسی» آن به تناسب مقتضیات مکانی و زمانی افتادند. مرحوم دکتر فیرحی را من در این دسته اخیر می‌نشانم. این کار سختی بود که به ژرف‌نگری و صبر و استقامت بسیار نیاز داشت چون نه طرفداران گفتمان اسلام‌سیاسی آن را تحمل می‌کردند و نه نواندیشان تجدیدنظرطلب. این، نوعی «دوباره روییدن از ریشه» بود به جای نفی ریشه‌ها.

یکی از مفاهیم مهم در اندیشه فیرحی، جابه‌جایی کانون بحث از «تکلیف» به «حق» است. این جابه‌جایی چه پیامد فلسفی و سیاسی دارد؟ آیا می‌توان گفت فیرحی می‌کوشید از درون زبان فقهی، به نوعی تصویر جدید از «شهروند» و «انسان صاحب‌حق» برسد؟

بله، این گرایش به مفهوم «حق» به‌خصوص در آثار متأخر ایشان بیشتر جلوه دارد. منتها باید توجه داشت که فیرحی این کار را مثل برخی دیگر از اندیشمندان دینی در «خلأ فکری» انجام نمی‌داد. یعنی ایشان نخواست روش (منسوخ) دکارتی را به کار گیرد و این ناشی از آشنایی او با نقدهای نگرش پساتجدد و پسااستعماری بود.

تأکید فیرحی بر تاریخ تحول مفاهیم در ایران را از این منظر باید دید؛ کار بسیار ارزشمندی که در آخرین اثر مکتوب خود درباره تحول مفهوم «حق» در ایران ارائه کرد. می‌دانیم که امروزه توجه به «زمینه‌گرایی» و «تاریخمندی» ادراکات ما انسان‌ها خیلی رایج شده است و دیگر کمتر کسی از «منظر از ناکجا» دفاع می‌کند که در سنت فکری مدرن و پروژه روشنگری به‌عنوان نقطه عزیمت معرفت بشری قلمداد می‌شد. البته بخشی از جریان فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تجدیدنظرطلبان، هنوز در چارچوب همان تفکر مدرن عمدتاً دکارتی می‌اندیشند و تحولات فکری چهار دهه اخیر را نادیده می‌انگارند.

آیا روش فیرحی در بازخوانی تاریخ اندیشه سیاسی هنوز برای پژوهشگران امروز کارآمد است؟

قطعاً. این راهی است که باید بعد از ایشان توسط همفکران ایشان پی گرفته شود؛ به‌خصوص که دو جریان دیگر فکری که از آن یاد کردم دست‌شان در ارائه راهکارهای برون‌رفت از انسداد فکری کنونی در ایران چندان پر نیست. در کلاس‌هایم در دانشگاه تأثیر تلاش پیشگامانه مرحوم فیرحی در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی-ایرانی را در میان دانشجویانی که یا کتاب‌های ایشان را خوانده‌اند یا توفیق شاگردی ایشان را داشته‌اند به‌وضوح مشاهده می‌کنم.

فیرحی چه نسبتی میان «فقه» و «دموکراسی» قائل بود؟ ایده تازه او درباره رابطه این دو چه بود؟

در آخرین گفت‌وگویی که با ایشان داشتم که به چند روز قبل از انتقال ایشان به بیمارستان (که به فوت ایشان منتهی شد) مربوط می‌شود، صحبت از این کردم که به نظر من و از منظری رالزی، پیامبر اکرم(ص) پس از هجرت از مکه و ورود به مدینه، از نقش «رهبر یک جماعت» به نقش «رهبر جامعه سیاسی» هم هجرت کرد. نتیجه این هجرت، انتقال از «امر عقلانی» به «امر عقلایی» بود و مفاد قراردادی که در همان سال بین مسلمانان، یهودیان، مشرکان و بعداً مسیحیان منطقه منعقد شد، شاهدی بر این انتقال است؛ یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر اصل اخلاقی انصاف و سازوکار معامله به‌مثل. این می‌تواند فهمی از سیره پیامبر(ص) باشد که برای امروز ما بسیار راهگشاست. منتها ایرادی که منتقدان این نوع نگاه به تاریخ مدینه وارد می‌کنند این است که پیامبر(ص) در ابتدای امر چون هنوز به اندازه کافی قدرتمند نشده بود دست به این ابتکار زد و بعدها دیگر این رویه را ادامه نداد. دکتر فیرحی با تأیید آن نکته، درباره «قرارداد اجتماعی» گفت که مدتی است این بحث را طی درسی که در دانشگاه ارائه می‌کند مطرح کرده است و به‌زودی کتاب آن هم منتشر خواهد شد و در آنجا نشان داده است که پیامبر(ص) در تمامی سال‌های حکومتش به «شبکه قراردادها» متکی بود.

این همان کتابی است که اخیراً تحت عنوان «پیامبری و قرارداد» منتشر شد؟

بله، متأسفانه ایشان فرصت نکرد به‌صورت متن مکتوب منتشر کند ولی خوشبختانه شاگردان ایشان همت کردند و متن سه دوره آن درس گفتار را منتشر کردند. ایشان در آن گفت‌وگویی که با ایشان داشتم تأکید داشت که پیامبر(ص) تا پایان زندگی، یعنی تا پایان دوره حکومت ده‌ساله خود، مبنای حکمرانی خود را بر شبکه‌ای از قراردادها استوار کرده بود و هیچ‌وقت از آن رویه عدول نکرد. طی تابستان گذشته فرصت کردم کتاب «پیامبری و قرارداد» را با دقت بخوانم؛ به‌راستی پروژه ارزشمندی را مرحوم فیرحی شروع کرده بود.

در همان جلسات اول این درس گفتارها، ایشان می‌گوید درباره دولت‌سازی پیامبر (ص) در مدینه دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول را هم در سه دسته قرار می‌دهد: نظریه رهبری، نظریه امامت، نظریه تفکیک. بیشتر نظریات کلاسیک، عمل پیامبر(ص) را مبتنی بر نظریه رهبری می‌دانند که ایده‌ای نخبه‌گرایانه است، یعنی تصمیم‌گیری از بالا به پایین که دموکراسی در آن جایی ندارد. از آن دیدگاه، اگر هم پیامبر (ص) گاهی شورا تشکیل می‌داد شورای مشورتی بود و نه تصمیم‌ساز.

نظریه دوم، نظریه امامت امت است و امامت را دوره انتقالی به وضعیتی می‌داند که مردم توانایی تصمیم‌گیری دموکراتیک را پیدا کنند. نظریه سوم، نظریه تفکیک امامت دینی از امامت سیاسی است که اولی نمی‌تواند دموکراتیک باشد و دومی البته می‌تواند دموکراتیک هم باشد. در تمایز با این سه دسته دیدگاه اول، مرحوم فیرحی نظریه «رهبری دموکراتیک» را مطرح می‌کند که بر اساس آن، رهبری اساساً با دموکراسی در تضاد نیست بلکه خودش دموکراتیک است. در این دیدگاه، رهبری مبتنی بر قاعده «قرارداد» است و رضایت و صلح از اجزای اصلی آن محسوب می‌شود و ما می‌دانیم که بن مایه دموکراسی، رضایت آگاهانه شهروندان از تصمیماتی است که زندگی آنان را شکل می‌دهد. در این نظریه، «دین» و «سیاست» از هم جدا نیست، اما امت بر دو گونه است: امت دینی و امت سیاسی. امت دینی بر اساس برابری در ایمان استوار است و امت سیاسی، بر نظم و تعهد سیاسی به‌رغم ادیان و مذاهب مختلف شهروندان.

این راه خوبی است که مرحوم فیرحی گشود. من فکر می‌کنم اگر این به آن تفکیک بسیار دقیق میان «امر عقلانی» و «امر عقلایی» منضم شود، برای ترسیم چارچوب حکومتی که با به‌رسمیت شناختن احترام برابر به ادیان و مذاهب مختلفی که شهروندان به آن ایمان دارند بتواند نوعی همبستگی سیاسی مبتنی بر رضایت همگان را بنا کند، بسیار مفید باشد؛ این یعنی «وحدت در کثرت». این پروژه‌ای است که من با عنوان «همزیستی اتحاد و افتراق» از سی سال پیش شروع کرده و سه‌گانه‌ای را تألیف کرده‌ام که دو جلد آن تا به حال منتشر شده است؛ یعنی تفکیک «سیاست مبتنی بر عقلانیت» که مناسب و مختص درون جماعت‌های فرهنگی (دینی، فلسفی، قومی و...) است و «سیاست مبتنی بر معقولیت» که مناسب و مختص تنظیم روابط بین جماعت‌های فرهنگی مختلفی است که در یک جامعه سیاسی زندگی می‌کنند. من شخصاً از پروژه فکری مرحوم فیرحی بهره‌های زیادی در تبیین دیدگاهم برده‌ام و فکر می‌کنم خیلی‌های دیگر هم آن را سرآغازی خوش‌فرجام ارزیابی می‌کنند.

فکر می‌کنید چرا فیرحی به «فقه سیاسی» بازگشت و آن را در کانون پژوهش خود قرار داد؟

«فقه سیاسی» بخشی از میراث اندیشه سیاسی ما است که نمی‌توانیم نادیده بگیریم. اما می‌توانیم، و بلکه باید، مورد بازبینی، بازشناسی ما و در معرض زمان‌آگاهی قرار بگیرد. این کاری است که مرحوم فیرحی برای انجام آن کمر همت بست. صاحبنظران دیگری هم هستند که به این کار دشوار می‌پردازند. راه درازی در پیش است ولی به نظر من افق‌های روشن و روشنگری هم مشاهده می‌شود. در این مسیر، اگر گفت‌وگو و تعامل فکری مستمر بین نواندیشان دینی در دانشگاه و حوزه شکل بگیرد، قطعاً ثمرات زیادی همراه خواهد داشت.

این همان سازگارسازی بین «دین» و «دانش» است که بیش از یک قرن است مصلحان دین‌مدار ما را به تکاپو واداشته است. عنصر «دین» یکی از سرچشمه‌های شکل‌گیری هویت ایرانی است که در کنار «فرهنگ ایرانی»، «سنت» و «تجدد» عناصر چهارگانه‌ای را تشکیل می‌دهند که به‌قول دکتر فرهنگ رجایی، بدون برقراری موازنه‌ای میان آنها توسعه همه‌جانبه و پایدار تحقق نمی‌یابد.

برخی هنوز هم تصور می‌کنند علوم تنها وجوه عام دارند و از خاص‌بودگی وجوه مهمی از دانش کنونی غافل هستند. بنابراین، فکر می‌کنند راه‌حل میان‌بر و تجربه‌شده، تمسک به دانش سیاسی سکولار است. اگر وقت بود توضیح می‌دادم چرا تمسک به سکولاریسم، مشکل ما را حل نمی‌کند. به‌تعبیر رالز، سکولاریسم خودش یک آموزه جامع و فراگیر است که نمی‌تواند مبنای اجماع همپوش و قرارداد اجتماعی ناشی از آن قرار بگیرد. ادبیات اخیر در زمینه شناخت سکولاریسم مثل اثر فاخر چارلز تیلور هم نشان می‌دهد چرا سکولاریسم در میان جوامع مسلمان فراگیر نمی‌شود.

> «فقه سیاسی» بخشی از میراث اندیشه سیاسی ماست که نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. اما می‌توانیم و بلکه باید، مورد بازشناسی ما و در معرض زمان‌آگاهی قرار بگیرد. این کاری است که مرحوم فیرحی برای انجام آن کمر همت بست

به مناسبت ششمین سالروز درگذشت داود فیرحی

مزامیر نامیرا

اندیشمندی که در جست‌وجوی «راه سوم» میان سنت و تجدد بود

یادمان

علیرضا سعادتی
پژوهشگر علوم سیاسی

برخی آثار فکری با گذشت زمان از رونق نمی‌افتند؛ هر بار که به سراغشان می‌رویم، در پرتو پرسش‌های تازه، معنای دیگری از آنها آشکار می‌شود. گویی در متن این آثار ظرفیتی نهفته است که اجازه نمی‌دهد در زمانه تولیدشان محصور بمانند. داود فیرحی، استاد فقید علوم‌سیاسی دانشگاه تهران، از جمله اندیشمندانی است که می‌توان میراث فکری او را در شمار «مزامیر نامیرا» قرار داد. شش سال پس از درگذشت او، همچنان نسبت فقه و دموکراسی، دین و دولت، جایگاه حق در نظام سیاسی و امکان گفت‌وگوی سنت با جهان جدید از جمله مسائلی است که بازخوانی آثارش را ضرورت می‌بخشد. اما راز ماندگاری فیرحی را فقط نباید در موضوعاتی جست که درباره آنها اندیشید؛ بلکه مهم‌تر از آن، شیوه مواجهه او با مسائل و منش گفت‌وگویی‌اش بود. او می‌کوشید در فضایی که غالباً به دوگانه‌های سنت و تجدد، دین و سکولاریسم و اصالت و معاصرت تقسیم می‌شد، امکان اندیشیدن به «راه سوم» را نشان دهد.

نه بازگشت به گذشته، نه گسست از آن

داود فیرحی را نمی‌توان به‌سادگی در یکی از دو اردوگاه سنت‌گرایی و تجددخواهی نشاند. او نه در پی آن بود که مسائل پیچیده جهان معاصر را با تکرار پاسخ‌های تاریخی حل کند و نه بر این باور بود که برای ورود به دنیای جدید باید از تمامی ذخایر معرفتی سنت عبور کرد. مسأله اصلی او یافتن امکانی برای گفت‌وگو میان این دو قلمرو بود؛ گفت‌وگویی که در آن سنت به امری تاریخی تقلیل پیدا نکند و تجدد نیز به مجموعه‌ای از الگوهای آماده و وارداتی فروکاسته نشود.

منصور میراحمدی، استاد علوم‌سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، این ویژگی را در دو مفهوم «اصالت» و «معاصرت» خلاصه می‌کند. به روایت او، فیرحی از یک سو با جدیت به سراغ متون کلاسیک و میراث اندیشه سیاسی اسلامی می‌رفت و از سوی دیگر اجازه نمی‌داد این تعلق خاطر او را از پرسش‌های زمانه دور کند. همین جمع میان دو دغدغه، موقعیت فکری متمایزی برای او پدید آورده بود. در واقع، «اصالت» و «معاصرت» در اندیشه فیرحی دو قطب متعارض نبودند، بلکه باید در فرآیندی انتقادی یکدیگر را تکمیل می‌کردند.

فیرحی «فقه» را به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی پژوهش خود انتخاب کرده بود. او بر این باور بود که نمی‌توان تاریخ سیاست در جوامع اسلامی را به‌درستی فهمید، اما از جایگاه فقه و فقها در شکل‌گیری مناسبات سیاسی چشم پوشید. با این حال، به جای آنکه صرفاً از منظر فقه درباره سیاست داوری کند، خود دستگاه فقهی را موضوع مطالعه قرار داد تا دریابد این دانش در دوره‌های تاریخی چگونه با قدرت، دولت و مناسبات سیاسی مواجه شده و چه امکانات و محدودیت‌هایی داشته است. این تغییر زاویه نگاه، اهمیت روش‌شناختی داشت. فیرحی فقه را دانشی بیرون از تاریخ و مصون از تغییر نمی‌دید. از همین رو، در کتاب «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام» با بهره‌گیری از رویکردهای دیرینه‌شناختی و تبارشناختی فوکو، مناسبات دانش و قدرت را در تاریخ اندیشه اسلامی بررسی کرد. دغدغه او این بود که چگونه صورت‌های خاصی از فهم سیاست شکل گرفته‌اند، چه مناسبات قدرتی آنها را تقویت کرده و چگونه برخی برداشت‌ها در طول زمان به قرائت‌های مسلط تبدیل شده‌اند. فیرحی می‌کوشید نشان دهد صورت‌های تاریخی حکومت را نباید ضرورتاً با حقیقت ثابت دین یکی دانست. این تمایز، امکان بازخوانی انتقادی تجربه سیاسی مسلمانان را فراهم می‌کرد.

مطالعه فقه برای رسیدن به حقوق

پروژه فکری فیرحی تنها در بازخوانی تاریخ متوقف نشد. مقصد اصلی او مواجهه با مسائل دولت و جامعه در جهان جدید بود؛ جهانی که در آن قانون اساسی، انتخابات، حقوق شهروندی، آزادی و حاکمیت مردم به عناصر بنیادین زندگی سیاسی تبدیل شده‌اند. او در پی آن بود که ببیند سنت فقهی شیعه چه ظرفیت‌هایی دارد که بتوان برای صورت‌بندی سیاست جدید از آنها بهره گرفت؟

در اینجا اندیشه فیرحی به تجربه مشروطه و آرای فقهایی چون آخوند خراسانی و بویژه میرزای نائینی گره می‌خورد. نائینی برای او، نمونه‌ای از تلاش درون‌سنتی برای مهار استبداد و محدود کردن قدرت سیاسی بود. فیرحی در کتاب «آستانه تجدد؛ در شرح تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» کوشید نشان دهد که چگونه می‌توان در میراث فقهی، استدلال‌هایی برای دفاع از قانون، نظارت بر قدرت و حقوق مردم پیدا کرد.

در این بازخوانی، اهمیت مشروطه تنها به تغییر ساختار سیاسی محدود نبود؛ مسأله اصلی، دگرگونی در فهم ماهیت حکومت بود. قدرت دیگر نباید ملک اختصاصی حاکم تلقی شود، بلکه باید در مقام نهادی عمومی و محدود به قانون فهم شود. چنین برداشتی، فقه را به موقعیتی انتقادی در برابر خودکامگی نزدیک می‌کرد.

کاظم قاضی‌زاده، رئیس مؤسسه پژوهشی و فرهنگی فهیم، نیز در توصیف دغدغه فکری فیرحی بر کوشش او برای نزدیک کردن زبان فقه و مفاهیم دنیای جدید تأکید دارد. به اعتقاد او، فیرحی می‌خواست از ظرفیت‌های هر دو قلمرو برای فهم مسائل جامعه استفاده کند. این تلاش در نهایت به مسأله‌ای بنیادین‌تر یعنی بازگرداندن «حق» به جایگاهی محوری در اندیشه سیاسی دینی می‌رسید.

یکی از مهم‌ترین وجوه اندیشه فیرحی، توجه به نسبت «حق» و «تکلیف» بود. فیرحی با تأکید بر حقوق مردم می‌کوشید از غلبه قرائت‌های یک‌سویه تکلیف‌محور فاصله بگیرد. این نکته در تفسیر ابوالفضل دلاوری، استاد علوم‌سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نیز برجسته است. او معتقد است فیرحی فقه را نه مجموعه‌ای بسته از احکام منفرد، بلکه ظرفیتی برای صورت‌بندی حقوق و مناسبات انسانی می‌دید. از این منظر، حرکت از فقه به حقوق و از حقوق به قرارداد اجتماعی، یکی از خطوط اصلی اندیشه اوست.

این تغییر زاویه، پیامد سیاسی مهمی داشت. وقتی شهروند صرفاً مخاطب فرمان و حامل تکلیف نباشد و به‌عنوان «صاحب حق» شناخته شود، مناسبات دولت و جامعه نیز باید بر مبنای تازه‌ای تنظیم شود. دولت دیگر مالک جامعه نیست، بلکه نهادی است که اختیاراتش باید در چارچوب قانون، رضایت عمومی و حقوق شهروندان تعریف شود. بنابراین، توجه فیرحی به دموکراسی صرفاً علاقه به یک الگوی سیاسی مدرن نبود؛ او در پی یافتن مبانی و استدلال‌هایی برای دفاع از مشارکت هرچه بیشتر مردم در سیاست و قدرت بود.

گفت‌وگو به مثابه روش و منش

راه سوم فیرحی فقط به نزدیک کردن مفاهیم فقهی و مدرن محدود نمی‌شد. ویژگی مهم‌تر پروژه فکری او، اشاعه روح گفت‌وگو در جامعه علمی بود. فیرحی به جای طرد یکی از دو سوی منازعه، می‌کوشید زبان مشترکی میان آنها بیابد. علی‌اصغر مصلح، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، بر پیوند میان این رویکرد و شخصیت فیرحی تأکید می‌کند. به روایت او، مدارا در رفتار فیرحی صرفاً یک خصلت فردی نبود، بلکه پشتوانه‌ای نظری داشت. فیرحی می‌توانست با اختلاف‌نظر روبه‌رو شود، بی‌آنکه به حذف و نفی طرف مقابل روی آورد. او گفت‌وگو را راهی برای عبور از دوگانه‌های کاذب می‌دانست. در واقع، همان‌طور که در اندیشه‌اش به دنبال ایجاد امکان گفت‌وگو میان سنت و تجدد بود، در رفتار نیز اختلاف را به خصومت تبدیل نمی‌کرد. این ویژگی در فضای فکری، که گاه اختلاف نظر در آن به مرزبندی‌های هویتی و حذف می‌انجامد، اهمیت مضاعف دارد. مجتبی مقصودی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیز از تمایل فیرحی به مصالحه و صلح به‌عنوان راهی برای کاستن از تنش‌ها یاد می‌کند. البته صلح‌جویی او را نباید با بی‌تفاوتی نسبت به منازعات فکری اشتباه گرفت. فیرحی پرسشگر و منتقد بود؛ تفاوتش در این بود که نقد را به خصومت و تفاوت را به دشمنی فرونمی‌کاست.

احمد نقیب‌زاده، استاد علوم‌سیاسی دانشگاه تهران و از دوستان نزدیک او، بر توانایی فیرحی در استفاده از اندیشه‌های متنوع غربی و شرقی تأکید می‌کند. به روایت او، فیرحی از مواجهه با ایده‌های متفاوت پرهیز نداشت و می‌توانست یافته‌های پژوهش‌های جدید را در کنار منابع فقهی قرار دهد. این توانایی، ویژگی مهم یک متفکر میانجی است؛ نه مرزهای معرفتی خود را به روی جهان می‌بندد و نه در مواجهه با دانش دیگران هویت فکری خویش را از دست می‌دهد.

عباس منوچهری، استاد اندیشه سیاسی، نیز از فیرحی به‌عنوان «احیاگر اندیشه‌ورزی سیاسی» یاد می‌کند؛ کسی که بازخوانی سنت را به محیط دانشگاه محدود نمی‌کرد و در پی ورود بحث‌های نظری به عرصه عمومی بود. الهه کولایی، عضو هیأت علمی دانشکده علوم‌سیاسی دانشگاه تهران، نیز با اشاره به آماری که در شورای پژوهشی دانشکده مطرح شده، از حدود ۹۰۰ استناد بین‌المللی به آثار فیرحی یاد می‌کند. به روایت او، این میزان توجه، نشان‌دهنده علاقه پژوهشگران بیرون از ایران به تلاش فیرحی برای عرضه قرائتی از اسلام است که بتواند با نیازهای انسان معاصر ارتباط برقرار کند.

یک پروژه فکری ماندگار اما ناتمام

راز نامیرایی آثار فیرحی در چیست؟ چرا آرای او هنوز توانایی برانگیختن گفت‌وگو در جامعه علمی ایران را دارد؟ پاسخ را باید در موضوعاتی جست که فیرحی به آنها پرداخت و همچنان در جامعه ایران موضوع تأمل است؛ نسبت قانون و شریعت، حدود اختیارات دولت، جایگاه رأی مردم، ماهیت حقوق شهروندی و امکان تنظیم مناسبات سیاسی بر پایه قرارداد و رضایت عمومی. این مسائل با گذشت زمان از میان نمی‌روند و به همین دلیل، بازخوانی آثار او هنوز می‌تواند در فهم چالش‌های امروز ایران راهگشا باشد.

> راز نامیرایی آثار و آرای فیرحی را باید در موضوعاتی جست که فیرحی به آنها پرداخت و همچنان در جامعه ایران موضوع تأمل هستند؛ نسبت فقه و دموکراسی، دین و دولت، جایگاه حق در نظام سیاسی و امکان گفت‌وگوی سنت با جهان جدید از جمله مسائلی است که بازخوانی آثارش را هنوز ضرورت می‌بخشد

برش

از نظر شما، مهم‌ترین میراث استاد فیرحی برای دانش علوم‌سیاسی ایران چیست؟



دکتر بشیریه که حق بزرگی بر گردن علم سیاست در ایران دارند در سال‌های اخیر و پس از یک بازنگری در رویکردشان که قبلاً بیشتر بر جامعه‌شناسی سیاسی استوار بود، ما را به «بازگشت به اندیشه سیاسی» توجه می‌دهد. اگر حکمرانی سیاسی را مبتنی بر ساختار و کارگزار بدانیم، به‌ناچار به طراحی اولی و تربیت دومی به شیوه‌ای که با الگوی ایرانی توسعه سازگار باشد نیازمندیم. برای این منظور، نیازمند سیاست‌گذاری عمومی دانش‌پایه هستیم. علوم‌سیاسی زیربنای مهمی برای این حوزه است و زیربنای مهم و اصلی علم سیاست «فلسفه سیاسی» است. در فلسفه سیاسی، برای ما ایرانیان هم شناخت دستاوردهای فکری مغرب‌زمین اهمیت دارد و هم شناخت ریشه‌های فکری خودمان؛ چه ایرانی و چه اسلامی. شاید این همان چیزی باشد که مرحوم فیرحی مرتباً با عنوان «بازگشت به سرچشمه» ما را به آن دعوت می‌کرد.

خدایش رحمت کند که داغ از دست دادنش هنوز تازه است. همچنین باید از همسر فداکار و همراهشان که ایشان هم متأسفانه با فاصله کمی بعد از ایشان دار فانی را وداع گفتند یاد کرد. کشیدن آن بار سنگین علمی توسط مرحوم فیرحی بدون همراهی صبورانه همسر و خانواده‌شان ممکن نبود. یادشان گرامی.

هشدار رئیس انجمن علمی فیزیوتراپی ایران:

مراقب فیزیوتراپ‌های فاقد صلاحیت علمی باشید

گزارش

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

فیزیوتراپی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم توانبخشی است که با هدف پیشگیری، درمان و کاهش محدودیت‌های حرکتی به افراد کمک می‌کند تا توانایی‌های جسمی خود را پیدا کنند و کیفیت زندگی‌شان را ارتقا دهند. این رشته درمانی با استفاده از روش‌هایی مانند تمرین‌درمانی، درمان‌های دستی و تجهیزات تخصصی، در بهبود مشکلات اسکلتی عضلانی، دردهای مزمن، آسیب‌های ورزشی و اختلالات حرکتی نقش مؤثری دارد. با افزایش کم‌تحرکی، سالمندی جمعیت، ساعات طولانی کار پشت میز و شیوع بیماری‌های مزمن، نیاز به خدمات فیزیوتراپی بیش از گذشته در جامعه احساس می‌شود. با این حال، هزینه‌های درمان، پوشش ناکافی بیمه‌ها، کمبود مراکز توانبخشی در برخی مناطق و آگاهی محدود مردم از اهمیت پیشگیری، از جمله چالش‌های دسترسی به این خدمات است. کارشناسان معتقدند، فیزیوتراپی نباید صرفاً به مرحله پس از جراحی یا بروز آسیب محدود شود، بلکه می‌تواند با شناسایی و اصلاح مشکلات حرکتی، از تشدید بسیاری از اختلالات جسمی جلوگیری کند. توسعه خدمات فیزیوتراپی و تسهیل دسترسی مردم به این خدمات، گامی مهم در ارتقای سلامت جامعه و کاهش هزینه‌های درمانی خواهد بود. ایرج عبداللهی، رئیس و اعضای هیأت مدیره انجمن فیزیوتراپی ایران، در نشست خبری ششمین کنگره بین‌المللی و سی و هفتمین کنگره سالیانه انجمن علمی فیزیوتراپی ایران که روز سه‌شنبه برگزار شد، به تشریح مهم‌ترین موضوعات حرفه فیزیوتراپی پرداختند.

کشورمان در سراشیبی سالمندی قرار گرفته است و وجود فیزیوتراپ‌های متخصص در این حوزه یکی از ملزومات سالمندی به شمار می‌رود، اما آیا افراد متخصص به تعداد کافی در این حوزه حضور دارند؟ رئیس انجمن علمی فیزیوتراپی ایران و دبیر علمی کنگره در پاسخ به «ایران» می‌گوید: «در حال حاضر ۹ هزار و ۶۰۰ نفر فیزیوتراپیست در کشور وجود دارند که اگر به نسبت جمعیت حساب کنیم شاخص آن ۱۰ هزار است یعنی به ازای هر ۱۰ هزار نفر چند فیزیوتراپیست داریم. در حال حاضر این عدد در کشورمان یک و دو دهم است یعنی به ازای هر ۱۰ هزار نفر، یک و دو دهم فیزیوتراپیست در کشور داریم البته نسبت به استاندارد جهانی کمی پایین است چون استاندارد جهانی ۴ است اما نسبت به کشورهای منطقه عدد خوبی است.»



عبداللهی می‌گوید: «۲۰ دانشگاه در کشورمان در حال تربیت فیزیوتراپیست هستند و سالانه حدود ۴۰۰ نفر از طریق کنکور سراسری در این رشته مورد پذیرش قرار می‌گیرند. پیش‌بینی ما این است که تا ۱۰ سال آینده تعداد فیزیوتراپیست‌های کشور به حدود ۱۵ هزار نفر برسد که به نظرم برای کشور ما کفایت می‌کند.» او با بیان اینکه ۵۰ مقاله برای سخنرانی و ۹۰ مقاله در قالب پوستر، در کنگره امسال ارائه خواهد شد، می‌گوید: «امسال ۲۱ پنل تخصصی داریم که شامل رشته‌های مختلف توانبخشی، کاردرمانی و... می‌شود.»

اعتماد به هوش مصنوعی آسیب‌زاست

همایون آبایی، دبیر اجرایی کنگره نیز در این نشست با بیان اینکه خوشبختانه استقبال از کنگره خیلی خوب بوده و تاکنون سه هزار نفر ثبت‌نام کرده‌اند و پیش‌بینی می‌کنیم حدود ۴ هزار نفر دیگر هم در کنگره امسال شرکت کنند، می‌گوید: «یکی از محورهای مهم در کنگره امسال که مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، مباحث حقوقی و دخالت در امور توانبخشی است.»

> ۲۰ دانشگاه در کشورمان در حال تربیت فیزیوتراپیست هستند و سالانه حدود ۴۰۰ نفر از طریق کنکور سراسری در این رشته مورد پذیرش قرار می‌گیرند. پیش‌بینی ما این است که تا ۱۰ سال آینده تعداد فیزیوتراپیست‌های کشور به حدود ۱۵ هزار نفر برسد

آبایی با اشاره به دخالت افراد فاقد صلاحیت در امور توانبخشی، توضیح می‌دهد: «دخالت افراد فاقد صلاحیت آسیب‌های زیادی به سلامت هموطنان وارد می‌کند. از همین رو، سامانه انجمن فیزیوتراپی در اختیار مردم قرار گرفته تا در انتخاب افراد برای انجام کارهای توانبخشی در منزل، دقت لازم را داشته باشند.»

پرهام پارسانژاد، دبیر انجمن علمی فیزیوتراپی ایران هم در این نشست با بیان اینکه فضای مجازی و هوش مصنوعی دو مقوله‌ای هستند که باید با دقت مورد توجه قرار گیرند، می‌گوید: «انتخاب غلط در حوزه درمان، می‌تواند عارضه‌های زیادی برای سلامت مردم داشته باشد.» به گفته پارسانژاد، فضای مجازی جایی برای پیدا کردن پزشک و درمان نیست. او معتقد است: «هوش مصنوعی هم خیلی خوب است، اما جایگزین درمان نیست و باعث گمراهی بیماران خواهد شد بنابراین اعتماد صد درصد به هوش مصنوعی، می‌تواند آسیب‌زا باشد.»

پارسانژاد با اشاره به آموزش‌هایی که در حوزه فیزیوتراپی ارائه می‌شود، می‌گوید: «آموزش تکنیسین فیزیوتراپی فاقد صلاحیت علمی است و کار این مجموعه‌ها، شیادی است. هیچ مجموعه آموزشی خارج از دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی وجود ندارد که بخواهد به تربیت فیزیوتراپیست بپردازد.»

پارسانژاد تأکید می‌کند: «با توجه به افزایش بیماری‌های اسکلتی عضلانی و کم تحرکی، بازار این قبیل خدمات هم زیاد شده و در نتیجه آن، افرادی از این شرایط سوءاستفاده می‌کنند.»

ششمین کنگره بین‌المللی و سی و هفتمین کنگره سالیانه انجمن علمی فیزیوتراپی ایران، امسال با شعار «حرکت، عملکرد، توانمندی؛ فیزیوتراپی برای همه» از ۴ تا ۶ آذر ۱۴۰۵ در مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد تهران برگزار می‌شود.

مدیرکل امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش:

تا یک ماه آینده سامانه مشاوره تلفنی اختصاصی راه‌اندازی خواهد شد

گزارش

معصومه غفاری
گروه اجتماعی

«خط ملی نماد» با شماره ۱۵۷۰ برای برداشتن فاصله‌ها میان دیدن نشانه و ارائه کمک بموقع ایجاد شده است. این خط رایگان در همه استان‌ها و حتی روستاها از هشت صبح تا نیمه‌شب، تماس دانش‌آموزان، پدر و مادرها و معلمان را به مشاور متخصص وصل می‌کند. متخصصی که کارش فقط با شنیدن تمام نمی‌شود؛ بلکه ارزیابی می‌کند و اگر نیاز بود پرونده را به یکی از مراکز مشاوره حضوری زیر پوشش آموزش‌وپرورش می‌سپارد. نکته‌ای که درباره ۱۵۷۰ کمتر گفته می‌شود این است که ارزش چنین سامانه‌ای با تعداد تماس‌های ثبت‌شده سنجیده نمی‌شود، بلکه دستاوردهای آن با بحران‌هایی که رخ نمی‌دهند؛ با تصمیم اشتباهی که گرفته نمی‌شود و با دانش‌آموزی که در مسیر اشتباه نمی‌ماند سنجیده خواهد شد. هر چند رسیدن به این نقطه دو شرط دارد، اطمینان خانواده‌ها به محرمانه ماندن گفت‌وگو و ظرفیت کافی ساختار مشاوره برای ارائه راهکار عملی برای بحران‌ها، که اگر این دو شرط تأمین شود، ۱۵۷۰ از یک شماره چاپ‌شده روی برگه مدارس به یکی از کم‌هزینه‌ترین سرمایه‌گذاری‌های سلامت روان نسل بعد تبدیل می‌شود؛ سرمایه‌گذاری‌ای که سودش را نه در آمار تماس‌ها، بلکه در نسلی سالم در آینده ایران عزیزمان می‌توان اندازه گرفت.

تخصص‌گرایی در پاسخگویی فراتر از یک تماس تلفنی

سمیه ابراهیمی، مدیرکل امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش، در تشریح این مهم از گسترش خدمات این سامانه و راه‌اندازی به‌زودی سامانه مشاوره اختصاصی ۴۵ دقیقه‌ای ۱۵۷۰خبر می‌دهد و به «ایران» می‌گوید: «سامانه ۱۵۷۰ یک خط ملی و «اورژانس اجتماعی» است که برخلاف تماس‌های عمومی، پاسخگویان این سامانه صرفاً اپراتور نیستند، بلکه متخصصان حوزه روان‌شناسی و مشاوره در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری هستند که تحت نظارت مستقیم وزارت آموزش و پرورش تأیید شده و فعالیت می‌کنند.» به گفته ابراهیمی این متخصصان با استقرار ۳۲ پایگاه در سراسر کشور و فعالیت در قالب شیفت‌های مشخص، خدماتی در حوزه‌های تحصیلی، عاطفی، روانی و خانواده ارائه می‌دهند که دقت و اخلاق حرفه‌ای این مشاوران باعث شده تا این خط ملی جایگاه ویژه‌ای در حوزه سلامت روان کسب کند.

مدیرکل امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش، با اشاره به اینکه این سامانه در مدیریت بحران‌هایی نظیر فرار از منزل، اعتیاد و تمایلات به خودکشی موفق عمل کرده است، توضیح می‌دهد: «زمان هر تماس در حالت اورژانسی محدود به ۱۵ دقیقه است که امکان پاسخگویی به حداکثر تعداد مراجعین فراهم شود تا با شناسایی و عبور دادن دانش‌آموز از بحران‌های عاطفی و اجتماعی در سریع‌ترین زمان ممکن و به شکل اورژانسی، به مراکز مشاوره حضوری ارجاع داده شوند.»

ابراهیمی از یک تغییر استراتژیک در شیوه ارائه خدمات خبر می‌دهد و می‌گوید: «برای رفع محدودیت زمانی و ایجاد عدالت آموزشی، وزارت آموزش و پرورش در ماه آینده، سامانه مشاوره تلفنی اختصاصی را راه‌اندازی خواهد کرد.» به گفته مدیرکل امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش در سامانه جدید ۱۵۷۰، دانش‌آموزان با دریافت نوبت از طریق اپلیکیشن، امکان بهره‌مندی از جلسات مشاوره ۴۵دقیقه‌ای را در چهار حوزه اصلی (کودک و نوجوان، خانواده، تحصیلی و اختلالات روانی) در پنج هفته متوالی خواهند داشت.

افتتاح خوابگاه‌های دانشجویی متأهلی در ۱۱ استان

در نشست مشترک وزیر علوم و رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره)، فصل تازه‌ای از حمایت از خانواده‌های دانشجویی رقم خورد؛ ۳۵۹ واحد خوابگاه متأهلی در ۱۱ استان کشور به بهره‌برداری رسید تا دغدغه سرپناه برای زوج‌های دانشجو سبک‌تر شود.

سید پرویز فتاح ، رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در این جلسه با اشاره به تفاهمنامه موجود میان این ستاد و وزارت علوم گفت: «کمتر از ۲ سال از امضای تفاهمنامه مشترک گذشته است و با وجود تحمیل دو جنگ بر کشور، طرفین تعهدات خود را پیش برده و امروز افتتاح ۳۵۹ واحد خوابگاه دانشجویی متأهلی را اعلام می‌کنیم.» او با اشاره به مشارکت ۳۰۰ میلیارد تومانی ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در پروژه‌های خوابگاه دانشجویی متأهلی تکمیل شده و در حال احداث مورد تفاهم با وزارت علوم گفت: «این خوابگاه‌ها در ۳۳ نقطه کشور احداث شده یا در حال تکمیل است و تلاش داریم ۲۱۰ واحد خوابگاه دانشجویی متأهلی دیگر را تا دهه فجر به اتمام برسانیم.»

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) با اشاره به حمله دشمن آمریکایی-صهیونی به مراکز دانشگاهی گفت: «با اعلام وزیر علوم در پی آسیب‌های وارده به دانشگاه شهید بهشتی، از بازسازی خوابگاه ۲۰۰ واحدی این دانشگاه نیز حمایت کرده و این واحدها در دست بازسازی قرار دارند و همچنین مسجد دانشگاه صنعتی شریف نیز با همت ستاد اجرایی فرمان امام(ره) بازسازی و دایر شد.» فتاح اعلام کرد: «در تفاهم دیگری با وزارت علوم از طرح‌های اشتغال دانش‌بنیان حمایت کردیم که از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ابتدای آبان سال جاری ۱۱۸۹ طرح اشتغال دانش‌بنیان و دانش محور تسهیلات قرض‌الحسنه دریافت کرده‌اند.» حسین سیمایی صراف؛ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نیز در این نشست گفت: «با همت و اراده ریاست ستاد اجرایی فرمان امام(ره)، تفاهمنامه‌ای روی کاغذ نمی‌ماند و تعهدات کاملاً عملیاتی می‌شود.» سیمایی صراف توضیح داد: «تفاهمنامه ما با ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در آذر ۱۴۰۳ با تأکید بر ساخت ۸۸۹ خوابگاه متأهلی منعقد شد که تا این لحظه ۳۵۹ واحد به بهره‌برداری رسیده است و باقی‌مانده آن نیز بزودی تکمیل می‌شود.» او با اشاره به نرخ کاهشی رشد جمعیت در کشور گفت: «وضعیت جمعیتی نگران کننده و مخاطره‌آمیز است بنابراین باید از همه ابزارهای مشوق برای حمایت از خانواده استفاده کنیم. ساخت و تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی متأهلی یکی از ابزارهای مشوق است. پیش از این حدود ۹۸۰ خوابگاه متأهلی در کشور وجود داشت اما در همین دو سال ۱۲۰۰ خوابگاه اضافه شده و ۱۶۰۰ واحد دیگر نیز در دست ساخت داریم.»

دعوت به شرکت در مناقصه
تامین مخزن ۱۵۰۰ لیتری پلی اتیلن
نفت پارس
نوبت اول
شرکت نفت پارس در نظر دارد تامین مخزن ۱۵۰۰ لیتری پلی اتیلن خود را از طریق مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco.ir/fa/tender.html مراجعه نمایند.
مهلت ارسال پاکت پیشنهاد: پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ می‌باشد.
تذکرات مهم:
● واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
● به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا، یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی نماید.
● شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

دعوت به شرکت در مناقصه
اخذ پیمانکار جهت سرویس دوره‌ای، تعمیر و نگهداری تجهیزات اعلام حریق شرکت نفت پارس
نفت پارس
نوبت دوم
شرکت نفت پارس در نظر دارد سرویس دوره‌ای، تعمیر و نگهداری تجهیزات اعلام حریق خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco.ir/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
● مهلت ارسال پاکت پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸
تذکرات مهم:
● واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
● به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید. شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

تجدید آگهی مناقصه عمومی (همراه با ارزیابی کیفی) شماره ۸-۶
نوبت اول
شرکت عمران شهر جدید پرند، به آدرس کیلومتر ۳۰ اتوبان تهران- ساوه، فاز چهار شهر جدید پرند در نظر دارد، نسبت به اجرای پروژه احداث بوستان آفتاب واقع در جنوب فاز ۵ شهر جدید پرند تا سقف ۷۰درصد تهاتر از اراضی و مستحدثات در شهر جدید پرند را حسب مشخصات ذیل به پیمانکار واجد شرایط که دارای حداقل رتبه ۵ ابنیه و ظرفیت آزاد براساس بخش‌نامه شماره ۹۹/۴۰۴۲۴۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ وبخش‌نامه ۹۵/۵۷۶۷۵۶ مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ و ۱۴۰۰/۱۹۴۰۹۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ و ۳۷۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ و سال ۱۴۰۵، از سازمان برنامه و بودجه کشور می‌باشد را با شماره سیستمی ۲۰۰۵۰۰۱۰۷۷۰۰۰۰۴۶ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی، واگذار نماید:
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها اعلام به برنده و غیره از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم به ذکر است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه مذکور، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یادشده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.
جمع کل برآورد: ۱۴۳,۶۷۱,۶۲۲,۷۷۵ ریال (براساس فهارس بهای سال ۱۴۰۴)
نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای (با ارزیابی کیفی)
نوع و تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۷,۱۳۰,۵۸۱,۱۳۹ ریال حسب بخش‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه- مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و همچنین اصلاحیه آن به‌شماره ۵۲۱۱/ت ۵۷۵۹۲هـ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ هیأت محترم وزیران که در مشخصات مناقصه قیدگردیده است.
الف) چاپ آگهی نوبت اول درروزنامه ایران و مناقصه-مزایده مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ چاپ آگهی نوبت دوم درروزنامه ایران مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ می باشد.
ب) مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه برای متقاضیان واجدشرایط، روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۶ از سامانه مذکور می باشد.
پ) آخرین مهلت ثبت اسناد مذکور در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ساعت ۱۲:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ می‌باشد.
ت) آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف (تضمین) به‌صورت لاک و مهر شده، تا ساعت ۱۲:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ به دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پرند الزامی می‌باشد. (درصورت عدم ارائه اصل پاکت الف (تضمین)، پاکت ب و ج بازگشایی نمی‌گردد)
ث) تاریخ بازگشایی پیشنهادها ۱۴۰۵/۰۹/۲۳ ساعت ۱۱صبح (اتاق جلسات)
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۱-۵۶۷۹۰۰۵۴ با داخلی ۱۵۳ بابت اسنادو بابت مسائل فنی با آقای مهندس فلاح نژاد با شماره موبایل ۰۹۱۲۰۱۴۷۷۶۱-تماس حاصل نمایند.
توجه مهم:
**مهر و امضای دیجیتال اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) با استفاده از نرم‌افزار مهر و موم الزامی می‌باشد. در ضمن برای فایل ارزیابی کیفی تمام فایلهای PDF از طریق برنامه مهر و موم امضا زده شود و فایل PDF با پسوند SIGN در ارزیابی کیفی بارگذاری گردد.
شرکت عمران شهرجدیدپرند

تجدید آگهی مناقصه عمومی (همراه با ارزیابی کیفی) شماره ۸-۵
نوبت اول
شرکت عمران شهر جدید پرند، به آدرس کیلومتر ۳۰ اتوبان تهران- ساوه، فاز چهار شهر جدید پرند در نظر دارد، نسبت به تکمیل احداث مسجد ولیعصر (عج) واقع در جنوب فاز ۵ شهر جدید پرند تا سقف ۷۰درصد تهاتر از اراضی و مستحدثات در شهر جدید پرند را حسب مشخصات ذیل به پیمانکار واجد شرایط که دارای حداقل رتبه ۵ ابنیه و ظرفیت آزاد براساس بخش‌نامه شماره ۹۹/۴۰۴۲۴۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ وبخش‌نامه ۹۵/۵۷۶۷۵۶ مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ و ۱۴۰۰/۱۹۴۰۹۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ و ۳۷۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ و سال ۱۴۰۵، از سازمان برنامه و بودجه کشور می‌باشد را با شماره سیستمی ۲۰۰۵۰۰۱۰۷۷۰۰۰۰۴۵ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی، واگذار نماید:
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها اعلام به برنده و غیره از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم به ذکر است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه مذکور، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یادشده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.
جمع کل برآورد: ۴۱۷,۴۷۸,۳۶۸,۳۵۶ ریال (براساس فهارس بهای سال ۱۴۰۴)
نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای (با ارزیابی کیفی)
نوع و تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۲۰,۸۷۳,۹۱۸,۴۱۳ ریال حسب بخش‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه- مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و همچنین اصلاحیه آن به‌شماره ۵۲۱۱/ت ۵۷۵۹۲ه- مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ هیأت محترم وزیران که در مشخصات مناقصه قیدگردیده است.
الف) چاپ آگهی نوبت اول درروزنامه ایران و مناقصه-مزایده مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ چاپ آگهی نوبت دوم درروزنامه ایران مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ می باشد.
ب) مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه برای متقاضیان واجدشرایط، روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۶ از سامانه مذکور می باشد.
پ) آخرین مهلت ثبت اسناد مذکور در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ساعت ۱۲:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ می‌باشد.
ت) آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف (تضمین) به‌صورت لاک و مهر شده، تا ساعت ۱۲:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ به دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پرند الزامی می‌باشد. (درصورت عدم ارائه اصل پاکت الف (تضمین)، پاکت ب و ج بازگشایی نمی‌گردد)
ث) تاریخ بازگشایی پیشنهادها ۱۴۰۵/۰۹/۲۳ ساعت ۱۰صبح (اتاق جلسات)
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۱-۵۶۷۹۰۰۵۴ با داخلی ۱۵۳ بابت اسنادو بابت مسائل فنی باآقای مهندس فلاح نژاد باشماره موبایل ۰۹۱۲۰۱۴۷۷۶۱-تماس حاصل نمایند.
توجه مهم:
**مهر و امضای دیجیتال اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) با استفاده از نرم‌افزار مهر و موم الزامی می‌باشد. در ضمن برای فایل ارزیابی کیفی تمام فایلهای PDF از طریق برنامه مهر و موم امضا زده شود و فایل PDF با پسوند SIGN در ارزیابی کیفی بارگذاری گردد.
شرکت عمران شهرجدیدپرند

دعوت به شرکت در مناقصه
تامین تجهیزات شبکه و فیبر نوری پالایشگاه نفت پارس
نفت پارس
نوبت اول
شرکت نفت پارس در نظر دارد تامین تجهیزات شبکه و فیبر نوری پالایشگاه نفت پارس خود را از طریق مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco.ir/fa/tender.html مراجعه نمایند.
مهلت ارسال پاکت پیشنهاد: پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ می‌باشد.
تذکرات مهم:
● واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
● به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا، یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی نماید.
● شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

دعوت به شرکت در مناقصه
تامین انواع چسب (قوطی‌سازی، نوار چسب ۸ سانتی‌متری، حرارتی گرانول) مورد نیاز تولید
نفت پارس
نوبت اول
شرکت نفت پارس در نظر دارد تامین انواع چسب (قوطی‌سازی، نوارچسب ۸ سانتی‌متری حرارتی گرانول) مورد نیاز تولید خود را از طریق مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco.ir/fa/tender.html مراجعه نمایند.
مهلت ارسال پاکت پیشنهاد: پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ می‌باشد.
تذکرات مهم:
● واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
● به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا، یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی نماید.
● شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره: DT2 - ۰۵۰۱۳۱۰۵۳۳۰۹۸
تقاضای شماره: ۰۱-۳۱۰-۵۳۳۰۹۸
خرید ۱۰۰۰ بشکه تعلیق شکن حوزه بی‌بی حکیمه ۲
(مناقصه عمومی مرحله اول) (خرید کالای داخلی- واحد عمومی)
نوبت اول
شرکت ملی نفت ایران - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب (سهامی خاص)
شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر به‌صورت فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تأمین نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

قلم	شرح قلم	مقدار کالا	واحد	شماره فراخوان سامانه ستاد	مبلغ تضمین (ریال)
۱	DEMULSIFIER, DOMESTIC PRODUCT FOR DEWATERING & DESALTING OF/WET CRUDE OIL & BREAKING WATER IN OIL EMULSIONS/DEMULSIFIER, DOMESTIC PRODUCT FOR DEWATERING & DESALTING OF/WET CRUDE OIL & BREAKING WATER IN OIL EMULSIONS/TO PRODUCT DRY CRUDE OIL WITH SALT&WATER CONTENTS LESS THAN:/29G/M3 & 0.05VOL% RESP. LAB. TEST(90%EFFCY. COMAPARED TO THE/REFERENCE DEMULSIFIER)&FIELD TEST ARE NECSSRY FOR CONFIRM. &/ SELEC. OF DEMULSIFIER. MANUFACTURER,TRADE MARK,PRODUCT NO.,/(PRODUCT & EXPIRY) DATE,SP. GRAVITY OF PRODUCT, CAPACITY(LIT)/WEIGHT(KG),ORDER NO., MESC NO. TO BE TAGGED ON BODY OF DRUMS/NOTE: MATERIAL SAFETY DATA SHEET(MSDS)&TECH. DATA SHEET(TDS)/& TECHNICAL REPORT(TR) ARE ESSENTIAL FOR TECH. EVALUATION,/PALLETIZED ON REINFORCED PVC PALLETS/METAL STRAPPED(2 NUMBERS HORIZONTALLY &2 NUMBERS VERTICALLY)/SUPPLIERS MUST GUARANTEE THEIR PRODUCTS FOR AT LEAST 2 YEARS/REF. NISOC/NIOC APPROVED VENDOR LIST./MCAPF: 91/315/311403, RELATED STANDARD COMMITTEE-/AGREEMENT(M-CH-276)(01/05)/FOR AHWAZ ASMARI, CRUDE OIL/FOR AHWAZ BANGESTAN, CRUDE OIL/FOR AHWAZ BANGESTAN 3, CRUDE OIL/FOR AB-TEYMOUR, CRUDE OIL/FOR AZADEGAN, CRUDE OIL/FOR AGHAJARI, CRUDE OIL/FOR BIBI-HAKIMEH 1, CRUDE OIL/FOR BIBI HAKIMEH 2, CRUDE OIL/DEMULSIFIER, IN 200 LITRE DRUMS	۱۰۰۰	DR	۲۰۰۵۰۹۳۲۸۸۰۰۰۰۸۶۰	۵۸,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰

تأمین کالا از تأمین کنندگان و سازندگان موجود در فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی (AVL) وزارت نفت به‌منظور تأمین کالا و تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت الزامی است.
لذا کلیه مناقصه‌گرانی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می‌باشد می‌توانند ظرف مدت ۱۴ روز از چاپ آگهی نوبت دوم با مراجعه به سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir، نسبت به چاپ و تکمیل فرم‌های شماره ۱و۲ شامل تعهدنامه ارائه کالا و خدمات پس از فروش، اقدام نمایند و می‌بایست ظرف مدت ۱۴روز پس از اتمام مهلت اولیه، نسبت به بارگذاری فرم‌های مذکور به‌همراه مدارک و مستندات تکمیلی مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و براساس موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات بیشتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) در سامانه ستاد اقدام نمایند.
● شرط دریافت اسناد مناقصه توسط مناقصه‌گران کسب امتیاز حداقل ۶۰ از ۱۰۰ در ارزیابی کیفی می‌باشد. "دریافت امتیاز مذکور براساس شاخص‌های اعلام شده در جدول ارزیابی کیفی می‌باشد."
● اسناد و مدارک مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه، از طریق سامانه ستاد در دسترس مناقصه‌گران واجد شرایط قرار خواهد گرفت.
● با وصول حداقل دو فقره پیشنهاد معتبر در موعد زمان‌بندی مناقصه گشایش پاکات انجام می‌شود.
● کلیه مدارک ارزیابی کیفی در قالب یک فایل PDF در سامانه ستاد بارگذاری گردد. ضمناً مدارک به‌صورت دسته‌بندی شده و منطبق با شاخص‌های اعلام شده (توان مالی/ ارزیابی و تجارب قبلی/ استانداردها) بارگذاری گردند.
واحد عمومی اداره تدارکات خرید کالای داخلی (۰۶۱-۳۴۱۰۲۴۶۷۳)
واحد عمومی اداره تدارکات خرید کالای داخلی (تلفن ۰۶۱-۳۴۱۰۲۵۱۳۲)
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴، دفتر ثبت‌نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۰۲۱-۸۵۱۹۳۷۶۸
شناسه ۲۳۲۲۹۳۷

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شرکت گاز استان گیلان
شماره ۱۴۰۵/م/۳۶
نوبت دوم
شرکت ملی گاز ایران - شرکت گاز استان گیلان (سهامی خاص)

۰۱- دستگاه مناقصه‌گزار:	شرکت گاز استان گیلان
۰۲- نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: رشت- پارک شهر، خیابان ملت، خیابان شهید سیادتی، شرکت گاز استان گیلان	
۰۳- موضوع مناقصه و مدت پیمان: خرید اتصالات فولادی به پلی اتیلن به تعداد ۷۰۹۵ عدد- مدت پیمان: ۶۰ روز	
۰۴- نوع و مبلغ تضمین:	ضمانت نامه بانکی یا واریز نقدی به‌شماره شبا حساب IR ۶۱۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۹۲۰۶۳۷۸۷۴۶ به شناسه واریز ۹۲۲۱۱۹۲۵۲۲۹۳۶۸۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک مرکزی یا یکی از تضامین معتبر در آیین‌نامه شماره ت ۵۰۶۵۹/۱۲۳۴۰۲ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ به مبلغ ۳/۶۳۴/۳۱۲/۵۰۰ ریال
۰۵- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه:	تا ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
تذکرات مهم: ◆ کالای تأمین شده داخلی باشد. ◆ سازندگان داخلی و تأمین‌کنندگان به شرط ثبت در سامانه ارائه خدمات توسعه صنعت نفت (سامانه ساخت) و تأمین‌کننده با ارائه نامه نمایندگی رسمی از سازنده مورد پذیرش است. ◆ قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد. ◆ * دستورالعمل ارزیابی مالی و تعیین کمترین قیمت متناسب در مناقصات وزارت نفت اجرا می‌شود *	
۰۷- آخرین مهلت بارگذاری پاکات پیشنهادی توسط مناقصه‌گران: تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷	
۰۸- زمان بازگشایی پاکات مناقصه (زمان پس گرفتن پیشنهاد در سامانه ستاد (انصراف از مناقصه)): ساعت ۸ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸	
۰۹- مکان دریافت و تحویل اسناد پیمانکاران: مناقصه در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام می‌پذیرد.	
۱۰- شماره (تلفکس) تماس: ۰۱۳-۳۳۳۶۹۰۸۶- دفتر امور پیمان‌ها	
۱۱- شناسه ملی شرکت گاز استان گیلان: ۱۰۷۲۰۲۳۲۸۶۰	۱۲- کدپستی دفتر مرکزی: ۴۱۴۴۶-۴۳۱۹۹
این آگهی در سایت شرکت گاز استان گیلان http://www.nigc-gl.ir قابل رویت می‌باشد.	

شناسه: ۲۳۲۰۴۹۶
روابط عمومی شرکت گاز استان گیلان

irannewspaper.ir

چهارشنبه • ۲۰ آبان ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۷۲
• اذان ظهر ۱۱/۴۸ • اذان مغرب ۱۷/۲۰ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ • اذان صبح فردا ۰۵/۱۱ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۳۷

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

سخن روز

امام علی(ع):
هر چیز اندکی که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج‌آور باشد.

نهج‌البلاغه

برنامه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی عامل سرزندگی دانشگاه‌ها

نقل قول

نقش برنامه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش سرزندگی دانشگاه‌ها بسیار مؤثر است. این برنامه‌ها به تقویت پیوند میان اعضای جامعه دانشگاهی کمک می‌کنند. در شرایط دشوار اجتماعی، رویدادهای علمی و فرهنگی می‌توانند زمینه‌ساز امیدآفرینی، افق‌گشایی و گفت‌وگو باشند. اهمیت بازخوانی آثار و پژوهش‌های گذشته در حوزه روزنامه‌نگاری و ارتباطات را باید جدی گرفت؛ به‌طوری که بخشی از تاریخ اندیشه ارتباطات در ایران در کتاب‌ها، مقالات و نشست‌های علمی ثبت شده است و احیای این آثار می‌تواند به شناخت بهتر تحولات این حوزه کمک کند.



هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی در نشست هم‌اندیشی شورای سیاست‌گذاری رویداد شصت سالگی دانشکده علوم ارتباطات/ایسنا



نمایشگاه آثار «غلامحسین امیرخانی»

نمایشگاه خوشنویسی «از جان و جوهر» با هدف ارتقای سطح هنری و تخصصی خوشنویسی و فراهم کردن زمینه تعامل و تبادل تجربه میان استادان و هنرمندان در فرهنگسرای فردوس برگزار می‌شود. این نمایشگاه به مدیریت هنری محمود خوشنویس، میزبان آثار ارزشمندی از استادان برجسته خوشنویسی ایران است. آثار ارائه‌شده در رشته‌های مختلف خوشنویسی، از جمله نستعلیق، شکسته‌نستعلیق، ثلث، نسخ و تعلیق، به نمایش درمی‌آیند. /برنا



تجلیل از «چکناواریان» در ایروان

در مراسمی با حضور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در ایروان، از لوریس چکناواریان، آهنگساز و رهبر ارکستر پیشکسوت، تجلیل شد. در این مراسم، پورمحمدی با اهدای نسخه‌ای از شاهنامه به زبان ارمنی، از چکناواریان قدردانی کرد. همچنین لوح تقدیر سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به پاس یک عمر تلاش هنری و نقش مؤثر این هنرمند در اعتلای موسیقی ایران و تقویت مناسبات فرهنگی دو کشور، به وی اهدا شد. /ایسنا



درخشش «جانی دپ» در هالیوود

بازگشت جانی دپ به هالیوود با استقبال مثبت منتقدان همراه شده است. منتقدان فیلم جدید او با عنوان «ابنزر» را اثری سرگرم‌کننده توصیف کرده و بازی این بازیگر را در خلق لایه‌های تازه‌ای از شخصیت اصلی ستوده‌اند. این فیلم که اقتباسی جدید از رمان «سرود کریسمس» (۱۸۴۳) نوشته چارلز دیکنز است، با حضور جانی دپ در نقش اسکروج به‌تازگی اکران شده و نقدهای مثبتی دریافت کرده است. /هنرآنلاین

نما

آخرین باری که صدایش را شنیدی



گروه فرهنگی - نرگس عاشوری: تیتراژ «آخرین مشاهده (Last Seen)» کوتاه است؛ از آن معدود تیتراژهایی که کسی ردش نمی‌کند. موسیقی‌اش، ساخته ایزوبل والرـبریج است همان که برای فلیبگ (Fleabag) و اما (Emma) هم آهنگ ساخته، در چند ثانیه حال‌وهوای سریال را روی میز می‌گذارد؛ آرام و منتظر. سریال هم از همین جا شروع می‌شود: از انتظار یک پدر برای یک تماس. «ایان ریدلی» که روزگاری کارآگاه پلیس بود حالا یازده سال است که دختر کوچکش، مگی را بی‌هیچ ردی گم کرده و به عبارت دقیق‌تر شبانه ناپدید شده است. زندگی او از همان شب شکل دیگری گرفته است. کار میدانی را کنار گذاشته و حالا پشت میز اپراتورهای تماس اضطراری می‌نشیند و هر شب صدای آدم‌های دیگر را در بدترین لحظه‌هایشان می‌شنود و به آنها کمک می‌کند. او هیچ‌وقت هم نپذیرفته که «مگی» شاید دیگر زنده نباشد تا اینکه یک شب، وسط شیفت، دختری نوجوان زنگ می‌زند. صدایش آن‌قدر به «مگی» شبیه است که «ایان» دیگر نمی‌تواند به چیز دیگری فکر کند. «آخرین مشاهده» اقتباسی است از رمان «The Dispatcher» نوشته رایان دیوید جان، با فیلمنامه کریس مرکسا و ماجرایش فقط یک پرونده گم‌شده نیست. پرسش اصلی‌اش این است که پدری برای برگرداندن فرزندش تا کجا می‌رود؛ تا کجا از قانون، اخلاق و رابطه‌هایی که برایش مانده عبور می‌کند. سریال وقتش را صرف همین پرسش می‌کند و به شخصیت‌هایش، از خانواده ایان تا آدم‌هایی که سر راهش سبز می‌شوند، فرصت می‌دهد نفس بکشند. به همین دلیل چیزی که بعد از دیدنش می‌ماند فقط پیچ‌وخم‌های داستان نیست، حال و روز آدم‌هاست. «پاتریک برامال» بازیگر نقش ایان ریدلی است و تقریباً همه منتقدان بازی‌اش را برجسته‌ترین بخش کار دانسته‌اند. «کریستین شوخوف»، فیلمساز آلمانی و نامزد امی «آخرین مشاهده» را کارگردانی کرده است. حقیقت این است که سریال بی‌ایراد نیست. بعضی اتفاق‌ها زیادی تصادفی‌اند و گاهی منطق داستان لنگ می‌زند. کسی که فقط دنبال هیجان جنایی است شاید کامل راضی نشود. اما قدرت «آخرین مشاهده» جای دیگری است، مطالعه عاطفی عمیق شخصیت‌ها و بازی‌های تحسین شده‌ای که آن حفره‌ها را پر می‌کنند. امتیاز منتقدان در راتن تومیتوز ۸۹ درصد و در متاکریتیک ۷۸ از ۱۰۰ است؛ مخاطبان کمی سخت‌گیرترند و ۶۰ درصد امتیاز داده‌اند. سریال شش قسمت است و ۷ اکتبر پخش آن به پایان رسیده و هنوز معلوم نیست فصل دومی در کار باشد. برای شب‌هایی که حوصله یک درام خانوادگی خوش‌ساخت با ریتم تند و بازی درست را دارید، پیشنهاد خوبی است.

صحنه

وقتی تاریخ از آدم‌ها انتقام می‌گیرد

روایتی از استبداد، خشونت و انسان‌هایی که در بازی قدرت، گاه قربانی‌اند و گاه بازیگر



گروه فرهنگی - حامد قریب: تاریخ همیشه با نام شاهان، جنگ‌ها و پیروزی‌ها نوشته نمی‌شود. گاهی باید به کوچه‌پس کوچه‌های شهر رفت؛ جایی که آدم‌های معمولی، بی‌آنکه بدانند، درگیر بازی بزرگی می‌شوند که قواعدش را قدرت تعیین می‌کند و بهایش را انسان‌ها می‌پردازند. «نیرنگ بازها» از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از تهران عصر قاجار، از حوالی مسجد شاه و بازار، در روزگار استبداد صغیر. زمانی که محمدعلی شاه مجلس را به توپ می‌بندد و مشروطه‌خواهان را به‌بند می‌کشد، دسته‌ای از مطرب‌ها و لوطی‌ها نیز ناخواسته وارد گرداب تحولات سیاسی می‌شوند. در میان آنها غلام قرار دارد؛ مردی که برای فرار از تنگنای معیشت، دسته مطرب‌ها را ترک می‌کند و به دستگاه میرغضب شهر می‌پیوندد. انتخابی که او را از حاشیه جامعه به قلب مناسبات قدرت می‌کشاند؛ جایی که رفاقت، منفعت، خشونت و بقا در هم می‌آمیزند.

در سوی دیگر، زینب ایستاده است؛ دختری که به نحوی روایتگر قصه است، اما به تماشای صرف گذشته بسنده نمی‌کند. زینب در این نمایش صدایی معترض در برابر فراموشی و خشونت است که با ایستادگی خود در خاطر مخاطب باقی می‌ماند.

نمایش «نیرنگ بازها» اگرچه در بستر تاریخی ایران و روزگار قاجار شکل می‌گیرد، در شخصیت‌پردازی و جهان اجرایی خود به الگوهای مدرن نمایشی نظر دارد. این نمایش با عبور از مرزهای یک روایت تاریخی، پرسشی امروزی را پیش روی مخاطب می‌گذارد: انسان در برابر مناسبات قدرت تا کجا مسئول انتخاب‌های خویش است؟ آیا شرایط می‌تواند خشونت را توجیه کند؟

متن نمایش «نیرنگ بازها» را ناصر حبیبیان به نگارش درآورده و به همراه احسان ملکی آن را کارگردانی کرده‌اند. این اثر از چهارشنبه ۱۳ آبان، ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر اجرای خود را آغاز کرده و همچنان پذیرای علاقه‌مندان است.

نُت آخر

۷۰۸ اجرای زنده در ۲۶ استان

رونق اجراهای موسیقی پس از جنگ رمضان



گروه فرهنگی: فعالیت‌های صحنه‌ای موسیقی در کشور پس از جنگ رمضان تا پایان مهرماه ۱۴۰۵، با ثبت مجموعاً ۷۰۸ اجرای زنده در ۲۶ استان، از تداوم پویایی فضای موسیقی و بازگشت شور اجتماعی در استان‌های مختلف حکایت دارد؛ روندی که زمینه حضور هنرمندان و میزبانی از علاقه‌مندان موسیقی در سالن‌های مختلف کشور را فراهم کرده است.

بررسی پراکندگی جغرافیایی اجراهای برنامه‌ریزی‌شده نشان می‌دهد استان تهران با ۲۰۹ اجرا، بیشترین سهم را در فعالیت‌های صحنه‌ای داشته است. با این حال، ۴۹۹ اجرا، معادل بیش از ۷۰ درصد مجموع اجراها، به سایر استان‌ها اختصاص یافته است. در این میان، فارس با ۶۶ اجرا، مازندران با ۵۹، اصفهان با ۵۰، البرز با ۳۸ و آذربایجان شرقی با ۳۶ اجرا، بیشترین میزبانی از اجراهای موسیقی را بر عهده داشته‌اند. همچنین استان‌های گیلان، یزد، اردبیل، همدان و خوزستان از دیگر استان‌های فعال در این دوره بوده‌اند.

از نظر ترکیب گونه‌های موسیقایی، موسیقی پاپ با ۳۹۱ اجرا، معادل حدود ۵۵/۲ درصد از کل اجراهای ثبت‌شده، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. در کنار موسیقی پاپ، سایر گونه‌های موسیقی نیز سهم قابل توجهی از اجراها داشته‌اند؛ به‌طوری که در حوزه موسیقی دستگاهی و ایرانی ۱۱۲ اجرا، در بخش موسیقی نواحی و مقامی اقوام ۴۶ اجرا و در گونه‌های کلاسیک و ارکسترال ۷۷ اجرا به ثبت رسیده است. همچنین موسیقی تلفیقی و سایر گونه‌ها، از جمله موسیقی کودک و تجربی، با ۸۲ اجرا در برنامه‌های صحنه‌ای این دوره حضور داشته‌اند.

براساس آمار ثبت‌شده، تهران با ۲۰۹ اجرا در صدر استان‌های کشور قرار دارد و استان‌های چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی، هریک با یک اجرا، کمترین تعداد اجراهای موسیقی را به خود اختصاص داده‌اند.

ایران ورزشی
سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۱۸۷۷

نوبت اول
شهرداری شمشک دربندسر
آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
(شماره ثبت سامانه ۲۰۰۵۱۰۰۳۰۱۰۰۰۰۱۹)

شهرداری شمشک دربندسر در نظر دارد به استناد ردیف ۵۰۱۰۲۰۱ بودجه مصوب سال ۱۴۰۵، پروژه عملیات خرید و نصب تجهیزات مرکز داده به مبلغ برآورد پروژه ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (به حروف: یکصد میلیارد ریال) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط و دارای گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری مرتبط واگذار نماید. لذا بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌های دارای سوابق و شرایط دعوت می‌گردد برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ ساعت ۱۳ می‌باشد.
۲- مهلت زمان ارائه پیشنهاد: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۹ ساعت ۱۳ می‌باشد.
۳- تاریخ بازگشایی اسناد: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ ساعت ۸ صبح می‌باشد.
۴- متقاضیان برای شرکت در مناقصه می‌بایست نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) به آدرس اینترنتی سامانه ستاد مراجعه نمایند.
۵- برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس فوق‌الذکر می‌باشد.
۶- متقاضیان قبل از ارائه پیشنهاد قیمت حتماً و با دقت برگ شرایط شرکت در مناقصه را مطالعه نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار (واحد امور قراردادها) جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف:
نشانی: تهران - شمیرانات - رودبار قصران - شهر شمشک دربندسر- جاده دیزین - شهرداری شمشک دربندسر (تلفن تماس: ۲۶۵۲۶۹۴۹ - ۲۴۸۷۳۰۰۰)
نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
شهرداری شمشک دربندسر

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص
فرآورده‌های قیری هرمز پاسارگاد
به شناسه ملی ۱۰۸۰۰۱۱۳۷۲۶ و به‌شماره ثبت ۵۵۶۶۸۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت صنایع چوب خزر کاسپین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۶۶۱۷۶ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۲۲ شرکت توسعه صنایع قیر سروش پاسارگاد به شناسه ملی ۱۰۵۰۰۰۷۱۰۴۰ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۲۲ شرکت گروه صنعت سلولزی تأمین گستر نوین به شناسه ملی ۱۰۸۰۰۰۲۱۳۰۴ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۲۲ انتخاب گردیدند مؤسسه حسابرسی بهراد مشار به شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده کاران حسابداری رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به سمت بازرس علی‌البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشرآگهی‌های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.
شناسه ۲۳۲۴۵۸۵
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی
چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴/۵ ورقی/برش و تاکنی روزنامه
۸۴۷۱۱۵۰۵-۷
آدرس دفتر:
تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
آدرس چاپخانه:
چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
تهیه و اجرای دیوارچینی یک باب سوله شرکت جهان فولاد سیرجان
مناقصه شماره ۸۲-۰۵-خ-م
شرکت جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به تهیه و اجرای دیوارچینی یک باب سوله از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید؛ لذا از تمامی شرکت‌های معتبر که دارای گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته ابنیه و ساختمان، توانایی مناسب، سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت به‌عمل می‌آید اسناد مناقصه را از طریق مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SJSCO.IR یا کانال مناقصات در پیام رسان روبیکا به آدرس @tenders_sjscosteel و یا با ارسال درخواست به‌شماره ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ در پیام رسان روبیکا دریافت نمایند.
• شرایط:
۱- آخرین فرصت تحویل پاکات: حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۴.
۲- تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (هفت میلیارد) ریال مطابق اسناد مناقصه.
۳- محل انجام کار: کارخانه شرکت جهان فولاد سیرجان واقع در استان کرمان، شهرستان سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده سیرجان - شیراز، کیلومتر ۲ جاده اختصاصی گل گهر.
۴- مدت زمان انجام کار: ۶۰ (شصت) روز تقویمی از تاریخ ابلاغ قبولی پیشنهاد قیمت.
۵- محل تحویل پاکات: دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در شهرسیرجان یا دبیرخانه مرکزی شرکت واقع در شهر تهران. (مطابق اسناد مناقصه)
۶- شرکت جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد و همچنین به پیشنهادهای مشروط و مبهم که با اسناد مناقصه مغایرت داشته باشد و یا بعد از مهلت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷- ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند.
۸- شرکت‌ها می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از شنبه تا چهارشنبه (روزهای کاری) در ساعات اداری با شماره ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ یا ۰۳۴-۳۱۲۵۷۶۰۰ داخلی‌های ۶۱۴۳ و ۶۱۴۷ و یا آدرس ایمیل TENDER@SJSCO.IR ارتباط برقرار نمایند.
دبیرخانه کمیسیون معاملات ـ شرکت جهان فولاد سیرجان

شماره فراخوان: ۱۴-۰۵-خ-ف
آگهی فراخوان عمومی شناسایی پیمانکار
«طراحی، خرید و نصب قفسه انبار»
شرکت جهان فولاد سیرجان در نظر دارد طراحی، خرید و نصب قفسه انبار به‌صورت "EP" و "C" را به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از شرکت‌های دارای سابقه حداقل یک کار مشابه در پنج سال اخیر دعوت به‌عمل می‌آید حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۴، نامه اعلام آمادگی خود را براساس دستورالعمل ارزیابی کیفی به آدرس ایمیل tender@sjsco.ir یا شماره ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ در پیام رسان روبیکا ارسال نمایند.
• شرایط
۱- شرکت‌ها می‌بایست جهت دریافت دستورالعمل ارزیابی کیفی به آدرس اینترنتی www.sjsco.ir یا کانال مناقصات در پیام رسان روبیکا به آدرس @tenders_sjscosteel مراجعه و یا با ارسال درخواست به‌شماره ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ در پیام رسان روبیکا دریافت نمایند.
۲- درخواست رسمی با ذکر شماره و موضوع فراخوان (اعلام آدرس ایمیل، شماره تلفن ثابت و همراه الزامی است.)
۳- اساسنامه و مدارک ثبتی، رزومه سوابق، مدارک و مستندات توان مالی، گواهی نامه اعلام رضایت کارفرمایان و سایر مدارک و مستندات مطابق دستورالعمل ارزیابی کیفی.
۴- درصورت عدم ارائه مستندات مربوط به موارد مذکور؛ شرکت متقاضی مردود و از روند اجرای کار کنار گذاشته خواهد شد و حق هیچ‌گونه اعتراضی را نخواهد داشت.
سایر موارد:
۱- ارائه اسناد و اعلام آمادگی مطابق شرح بالا هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و شرکت جهان فولاد در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
۲- شرکت جهان فولاد سیرجان پس از ارزیابی مستندات ارسالی، شرکت‌هایی که در این مرحله واجد صلاحیت مقدماتی باشند را به مناقصه دعوت خواهد کرد.
۳- شرکت‌ها می‌توانند در مورد ابهامات و سؤالات مربوطه، از شنبه تا چهارشنبه (روزهای کاری) در ساعات اداری با شماره ۰۹۹۱۲۹۳۸۳۱۷ یا ۰۳۴-۳۱۲۵۷۶۰۰ داخلی‌های ۶۱۴۳ و ۶۱۴۷ و یا آدرس ایمیل TENDER@SJSCO.IR ارتباط برقرار نمایند.
واحد دبیرخانه کمیسیون معاملات (شرکت جهان فولاد سیرجان)

نوبت اول
شهرداری شمشک دربندسر
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
شهرداری شمشک دربندسر در نظر دارد به استناد بودجه مصوب سال ۱۴۰۵ پروژه‌های ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجدشرایط و دارای گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری مرتبط واگذار نماید.

ردیف	شرح پروژه	کد طبقه‌بندی	ثبت سامانه ستاد	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	خرید و حمل نمک برف‌روبی	۱۲۱۴۰۳/۱۲۱۱۰۵	۲۰۰۵۱۰۰۳۰۱۰۰۰۰۱۸	۵۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۷۸۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	عملیات احداث ساختمان آتش‌نشانی (فاز۴)	۳۰۲۰۱۰۱	۲۰۰۵۱۰۰۳۰۱۰۰۰۰۱۵	۶۸۳/۳۲۰/۷۶۹/۵۵۷	۳۴/۱۶۶/۰۳۸/۴۷۷

لذا بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌های دارای سوابق و شرایط دعوت می‌گردد برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ الی ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ می‌باشد.
۲- متقاضیان برای شرکت در مناقصه می‌بایست نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) به آدرس اینترنتی سامانه ستاد مراجعه نمایند.
۳- برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس فوق‌الذکر می‌باشد.
۴- متقاضیان قبل از ارائه پیشنهاد قیمت حتماً و با دقت برگ شرایط شرکت در مناقصه را مطالعه نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار (واحد امور قراردادها) جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: نشانی: تهران - شمیرانات - رودبار قصران - شهر شمشک دربندسر - جاده دیزین - شهرداری شمشک دربندسر (تلفن تماس: ۲۶۵۲۶۹۴۹ - ۲۴۸۷۳۰۰۰)
نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
شهرداری شمشک دربندسر

بازخوانی پرونده جنایی

مستندسازی که قربانی جنایت خانوادگی شد



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ بامداد ۲۶اردیبهشت سال ۱۴۰۰، مأموران شهرداری در حال تخلیه سطل‌های زباله منطقه‌ای در غرب تهران بودند که با کیسه زباله مشکوکی روبه‌رو شدند. وقتی کیسه را بررسی کردند با قسمت‌هایی از بدن یک انسان مواجه شدند و موضوع به پلیس اعلام شد. با شروع تحقیقات پلیسی قضایی به دستور بازپرس جنایی تلاش برای شناسایی هویت مقتول آغاز شد.

افسر پرونده درباره این ماجرا به «ایران» می‌گوید:«با انگشت‌نگاری جسد متوجه شدیم وی سابقه‌دار نبوده است. بعد از آن از طریق سامانه ثبت احوال و اثر انگشت تک انگشتی کارت ملی، هویت مقتول به نام بابک خرمدین به دست آمد. از طریق همان سامانه آدرس محل زندگی‌اش نیز شناسایی شد. وی مردی ۴۷ ساله و کارگردان مستندساز بود که به همراه پدر و مادرش در یکی از شهرک‌های معروف تهران زندگی می‌کرد. با اطلاع از این موضوع، تیم تحقیق راهی خانه مقتول شدند تا از خانواده او تحقیق کنند. اما هر چه زنگ خانه را به صدا درآوردند کسی پاسخگو نبود، به نظر می‌رسید آنها خانه نیستند.»

تصاویر انتقال جسد

افسر پرونده ادامه می‌دهد:«همان‌طور که در محل بودیم از همسایه‌ها تحقیق کردیم و آنها تأیید کردند که آنها خانواده‌ای محترم هستند و سال‌هاست در آنجا سکونت دارند. برای تحقیقات بیشتر شروع به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته ساختمان کردیم و مشخص شد چند ساعت قبل از پیدا شدن جسد، پدر خانواده که مردی سالخورده بود چندین‌بار همراه همسرش کیف و چمدانی را از خانه خارج کرده و با آسانسور پایین برده و برگشته است. با دیدن این تصاویر موضوع جنایت خانوادگی پررنگ شد. ساعت حدود دو بعدازظهر همان روز در حال تحقیق بودیم که متوجه شدیم مادر خانواده به خانه بازگشته است. زنی سالخورده و بیمار که به سختی راه می‌رفت. زمانی که قصد ورود به خانه را داشت، با او وارد خانه شدیم و صحنه عجیبی را مشاهده کردیم. پدر ۸۱ ساله بابک در حال شست‌وشوی حمام خانه بود. داخل حمام، چاقو را هم پیدا کردیم و وقتی در رابطه با پسرش بابک از او سؤال کردیم گفت: «دو شب قبل از خانه خارج شده و دیگر برنگشته است.»

ماجرا حساس‌تر از آن بود که تیم تحقیق زمان را از دست بدهد. ممکن بود جنایت در حمام رخ داده باشد و پیرمرد در حال شستن حمام و از بین بردن سرنخ‌ها بود. بلافاصله به دستور بازپرس جنایی، اکیپی از مأموران تشخیص هویت راهی محل شدند و آثار خون در حمام کشف شد؛ آثاری که مهر تأیید بر دست داشتن پدر و مادر در قتل بابک می‌زد و بدین ترتیب زوج سالخورده بازداشت شدند.

انگیزه قتل

موضوع واقعاً عجیب بود. چرا و چگونه مردی با آن سن و سال توانسته بود پسر جوان خود را بکشد. تحقیقات نشان می‌داد اکبر خرمدین بازنشسته ارتش زمان شاه و فوق‌العاده به قوانین و قواعد خودش معتقد بود. او به حدی علاقه‌مند به تاریخ بود که حتی فامیلی‌اش را تغییر داده و به خرمدین تبدیل کرده و اسم بچه‌هایش را نیز بر اساس اسامی اسطوره‌های قدیمی نامگذاری کرده بود. او فردی بود که تاب نمی‌آورد کسی با خواسته‌هایش مخالفت کند، حتی اگر فرزندانش باشند.

با همسرم بدرفتاری می‌کرد

پدر بابک در اولین روزی که بازداشت شد، در حضور خبرنگاران به قتل بابک اعتراف کرد و گفت:«از کارهایش خسته شده بودم. من و مادرش را خیلی اذیت می‌کرد. افکارش با ما مطابقت نداشت. حرف‌هایی می‌زد که اصلاً با اصول من یکی نبود. با یک خانمی در خارج از کشور کار می‌کرد و آن خانم قرار بود به حساب پسرم سه میلیارد تومان واریز کند تا با این پول‌ها برای شرکتشان تجهیزات بخرد. اما بابک می‌گفت می‌خواهد با این پول‌ها خانه بخرد و من می‌گفتم این کار درست نیست اما او هیچ توجهی به اعتراض‌های من نمی‌کرد. او قبلاً وابستگی زیادی به ما داشت اما ۵ سالی می‌شد که عقایدش تغییر کرده بود.

من پیر و بیمار هستم، از یک ماه قبل حدود ۱۵ کیلو وزن کم کردم. دکتر گفته به خاطر استرس است و اگر این استرس را از خودت دور نکنی نهایت تا یک سال دیگر زنده هستی. نمی‌توانستم استرس‌هایی را که بابک به من می‌داد، تحمل کنم. من با پول مسافرکشی و با هزار بدبختی بابک را فرستادم درس خواند و مدرک فوق‌لیسانسش را گرفت و استاد دانشگاه شد. او دوستانش را به خانه دعوت و همسرم را مجبور می‌کرد با این سن و سال و حالش از آنها پذیرایی کند. خلاصه که از دستش خسته شده بودیم. گفتم حاضرم خانه را بفروشم و سهم هر کس را بدهم یا اینکه خانه را به نام مادرت بزنم و از شماها جدا شوم و تنهایی زندگی کنم، اما قبول نکرد.

قرص‌های خواب‌آور در غذا

متهم گفت:«روز قبل از حادثه به خانه آمدم و با همسرم تصمیم گرفتیم او را به قتل برسانیم. آن روز غذا آبگوشت مرغ داشتیم و همسرم سهم پسرم را داخل کاسه ریخت و داخل همان کاسه هم مقدار زیادی قرص خواب‌هایی که خودش استفاده می‌کرد، ریخت. اما آن روز بابک آبگوشت را نخورد و گفت بیرون غذا خورده‌ام و بعداً می‌خورم. فردا ظهر بعد از کلاس آنلاین، من مشغول نوشتن کتاب داخل اتاق بودم که بابک برای خوردن غذا به آشپزخانه آمد. مقدار کمی از آن غذا خورد و روی صندلی نشست. با خوردن غذا نیمه‌هوش شد، وقتی می‌خواستم او را بکشم به هوش آمد و با من درگیر شد اما بی‌حال بود، روی زمین افتاد و من هم دست و پایش را بستم و با چاقو او را زدم.»

افشای راز دو جنایت دیگر

افسر پرونده گفت:«زمانی که راز این جنایت فاش شد، متوجه شدیم این خانواده یک دختر دیگر هم داشته‌اند که به شکل مرموزی از ۵ سال قبل ناپدید شده است. گرچه اکبر ادعا کرده بود دخترش به خارج از کشور رفته است اما استعلامات صورت گرفته از اداره گذرنامه چنین موضوعی را تأیید نکرد. به خاطر دارم ۴۸ ساعت بعد از کشف جسد بابک، متهم به قتل دخترش هم اعتراف کرد. در همین حین خانواده داماد این خانواده یعنی همسر همان دختر به قتل رسیده هم با مراجعه به پلیس اظهار کردند پسرشان چند سالی است گم شده و آخرین‌بار نیز به خانه اکبر رفته بوده که دیگر برنگشته است. در نهایت اکبر و همسرش به قتل دامادشان هم اعتراف کردند.»

اکبر در رابطه با قتل‌ها گفت:«دخترم بعد از طلاق از همسر اولش مدتی که گذشت با پسر خواهرم ازدواج کرد و ۶ ماهی که از زندگی آنها گذشت، برایمان گفت که شوهرش رفتارهای نامعقول دارد. او اعتیاد داشت و با خودروی پرایدش افرادی را که به صورت قاچاقی وارد ایران شده بودند جابه‌جا می‌کرد. ما هم تصمیم به قتل گرفتیم. همسرم داخل غذایش حدود ۸۰ قرص خواب‌آور ریخت که فوت کرد و با کمک همسرم جسد او را بیرون بردیم، بعد هم خودروی پراید او را در اطراف مهرآباد رها کردیم. به خانواده خواهرم هم گفتیم پسرش با چند نفر قاچاقی تهران را ترک کرده است، آنها هم باور کردند. به صورت غیابی طلاق دخترم را گرفتیم و جهیزیه‌اش را که آن موقع ۷۰ میلیون تومان خریده بودم به یک راننده که می‌خواست دخترش را شوهر دهد ۵۰۰ هزار تومان فروختم. اما بعد از قتل دامادم بدبختی و مصیبت ما شروع شد. دخترم در کار خلاف افتاده بود و مواد مخدر مصرف می‌کرد. او خیلی ما را آزار می‌داد به همین خاطر تصمیم به قتلش گرفتیم. سال ۹۷ یک روز صبح کله‌پاچه خریدم، چون آرزو خیلی کله‌پاچه دوست داشت، بازهم مثل قبل همسرم قرص‌هایش را داخلش ریخت و بعد از بی‌هوش شدن با کمک همسرم جسد را داخل حمام بردیم.»

نقشه قتل ناکام

متهم اعتراف کرد چون از رفتار دختر دیگرش با نوه‌هایش راضی نبوده، قصد داشته او را هم بکشد که دیگر نتواسته چون دستگیر شده است.

از اکبر پرسیدم بعد از قتل‌ها عذاب وجدان نداشتی و کابوس نمی‌دیدی؟ که او در اوج خونسردی به من پاسخ داد:«برای هیچ‌کدام از آنها عذاب وجدان نداشتم و هیچ وقت کابوس نمی‌دیدم چون احساس گناه نمی‌کردم. برای اینکه کسانی را به قتل رسانده بودم که معضل جامعه بودند و فساد اخلاقی داشتند.»

مرگ در زندان

در حالی که تحقیقات در این پرونده ادامه داشت و هنوز کیفرخواست صادر نشده بود، خانواده داماد به دادسرا رفته و از قصاص دایی‌شان گذشت کردند. خواهر فرامرز گفت:«چند سال قبل پدرم که به دنبال کارهای برادرم بود، فوت کرد و مادرم تنها ولی دم است و حال خوبی ندارد. دختر اکبر هم به ما پیام داد که اکبر در زندان حالش خوب نیست و سرطان پیشرفته دارد و در زندان هم مبتلا به کرونا شده است. حال بد دایی‌مان باعث شد گذشت کنیم اما هرگز دلمان نمی‌خواهد آزاد شود.» با بخشش اولیای دم، اکبر از قصاص نجات پیدا کرد، از طرفی باید منتظر می‌ماند تا از جنبه عمومی جرم محاکمه شود، در حالی که به خاطر کهولت سن و بیماری‌های ناشی از پیری حال او وخیم شده بود. سرانجام ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه یکشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۰ و چند ماه بعد از برملایی سه قتلی که طی ۱۵ سال مرتکب شده بود، در زندان رجایی‌شهر بر اثر کهولت سن، ابتلا به بیماری صعب‌العلاج و ایست قلبی فوت کرد.

نکته

وقتی اعتماد بی‌جا امنیت قانونی را متزلزل می‌کند

علی جوان بخت لاله
وکیل دادگستری

گروه حوادث: در سال‌های اخیر، هر روز با پرونده‌هایی در دادگاه‌ها مواجه می‌شویم که باید ریشه آنها را در یک «اعتماد ساده انگارانه» جست‌وجو کرد. بسیاری از شهروندان، به دلایل مختلف به جای طی کردن مسیر رسمی ثبت، به یک «مبایعه‌نامه عادی» یا یک «قول زبانی» بسنده می‌کنند. آنها فکر می‌کنند چون طرف معامله دوست، فامیل یا همسایه است، نیازی به سند قانونی و رسمی نیست. اما حقیقت این است که در دنیای امروز، «اعتماد» بدون «سند رسمی»، خطرناک‌ترین راه برای سرمایه‌گذاری است.

سند عادی، هرچند در دادگاه قابل استناد است، اما «امنیت مالکیت» را ایجاد نمی‌کند. وقتی ملکی سند رسمی ندارد، خطر «فروش مکرر به چندین نفر»، «ادعای مالکیت توسط ورثه» یا «توقیف ملک به دلیل بدهی‌های مالک قبلی» همیشه بالای سر خریدار است. نتیجه این وضعیت، نه تنها ضررهای مالی هنگفت، بلکه ایجاد تنش‌های اجتماعی و پر کردن ظرفیت دادگاه‌ها با پرونده‌های تکراری است که سال‌هاست می‌توانست با یک اقدام ساده اداری، پیشگیری شود.

بسیاری از مردم فقط زمانی به دنبال وکیل می‌روند که «اتفاق ناگوار رخ داده است.» در حالی که فلسفه حقوق، «پیشگیری» است، نه فقط «درمان».

راه حل این معضل، در دو محور اصلی نهفته است: اول، «تحول در سیستم ثبت»؛ به گونه‌ای که هزینه‌ها کاهش یابد و فرآیند ثبت برای اقشار کم‌درآمد تسهیل شود تا هیچ‌کس مجبور نشود امنیت قانونی خود را فدای هزینه‌ها کند. دوم، «آگاهی‌بخشی گسترده»؛ مردم باید بدانند که مبایعه‌نامه، فقط «وعده مالکیت» است، نه خودِ «مالکیت».

امنیت اجتماعی از امنیت مالکیت شروع می‌شود. تا زمانی که هر شهروند با اطمینان نداند آنچه خریده است، به شکل قانونی متعلق به اوست، آرامش در جامعه برقرار نخواهد شد و بهترین راه، «رسمی کردن تعهدات» است. بی تردید قانون برای محدود کردن ما نیست، بلکه برای محافظت از ما در برابر حوادث ناگوار است.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۷۲**

جدول عادی

افقی

۱ - خداحافظی کودکانه - مریض‌خانه سیار
۲ - الهه زیبایی - سریالی در حال پخش از شبکه نمایش خانگی
در ژانر درام جنایی به کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده - ساعت ورزشی
۳ - ملاحظه حال - لقب بانوان - پادشاهان
۴ - دیدنی از رژه - صدای اردک - کف‌پوش پرزدار - رود مرزی
۵ - مخفف هستم - دام‌کشی - لقب شیطان
۶ - براق و صاف - سرپیچی - غذای نذری
۷ - مردان سیاسی - بی‌نظم - همسر زن
۸ - نام پسرانه - تیز - باهوش و زرنگ
۹ - ممنوعیت ورود - پشتکار، اصرار - ماده آلی آزت‌دار بدن
۱۰ - میوه نیکو - نشان صفت عالی - غوغا، آشوب
۱۱ - قفل چوبی درهای قدیم - نمایشگاه هنری - عضو دونده
۱۲ - پاداش کار - برادر مادر- حرف دهن‌کجی - از بلایای طبیعی
۱۳ - دوچندان - به‌وجودآورنده - نقیض «اخروی»
۱۴ - گردهمایی برای گفت‌وگو و رایزنی - رختشوی - دسته، گروه
۱۵ - از نوشت‌افزارها - شیره چیزی را گرفتن

عمودی

۱ - بهابازار
۲ - پاداش پیشخدمت - خوراک روزانه - پرنده کوچک یا حشره
۳ - پول «چین» - ششمین امام معصوم - شهر زیارتی عراق
۴ - بسیاری - چک - پشته خاک - گودال
۵ - گفتار یا کردار فریبکارانه - پادشاه ستمگر کلده - صحنه نمایش
۶ - عدد گلر - ظرف چهار و نیم لیتری - قطعه‌ای در خودرو
۷ - کلامی برای شگفتی - گذرگاه شهری - مرتاض هندی
۸ - خط باستانی - خراسان قدیم - میوه گوشواره‌ای
۹ - جزیره‌ای در اروندرود - قطار برقی شهری - سد جنوبی
۱۰ - بزرگواری - با «یللی» آید - حرف معرفه
۱۱ - پوستین - آزمودن - سیاهرگ
۱۲ - عصای حروف! - هالوژن نمک طعام - برنجی که هنوز پوستش کنده نشده - به نقطه برخورد دو دیوار زاویه‌دار گفته می‌شود
۱۳ - عروس زاگرس - راه و طرز - سیر کننده
۱۴ - مرطوب - دیوار خراب - اتصال و پیوستگی
۱۵ - اغفال کردن و گول زدن

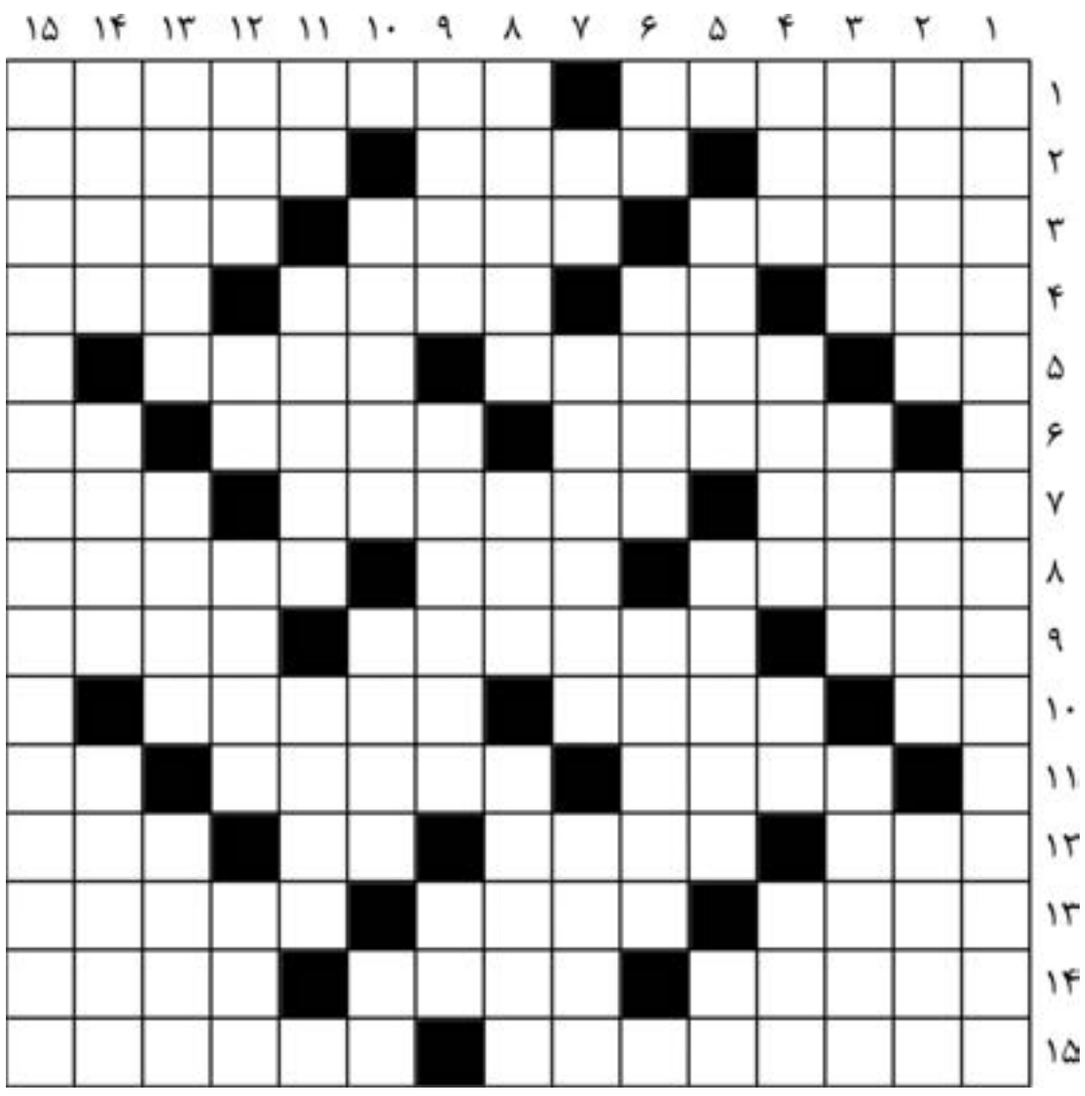
جدول ویژه

افقی

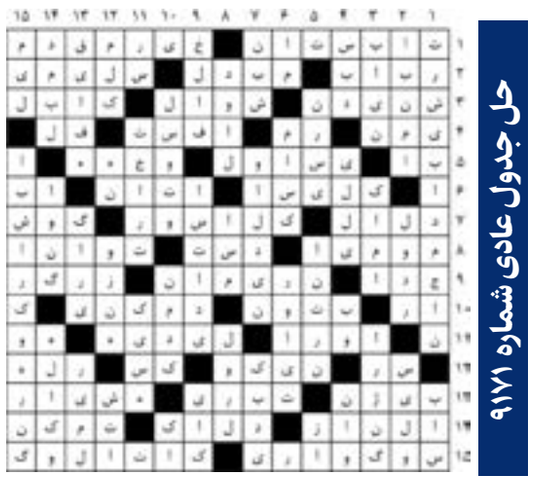
۱ - سریالی با حضور رویا افشار (۱۴۰۵) - گرگان قدیم
۲ - قدرت - گزند و آزار - استهزا
۳ - منتژیت - میکسر - سوگ
۴ - دخترک کارتونی - تاقچه قدیمی - غلاف شمشیر - سندروم تنفسی خاورمیانه
۵ - میان چیزی - همیشگی - کشور باسوادها
۶ - ظرف پخت غذا - نزدیکی جستن - مساوی عامیانه
۷ - فتنه و فساد - اختلال دوقطبی - برق مثبت
۸ - راهنمایی - یک قسمت از شبانه‌روز - نوعی عدسی
۹ - هلاکت - نام قدیم آمل - شخصیت کارتونی
۱۰ - نقش هنری - مقام ارشد اداره - پوشاک پاها
۱۱ - نوعی فست‌فود - حسابگری منفعت جویانه - اسم مردانه هلندی
۱۲ - سنگی شبیه عقیق - از ماه‌های رومی - رب‌النوع مصریان - دانه
۱۳ - سنت و خُلق‌وخو - فرومایه - محل برگزاری جشن عروسی
۱۴ - جمع‌آوری و تنظیم مطالب - معادل «دیتا» - ورزش ژاپنی
۱۵ - دخترخانم فرنگی - پنجمین شهر پرجمعیت «استرالیا»

عمودی

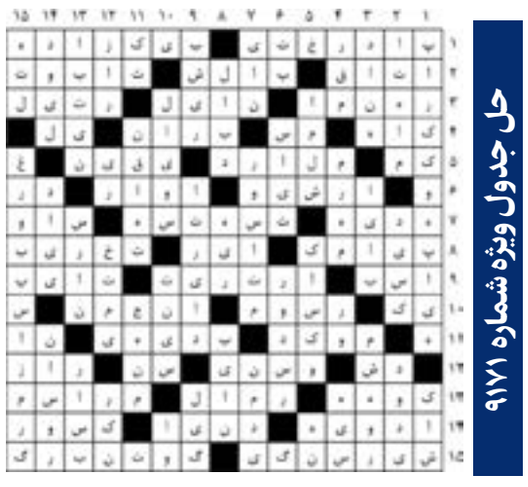
۱ - فیلم رضا عطاران
۲ - خبرگزاری کشورمان - میوه تابستانی - عاشق، شیفته
۳ - ضد «غلط» - انحطاط و انحلال - پادشاه ظالم عصر ابراهیم نبی (ع)
۴ - شایسته - دو برابر - حرف مفعولی - گروه ورزشی
۵ - مقصود - جنگل درختان سوزنی برگ - بی‌سابقه
۶ - بوی ماندگی - اصطلاحی در چاپ - پارچه‌ای که روی بالش و لحاف کشند
۷ - یک و دو - سریال حمید تمجیدی - سندروم نقص ایمنی اکتسابی
۸ - مصونیت - مرجان - نمایش دنباله‌دار
۹ - از مخلفات سفره - برس سنتی ژاپنی - بالا رفتن آب دریا
۱۰ - زخم چرکینی که آب به آن نفوذ کرده باشد - مخلوطی از سبزی‌های محلی - تصدیق عامی
۱۱ - برهنه - آقای فرنگی - پهنا، دامنه
۱۲ - گروه‌های مردم - پهلوان - ابزار - زمان مرگ
۱۳ - فرکانس - زخمی و خسته - غذای نذری شیرین
۱۴ - ستاره سیار - مرکز کشور «نائورو» - دهکده
۱۵ - سریال حسن فتحی



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۱



حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۱



خبر خودرو

سخنگوی صمت: واردات خودرو ممنوع نیست



عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: «واردات خودرو صرفاً از طریق ایرانیان مقیم خارج از کشور ممنوع است.» عزت‌الله زارعی اعلام کرد: «واردات خودرو ممنوع نشده، بلکه صرفاً واردات از طریق ایرانیان مقیم خارج از کشور ممنوع شده است و سایر گروه‌های واردکننده، می‌توانند ثبت سفارش کنند. همچنین حدود ۲۵ هزار دستگاه از ابتدای سال جاری وارد کشور شده است و با تأمین ارز از محل سپرده خود و دیگران، واردات خودرو ادامه خواهد یافت.» به گزارش خبرگزاری تسنیم، او ادامه داد: «بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه کشور برای جبران کسری منابع دولت، موضوع افزایش تعرفه واردات خودرو را مطرح کردند، اما واردات ممنوع نشده است.»
سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: «در فرآیند تصویب تعرفه‌های جدید واردات خودرو، وزارت صمت حضور نداشت اما اعتقاد وزارت صمت این است که واردات خودرو باید نقش تنظیم‌گری بازار را داشته باشد و نه نقش جبران کسری منابع دولت، این مصوبه در جلسه سران قوا بوده، اما هنوز به طور رسمی از سوی مرجع صادر کننده ابلاغ نشده است.» او گفت: «وزارت صنعت، معدن و تجارت مخالف افزایش تعرفه واردات خودرو بود و اعلام کردیم که این اقدام چه آثاری بر بازار دارد.»
سخنگوی وزارت صمت گفت: «در مصوبه اخیر سران قوا، عرضه ثبت سفارش واردات خودرو، از طریق بورس کالا عنوان شده است و دولت مکلف شده که سهمیه واردات را از طریق بازار رقابت عرضه کند، برای این موضوع فعلاً سازوکاری مشخص نشده است و این اقدام می‌تواند تبدیل به انحصار در واردات خودرو شود. عرضه سهمیه واردات خودرو در بورس کالا باعث افزایش قیمت خودرو می‌شود و یک بازار انحصاری برای واردات ایجاد می‌کند، وزارت صمت مخالفت خود را در این باره نیز اعلام کرده است و منتظر تصمیم نهایی هستیم.»

ماشین وارداتی

کیا K3
سدان کره‌ای با پیشرانه تنفس طبیعی



در میان خودروهای وارداتی که طی ماه‌های اخیر به بازار ایران راه پیدا کرده‌اند، سهم مدل‌های چینی و خودروهای مجهز به پیشرانه‌های توربوشارژ قابل‌توجه است. در چنین شرایطی، عرضه کیا K3 با موتور تنفس طبیعی و جعبه‌دنده IVT، ترکیب فنی متفاوتی را پیش روی خریداران قرار می‌دهد. البته این تفاوت به‌تنهایی به معنای برتری خودرو نیست و ارزیابی آن به عواملی مانند قیمت، سطح تجهیزات و هزینه‌های نگهداری بستگی دارد. کیا K3 از یک پیشرانه چهارسیلندر بنزینی با حجم دقیق ۱۴۹۷ سی‌سی استفاده می‌کند. این موتور تنفس طبیعی توان تولید ۱۱۵ اسب‌بخار قدرت و ۱۴۳.۹ نیوتن‌متر گشتاور را دارد. ارقام اعلام‌شده نشان می‌دهد که با پیشرانه‌ای متناسب با کاربری روزمره روبه‌رو هستیم؛ موتوری که تمرکز آن بیشتر بر تأمین نیازهای معمول رانندگی است تا ارائه شتاب و عملکرد بالا. در نتیجه، نباید از K3 انتظار رفتار یک سدان اسپرت یا خودرویی با توان حرکتی قابل‌توجه داشت. یکی از نکات فنی این خودرو، استفاده از جعبه‌دنده IVT است. این سامانه که در خانواده جعبه‌دنده‌های متغیر پیوسته قرار می‌گیرد، توسط گروه هیوندای کیا توسعه‌یافته و وظیفه انتقال نیروی موتور به چرخ‌ها را برعهده دارد. در این نوع جعبه‌دنده، نسبت انتقال نیرو به‌صورت پیوسته تغییر می‌کند و برخلاف گیربکس‌های اتوماتیک متداول، تعویض دنده به شکل کاملاً مشابه انجام نمی‌شود. البته سامانه IVT می‌تواند تغییر نسبت‌ها را به شکلی تنظیم کند که حس تعویض دنده‌های معمولی برای راننده شبیه‌سازی شود. در مقایسه با برخی پیشرانه‌های توربوشارژ، موتور تنفس طبیعی K3 ساختار ساده‌تری دارد؛ با این حال، نمی‌توان صرفاً براساس نوع موتور درباره هزینه نگهداری یا دوام آن در شرایط ایران قضاوت کرد.
کیفیت سوخت، نحوه رانندگی، برنامه سرویس‌های دوره‌ای و دسترسی به قطعات، همگی در هزینه مالکیت خودرو نقش دارند. عملکرد جعبه‌دنده IVT نیز باید در استفاده طولانی‌مدت و شرایط مختلف رانندگی ارزیابی شود. از نظر ابعاد، K3 با طول ۴۶۶۶ میلی‌متر، عرض ۱۷۸۰ میلی‌متر و ارتفاع ۱۴۵۰ میلی‌متر در گروه سدان‌های جمع‌وجور قرار می‌گیرد. این ابعاد، جایگاه آن را در میان خودروهای خانوادگی مشخص می‌کند. رینگ‌های آلومینیومی ۱۶ اینچی نیز برای این مدل در نظر گرفته شده است.
عرضه K3 در ایران فعلاً با تیراژ محدودی انجام می‌شود. براساس بخشنامه فروش شماره VM01 مورخ ۱۶ آبان ۱۴۰۵، تعداد ۱۰۰ دستگاه از تیپ Comfort Premium برای عرضه در نظر گرفته شده است. قیمت اعلام‌شده برای این خودرو نیز ۸ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان است؛ رقمی که K3 را در محدوده قیمتی قابل‌توجهی از بازار خودروهای وارداتی و مونتاژی قرار می‌دهد. در این سطح قیمتی، مشخصات فنی به‌تنهایی برای تصمیم‌گیری کافی نیست. خریداران علاوه بر توان موتور و نوع جعبه‌دنده، سطح امکانات رفاهی و ایمنی، کیفیت خدمات پس از فروش، وضعیت تأمین قطعات و شرایط عرضه را نیز در نظر می‌گیرند. بنابراین جایگاه نهایی کیا K3 در بازار ایران تا حد زیادی به شرایط خدمات و پشتیبانی و همچنین مقایسه آن با رقبای هم‌قیمت بستگی خواهد داشت.

رئیس انجمن صنعت تایر در گفت‌وگو با «ایران» از افزایش تولید در سه ماه اخیر خبر داد

تولید لاستیک به مدار رشد برگشت



گفت‌وگو

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

کاهش آمار تولید لاستیک در ماه‌های ابتدایی سال، نگرانی‌هایی درباره وضعیت تأمین این کالا در بازار ایجاد کرد؛ نگرانی‌هایی که با افزایش قیمت‌ها و گلایه مصرف‌کنندگان از کمبود برخی سایزهای پرمصرف لاستیک جدی‌تر شد. با این حال، فعالان صنعت تایر از تغییر مسیر تولید خبر می‌دهند. جمال میرزایی، رئیس انجمن صنعت تایر می‌گوید: «تولید در سه ماه اخیر روند افزایشی داشته و رشد آن به حدود ۳۷ درصد رسیده است.» او اگرچه احتمال بروز بحران در بازار تایر سواری را بعید می‌داند، اما تأکید می‌کند: «تأمین تایر خودروهای سنگین همچنان با موانعی از جمله قیمت‌گذاری و مشکلات واردات روبه‌روست.» با او درباره آخرین وضعیت تأمین و تولید لاستیک گفت‌وگو کردیم.

با انتشار آمارهایی درباره کاهش تولید لاستیک در نیمه اول سال، برخی رسانه‌ها از احتمال کمبود تایر در بازار خبر داده‌اند. آیا چنین نگرانی‌ای وجود دارد؟

در حال حاضر روند تولید تغییر کرده است. حدود سه ماه است که تولید صنعت تایر روند افزایشی داشته و رشد آن در مقایسه با پنج ماه گذشته به حدود ۳۷ درصد رسیده است. همچنین در مهرماه نیز نسبت به شهریور افزایش تولید داشتیم. این روند نشان می‌دهد شرایط در حال بهبود است و صنعت تایر به‌تدریج به وضعیت مناسب‌تری بازمی‌گردد.

با وجود این افزایش تولید، آیا بازار همچنان با کمبود لاستیک مواجه است؟

در ماه‌های ابتدایی سال کاهش تولید داشتیم که بخش مهمی از آن به شرایط دشوار تأمین انرژی و مواد اولیه بازمی‌گشت.
قطع برق کارخانه‌ها، مشکلات حمل‌ونقل و محدودیت‌های لجستیکی باعث شد تولید با افت مواجه شود. با این حال، در ماه‌های اخیر شرایط بهتر شده و تولید دوباره افزایش یافته است.

در کنار نگرانی از کمبود، مصرف‌کنندگان از افزایش قیمت لاستیک نیز گلایه دارند. علت این افزایش قیمت چیست؟

هزینه‌های حمل‌ونقل و لجستیک افزایش یافته و از طرف دیگر، بالا رفتن قیمت جهانی نفت بر بهای مواد اولیه داخلی و وارداتی اثر گذاشته است. علاوه بر این، بخشی از مواد اولیه که پیش‌تر با ارز تالار تأمین می‌شد، در پی تغییر سازوکار تخصیص ارز، اکنون با ارز توافقی و آزاد محاسبه می‌شود. همه این عوامل بر قیمت تمام‌شده تولید اثر می‌گذارند. بنابراین افزایش قیمت‌ها به معنای آن نیست که تولیدکنندگان قصد دارند فشاری به بازار وارد کنند؛ بلکه هزینه‌های تولید افزایش یافته و قیمت نهایی نیز تحت تأثیر همین شرایط قرار گرفته است.

برخی مصرف‌کنندگان از کمبود بعضی سایزهای پرمصرف لاستیک در بازار خبر می‌دهند. وضعیت تأمین این سایزها چگونه است؟

در سال جاری در سایزهای پرمصرف تایرهای سواری با کمبود قابل‌توجهی مواجه نبودیم و فکر نمی‌کنم در این بخش مشکل جدی داشته باشیم. اگر روند تولید آسیب نبیند و اختلال تازه‌ای در فعالیت کارخانه‌ها ایجاد نشود، بازار تایر سواری با بحران مواجه نخواهد شد. برآورد من به عنوان رئیس انجمن این است که در بخش تایر سواری، کمبود بحرانی نخواهیم داشت.

وضعیت تأمین تایر خودروهای سنگین چطور است؟ آیا این بخش نیز با افزایش تولید داخل به شرایط باثباتی رسیده است؟

در بخش تایر خودروهای سنگین شرایط متفاوت است. فقط حدود ۴۰ درصد نیاز کشور در این حوزه از طریق تولید داخل تأمین می‌شود و در تولید تایرهای باری و اتوبوسی با مشکلاتی مواجه هستیم. بخشی از این مشکلات به تعرفه‌ها، گروه‌بندی‌های تعریف‌شده و قیمت‌گذاری مربوط می‌شود که با نرخ واقعی تولید تناسب ندارد. در حال رایزنی هستیم تا این موانع برطرف شود و بتوانیم تولید را به حداکثر ظرفیت برسانیم. البته بخشی از نیاز کشور نیز باید از طریق واردات تأمین شود و وزارت صنعت، معدن و تجارت هم پیگیر واردات تایر است.

آیا برای جبران مشکلات تأمین مواد اولیه و حمل‌ونقل، مسیرهای جایگزینی در نظر گرفته شده است؟

افزایش تولید در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که توانسته‌ایم راهکارهای جدیدی برای مدیریت شرایط پیدا کنیم. در ابتدای سال دو مشکل اصلی داشتیم؛ اول محدودیت تأمین انرژی که باعث قطع برق کارخانه‌ها می‌شد و در برخی مقاطع تنها پنجشنبه و جمعه امکان استفاده از برق را داشتیم. مشکل دوم نیز حمل‌ونقل دریایی بود. به‌دلیل آسیب‌هایی که در این بخش ایجاد شد، تأمین مواد اولیه کارخانه‌ها با اختلال مواجه شد.
البته برخی مشکلات، از جمله مسائل مربوط به تخصیص ارز، همچنان وجود دارد و بسته به شرایط، شدت و ضعف پیدا می‌کند. مشکلات حمل‌ونقل نیز به طور کامل برطرف نشده است. با این حال، توانسته‌ایم بخشی از محدودیت‌ها را مدیریت کنیم و تولید را افزایش دهیم.

با توجه به شرایط فعلی، چشم‌انداز تولید و تأمین لاستیک تا پایان سال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر مشکلات موجود برطرف شود و بتوانیم با همین روند به تولید ادامه دهیم، در نیمه دوم سال عملکرد قابل‌قبولی در زمینه تأمین تایر خواهیم داشت. در سه ماه اخیر افزایش تولید قابل‌توجهی را تجربه کرده‌ایم و امیدواریم این روند تا پایان سال ادامه پیدا کند.



رئیس انجمن صنعت تایر: در سه ماه اخیر افزایش تولید قابل‌توجهی را تجربه کرده‌ایم و امیدواریم این روند تا پایان سال ادامه پیدا کند

دادستان تهران در جلسه ساماندهی عرضه خودرو با حضور مسئولان وزارت صمت اعلام کرد

مهلت سه‌ماهه برای تکمیل سامانه متمرکز عرضه خودرو



گزارش

گروه خودرو

دادستان تهران در جلسه تخصصی ساماندهی عرضه خودرو با حضور مسئولان وزارت صمت و دستگاه‌های نظارتی، با تعیین مهلت سه‌ماهه برای تکمیل سامانه متمرکز عرضه خودرو، بر برخورد قانونی با فروش خارج از شبکه، عرضه مازاد بر مجوزهای صادره و گران‌فروشی خودرو تأکید کرد. به گزارش میزان، در جهت صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و پیشگیری از تخلفات و جرایم مرتبط با فروش و پیش‌فروش خودرو، جلسه‌ای تخصصی در دادستانی تهران با حضور علی صالحی دادستان تهران و معاونان ایشان، مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت، معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات، رئیس مرکز نوآوری، هوشمندسازی و امنیت، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و پلیس امنیت اقتصادی فراجا برگزار شد. در این جلسه مهم‌ترین چالش‌های عرضه و قیمت‌گذاری خودروهای تولید داخل، مونتاژی و وارداتی بررسی و تصمیمات اجرایی برای ساماندهی بازار خودرو اتخاذ شد.

مهلت سه ماهه برای تکمیل سامانه متمرکز عرضه خودرو

به دستور دادستان تهران یکی از مهم‌ترین مصوبات این جلسه، تعیین مهلت سه‌ماهه برای تکمیل و عملیاتی شدن سامانه متمرکز عرضه خودرو بود. براساس این مصوبه، وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف شد فرآیند ثبت عرضه خودروهای تولید داخل و مونتاژی را به‌صورت تدریجی آغاز و حداکثر تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۵ به‌طور کامل عملیاتی کند. همچنین مقرر شد این وزارتخانه با انجام تشریفات قانونی لازم، سامانه طراحی‌شده را به‌عنوان تنها شبکه مجاز تأیید عرضه خودرو در سطح کشور تعیین و ابلاغ کند؛ به‌گونه‌ای که اخذ تأییدیه فروش و پیش‌فروش خودروهای تولید داخل، مونتاژی و وارداتی صرفاً از طریق این سامانه انجام شود. بر این اساس، وزارت صمت موظف شد ضوابط مربوط به الزامی شدن استفاده از سامانه، زمان آغاز اجرا و ضمانت اجراهای قانونی عرضه خارج از شبکه را پیش از اجرایی شدن، از طریق مراجع رسمی اطلاع‌رسانی کند تا شرکت‌های عرضه‌کننده و خریداران از فرآیند قانونی فروش خودرو آگاهی کامل داشته باشند.

برخورد قانونی با عرضه خودرو خارج از شبکه ومازاد بر مجوز

از دیگر مصوبات مهم این جلسه به دستور دادستان تهران مقرر شد: تشدید نظارت بر شرکت‌های تولیدکننده، مونتاژکار و واردکننده خودرو و جلوگیری از فروش و پیش‌فروش فاقد مجوز یا مازاد بر مجوزهای صادره، همچنین مقرر شد پس از لازم‌الاجرا شدن الزام عرضه خودرو از طریق شبکه تعیین‌شده، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری بخش‌های نظارتی وزارت صمت، عملکرد شرکت‌های عرضه‌کننده را به‌صورت مستمر بررسی و در صورت احراز تخلف، با استفاده از ضمانت‌اجراهای قانونی از جمله مقررات قانون تعزیرات حکومتی و قانون نظام صنفی، پرونده متخلفان را به مراجع صالح ارسال کند. دادستان تهران تأکید کرد: شرکت‌هایی که برخلاف ضوابط، اقدام به عرضه خارج از شبکه یا فروش بیش از ظرفیت مجاز می‌کنند، محدودیت‌های قانونی مربوط به صدور و تمدید مجوزها و برخورداری از تسهیلات مرتبط پیگیری و در صورت وجود دلایل وقوع جرم، مراتب به دادستان محل وقوع جرم اعلام شود.

نظارت دائمی بر قیمت‌گذاری خودرو و برخورد با گران‌فروشی

در بخش دیگری از جلسه، موضوع قیمت‌گذاری خودروهای تولید داخل، مونتاژی و وارداتی و ضرورت رعایت قیمت عادلانه، ضوابط قانونی قیمت‌گذاری و سود مجاز مورد بررسی قرار گرفت. دادستان تهران افزود: «سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری معاونت حقوقی و دفتر بازرسی وزارت صمت موظف شدند فرآیند قیمت‌گذاری و فروش خودرو را تحت نظارت دقیق و مستمر قرار دهند و در صورت وصول شکایت، دریافت گزارش یا شناسایی تخلف از طریق بازرسی‌های میدانی، چنانچه فروش خودرو به قیمتی بالاتر از نرخ‌های مصوب یا مغایر ضوابط قانونی قیمت‌گذاری و سود مجاز احراز شود، موضوع با استفاده از ظرفیت‌های قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع خواهد شد. همچنین مقرر شد در مواردی که گران‌فروشی کلان واجد شرایط و ارکان قانونی جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور باشد، گزارش مستند برای رسیدگی قضایی ارسال شود.

مأموریت جدید پلیس امنیت اقتصادی در زمینه خودرو

همچنین صالحی، دادستان تهران اعلام کرد: «پلیس امنیت اقتصادی فراجا نیز مکلف است با ابلاغ موضوع به رده‌های استانی، نسبت به شناسایی اشخاص حقیقی و حقوقی فاقد مجوز که اقدام به فروش یا پیش‌فروش خودرو می‌کنند، به‌صورت مستمر اقدام کند.»
بر این اساس، گزارش تخلفات به ادارات کل صنعت، معدن و تجارت و مراجع تعزیراتی صالح ارسال و در صورت شناسایی رفتار مجرمانه، موضوع همراه با مستندات به دادستان محل وقوع جرم اعلام خواهد شد. او افزود: «صلاحیت حرفه‌ای و اعتبار شرکت‌های دارای مجوز واردات خودرو مجدداً بررسی و در صورت احراز فقدان شرایط قانونی، فرآیند تعلیق یا لغو مجوز آنها از طریق مراجع صلاحیت‌دار پیگیری شود.» دادستان تهران در خصوص شرکت‌های دارای تخلفات احرازشده یا تعهدات معوق نیز تأکید کرد: درخواست‌های جدید ثبت سفارش، مجوز فروش و پیش‌فروش و تسهیلات مرتبط، با لحاظ سوابق عملکرد و وضعیت تعهدات بررسی و محدودیت‌های قانونی لازم در موارد مجاز اعمال شود.

جلوگیری از خالی‌فروشی خودرو

صالحی تصریح کرد: «ساماندهی عرضه خودرو از خردادماه ۱۴۰۵ و در پی شناسایی مشکلاتی از جمله خالی‌فروشی، ایجاد تعهدات مازاد بر ظرفیت، فروش فاقد مجوز و چالش‌های قیمت‌گذاری، به‌صورت ویژه در دستور کار دادستانی تهران قرار گرفته است. در ادامه این اقدامات، طی مردادماه سال جاری مکاتبه‌ای با وزیر صنعت، معدن و تجارت انجام و بر ضرورت استقرار نظام نظارت هوشمند و برخط بر فرآیند ثبت‌نام، فروش و پیش‌فروش خودرو و جلوگیری از ایجاد تعهدات خارج از ظرفیت قانونی تأکید شد. متعاقب این پیگیری‌ها، وزارت صمت اقدامات لازم برای راه‌اندازی اولیه سامانه رصد، عرضه و فروش خودرو را انجام داد و فرآیند ثبت و تأیید مجوزهای عرضه خودرو با اولویت خودروهای وارداتی آغاز شد.
در جلسه اخیر دادستانی تهران نیز با بررسی اقدامات صورت‌گرفته، ۹ مصوبه اجرایی برای تکمیل سامانه، ساماندهی عرضه خودرو در شبکه مجاز، نظارت بر قیمت‌گذاری، مقابله با گران‌فروشی و برخورد با عرضه‌کنندگان فاقد مجوز اتخاذ و مسئولیت دستگاه‌های اجرایی و نظارتی تعیین شد. بر این اساس، مقرر شد پس از عملیاتی شدن سامانه و لازم‌الاجرا شدن ضوابط مربوط، مراتب به شرکت‌های عرضه‌کننده خودرو در استان تهران ابلاغ و از طریق دادستانی کل کشور نیز پیگیری لازم برای اطلاع‌رسانی و نظارت بر اجرای مقررات در سایر استان‌ها انجام شود. به گفته دادستان تهران: «هدف از اجرای این تصمیمات، جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان، ایجاد شفافیت در بازار خودرو، پیشگیری از خالی‌فروشی و تشکیل پرونده‌های کثیرالشاکی و برخورد مؤثر با عرضه‌کنندگان متخلف است.» لازم به ذکر است با پیگیری دادستانی تهران تاکنون ۸۳ درخواست صدور مجوز در سامانه ارائه و مجوز فروش ۲۵۷۷ دستگاه خودرو صادر شده است.



به گفته دادستان تهران؛ هدف از اجرای تصمیمات جدید خودرویی، جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان، ایجاد شفافیت در بازار خودرو، پیشگیری از خالی‌فروشی و تشکیل پرونده‌های کثیرالشاکی و برخورد مؤثر با عرضه‌کنندگان متخلف است

تاریخچه شرکت‌ها

داتسون
نامی که زیر سایه نیسان رفت

از اولین خودروهای کوچک ژاپنی تا سدان‌های محبوب و کوپه‌های اسپرت

گروه خودرو

پیش از آنکه نام نیسان در بازارهای جهانی شناخته شود، داتسون وظیفه معرفی توان خودروسازی ژاپن را بر عهده داشت؛ برندی که مسیرش نه از کارخانه‌ای بزرگ و مجهز، بلکه از کارگاهی کوچک در توکیو آغاز شد. در سال ۱۹۱۱، ماسوجیرو هاشیموتو شرکتی به نام «کواشینشا» تأسیس کرد. هدف او ساخت خودرویی بود که بتواند در ژاپن تولید شود و در آینده راهی بازارهای خارجی شود.
سه سال بعد، در سال ۱۹۱۴ اولین خودروی این مجموعه با نام DAT آماده شد. نام آن از حروف ابتدایی نام خانوادگی سه سرمایه‌گذار شرکت، دن، آئویاما و تاکئوچی، گرفته شده بود. این خودرو به یک موتور دو سیلندر با قدرت ۱۰ اسب‌بخار مجهز بود و در دورانی ساخته شد که خیابان‌های ژاپن هنوز بیشتر در اختیار خودروهای وارداتی قرار داشتند.
در سال‌های بعد، شرکت با مشکلات مالی و تغییرات مدیریتی روبه‌رو شد. در سال ۱۹۲۶، کواشینشا با شرکت جیتسویو جیدوشا ادغام شد و مجموعه تازه‌ای با نام DAT Jidosha Seizo شکل گرفت. این شرکت علاوه بر خودروهای سواری، وسایل نقلیه تجاری و کامیون نیز تولید می‌کرد؛ محصولاتی که در آن زمان به دلیل محدود بودن بازار خودروهای شخصی، سهم مهمی از فعالیت شرکت را تشکیل می‌دادند.

تولد نامی که قرار بود خورشید باشد

در سال ۱۹۳۱، این شرکت خودروی کوچکی با موتور ۴۹۵ سی‌سی ساخت. نام اولیه آن DATSON بود؛ یعنی «فرزند DAT». اما این نام چندان دوام نیاورد. از آنجا که واژه «SON» در زبان ژاپنی از نظر آوایی یادآور واژه‌ای با معنای زیان و خسارت بود، سازندگان تصمیم گرفتند بخش پایانی نام را تغییر دهند. به این ترتیب، در سال ۱۹۳۲ نام DATSUN متولد شد؛ ترکیبی که در آن «SUN» به معنای خورشید، جایگزین «SON» شد.
این تغییر نام تنها یک اصلاح ظاهری نبود. داتسون به‌تدریج به نام تجاری خودروهای کوچک و اقتصادی ژاپنی تبدیل شد؛ خودروهایی که قرار بود با قیمت مناسب و ساختاری ساده، امکان استفاده از اتومبیل را برای گروه بیشتری از مردم فراهم کنند.
در همین دوره، یوشیسوکه آیکاوا، از چهره‌های مهم صنعتی ژاپن، به دنبال توسعه تولید خودرو در این کشور بود. او با در اختیار گرفتن شرکت DAT و گسترش فعالیت‌های آن، زمینه شکل‌گیری یک خودروساز بزرگ‌تر را فراهم کرد. در دسامبر ۱۹۳۳، شرکت خودروسازی جیدوشا سیزو در یوکوهاما تأسیس شد و در سال ۱۹۳۴ نام آن به نیسان موتور تغییر یافت. با این حال، داتسون همچنان به عنوان نام تجاری خودروهای تولیدی این مجموعه باقی ماند.

از کارخانه ژاپنی تا جاده‌های جهان

یکی از نقاط عطف تاریخ داتسون، توسعه خط تولید و ورود به بازارهای صادراتی بود. در سال ۱۹۳۵، کارخانه یوکوهاما به بهره‌برداری رسید و تولید خودرو با استفاده از یک سیستم یکپارچه مونتاژ آغاز شد. مدل Type ۱۴ از محصولات این دوره بود و پس از آن، Type ۱۵ در سال ۱۹۳۷ به عنوان اولین خودروی تولید انبوه ژاپن معرفی شد؛ مدلی که در نسخه‌های سواری، وانت و تحویل کالا نیز عرضه می‌شد.
جنگ جهانی دوم روند تولید خودروهای سواری را تحت تأثیر قرار داد، اما داتسون پس از جنگ دوباره به بازار بازگشت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نیسان به‌تدریج صادرات را گسترش داد و داتسون به نامی مهم در بازارهایی مانند آمریکا، استرالیا و آفریقای جنوبی تبدیل شد. در سال ۱۹۵۸، صادرات خودروهای سواری نیسان به آمریکا آغاز شد؛ خودروهایی که در این بازار با نشان داتسون عرضه می‌شدند.
موفقیت این برند تنها به خودروهای اقتصادی محدود نماند؛ داتسون با مدل‌هایی مانند Bluebird و ۵۱۰ توانست در بازار سدان‌های خانوادگی نیز جایگاه پیدا کند.

پایان یک نام، ادامه یک میراث

در اوایل دهه ۱۹۸۰، نیسان تصمیم گرفت نام تجاری خود را در بازارهای مختلف یکپارچه کند. از سال ۱۹۸۱ روند کنار گذاشتن تدریجی نام داتسون آغاز شد و خودروهای این شرکت به‌تدریج با نشان نیسان عرضه شدند. این تصمیم بخشی از برنامه جهانی‌سازی شرکت بود؛ برنامه‌ای که قرار بود نام نیسان را در بازارهای بین‌المللی پررنگ‌تر کند. با این حال، داتسون از حافظه بازار خودرو حذف نشد. نیسان در سال ۲۰۱۲ از بازگشت این نام خبر داد و قرار بود آن را برای عرضه خودروهای اقتصادی در بازارهای در حال رشد به کار گیرد. محصولات جدید داتسون از سال ۲۰۱۳ معرفی شدند و فروش آنها در بازارهایی مانند هند، اندونزی و روسیه دنبال شد. این بازگشت اما نتوانست موفقیت دوران طلایی برند را تکرار کند و نیسان در سال‌های بعد فعالیت داتسون را دوباره متوقف کرد.

داتسون در ایران

نام داتسون برای بخشی از علاقه‌مندان خودرو در ایران با محصولات قدیمی ژاپنی و خودروهای کلاسیک گره خورده است. مدل‌هایی مانند بلوبرد و برخی خودروهای تجاری این برند در بازار ایران شناخته شده‌اند. با این حال، داتسون هیچ‌گاه به اندازه برخی خودروسازان ژاپنی دیگر در بازار کشور حضور گسترده‌ای نداشت.

منبع: وب‌سایت رسمی داتسون

چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ شماره ۹۱۷۲
irannewspaper irannewspaper_online



رئیس میز زعفران جهاد کشاورزی خراسان رضوی از بهبود وضعیت تولید توسعه آبیاری نوین و شناسنامه‌دار کردن محصول می‌گوید

گذر طلای سرخ از وضعیت بنفش

گزارش

بیتا میرعظیمی
گروه ایران زمین

خراسان رضوی، قطب اصلی تولید طلای سرخ ایران، در آستانه فصل برداشت امسال با امید به بهبود تولید و ارتقای کیفیت محصول نسبت به سال گذشته، چشم‌اندازی امیدوارکننده پیش‌رو دارد؛ چشم‌اندازی که تحقق آن به تداوم شرایط جوی مساعد و نبود خسارات ناشی از سرما و بارندگی‌های نامناسب در دوره برداشت وابسته است. هرچند خشکسالی، گرمای شدید و نوسانات بارندگی در سال گذشته تولید این محصول را تحت تأثیر قرار داد اما شرایط اقلیمی امسال در ارزیابی‌های اولیه مساعدتر به نظر می‌رسد؛ موضوعی که در کنار رصد تحولات جوی و احتمال تأثیرگذاری پدیده ال‌نینو بر الگوهای بارشی و دمایی، ضرورت مدیریت هوشمندانه مزارع را برجسته می‌کند. دراین میان، برخورداری استان از حدود ۷۰ درصد تولید زعفران کشور، ظرفیتی راهبردی برای توسعه پایدار این محصول و افزایش ارزش افزوده آن به شمار می‌رود. توسعه سامانه‌های نوین آبیاری، استفاده از پیازهای استاندارد، بهبود فرآوری و خشک‌کردن و شناسنامه‌دار کردن محصول، در کنار بسته‌بندی صادرات‌محور و برندسازی زعفران ایرانی، می‌تواند به ارتقای کیفیت و افزایش اعتماد بازارهای هدف کمک کند. همچنین، تنوع بخشی به بازارهای صادراتی و تقویت هماهنگی میان تولیدکنندگان، فرآوری‌کنندگان و صادرکنندگان، زمینه تبدیل ظرفیت تولید خراسان رضوی به مزیت رقابتی پایدار و تثبیت جایگاه زعفران ایران در بازارهای جهانی را فراهم می‌کند.

«رامین اسمی» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی در گفت‌وگو با «ایران» اظهار کرد: «براساس آمار رسمی، سطح زیرکشت زعفران خراسان رضوی در سال ۱۴۰۴ حدود ۹۶ هزار هکتار بوده است؛ درحالی که این میزان در سال ۱۴۰۳ حدود ۹۵ هزار و ۳۰۰ هکتاربرآورد می‌شد. براین اساس، سطح زیرکشت این محصول تغییر چشمگیری نداشته و همچنان در محدوده سال گذشته قرار دارد.» وی با بیان اینکه تغییرات اقلیمی در سال گذشته تأثیر محسوسی بر میزان تولید زعفران استان گذاشت، افزود: «تولید زعفران خراسان‌رضوی در سال گذشته به حدود ۱۸۰ تن رسید؛ این درحالی است که در سال‌های دارای شرایط اقلیمی مناسب، میانگین تولید استان معمولاً حدود ۲۶۰ تا ۲۷۰ تن است. به این ترتیب، تولید زعفران در مقایسه با شرایط معمول حدود ۸۰ تن کاهش پیدا کرد.» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، گرمای شدید تابستان، خشکسالی و نامناسب بودن میزان بارندگی در برخی مقاطع را از مهم‌ترین عوامل کاهش تولید برشمرد و تصریح کرد: «تغییرات اقلیمی طی چند سال گذشته فشار قابل توجهی بر مزارع زعفران وارد کرده است. بویژه گرمای بالای تابستان و کاهش بارندگی‌های مؤثر در بهمن و اسفند سال گذشته، در کنار گرمای تابستان، ازجمله عواملی بود که شرایط تولید این محصول را تحت تأثیر قرار داد.» اسمی درباره وضعیت برداشت زعفران در سال جاری گفت: «مناطقی مانند جلگه رخ در شهرستان تربت حیدریه از اولین نقاطی هستند که گل‌دهی و برداشت در آنها شروع می‌شود؛ با این حال، آغاز برداشت در این مناطق به معنای رسیدن تولید استان به اوج خود نیست.»

پیش‌بینی برداشت زعفران فعلاً زود است

رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی اظهار کرد: «اوج برداشت زعفران در خراسان رضوی معمولاً در مناطق مرکزی و شمالی استان و در فاصله حدود پنجم تا بیستم آبان‌ماه اتفاق می‌افتد. بنابراین، برای ارزیابی دقیق وضعیت تولید و کیفیت محصول در سال جاری باید روندگل‌دهی و برداشت در مناطق مختلف استان دنبال شود.» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی با اشاره به شرایط اقلیمی امسال اظهارکرد: «شرایط موجود در مقایسه با سال گذشته تا حدودی مناسب‌تر ارزیابی می‌شود و انتظار می‌رود وضعیت تولید زعفران تا حدودی بهتر از سال گذشته باشد؛ با این حال، ارائه پیش‌بینی قطعی درباره میزان برداشت در این مرحله امکان‌پذیر نیست.» اسمی با تأکید بر نقش تعیین‌کننده شرایط جوی در گل‌دهی زعفران افزود: «تغییرات دما و بارندگی می‌تواند بر زمان گل‌دهی، میزان برداشت و کیفیت محصول تأثیر بگذارد. بر اساس برخی پیش‌بینی‌های بلندمدت هواشناسی که با همکاری پژوهشکده اقلیم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، احتمال وقوع بارندگی از ابتدای پاییز تا زمستان مطرح بوده است؛ بارندگی‌هایی که در صورت هم‌زمانی با دوره گل‌دهی می‌توانند مشکلاتی برای برداشت و کیفیت گل زعفران ایجاد کنند.» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی درباره اقدامات قابل انجام برای کاهش آسیب‌های احتمالی نیز گفت: «برخی تمهیدات زراعی می‌تواند در مدیریت زمان گل‌دهی مؤثر باشد. برای نمونه، در شرایطی که امکان مدیریت آبیاری وجود دارد، تنظیم زمان آبیاری می‌تواند بر دمای خاک و روند رشد گل تأثیر بگذارد. در صورت افزایش دما در طول دوره ظهور گل نیز آبیاری محدود در مزارع دارای سیستم آبیاری‌های نوین در ساعات شب، با توجه به شرایط مزرعه، می‌تواند به تسریع روند رشد گل کمک کند.»

خراسان رضوی قطب تولید زعفران

«رامین اسمی» با اشاره به خشکسالی‌های چند سال گذشته ضرورت مدیریت منابع آب در کشت زعفران اظهار کرد: «با توجه به محدودیت منابع آبی، حرکت به سمت روش‌های نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری مصرف آب از اولویت‌های مهم بخش کشاورزی است. در گذشته، آبیاری بسیاری از مزارع زعفران به شیوه سنتی انجام می‌شد و این موضوع موجب کاهش بهره‌وری مصرف آب می‌شد؛ اما استفاده ازسامانه‌های نوین آبیاری می‌تواند به بهبود راندمان آبیاری و صرفه‌جویی در مصرف کمک کند.» وی ادامه داد: «مطالعات و پژوهش‌های انجام شده درباره شیوه‌های آبیاری و میزان نیاز آبی زعفران نشان می‌دهد که استفاده از این روش‌ها می‌تواند نیاز آبی زعفران را درهر هکتار حدود ۱۰۰۰ مترمکعب کاهش دهد. علاوه بر صرفه‌جویی درمصرف آب، افزایش راندمان آبیاری می‌تواند زمینه بهبود عملکرد مزارع و پایداری بیشتر تولید را فراهم کند. ذخیره آب‌های سطحی در استخرها نیز می‌تواند مدیریت آبیاری را در زمان مناسب به‌خوبی بهبود دهد.» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، استفاده از پیاز سالم و استاندارد زعفران را از دیگر عوامل مؤثر در افزایش تاب‌آوری مزارع دانست و تصریح کرد: «بررسی‌های پژوهشی انجام‌شده با همکاری مرکز تحقیقات نشان می‌دهد استفاده از پیازهای سالم زعفران با وزن بیش از هشت گرم و کاهش دوران بهره‌برداری (طول عمر مزارع) در برابر برخی تغییرات و تنش‌های محیطی کمتر آسیب می‌بینند. ازاین‌رو، کشاورزان باید در انتخاب پیاز مناسب برای کشت، توجه کافی داشته باشند؛ زیرا کیفیت نهاده‌های مورد استفاده در مزرعه می‌تواند برعملکرد و پایداری تولید اثرگذارباشد.» وی در ادامه با اشاره به سهم خراسان رضوی در تولید زعفران کشوراظهار کرد: «حدود ۷۰ درصد تولید زعفران ایران در این استان انجام می‌شود و خراسان رضوی به‌عنوان قطب تولید زعفران دنیا جایگاه مهمی در زنجیره تولید این محصول دارد. با این حال، حفظ این موقعیت نیازمند توجه هم‌زمان به افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت، توسعه فرآوری و تقویت بازارهای صادراتی است.»



رامین اسمی: با توجه به محدودیت منابع آبی، حرکت به سمت روش‌های نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری مصرف آب از اولویت‌های مهم بخش کشاورزی است. در گذشته، آبیاری بسیاری از مزارع زعفران به شیوه سنتی انجام می‌شد و این موضوع موجب کاهش بهره‌وری مصرف آب می‌شد؛ اما استفاده ازسامانه‌های نوین آبیاری می‌تواند به بهبود راندمان آبیاری و صرفه‌جویی در مصرف کمک کند

زعفران در پیچ و خم بازارهای صادراتی

رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی درباره وضعیت مصرف داخلی و صادرات زعفران نیز گفت: «در سال‌های گذشته معمولاً حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد زعفران تولیدی کشور به صادرات اختصاص پیدا می‌کرد وسهم مصرف داخلی در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد بود. با این حال، در شرایط کنونی و با توجه به قیمت زعفران و تغییرات بازار و دشواری دسترسی به آمار دقیق صادرات غیرقانونی، نمی‌توان نسبت صادرات و مصرف داخلی را با قطعیت اعلام کرد.» اسمی با اشاره به تغییرات بازارهای صادراتی زعفران افزود: «در گذشته کشورهایی مانند امارات متحده عربی، اسپانیا، چین و هنگ کنگ از مقاصد مهم صادراتی زعفران ایران بودند؛ اما در شرایط جدید، مسیرهای صادراتی تا حدودی تغییر کرده است. عمان و افغانستان نیز در میان مسیرهای مورد توجه قرار گرفته و فعالان این حوزه در تلاش هستند بازارها و مسیرهای جایگزین دیگری راشناسایی کنند تا وابستگی صادرات عمده زعفران به تعداد محدودی از کشورها کاهش یابد.» وی با تأکید بر اینکه تمرکز بر بازارهای محدود می‌تواند آسیب‌پذیری صادرات را افزایش دهد، تصریح کرد: «یکی از چالش‌های مهم زعفران ایران، وابستگی نسبی به چند بازار مشخص است. در شرایطی که دسترسی به برخی بازارها با محدودیت مواجه می‌شود، توسعه بازاریابی در کشورهای جدید و شناسایی مسیرهای تجاری جایگزین اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. تحریم‌ها ومحدودیت‌های تجاری نیز از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر صادرات زعفران و دیگر محصولات کشاورزی اثر بگذارند.»

اسمی با اشاره به ضرورت توسعه روش‌های بهبود فرآوری و رعایت استانداردهای کیفی اظهار کرد: «در سال‌های اخیر، اقداماتی با همکاری مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی، صادرکنندگان و مجموعه‌های مرتبط برای بهبود روش‌های فرآوری و خشک‌کردن زعفران انجام شده است. استفاده از روش‌های جدید فرآوری می‌تواند به کاهش انتقال آلودگی و حفظ کیفیت محصول کمک کند. همچنین در مناطقی که حجم گل برداشت‌شده بالاست و نیروی کارگری کافی وجود ندارد، انتقال گل با شرایط استاندارد به شهرستان‌های همجوار که هنوز برداشت در آنها آغاز نشده است، می‌تواند فرصتی برای فرآوری سریع‌تر و حفظ کیفیت محصول را فراهم کند.» وی افزود: «ارتقای کیفیت زعفران به رعایت اصول صحیح فرآوری، جلوگیری از انتقال آلودگی، انتخاب روش مناسب خشک‌کردن و توجه به استانداردهای بازار مقصد وابسته است. صادرکنندگان نیز باید با توجه به الزامات، سلیقه و ذائقه بازارهای هدف، محصول خود را فرآوری و بسته‌بندی کنند. از سوی دیگر، افزایش کیفیت می‌تواند مزیت اقتصادی برای کشاورز ایجاد کند و همین موضوع انگیزه استفاده از روش‌های استاندارد و نوین را افزایش می‌دهد.»

ردیابی زعفران از مزرعه تا بازار

«رامین اسمی» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی با اشاره به اهمیت ردیابی و اصالت‌سنجی محصول گفت: «شناسنامه‌دارکردن زعفران و فراهم کردن امکان ردیابی و اصالت محصول از مزرعه تا مصرف‌کننده، از اقداماتی است که می‌تواند به حفظ اصالت زعفران ایرانی کمک کند. این فرآیند در حوزه زعفران به‌صورت قانونی تا پایان برنامه هفتم توسعه کشور الزامی شده است و روند اجرایی آن آغاز شده و می‌تواند در شفافیت زنجیره ارزش زعفران و کاهش مشکلات مربوط به شناسایی منشأ محصول مؤثرباشد.» اسمی تصریح کرد: «زمانی که امکان ردیابی و احراز اصالت زعفران فراهم باشد، شناسایی منشأ محصول و معرفی آن در بازارهای هدف آسان‌تر می‌شود. این موضوع در کنار توسعه فرآوری و بسته‌بندی صادرات‌محور، می‌تواند به تقویت جایگاه زعفران ایران در بازارهای جهانی کمک کند.»

وی درباره اشتغال‌زایی کشت زعفران نیز اظهار کرد: «براساس محاسبات انجام‌شده، هر هکتار زعفران حدود ۲۰۰ تا ۲۱۰ نفرروز اشتغال ایجاد می‌کند که بخش مهمی از آن به فعالیت‌های فصلی، به‌ویژه در دوره برداشت و فرآوری، مربوط است. اگر این میزان بر مبنای حدود ۲۵۰ روز کاری برای یک شغل دائمی محاسبه شود، می‌توان گفت هر هکتار زعفران تقریباً معادل یک فرصت شغلی تمام وقت در سال ایجاد می‌کند. این ویژگی، زعفران را از نظرایجاد فرصت‌های اشتغال در مناطق تولیدکننده به محصولی مهم تبدیل کرده است.» رئیس میز زعفران سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی در پایان باتأکید بر ضرورت نگاه زنجیره‌ای به آینده این محصول گفت: «ایران همچنان بزرگ‌ترین تولیدکننده زعفران در جهان است؛ اما حفظ این جایگاه به معنای بی‌نیازی از برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری نیست. رقابت در بازارهای جهانی جدی است و اگر در زمینه افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت، توسعه فرآوری، بسته‌بندی، برندسازی و بازاریابی بین‌المللی پیشرفت نکنیم، موقعیت زعفران ایران می‌تواند با چالش مواجه شود.» اسمی خاطرنشان کرد: «آینده زعفران ایران به همکاری و هماهنگی میان تولیدکنندگان، صادرکنندگان، تأمین‌کنندگان نهاده‌ها، مراکز تحقیقاتی، دستگاه‌های اجرایی و تمامی مراجع ذیربط وابسته است. زعفران محصولی با سابقه طولانی در کشاورزی ایران ودارای ظرفیت اقتصادی و اجتماعی قابل توجه است. برای حفظ این سرمایه و میراث گرانبها و انتقال آن به نسل‌های آینده، باید همه بخش‌های زنجیره صنعت زعفران درکنار یکدیگر فعالیت کنند و توسعه پایدار این محصول را در اولویت قرار دهند. حفظ این صنعت تنها به معنی حفظ بازار کار، ارزآوری و ایجاد ثروت در کشور نیست بلکه حفظ جایگاه صنعت زعفران ایران به معنی حفظ یک میراث گرانبهای تاریخی و به معنی قدرت و توانایی ملی ما در دفاع از میراث ملی و تاریخی‌ست.»

زعفران در تنگنای سیاست‌های ارزی

برش

«غلامرضا میری» رئیس اتحادیه صادرکنندگان زعفران خراسان رضوی در گفت‌وگو با «ایران» و با اشاره به تأثیر سیاست‌های ارزی بر توان رقابتی صادرکنندگان گفت: «یکی از چالش‌های اساسی این بخش، تفاوت میان نرخ ارز حاصل ازصادرات و نرخ آن در بازار است. صادرکنندگان در کنار تحمل هزینه‌های حمل‌ونقل، محدودیت‌های تجاری و ریسک‌های فعالیت در بازارهای بین‌المللی، با مشکلات بازگشت ارز نیز مواجه‌اند؛ مسأله‌ای که فشار مالی مضاعفی برآنها وارد می‌کند و می‌تواند انگیزه حضور در بازارهای جهانی را کاهش دهد. ازاین‌رو، ضروری ست در سیاست‌گذاری‌های ارزی، شرایط اقتصادی وهزینه‌های واقعی صادرات زعفران مورد توجه قرار گیرد.» وی با تأکید بر ضرورت حمایت از تولیدکنندگان تصریح کرد: «مطالبه صادرکنندگان دریافت تسهیلات یا مشوق‌های ویژه نیست، بلکه نگرانی اصلی، تداوم تولید و معیشت کشاورزان است. کشت زعفران به دلیل هزینه‌های تأمین آب، کود و نیروی کار، سرمایه‌گذاری قابل توجهی می‌طلبد و هزینه تولید هر هکتار به صدها میلیون تومان می‌رسد. با این حال، تضمینی وجود ندارد که کشاورز در فصل برداشت، محصول خود را با قیمتی متناسب با هزینه‌های تولید به فروش برساند.» میری هشدار داد که تداوم این وضعیت می‌تواند انگیزه کشاورزان برای کشت زعفران را کاهش دهد و در نهایت، تولید و صادرات این محصول راهبردی را با چالش مواجه کند. بنابراین، حمایت مؤثر از کشاورزان و ایجاد شرایط اقتصادی پایدار برای تولید، ضرورتی اساسی برای حفظ جایگاه صادراتی زعفران ایران است.



استاندار مازندران از تزریق یک همت اعتبار به ساخت کارخانه پسماند نوشهر خبر داد

مازندران در مسیر رهایی از بحران زباله

گزارش

گروه ایران زمین

بحران پسماند در مازندران، سال‌هاست از یک چالش خدمات شهری فراتر رفته و به یکی از مهم‌ترین تهدیدهای زیست‌محیطی استان تبدیل شده است؛ استانی که جنگل‌های هیرکانی، رودخانه‌ها و سواحل دریای خزر، بیش از هرچیزبه مدیریت صحیح منابع طبیعی و کنترل آلاینده‌ها وابسته‌اند. انباشت زباله، دفن غیراصولی و تولید شیرابه، علاوه بر تهدید منابع آب و خاک، هزینه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی قابل توجهی به استان تحمیل کرده است. در چنین شرایطی، پیش‌بینی یک همت اعتبار برای احداث کارخانه مدرن کمپوست و سایت جدید پردازش پسماند نوشهر، می‌تواند گامی مهم در کاهش بار زیست‌محیطی غرب مازندران و تغییر رویکرد مدیریت زباله در این منطقه باشد.

«مهدی یونسی‌رستمی» استاندار مازندران، اخیراً از پیش‌بینی یک همت اعتبار برای اجرای کارخانه مدرن کمپوست نوشهر خبر داده و ظرفیت پردازش این مجموعه را بیش از ۲۵۰ تن در روز اعلام کرده است. این پروژه با هدف کاهش وابستگی به روش‌های سنتی دفع زباله، توسعه بازیافت و تبدیل بخش آلی پسماند به محصولات قابل استفاده تعریف شده است. اهمیت اجرای این طرح در آن است که کارخانه کمپوست می‌تواند با جداسازی و فرآوری مواد آلی، حجم زباله‌های نیازمند دفن را کاهش داده و بخشی از پسماند را به کودآلی و محصولات دارای ارزش اقتصادی تبدیل کند. همچنین جداسازی مواد قابل بازیافت، امکان بازگشت بخشی از زباله‌ها به چرخه تولید را فراهم می‌کند. این موضوع برای استانی مانند مازندران که اقتصاد آن پیوند نزدیکی با کشاورزی، باغداری و گردشگری دارد، اهمیتش دوچندان است. با این حال، ظرفیت اسمی ۲۵۰ تن در روز به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت پروژه نیست. تأمین تجهیزات، تکمیل خطوط پردازش، مدیریت اصولی شیرابه، تفکیک پسماند از مبدأ و تأمین هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری، از الزامات تحقق اهداف این سرمایه‌گذاری است. در واقع، میزان موفقیت طرح باید براساس حجم واقعی زباله پردازش‌شده، کاهش دفن و کیفیت محصولات تولیدی ارزیابی شود.



روزانه حدود سه هزار تن زباله در مازندران تولید می‌شود و حجم شیرابه ناشی از آن به حدود هزار و ۲۰۰ مترمکعب می‌رسد. همچنین سرانه تولید زباله در استان حدود یک کیلوگرم اعلام شده که از میانگین ۶۰۰ گرمی کشور بیشتر است

ضرورت تفکیک زباله از مبدأ

ضرورت توسعه زیرساخت‌های جدید در نوشهر، بدون توجه به سابقه فعالیت نیروگاه زباله‌سوز این شهرستان قابل بررسی نیست. این نیروگاه ۲۷ آذرماه ۱۳۹۹ با هدف پردازش روزانه ۲۰۰ تن زباله تولیدی شهرستان‌های نوشهر، چالوس و کلاردشت و تولید حدود سه مگاوات برق، در زمینی به مساحت حدود دو هکتار در منطقه پلنگ‌چال افتتاح شد. با این حال، فعالیت این مجموعه در سال‌های گذشته با انتقادها و پرسش‌هایی درباره رعایت الزامات زیست‌محیطی و نحوه مدیریت پسماندهای حاصل از فرآیند پردازش همراه بوده است. از این منظر، احداث کارخانه کمپوست را نباید به معنای رفع خودکار مشکلات تأسیسات موجود دانست. نیروگاه زباله‌سوز و کارخانه کمپوست، دو زیرساخت با کارکردهای متفاوت هستند که هرکدام به تجهیزات تخصصی و نظارت زیست‌محیطی نیاز دارند. بنابراین، اجرای طرح جدید باید همزمان با ارزیابی عملکرد نیروگاه موجود، رفع نواقص احتمالی و تعیین تکلیف پسماندهای باقی‌مانده و شیرابه‌های تولیدی دنبال شود.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مورد انتظار از کارخانه جدید، تبدیل بخش آلی زباله به محصولات قابل استفاده در کشاورزی و باغداری است. استاندار مازندران نیز پیش‌تر در جریان بازدید از نیروگاه زباله‌سوز نوشهر، بر ضرورت ایجاد ظرفیت کمپوست در کنار این مجموعه تأکید کرده بود. یونسی‌رستمی، تولید گرانول و استفاده از محصولات حاصل از پردازش پسماند در بخش کشاورزی را از اهداف اجرای این طرح برشمرده است. در صورت اجرای اصولی، این رویکرد می‌تواند زنجیره‌ای اقتصادی از جمع‌آوری و تفکیک زباله تا فرآوری، تولید کود و عرضه محصولات بازیافتی ایجاد کند. البته دستیابی به این هدف به کیفیت مواد اولیه، برخورداری از تجهیزات استاندارد و وجود بازار مصرف پایدار وابسته است. در این میان، تفکیک زباله از مبدأ اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا مخلوط شدن پسماندهای تر و خشک، کیفیت فرآوری را کاهش داده و هزینه جداسازی و بازیافت را افزایش می‌دهد. از این رو، توسعه کارخانه‌های کمپوست باید همزمان باآموزش شهروندان و مشارکت شهرداری‌ها در اجرای برنامه‌های تفکیک پسماند دنبال شود.

عبور از مدیریت سنتی زباله

ابعاد بحران پسماند در مازندران تنها به شهرستان نوشهر محدود نیست. بر اساس آمار منتشرشده از سوی اداره کل حفاظت محیط زیست استان، روزانه حدود سه هزار تن زباله در مازندران تولید می‌شود و حجم شیرابه ناشی از آن به حدود هزار و ۲۰۰ مترمکعب می‌رسد. همچنین سرانه تولید زباله در استان حدود یک کیلوگرم اعلام شده که از میانگین ۶۰۰ گرمی کشور بیشتر است. افزایش جمعیت شناور در فصل‌های گردشگری نیز فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های جمع‌آوری و دفع زباله وارد می‌کند. این آمار نشان می‌دهد که مدیریت پسماند در استان نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات همزمان در حوزه کاهش تولید زباله، تفکیک از مبدأ، توسعه ظرفیت پردازش، بازیافت و ساماندهی محل‌های دفن است. در همین راستا، استاندار مازندران اعلام کرده که با اجرای طرح‌های نوین، حدود ۸۰ درصد از مسیر ساماندهی بحران پسماند استان طی شده است. به گفته وی، مراکز کمپوست بهشهر و قائمشهر به بهره‌برداری رسیده‌اند و پروژه‌های نور و تنکابن نیز در دست اجرا هستند. تکمیل این شبکه به اجرای طرح‌های پیش‌بینی‌شده در نوشهر و آمل و بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های موجود وابسته است. پیش‌بینی یک همت اعتبار برای احداث کارخانه مدرن کمپوست نوشهر را باید سرمایه‌گذاری در یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه پایدار غرب مازندران دانست؛ طرحی که در صورت تأمین به‌موقع اعتبار، تکمیل تجهیزات و بهره‌برداری استاندارد، می‌تواند فشار بر محل‌های دفن، خطرآلودگی منابع آب و خاک و پیامدهای ناشی از انباشت زباله را کاهش دهد. با این حال، موفقیت این پروژه تنها به احداث کارخانه وابسته نیست و مدیریت اصولی شیرابه، نظارت مستمر زیست‌محیطی، اصلاح نواقص تأسیسات موجود، ایجاد بازار مصرف برای محصولات تولیدی و مشارکت شهروندان در تفکیک پسماند نیز باید در اولویت قرار گیرد. برای استانی که جنگل‌های هیرکانی و سواحل خزر از مهم‌ترین سرمایه‌های طبیعی و اقتصادی آن به شمار می‌روند، مدیریت پسماند صرفاً یک وظیفه خدمات شهری نیست، بلکه بخشی از سیاست حفاظت از محیط زیست و صیانت از ظرفیت‌های گردشگری و اقتصادی است. کارخانه کمپوست نوشهر زمانی می‌تواند به نقطه عطفی در مدیریت پسماند غرب مازندران تبدیل شود که در قالب نظامی یکپارچه، از مبدأ تولید زباله تا پردازش، بازیافت و دفع نهایی فعالیت کند.

وعـــده
*رساندن پوشش واگذاری پرونده‌های مستمری‌بگیران به مراکز مثبت زندگی به ۱۰۰ درصد

برنامه
*آغاز واگذاری با ۲۰ درصد پرونده‌ها و تکمیل تدریجی آن
*استفاده از ظرفیت مراکز مثبت زندگی و پایگاه‌های «سلام محله» برای ساماندهی خدمات اجتماع‌محور و محله‌محور

موعد وفا
تا پایان سال ۱۴۰۵

«ایران» از اقدامات دولت برای تقویت نقش «مراکز مثبت زندگی» گزارش می‌دهد

توانمندسازی اجتماعی محله محور

مراکز مثبت زندگی از ابتدا با این هدف شکل گرفتند که خدمات سازمان بهزیستی از پشت درهای اداری خارج شود و به محل زندگی خانواده‌های نیازمند حمایت برسد؛ الگویی که قرار بود فاصله میان مددجویان و نظام حمایتی را کاهش دهد و به جای محدود ماندن به پرداخت مستمری و کمک‌هزینه، مسیر دسترسی خانواده‌های آسیب‌پذیر به خدمات اجتماعی، مشاوره‌ای، توانبخشی و فرصت‌های توانمندسازانه را هموار کند.
این شبکه که با راه‌اندازی ۲۴۰۰ مرکز در سال ۱۳۹۹ در دولت دوازدهم آغاز به کار کرد، در دولت‌های بعدی به فعالیت خود ادامه داد و به یکی از بازوهای اجرایی سازمان بهزیستی در سطح محلات تبدیل شده است.
مطابق آمار اعلام‌شده از سوی رئیس سازمان بهزیستی، در سال ۱۴۰۵ تعداد ۲۴۹۴ مرکز مثبت زندگی در کشور فعال بوده‌اند و یک میلیون و ۳۷ هزار و ۹۴۲ نفر از خدمات آنها بهره‌مند شده‌اند. یکی از محورهای اصلی برنامه سازمان بهزیستی در دولت چهاردهم، تقویت توان اقتصادی مراکز و افزایش ظرفیت ارائه خدمات آنهاست. افزایش ۸۵ تا ۹۰ درصدی سرانه پرداختی به مراکز در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل، افزایش ظرفیت پذیرش هر مرکز از ۴۵۰ به ۶۰۰ مددجو و گسترش طرح‌های تخصصی از ۶ طرح به ۱۱ طرح در سال ۱۴۰۴ و هدف‌گذاری ۱۳ طرح در سال جاری، از جمله اقداماتی است که برای ارتقای عملکرد این شبکه اعلام شده است. همچنین بازنگری دستورالعمل فعالیت مراکز و تدوین شیوه‌نامه‌هایی در حوزه مددکاری، نظارت و رتبه‌بندی، جلب مشارکت‌های مردمی و ظرفیت‌سازی محله‌محور در دستور کار قرار گرفته است.
این اقدامات در واقع تلاشی برای عبور از الگوی صرفاً پرونده‌محور و حرکت به سمت خدمات اجتماع‌محور است؛ الگویی که در آن مرکز مثبت زندگی باید علاوه بر شناسایی و پیگیری مشکلات مددجویان، ظرفیت‌های محلی را نیز برای حل مسائل اجتماعی فعال کند. جلب مشارکت خیرین، ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد، شناسایی فرصت‌های اشتغال و ارائه خدمات پیشگیرانه می‌تواند دامنه اثرگذاری این مراکز را از خانواده‌های تحت پوشش به کل محله گسترش دهد.
با این حال، افزایش اعتبار و ظرفیت پذیرش به‌تنهایی تضمین‌کننده تحقق این هدف نیست. آنچه عملکرد این شبکه را قابل ارزیابی می‌کند، میزان کاهش افراد پشت نوبت، بهبود دسترسی خانواده‌ها به خدمات تخصصی، افزایش توان اقتصادی مددجویان و کاهش وابستگی آنها به حمایت‌های مستمر است.
از این منظر، برنامه دولت چهاردهم برای تقویت مراکز مثبت زندگی زمانی به نتیجه ملموس خواهد رسید که افزایش منابع و توسعه مأموریت‌ها در نهایت به بهبود کیفیت زندگی خانواده‌های آسیب‌پذیر منجر شود.



گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

برای بسیاری از خانواده‌هایی که با معلولیت، فقر، بیکاری، سالمندی، فقدان سرپرست خانوار و دیگر مشکلات اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دسترسی به خدمات حمایتی فقط به معنای دریافت مستمری یا کمک‌هزینه نیست، گاهی پیدا کردن یک مسیر روشن برای حل مشکلات، دریافت مشاوره و پیگیری مطالبات، مهم‌ترین نیاز آنهاست. مراکز مثبت زندگی با همین رویکرد و با هدف نزدیک کردن خدمات سازمان بهزیستی به محل زندگی مردم شکل گرفته‌اند؛ مراکزی که قرار بود فاصله میان مددجویان و نظام حمایتی را کاهش دهند و خدمات اجتماعی را از ساختارهای اداری به دل محلات ببرند.
مراکز «مثبت زندگی» از سال ۱۳۹۸ فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و قرار بود با تکیه بر مددکاری اجتماعی و شناسایی ظرفیت‌های محلی، به پایگاهی برای ارائه خدمات حمایتی و توانمندسازی خانواده‌ها تبدیل شوند. در این الگو، مددجو برای پیگیری امور خود مجبور نیست به ادارات مختلف مراجعه کند بلکه مرکز محله می‌تواند نقطه تماس او با سازمان بهزیستی و سایر نهادهای خدمات‌رسان باشد.
بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی رئیس سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۴۰۵، تعداد ۲ هزار و ۴۹۴ مرکز مثبت زندگی در کشور فعالیت داشته‌اند که به یک میلیون و ۳۷ هزار و ۹۴۲ نفر خدمات ارائه کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد مراکز مثبت زندگی به یکی از شبکه‌های گسترده ارائه خدمات اجتماعی در کشور تبدیل شده‌اند. اما گستردگی شبکه به‌تنهایی نمی‌تواند معیار موفقیت این مراکز باشد. پرسش مهم این است که خدمات ارائه‌شده تا چه اندازه توانسته‌اند شرایط زندگی مددجویان را تغییر دهند و آنها را از چرخه فقر، محرومیت و وابستگی به حمایت‌های مستمر خارج کنند؟

از تشکیل پرونده تا توانمندسازی خانواده‌ها

یکی از مأموریت‌های اصلی مراکز مثبت زندگی، شناسایی نیازهای مددجویان و ارائه خدمات مددکاری است. تشکیل و تکمیل پرونده، انجام مصاحبه‌های تخصصی، بازدید از محل زندگی مددجویان، بررسی وضعیت خانوادگی و اجتماعی، پیگیری مشکلات و ارجاع افراد به خدمات تخصصی از جمله فعالیت‌هایی است که در این مراکز دنبال می‌شود. با این حال، نقش این مراکز نباید به انجام امور اداری و ثبت اطلاعات محدود شود. مددکاری اجتماعی زمانی اثربخش خواهد بود که مددکار بتواند با شناخت شرایط اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی هر فرد، برای حل مشکلات او برنامه‌ریزی کند و تا رسیدن به نتیجه، روند حمایت را پیگیری کند. برای مثال، یک زن سرپرست خانوار ممکن است علاوه بر دریافت کمک‌هزینه، به آموزش مهارت‌های شغلی، کاریابی، حمایت روانی و دسترسی به تسهیلات اشتغال نیاز داشته باشد. همچنین یک خانواده دارای عضو معلول ممکن است برای تأمین وسایل توانبخشی، مناسب‌سازی منزل، دریافت خدمات مراقبتی و دسترسی به امکانات درمانی با مشکلات متعددی روبه‌رو باشد. در چنین شرایطی، مرکز مثبت زندگی باید بتواند میان این نیازها و ظرفیت‌های حمایتی موجود ارتباط برقرار کند.

چالش‌ها و موانع مراکز مثبت زندگی

با وجود ظرفیت‌های این مراکز، مسأله تأمین منابع مالی و پایداری فعالیت آنها از جمله موضوعاتی است که در سال‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته است.
گزارش پژوهش مرکز پژوهش‌های مجلس در شهریور ۱۴۰۳ درباره وضعیت مراکز مثبت زندگی نشان می‌دهد که بخشی از این مراکز با مشکلات مالی، ساختاری و کمبود نیروی انسانی متخصص روبه‌رو بوده‌اند. در این گزارش، ناکافی بودن جبران خدمات، محدودیت‌های تأمین مالی و واگذار شدن مأموریت‌های متعدد بدون تأمین منابع متناسب از جمله چالش‌های فعالیت مراکز عنوان شده است.
این مسائل از آن جهت اهمیت دارد که کیفیت خدمات اجتماعی تا حد زیادی به ثبات نیروی انسانی، تخصص مددکاران و امکان پیگیری مستمر پرونده‌ها وابسته است. اگر مراکز برای تأمین هزینه‌های جاری خود با مشکل مواجه باشند یا امکان جذب و نگهداشت نیروهای متخصص را نداشته باشند، ارائه خدمات باکیفیت نیز دشوار خواهد شد.

> حسینی: در سال ۱۴۰۵ سرانه پرداختی به مراکز مثبت زندگی، متناسب با شرایط و اندازه مراکز، به حدود ۱۲۵ تا ۱۴۰ میلیون تومان رسیده است که نشان‌دهنده رشد ۸۵ تا ۹۰ درصدی نسبت به سال قبل است. این افزایش در شرایط دشوار تأمین منابع مالی و وضعیت جنگی کشور انجام شده و گام مهمی در حمایت از فعالیت این مراکز محسوب می‌شود

محله‌محوری، فرصتی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های مراکز مثبت زندگی، ارتباط نزدیک با مردم و شناخت مسائل محلات است. این مراکز می‌توانند با شناسایی خانواده‌های نیازمند حمایت، رصد مسائل اجتماعی، جلب مشارکت خیرین و استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش مؤثری در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ایفا کنند.
در واقع، فلسفه محله‌محوری این است که برای حل مشکلات اجتماعی، نباید همیشه منتظر مراجعه افراد آسیب‌دیده ماند بلکه باید نیازها را در همان محله شناسایی کرد و پیش از پیچیده‌تر شدن مشکلات، برای آنها راه‌حل پیدا کرد.
در همین زمینه، سازمان بهزیستی در سال ۱۴۰۴ از بازنگری دستورالعمل فعالیت مراکز مثبت زندگی و تدوین پنج شیوه‌نامه جدید در حوزه‌هایی مانند جلب مشارکت‌های مردمی، نظارت و رتبه‌بندی، مددکاری، ظرفیت‌سازی محله‌محور و جانمایی مراکز اقماری خبر داد. این تغییرات می‌تواند زمینه ارتقای عملکرد مراکز را فراهم کند، اما تحقق اهداف آن به اجرای دقیق دستورالعمل‌ها، تأمین اعتبار و نظارت بر کیفیت خدمات وابسته است.

افزایش ۸۵ تا ۹۰ درصدی سرانه مراکز مثبت زندگی در سال ۱۴۰۵

رئیس سازمان بهزیستی با تشریح وضعیت فعالیت و چالش‌های این مراکز از افزایش ۸۵ تا ۹۰ درصدی سرانه پرداختی به مراکز مثبت زندگی در سال ۱۴۰۵ خبر می‌دهد. سیدجواد حسینی به «ایران» می‌گوید: «توسعه کمی و کیفی این مراکز و تقویت توان اقتصادی آنها از اولویت‌های سازمان بهزیستی است.» او با اشاره به ساختار فعالیت مراکز مثبت زندگی می‌گوید: «این مراکز با ساختار نیروی انسانی شامل یک مدیر، یک مسئول فنی و سه مددکار یا روانشناس فعالیت می‌کنند، اما میزان پرداختی‌ها و سرانه خدمات در سال‌های گذشته به‌گونه‌ای بود که فعالیت بسیاری از این مراکز از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه نبود و حتی در مواردی به تعطیلی آنها منجر می‌شد.» حسینی با تشریح روند افزایش سرانه پرداختی به این مراکز می‌گوید: «در سال ۱۴۰۲ سرانه پرداختی به ازای هر مددجوی تحت پوشش ۸۷ هزار و ۴۵۰ تومان بود و مجموع پرداختی به هر مرکز به حدود ۴۰ میلیون تومان می‌رسید. این رقم در سال ۱۴۰۳ به ۱۱۸ هزار تومان برای هر مددجو و حدود ۵۳ میلیون تومان برای هر مرکز افزایش یافت که نشان‌دهنده رشد ۳۵ درصدی بود.» به گفته رئیس سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۴۰۴ نیز سرانه پرداختی به ۱۲۷ هزار تومان و مجموع پرداختی به هر مرکز به حدود ۶۵ میلیون تومان رسید که در مجموع نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۵۰ درصد رشد داشت.
او با اشاره به افزایش قابل توجه اعتبارات این مراکز در سال جاری توضیح می‌دهد: «در سال ۱۴۰۵ سرانه پرداختی به مراکز مثبت زندگی، متناسب با شرایط و اندازه مراکز، به حدود ۱۲۵ تا ۱۴۰ میلیون تومان رسیده است که نشان‌دهنده رشد ۸۵ تا ۹۰ درصدی نسبت به سال قبل است. این افزایش در شرایط دشوار تأمین منابع مالی و وضعیت جنگی کشور انجام شده و گام مهمی در حمایت از فعالیت این مراکز محسوب می‌شود.»

تقویت نقش مراکز مثبت زندگی در ارائه خدمات اجتماعی و توانمندسازی محلات

حسینی با اشاره به برنامه‌های سازمان بهزیستی برای ارتقای کیفیت خدمات مراکز مثبت زندگی می‌گوید: «تعداد طرح‌های تخصصی این مراکز از ۶ طرح در گذشته به ۱۱ طرح در سال ۱۴۰۴ افزایش یافت و امسال نیز به ۱۳ طرح تخصصی خواهد رسید. اجرای طرح «سلام» و توسعه فعالیت‌های اجتماع‌محور و محله‌محور نیز از دیگر ظرفیت‌هایی است که می‌تواند به تقویت نقش مراکز مثبت زندگی در ارائه خدمات اجتماعی و توانمندسازی محلات کمک کند.»
رئیس سازمان بهزیستی کشور از اجرای طرح جلب مشارکت‌های مردمی در پنج استان به شکل پایلوت خبر می‌دهد و می‌گوید: «در این طرح، بین ۵ تا ۱۵ درصد از حق جذب مشارکت‌های مردمی به مراکز مثبت زندگی اختصاص پیدا می‌کند تا انگیزه و ظرفیت آنها برای جلب مشارکت‌های اجتماعی افزایش یابد. استان‌های کرمانشاه، ایلام، اردبیل، خراسان رضوی و اصفهان از جمله استان‌های حاضر در این طرح هستند و توسعه آن به سایر استان‌ها نیز در دستور کار قرار دارد.» او همچنین در مورد طراحی نظام رتبه‌بندی مراکز مثبت زندگی می‌گوید: «رتبه‌بندی این مراکز در دو سطح یک و دو و متناسب با سطح و کیفیت خدمات ارائه‌شده، می‌تواند زمینه بهبود عملکرد و تناسب بیشتر تعرفه‌ها با نوع خدمات را فراهم کند.»
حسینی یکی دیگر از اقدامات انجام‌شده را افزایش ظرفیت پذیرش مددجویان در مراکز مثبت زندگی عنوان می‌کند و می‌گوید: «ظرفیت تحت پوشش هر مرکز از ۴۵۰ به ۶۰۰ مددجو افزایش یافته است. همچنین تلاش کرده‌ایم در شهرستان‌ها و استان‌ها، افراد پشت نوبت دریافت خدمات این مراکز را به صفر برسانیم.» او با اشاره به وضعیت مددجویان غیرمستمری‌بگیر می‌گوید: «در حال حاضر حدود ۵۰۰ هزار نفر از افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی مستمری دریافت نمی‌کنند و برای ارائه خدمات و حمایت‌های مورد نیاز به این گروه، حدود یک‌ونیم همت اعتبار لازم است. انتظار داریم مجلس در تأمین این منابع و پیگیری اعتبارات مورد نیاز همکاری کند.»

ضرورت عبور مراکز مثبت زندگی به سمت اثربخشی

مراکز مثبت زندگی زمانی می‌توانند به اهداف اولیه خود نزدیک شوند که از یک واحد اجرایی برای انجام امور اداری فراتر بروند و به پایگاه‌های فعال حمایت اجتماعی در محلات تبدیل شوند؛ پایگاه‌هایی که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای فوری، برای توانمندسازی خانواده‌ها و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی برنامه داشته باشند. در نهایت، موفقیت این مراکز نه صرفاً با تعداد شعب و پرونده‌های تحت پوشش، بلکه با میزان تغییری سنجیده می‌شود که در زندگی مددجویان ایجاد می‌کنند؛ تغییری که می‌تواند یک خانواده را از چرخه محرومیت خارج کند و امید به زندگی مستقل و برخورداری از فرصت‌های برابر را در آن افزایش دهد.

مراکز مثبت زندگی؛ از شکل‌گیری در دولت روحانی تا توسعه خدمات در دولت پزشکیان

دولت دوازدهم
- آغاز رسمی فعالیت در اسفند ۱۳۹۸ با ۲۴۰۰ مرکز مثبت زندگی در ۲۴۰۰ محله شهری و روستایی.
- ارائه ۲۲ خدمت اولیه در حوزه‌های اجتماعی، پیشگیری و توانبخشی.
- ایجاد حدود ۱۱ هزار فرصت شغلی برای مددکاران و نیروهای متخصص.

دولت سیزدهم
- تثبیت شبکه و توسعه فعالیت‌ها
- افزایش تعداد مراکز به حدود ۲۵۰۰ مرکز.
- پایش ۹۸۰ هزار پرونده مددجویی و حذف ۴۵ هزار پرونده از چرخه دریافت خدمات.
- ورود مراکز به حوزه‌هایی مانند تسهیلگری اشتغال، آموزش و ارتباط با مساجد و گروه‌های مردمی.

دولت چهاردهم
- تمرکز بر تقویت اقتصادی مراکز، افزایش ظرفیت پذیرش مددجویان و توسعه خدمات تخصصی
- گسترش خدمات‌رسانی مراکز مثبت زندگی به بیش از یک میلیون نفر مددجو.
- افزایش ظرفیت پذیرش هر مرکز از ۴۵۰ به ۶۰۰ مددجو.
- افزایش حمایت مالی از مراکز؛ مجموع پرداخت ماهانه به هر مرکز در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل نزدیک به ۹۰ درصد افزایش یافته است.

مراکز مثبت زندگی، فرصت‌های توانمندسازانه در محلات

برش

رئیس سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر ضرورت اصلاح برخی قوانین برای کاهش هزینه‌های مراکز مثبت زندگی و مراکز مراقبتی می‌گوید: «یکی از مشکلات این مراکز آن است که کارگاه‌های صنعتی و واحدهای دارای کمتر از پنج نفر نیروی انسانی، مشمول برخی حمایت‌های بیمه‌ای نمی‌شوند. اگر بتوانیم با کمک مجلس، این مراکز را نیز از ظرفیت‌های قانونی و حمایت‌های بیمه‌ای بهره‌مند کنیم، کمک بزرگی به پایداری فعالیت آنها خواهد بود. در حال حاضر برخی نیروهای شاغل در این مراکز براساس پنج ساعت کار روزانه بیمه می‌شوند، در حالی که در برخی بخش‌های اداری، با وجود پنج ساعت کار، هشت ساعت سابقه بیمه برای کارکنان در نظر گرفته می‌شود. می‌توان با پیگیری این موضوع و اصلاح مقررات، امکان بهره‌مندی کارکنان مراکز مثبت زندگی از این ظرفیت را نیز فراهم کرد.»
حسینی با اشاره به ساختار پرداختی این مراکز توضیح می‌دهد: «خدمات مراکز مثبت زندگی شامل دو بخش متغیر و ثابت است. خدمات متغیر مواردی مانند تکمیل پرونده، مصاحبه تخصصی، ارائه خدمات مددکاری، شناسایی نیازهای اجتماعی و پیگیری وضعیت مددجویان را در بر می‌گیرد. در بخش ثابت نیز هزینه حامل‌های انرژی و ۲۹ خدمت مشخص در نظر گرفته شده و حدود ۶۰ میلیون تومان به‌عنوان پرداخت ثابت برای این بخش اختصاص می‌یابد. توسعه کمی و کیفی مراکز مثبت زندگی باید با جدیت دنبال شود، زیرا این مراکز می‌توانند نقش مؤثری در تحقق سیاست‌های اجتماع‌محور و محله‌محور داشته باشند. توانمندسازی محلات، افزایش سرمایه اجتماعی، ادغام اجتماعی، توسعه خدمات پیشگیرانه و فراهم کردن فرصت‌های توانمندسازانه از جمله کارکردهایی است که این مراکز می‌توانند در سطح محلات دنبال کنند.»

